

# لغة الإعلام

## في الصحافة العربية والفارسيّة

محمد خاقاني إصفهاني  
أستاذ في قسم اللغة العربية  
بجامعة اصفهان

### الأبحاث

السياسية - الاقتصادية - الثقافية - الأدبية - الإدارية - القانونية  
العلمية - الزراعية - الأمنية العسكرية - الطبية - الرياضية



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



## لغة الإعلام

في الصحافة العربية والفارسية





سرشناسه	خاقانی، محمد، ۱۳۳۷ -
عنوان و نام پدیدآور	لغة الاعلام فى الصحافة العربية والفارسية: الابحاث السياسية- الاقتصادية ... / محمد خاقانى اصفهانى.
مشخصات نشر	قم: مجمع ذخائر اسلامى، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهري	۲۲۹ ص.
فروست	على هامش المؤتمر؛ ۶.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۹۸۸-۷۲۸-۹
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	زبان عربى -- واژه نامه ها -- فارسى
موضوع	زبان عربى -- اصطلاح ها و تعبیرها -- واژه نامه ها -- فارسى
رده بندی کنگره	:J۶۶۳۶۶ ۱۳۹۳ خ۳ف/
رده بندی دیویی	:۷۳/۴۹۳ فا
شماره کتابشناسی ملی	:۳۷۱۵۰۶۱



في ظلال المؤتمر ٦/

# لغة الإعلام

## في الصحافة العربية والفارسية

محمد خاقاني إصفهاني  
أستاذ في قسم اللغة العربية  
بجامعة اصفهان

### الأبحاث

السياسية - الاقتصادية - الثقافية - الأدبية - الإدارية - القانونية  
العلمية - الزراعية - الأمنية العسكرية - الطبية - الرياضية



نشر مجمع الذخائر الإسلامية / ٢٠١٥ م  
بمساعدة جامعة اصفهان

بمناسبة المؤتمر الدولي الأول للتراث المشترك بين إيران و العراق  
٢٠١٥ م / ١٤٣٦ هـ





مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی







کلیه حقوق این اثر تحت قانون کپی رایت بوده و ترجمه یا چاپ تمام یا بخشی از مطالب آن و نیز درج تمام یا بخشی از آنها در ضمن بانکهای اطلاعاتی و تهیه برنامه‌های رایانه‌ای یا استفاده مطالب و تصاویر در اینترنت و دیگر ابزار و ادوات، به هر نحوی، بدون اجازه قبلی ناشر بصورت کتبی، ممنوع می‌باشد.

© MAJMA AL-DAKAAIR AL-ISLAMYYAH, 2015

All rights reserved, No part of this book may be reproduced or translated in any form, by print, internet, photo print, microfilm, CDs or any other means without written permission from the publisher



مجمع ذخائر اسلامی  
با همکاری دانشگاه اصفهان



صفحه آرا: روح الله علی‌زاده  
چاپ: ظهور / صحافی: نفیس  
نشر: مجمع ذخائر اسلامی - قم  
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۳ ش (۲۰۱۵ م)  
تیراژ: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۸-۷۲۸-۹

ارتباط با ناشر

قم: خیابان طالقانی (آذر) - کوی ۲۳ - پلاک ۱ - مجمع ذخائر اسلامی  
تلفن: ۰۹۸۲۵۳۷۷۱۳۷۴۰ + دورنگار: ۰۹۸۲۵۳۷۷۰ + همراه: ۰۹۱۲۲۵۳۴۳۳۵

نشانی پایگاههای اینترنتی:

[www.zakhair.net](http://www.zakhair.net)

[www.mzi.ir](http://www.mzi.ir)

[info@zakhair.net](mailto:info@zakhair.net)

[info@mzi.ir](mailto:info@mzi.ir)

قیمت در سال انتشار: ۳۰.۰۰۰ تومان

## فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه همایش.....	۱۰
۱. المصطلحات السياسية.....	۱۲
۲. المصطلحات الاجتماعية.....	۳۴
۳. المصطلحات الاقتصادية.....	۵۲
۵. المصطلحات الأدبية.....	۷۸
۶. المصطلحات الإدارية.....	۹۲
۷. المصطلحات القانونية.....	۱۰۰
۸. المصطلحات العلمية.....	۱۰۸
۹. المصطلحات الطبية.....	۱۲۰
۱۲. المصطلحات الرياضية.....	۱۴۴
۱۳. الأخطاء الشائعة في الإعلام العربي.....	۱۵۰
۱۴. الألفاظ الفارسية الدارجة في البلدان العربية.....	۱۵۶
فهرس الألفاظ الفارسي.....	۱۶۸
فهرس الألفاظ العربية.....	۱۹۸
فهرس المصادر.....	۲۲۸





## مقدمه همایش





## ۱. المصطلحات السياسية

<p>توطئه</p> <p>توطئه های استکباری ، بمنظور جلوگیری از پیشرفت کشورهای جهان سوم اجرا می شود</p>	<p>۱</p> <p>أَمْر: المُوَامَرَة</p> <p>المُوَامَرَاتُ الاستِکْبَارِيَّةُ تَهْدِفُ إِلَى الحُوُولِ دُونَ تَقْدِمِ بُلْدَانِ الْعَالَمِ الثَّالِثِ</p>
<p>راجع ، مربوط</p> <p>با همتای خود در مورد راههای مربوط به کارآمد کردن روابط دوجانبه بویژه در بخشهای اقتصادی و سیاسی گفتگو کرد</p>	<p>۲</p> <p>أَوَّل: الْآيِل</p> <p>بَحَثٌ مَعَ نَظِيرِهِ فِي السُّبُلِ الْآيِلَةِ إِلَى تَفْعِيلِ الْعِلَاقَاتِ الثَّنَائِيَّةِ ، وَلَا سِيَّمَا عَلَى الصَّعِيدَيْنِ الْاِقْتِصَادِي وَالسِّيَاسِي</p>
<p>زایل شدن</p> <p>گفت : این بحران مانند رعدی است که پس از آن ابرها مرتفع می شوند</p>	<p>۳</p> <p>بَدَّ (بَدَدَ) : التَّبَدُّدُ</p> <p>اعْتَبَرَ أَنَّ هَذِهِ الْأَزْمَةَ رَعْدٌ ، تَبَدَّدَ بَعْدَهُ الْغَيُومُ</p>
<p>اقدام دوستانه</p> <p>اقدامی دوستانه از سوی کشورهای همجوار</p>	<p>۴</p> <p>بَدَر: الْبَادَرَةُ الْوُدِّيَّةُ</p> <p>بَادَرَةُ وُدِّيَّةٌ مِنْ قِبَلِ الدَّوَلِ الْمُجَاوِرَةِ</p>
<p>پیش قدم شدن</p> <p>زمام امور را در دست گرفت</p>	<p>۵</p> <p>بَدَر: الْمُبَادَرَة</p> <p>أَخَذَ بِزِمَامِ الْمُبَادَرَةِ</p>
<p>توجیه کردن</p> <p>مدتی است این فکر قوت گرفته است, که سیاست "محاصره دوگانه" در برابر عراق</p>	<p>۶</p> <p>بَرَّرَ: التَّبَرِير</p> <p>ثَمَّةُ انْطِبَاعٍ سَائِدٌ مُنْذُ فَتْرَةٍ ، بِأَنَّ سِيَاسَةَ "الْاِخْتِوَاءِ الْمَزْدُوجِ" أَمَامَ الْعِرَاقِ وَإِيرَانَ، فَقَدَتْ مُبَرِّرَاتِهَا</p>



المَوْضُوعِيَّةُ	وايران ، ديگر قابل توجه نيست
۷ برق : الإبراق النُّوَابُ أَبْرَقُوا لِرئيسِ الْجُمْهُورِيَّةِ ، مُهَنِّئِينَ فَوْزِهِ فِي الانتخاباتِ	ارسال تلگراف نمایندگان با ارسال تلگرافی (پیامی) ، پیروزی رئیس جمهوری در انتخابات را به او تبریک گفتند
۸ بَسَطَ : بِسَاطِ الْبَحْثِ طَرَحَ موضوعاً (مسألةً) على بِسَاطِ الْبَحْثِ	دامنه گفتگو موضوعی را به جریان بحث و بررسی گذاشت
۹ بَصَمَ : الْبَصْمَةُ وَضَعَ الْبَصْمَةَ على صَكِّ الاستِسْلَامِ ، بدون أيِّ شروطِ	اثر انگشت پای چك سازش بدون هیچ شرطی انگشت زد
۱۰ بَطَّوْ : التَّبَاطُؤُ أَبْدَى قَلْقَهُ بِشأنِ تَبَاطُؤِ عَمَلِيَّةِ السَّلَامِ	کندی (کندشدن) نگرانی خود را از کندی روند صلح ابراز داشت
۱۱ بَلَسَمَ : الْبَلَسَمُ من شأنِ هذه المُبَادَرَةِ ، أَنْ تكونَ بَلَسَمًا لِجِرَاحٍ ، يُعاني منها الجميعُ	مرهم زخم ، پماد این ابتکار می تواند مرهمی باشد برای جراحی که همه از آن می نالند (رنج می برند)
۱۲ بلو : المُبَالَاةُ نَدَّدَ بِالمُبالاةِ المجتمعِ الدوليَّ تَجَاهَ الْكَيْلِ بِمِكيالَيْنِ	اهتمام بی توجهی بین المللی نسبت به اعمال سیاست دوگانه (يك بام ودو هوا) را محکوم کرد
۱۳ بَنَى : التَّبْنِي تَبَّنتُ دَوْلَ حَرَكَةَ عَدَمِ الانْحِيَاذِ اِعلَانًا ، حَثَّوْا فِيهِ حُكُومَاتِهِمْ على جَمِيعِ الإِجْرَاءَاتِ الْمُتَاحَةِ الْكَفِيلَةَ بِالتَّزَامِ إِسْرَائِيلَ مُرْجِعِيَّةً مُؤْتَمَرِ مَدْرِيدَ	بنا کردن ، متصدی کاری شدن کشورهای جنبش عدم تعهد ، با صدور اعلانیه ای ، دولتهای خویش را به اجرای کلیه اقدامات لازم ، برای ملزم ساختن اسرائیل به پذیرش مفاد کنفرانس مادرید ترغیب نمودند

۱۴	بوء : البوء بالفشل التخطيط الأمريكي باء بالفشل	به شکست منتهی شدن نقشه آمریکا به شکست منتهی شد
۱۵	ترك : التترك بغداد تحذر من حملة تترك الأكراد في الشمال	ترکی کردن بغداد نسبت به اقدامات ترکی نمودن کردها در شمال هشدار داد
۱۶	ترویکا : الترویکا زار وفد الترویکا الأوروبية إسرائيل وسوريا ، للمساهمة في بدء المفاوضات	مثلث هیأت سه جانبه اروپائی ، برای مشارکت در شروع گفتگوها (مذاکرات) ، از اسرائیل وسوریه بازدید کرد
۱۷	تلفز : اللقاء المتلفز اشترك فخامة الرئيس في لقاء متلفز، لتسليط الأضواء على الأوضاع الراهنة	گفتگوی تلویزیونی جناب رئیس جمهور ، برای تشریح وضع موجود ، در یک گفتگوی تلویزیونی شرکت کرد
۱۸	توج : التتويج يتوج رئيس الوزراء السوري زيارته إلى موسكو ، بـلقائه ليوم مع نظيره الروسي	قراردادن کاری در سرلوحه اعمال در رأس برنامه های بازدید نخست وزیر سوریه از موسکو ، دیدار امروز او با همتای روسی اوست
۱۹	تير : التيار السياسة الخارجية الفرنسية تسير في الشرق الأوسط بعكس تيار أوروبي كبير	موج سیاست خارجی فرانسه در خاور میانه، در جهت مخالف یک جریان اروپائی قوی است
۲۰	تیه : المتاهات رئيس الحزب حذر مخالفيه من مغبة الغرق في المتاهات	بیراهه ها رئیس حزب ، مخالفان خود را از سر انجام غرق شدن (افتادن) در بیراهه ها بر حذر داشت
۲۱	ثغرة : الثغرة حاولوا لفتح ثغرة على الهيمنة الأمريكية	رخنه ، شکاف کوشیدند بر سلطه آمریکا رخنه ای وارد سازند



جَدَى گرفتن این هشدار را جدی نگرفت	جَدَّ : الجَدُّ لَمْ يَأْخُذْ هَذَا التَّحْذِيرَ عَلَى مَحْمَلِ الْجَدِّ	۲۲
بی فایده سخنگوی وزارت خارجه ایران ، ابراز امید واری کرد ، که جامعه کشورهای اروپائی ، دست از موضعگیری های بیهوده سابق خود در برابر ایران بردارد	جَدُو : عَدِيمُ الْجَدْوَى تَوَقَّعَ النَّاطِقُ بِلِسَانِ الْخَارِجِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ أَنْ تُشْهِيَ دَوْلُ الْإِتِّحَادِ الْأُورُوبِيِّ ، الْمَوَاقِفَ السَّابِقَةَ الْعَدِيمَةَ الْجَدْوَى تَجَاهُهَا	۲۳
کشیده شدن ملعبه دست شدن	جَرَّ : الْأَنْجِرَارُ الْأَنْجِرَارُ وَرَاءَ اللَّعْبَةِ	۲۴
پارلمان مجلس شورا آقای خودش است ، (تحت سلطه نهاد دیگری نیست)	جَلَسَ : الْمَجْلِسُ الْمَجْلِسُ النَّيَابِيُّ سَيُّدُ نَفْسِهِ	۲۵
تشریفات يك بازديد تشریفاتى انجام داد	جَمَلَ : الْمُجَامَلَةُ قَامَ بَزِيَارَةً مُجَامَلَةً	۲۶
اوضاع و احوال از زاویه حادثه اخير، وضعیت را مورد بررسی قرار دادند	جَوَّ : الْأَجْوَاءُ دَرَسُوا الْأَجْوَاءَ فِي ضَوْءِ الْحَدَثِ الْأَخِيرِ	۲۷
دیدار رفت و برگشت بازدید مکرر خود را برای جلوگیری از توسعه بحران آغاز کرد ( بازدید مکرر خود را به منظور جلوگیری از شدت گرفتن بحران آغاز کرد)	جَوَلَ : الْجَوْلَةُ الْمَكْوَكِيَّةُ بَدَأَ جَوْلَتَهُ الْمَكْوَكِيَّةَ ، لِلْحَدِّ مِنْ تَقَاظُمِ الْأُزْمَةِ	۲۸
موافقت مبدئی کلیات معاهده را امضا کرد	حَرْفَ : التَّوْقِيعُ بِالْأَحْرَفِ الْأُولَى وَقَّعَ عَلَى الْإِتْفَاقِيَّةِ بِالْأَحْرَفِ الْأُولَى	۲۹
سهم این امر ، با اصل تقسیم سهمیه ها منافات دارد	حَصَّ : الْحِصَّةُ هَذَا يُنَافِي وَمَبْدَأُ تَقَاسُمِ الْحِصَصِ	۳۰
مصونیت	حَصَنَ : الْحِصَانَةُ	۳۱



وَأَقَّ الطَّرْفَانِ عَلَى إِعْطَاءِ الْحِصَانَةِ الدُّبْلُومَاسِيَّةِ	دو طرف , با اعطای مصونیت دیپلوماتیک به یکدیگر موافقت کردند
۳۲ حَظَرُ: الْحَظَرُ أَمَامَهُ فُرْصَةٌ ثَمِينَةٌ لِاسْتِعَادَةِ دَوْرٍ , كَانَ مَحْظُورًا عَلَيْهِ	ممنوعیت او فرصتی گرانبها (استثنایی) برای دستیابی مجدد به ایفای نقشی دارد , که قبلا از آن محروم بود
۳۳ حَظَرُ: الْحَظَرُ الْحَظَرُ عَلَى السَّفَرِ بِدُونِ التَّأْشِيرَةِ	ممنوعیت ممنوعیت مسافرت بدون ویزا
۳۴ حَظَرُ: حَظَرُ الطَّيْرَانِ قَرَّرَ مَجْلِسُ الْأَمْنِ الدُّوْلِي إِبْقَاءَ الْحَظَرِ الدُّوْلِي عَلَى رَحَلَاتِ الطَّيْرَانِ مِنْ وَالى لِيِيا , لِمَنْعِهَا تَسْلِيمَ مَتَّهَمِينَ يَشْتَبُهُ بِتَوْرِيْطِهِمَا فِي تَفْجِيرِ طَائِرَةِ أَمِيرِكِيَّةِ	ممنوعیت پرواز شواری امنیت سازمان ملل متحد , بدلیل ممانعت لیبی از تسلیم دو نفر که متهم به دست داشتن در انفجار يك هواپیمای آمریکائی هستند, ممنوعیت پرواز های بین المللی از این کشور وبه سمت آن را مجدداً تمدید کرد
۳۵ حَظْوُ: الْحَظْوَةُ زِيَارَةُ رَئِيسِ الْجُمْهُورِيَّةِ حُظِيَتْ بِتَأْيِيدٍ لَافٍ	منزلت , شکوه بازدید رئیس جمهور مورد استقبال چشمگیری قرار گرفت
۳۶ حَفْظُ: التَّحْفُظُ أَبْدَى تَحَفُّظَاتٍ إِزاءَ الْمَوْضُوعِ	احتیاط کاری واجتناب در این باره تحفظاتی از خود نشان داد (محتاطانه عمل کرد) (در قبال این مسئله جانب احتیاط را در پیش گرفت)
۳۷ حَفْظُ: الْحَفِظَةُ الْاِتِّفَاقِيَّةُ الْمُوقَّعَةُ أَخيراً أَثَارَتْ حَفِظَةً بَعْضُ الدُّوْلِ	خشم قراردادی که اخیراً امضا شد , خشم برخی از کشورها را برانگیخت
۳۸ حَلْحَلُ: حَلْحَلَةُ الْأُمُورِ رَحَّبُوا بِدَوْرِ أَمْرِيكِي فِي حَلْحَلَةِ الْأُمُورِ الَّتِي	رتق وفتق امور از ایفای نقش آمریکا در حلّ وفصل

ناهمواریهای موجود بر سر راه روند صلح ، استقبال کردند	تُعَرِّقُ عملية السلام	
عدم تعهد جنبش عدم تعهد انسجام درونی خود را از دست داده ، ولذا نقش قابل توجهی برای آن پس از پایان یافتن جنگ سرد باقی نمانده است	حوز: عدم الانحياز لم يَعدْ لِحَرَكَةِ عَدَمِ الانحيازِ أيُّ دَوْرٍ يُذَكِّرُ، بعدَ اُنْتِهَاءِ الحربِ الباردة ، لَأَنَّهَا فَقدَتْ تَرابُطَهَا	۳۹
تلاش کوشیدند اختلافات خود را تسویه کنند	حول: المحاولة حاولوا التوصل إلى تسوية بينهم	۴۰
کنترل (کردن) باید برای کنترل پیامدهای بحران ، با سهل ترین روشهای ممکن فوراً اقدام کرد	حوی: الاحتواء يجب العمل فوراً على احتواء مُضَاعَفَاتِ الأزمَةِ ، بأَسْهَلِ طَرِيقَةٍ مُمْكِنَةٍ	۴۱
بن بست مذاکرات هنوز به بن بست نرسیده است	حیط: الحائط المسدود لم تصل المفاوضات بعد إلى الحائط المسدود	۴۲
رعایت احتیاط باید با هوشیاری ودقت با امور سیاسی برخورد کرد	حیط: الحیطة لا بدّ من أخذ الحیطة والحذر ، في التعاطي مع الأمور السياسية	۴۳
بیانیه ضعیف (خجالت زده) شواری امنیت ، بیانیه سستی در مورد تجاوزات صهیونیستها صادر کرد	خجل: البيان الخجول مجلس الأمن أصدر بيانا خجولا بشأن الاعتداءات الصهيونية	۴۴
ناکام ماندن در برطرف کردن اختلافات از طریق گفتگوهای مستقیم ناکام ماند	خفق: الإخفاق أخفق في تسوية الخلاف بالمفاوضات المباشرة	۴۵
مخفی ، پوشیده صدور این نوع بیانیه ها را نوعی حرکت های عادی قلمداد کرد ، که بر کسی پوشیده نیست	خفي: الخافية وصف إصدار هذه البيانات بأنها ممارسات معتادة ، لم تعد خافية	۴۶
ایجاد اختلال	خلخل: الخلخلة	۴۷



القول بأزمةٍ مُستعصيةٍ في البلد ، يُعطي الأمل لمن يريد خَلْخَلَةَ الاستقرارِ القائم	سخن گفتن از وجود بحرانی سخت در کشور، دل کسانی را که قصد دارند امنیت موجود را بر هم زنند امیدوار می کند
٤٨ خلی: التّخلّي تَخَلَّى عَنِ اتِّخَاذِ تدابيرِ القَمْعِ ضِدّه	دست برداشتن از اتخاذ تدابیر سرکوبگرانه علیه او منصرف شد
٤٩ دحض: الدّحض لدينا حجةٌ داحضةٌ لمزاعمِ العدو	باطل کردن ما دلایلی داریم که توهمات دشمن را ابطال می کند
٥٠ درج: الإدراج إدراج بند خاص في جدول الأعمال	درج نمودن مندرج نمودن بند ویژه ای در دستور کار
٥١ دعا: الاستدعاء الحكومة السوريّة استدعت سفيرها من تركيا	فراخوانی رژیم سوریه ، سفیر خود در ترکیه را به کشور فرا خواند
٥٢ دلو: الإدلاء بالبيان البيان الذي أدلى به فخامة الرئيس ، كان كافيا لقطع دابر الشائعات	ایراد سخن ، اظهار نظر سخنانی که جناب رئیس جمهور ایراد کرد ، برای زدودن شایعات کافی بود
٥٣ دلو: الإدلاء بالرأي أدلى بتصريح بصفته الشخصية	اظهار نظر بعنوان رأی شخصی خود ، نظراتی را ابراز داشت
٥٤ دهور: التّدهُور نراقب بقلق عميق ، التدهور المتزايد في عملية السلام	دگرگونی ، وخامت با نگرانی عمیق ، وخامت روز افزون اوضاع در روند صلح را پیگیری می کنیم
٥٥ دول: التدويل الإدارة الأمريكية تحول دون تدويل عملية السلام في المنطقة ، لتبقى هي الراعية الوحيدة لهذه	بین المللی کردن رژیم آمریکا ، از بین المللی کردن روند صلح در منطقه جلوگیری می کند ، تا

العملية	خود را بعنوان تنها مشرف بر مسائل این روند تثبیت کند
۵۶ ذعر: الذعر	وحشت در پی انفجار بمب گازی در يك مترو، خوف ووحشت بر مردم فرانسه سایه گسترد
۵۷ ذكو: الإذكاء	شعله ورساختن يك جریان(مجموعه) مشکوك بر آن است ، تا به اختلافات بين دو حزب دامن بزند
۵۸ ذل: تَذْلِيلُ الْعُقَبَات	رفع ناهمواریها خواستار رفع موانع موجود بر سر راه تشکیل دولت شد
۵۹ رب: الرّبيّة	دست پرورده إسرائيل را بعنوان دست پرورده آمریکا توصیف کرد
۶۰ رجح: التّأزُّج	نوسان، تردد نقش کمیته بین مسائل سیاسی وامنیتی در نوسان است
۶۱ رسم: الرّسم	ترسیم کردن آینده حزب را زیر سؤال برد
۶۲ رشق: التّراشق الطّائفي	حملات طائفه ای کشور ، بار دیگر در دایره ای از تهاجمات طائفه ای بین ارکان رژیم قرار گرفت
۶۳ رص: الرّص	محکم کردن کنفرانس ، رژیم مصر را به تقویت صفوف برای مقابله در برابر این تجاوز دعوت کرد
۶۴ رضخ: الرّضوخ	تسلیم شدن



الدولة السورية تقاوم الرضوخ للشروط الإسرائيلية	رژیم سوریه زیر بار شرایط (تسلیم شروط) اسرائیلیها نمی رود (نمیشود)
۶۵ رغب: غير مرغوب فيه اعتبروه عنصرا غير مرغوب فيه	نامطلوب او را عنصر نامطلوب اعلام کردند
۶۶ رهن: المَراهِنَة راهنّت إسرائيل على سوء الوضع العربي	شرط بندی ( تلاش برای موفق کردن يك جریان) اسرائیل روی وخیم شدن اوضاع کشورهای عربی شرط بندی کرده است
۶۷ روح: التَراوَح المفاوضات تراوحت بين تفاول الإسرائيليين والتشاؤم الفلسطيني	نوسان مذاکرات بین خوشبینی اسرائیلیها و بدبینی فلسطینیها در نوسان بود
۶۸ روي: التَروِي تمنى أن تتروى اللجنة في إصدار بيانها الختامي	اندیشیدن، درنگ کردن آرزو کرد، که کمیته در صدور بیانیه پایانی بیندیشد، و مکث کند
۶۹ زخم: الزَّخْم شدّد على ضرورة الزخم إلى الحركة السياسية، بقصد استئناف المفاوضات	تاب و توان بر ضرورت تقویت تحرکات سیاسی جهت ازسرگیری گفتگوها، تأکید کرد
۷۰ زعزع: الزَّعْزَعَة أعرب عن قلقه المتزايد، حيال وضع يهدّد بزعزعة الاستقرار	تکان خوردن (تشنج) نگرانی فزاینده خود را، در مورد اوضاعی که به سلب آرامش تهدید می کند، اعلام کرد
۷۱ زلم: الزَّلمه أزلام الحكومة	مرد (کلمه عامیانه) عوامل و مزدوران حکومت
۷۲ زوج: ازدواجیّة الضريبة اتفق الطرفان على درس تلافي ازدواجیّة الضريبة	عوارض گمرکی متقابل دو طرف به توافق رسیدند، موضوع معافیت (مالیاتی) گمرکی بین خود را بررسی کنند
۷۳ سجد: السَّجَاد فرش	



فرش سرخ انگلیس (در مراسم استقبال و تشریفات)، در انتظار رئیس جمهور اسرائیل است	سَجَادُ أَحْمَر بَرِيطَانِي بَانْتِظَار الرِّيس الإِسْرَائِيلِي	
جاده صاف و هموار	سَكَّ : السِّكَّة	۷۴
تنها با این روش می توان ، کشور را در مسیر رهائی قرار داد	إن هذه الطريقة وحدها قادرة على وضع البلد في سِكَّةِ الخلاص	
نردبان	سَلَم : السُّلَّم	۷۵
نماینده مخالف ، دولت را به تجدید نظر در اولویتهای کاری خود دعوت کرد	دعى النائب المعارض الحكومة لإعادة النظر في سُلَّم أولوياتها	
سازش	سَوِي : التسوية	۷۶
هر خللی در روند صلح ، <u>عکس العمل</u> (تاثیر) منفی روی معاهدات آینده خواهد داشت	أَيَّ نَكْسة على مسار التسوية ، ستعكس سلباً على الاتفاقات الآتية	
سطح	سَوِي : المستوى	۷۷
روابط بین طرفین ، به بدترین سطح خود در طول دهه جاری تنزل کرد	تردَّى العلاقات بين الطرفين إلى أسوأ مستوى لها في العقد الحالي	
روند	سیر : المسار	۷۸
دولت اسرائیل قصد دارد ، دو طرف (جبهه) سورى و لبنانی را در روند مذاکرات از یکدیگر تفکیک نماید	الحكومة الإسرائيلية تهدف إلى فصل مسار التفاوض السوري واللبناني عن بعضهما البعض	
يك وجب از خاک میهن	شَبْر : شَبْر من الأرض	۷۹
از وجبی از خاک خود دست نمی کشیم ، و در برابر هیچیک از حقوق خود مسامحه نمی کنیم	لا نفرط بِشَبْرٍ من أرضنا ، ولا بحقٍّ من حقوقنا	
محکوم کردن	شَجَب : الشجب	۸۰
حمله به آزادیها را محکوم کرد	شجب التعرّض للحريّات	
شکاف	شَرخ : الشَّرْخ	۸۱
قرار گرفتن کلینتون در معرض آماج	السهم التي تنهمر على كلينتون من دون توقّف ،	

أحدثت شرخا في دروعه	حملات پیایی مخالفین ، او را ضربه پذیر کرده است
۸۲ شرف : استشراف الوضع كيف تستشرف الوضع في المنطقة ، على ضوء معطيات الواقع الراهن ؟	ارزیابی اوضاع با توجه به فرایند وضع موجود ، اوضاع منطقه را چگونه ارزیابی می کنید ؟
۸۳ شرنق : الشَّرْنَقَة آن الأوان ، لإخراج عدم الانحياز من شرنقة التوصيات غير الملزمة	پيله وقت آن رسیده است ، که جنبش کشور های غیر متعهد ، از پيله توصیه های بدون پشتوانه اجرائی والزامی خارج شود
۸۴ شعر : الإشعار حتى إشعار آخر	اطلاع تا اطلاع ثانوی
۸۵ صبع : إصبع التشكيك وجَّهوا أصابع التشكيك إلى رئيس الحكومة	انگشت اتهام انگشت اتهام را متوجّه نخست وزیر کردند
۸۶ صدق : المصادقية مصادقية الحكم باتت على المحك	صداقت صداقت رژیم در معرض آزمایش قرار گرفت
۸۷ صرع : مصراع الباب النائب المعارض فتح ملف الفساد الإداري على مصراعيه	لنگه در نماینده جناح مخالف ، پرونده فساد اداری را با تمام تفصیلاتش گشود
۸۸ صفر : نقطة الصفر عادت المفاوضات إلى نقطة الصفر	نقطه صفر ، نقطه آغاز مذاکرات به نقطه آغاز خود برگشت
۸۹ صفع : الصَّفْعَة دول الاتحاد الأوروبي وجهت صفعة للمشروع الأمريكي	سیلی ، ضربه کشورهای اتحادیه اروپا، ضربه محکمی به طرح آمریکا زدند
۹۰ صنف : التصنيف معظم تركمان العراق لا يصنّفون في خانة الولاء لتركيا ، لأنهم يرفضون النظريّة الطورانيّة	گروه بندی اکثر ترکهای عراق را نمی توان هوادار ومطیع ترکیه دانست ، چون آنان ایده



پان ترکیسم را قبول ندارند		
کنترل خود ، خویشتنداری طرفین را به خویشتنداری و حفظ آرامش دعوت کرد	ضبط : ضبط النفس دعا الجانبین إلى ضبط النفس	۹۱
پمپاژ کردن تزریق حیات مجدد به ایفای نقش اروپا در خاور میانه	ضخّ : الضخّ إعادة ضخّ الحياة إلى الدور الأوروبي في منطقة الشرق الأوسط	۹۲
فشار خواستار اعمال فشار بین المللی بر سیاست خارجی صهیونیستها شدند	ضغط : الضغط طالبوا بممارسة الضغط الدولي على الدبلوماسية الصهيونية	۹۳
اعطاء اسرائیل می کوشد هر يك از طرحها وتأسیسات نظامی خود را با پوششی غیر نظامی اجرا کند	ضفوء : الإضفاء إسرائيل تحاول إضفاء الصبغة المدنية لأي واحد من مشاريعها العسكرية	۹۴
پروژکتور رسانه های گروهی از گذراندن تعطیلی خود در برابر دید رسانه های تبلیغاتی خودداری کرد	ضوء : الأضواء الكاشفة رفض تمضية عطلة تحت الأضواء الكاشفة	۹۵
چراغ سبز برای شروع کار ، چراغ سبز دریافت کرد	ضوء : الضوء الأخضر حصل على الضوء الأخضر لبدء العمل	۹۶
ناهمواری ، دست انداز دست اندازهای امنیتی و سیاسی ، بر جنبه های مثبت کنفرانس پیشی می گیرد	طبّ : المَظَبّة مَظَبَّات أمنية وسياسية ، تفوق كلّ إيجابيات المؤتمر	۹۷
وضعیت اضطراری شهر در هفته گذشته در يك حالت نیمه فوق العاده بسر برد	طراً : حالة الطوارئ عاشت المدينة في الأسبوع المنصرم شبه حالة طوارئ	۹۸
نظر سنجی نتایجی که از نظر سنجی اخیر بدست آمد ، پرده از روی بحران سیاسی برداشت	طلع : استطلاع الرأي النتائج التي برزت في عملية استطلاع الرأي ، كشفت النقاب عن الأزمة السياسية الأخيرة	۹۹

<p>جلب اطمینان</p> <p>پیامی برای جلب اطمینان به همتای روسی خود فرستاد</p>	<p>طَمَنَ: التطمین</p> <p>أرسل رسالة تطمين إلى نظيره الروسي</p>	۱۰۰
<p>اطمینان دادن</p> <p>در مورد تضمین تعهدات به او اطمینان داد</p>	<p>طمن: الطمَّانة</p> <p>طَمَّانَه بضممان الالتزامات</p>	۱۰۱
<p>بستن ، درهم پیچیدن</p> <p>آنچه اخیرا اتفاق افتاد ، صفحه ای بود که بسته شد</p>	<p>طوي: الطي</p> <p>ما حصل مؤخرًا ، صفحة وطويت</p>	۱۰۲
<p>بدون هدف و برنامه ریزی قبلی</p> <p>اقدامات وزارت مهاجرین را کارهای حساب نشده ، وبدون برنامه ریزی توصیف کرد</p>	<p>عبط: الاعتباطي</p> <p>وصف إجراءات وزارة المهاجرين ، بأنها اعتباطية</p>	۱۰۳
<p>فوری</p> <p>خواست که موضوع را فوری تلقی کنند (خواستار بررسی فوری مسئله شد)</p>	<p>عجل: المُستعجل</p> <p>طلب النظر في القضية بصفة مستعجلة</p>	۱۰۴
<p>بازنگری</p> <p>رئیس جمهور ، پیشنهادی (را) برای (به) منظور اصلاح قانون) بازنگری در قانون اساسی ارائه داد ، که هدف آن رفع موارد خلل در بافت (چارچوب) سیاسی کشور است)</p>	<p>عدل: التعديل</p> <p>قدّم رئيس الجمهورية اقتراحا لتعديل الدستور ، يرمي إلى معالجة مكامن الخلل في النظام السياسي</p>	۱۰۵
<p>صعوبات، موانع</p> <p>علی رغم (با وجود) موانعی که پس از آن آشکار شد بر موضعگیری خویش باقی ماند</p>	<p>عرقل: العراقيل</p> <p>تمسك بموقفه على الرغم من العراقيل التي بدأت بالظهور تباعا</p>	۱۰۶
<p>انگشت بدهان گرفتن</p> <p>بحث وجدلهایی که بر سر لایحه بودجه بعمل آمد ، معركة دردناك (انگشت</p>	<p>عَضّ: عَضّ الأصابع</p> <p>السجلات التي تمحورت حول مشروع الموازنة ، أخفت معركة (عَضّ أصابع)، مرجعه بين</p>	۱۰۷



الحكومة والمعارضة النيابية	بدهان گرفتن) وابر از ندامت بین دولت وجناح مخالف در مجلس را ، تحت الشعاع قرار داد
۱۰۸ عطی: التعاطي	برخورد دولت ، در برخورد با این معضل اجتماعی موفق شد
۱۰۹ عقیف: المعقوف	منحنی صلیب منحنی (آرم نازیها) را با خود حمل می کرد
۱۱۰ عکر: التعکیر	گل آلود کردن او را به برهم زدن روابط خارجی کشور متهم کرد
۱۱۱ عکف: المعکوف	مجعد ، پیچ خورده آرم دولت هیتلر
۱۱۲ علق: التعليق	تفسیر از اظهار نظر پیرامون این مطلب خودداری کرد
۱۱۳ عمد: کتاب الاعتماد	استوار نامه استوار نامه خویش را به جناب رئیس جمهور تقدیم کرد
۱۱۴ عملاق: العملاق	غول ، عظیم الجثه سیاست زورگویانه ابر قدرتها
۱۱۵ عنت: التَّعَنْت	آزار دادن تصمیمات شورای کشورهای عرب ، پاسخ طبیعی حرکات ایدائی اسرائیل بود
۱۱۶ عني: العناء	زحمت زحمت تأویل و تفسیر را از دوش ما برداشت



<p>۱۱۷ غَبَّ: الْمَغَبَّة</p> <p>تلقت إسرائيل تحذيرا جديدا من مغبة مواصلة إعاقة أي تقدم في عملية السلام</p>	<p>سرانجام، عاقبت</p> <p>اسرائیل، هشدار تازه ای در مورد سرانجام مانع تراشی در هر نوع پیشرفت نسبت به روند صلح، دریافت کرد</p>
<p>۱۱۸ غَبَر: الْغُبَار</p> <p>هذه محاولة لإثارة الغبار السياسي</p>	<p>گرد و غبار</p> <p>این، تلاشی برای مشوش کردن اوضاع سیاسی است</p>
<p>۱۱۹ غَطْرَس: الْغَطْرَسَة</p> <p>قوى الغطرس العالمية تعترف بنجاح إيران في إعادة الأعمار</p>	<p>استکبار</p> <p>نیرو های استکبار جهانی، به موفقیت ایران در صحنه سازندگی اعتراف کردند</p>
<p>۱۲۰ غَيْب: التَّغْيِيب</p> <p>تغيب قسري للشريحة الكبرى في الوطن</p>	<p>دور ماندن</p> <p>از صحنه دور ماندن عمدی طبقه عمده مردم کشور</p>
<p>۱۲۱ فِت: التَّفْتِيت</p> <p>وصف الندوة المحاولات، بأنها مستميتة، تجري لتفتيت الوضع الداخلي</p>	<p>گسستگی</p> <p>کنفرانس، این تلاشها را مرگبار، و به هدف از هم پاشیدگی وضع داخلی توصیف کرد</p>
<p>۱۲۲ فحل: الاستفحال</p> <p>جدد الرئيس المصري تحذيره من مغبة السياسات الإسرائيلية الرامية إلى استفحال العنف والإرهاب</p>	<p>اجرای جفت گیری برای تکثیر نسل حیوان، دامن زدن، سوء استفاده</p> <p>رئیس جمهور مصر، مجددا نسبت به سرانجام سیاستهای اسرائیلی مبتنی بر سوء استفاده از خشونت و تروریسم، هشدار داد</p>
<p>۱۲۳ فرغ: التفرغ</p> <p>تحاول حكومة اليمين الإسرائيلي الجديد، تفرغ الاتفاقيات السابقة من مضمونها</p>	<p>تهی کردن</p> <p>دولت جدید راستگرای اسرائیل می کوشد ، قراردادهای سابق را از محتوای خویش تهی سازد</p>
<p>۱۲۴ فصل: جملة وتفصيلا</p>	<p>جزئی و کلی</p>

الناطق الحكومي نفى هذه الاحتمالات جملة وتفصيلا	سخنگوی دولت ، این احتمالات را سراسر نفی کرد
۱۲۵ فعل : ساري المفعول اتفاق الطائف لا يزال ساري المفعول في هيكلية الحكومة اللبنانية	معتبر، قابل اجرا معاهده طائف ، همچنان در بافت (چارچوب) رژیم لبنان قابل اجرا ومعتبر است
۱۲۶ فاك : التفكيك هناك مؤامرة لتفكيك الاتحاد العمالي العام	متلاشی کردن توطئه ای برای متلاشی کردن اتحادیه عمومی کارگران در دست انجام است
۱۲۷ فوز : الفوضى انزلت ألبانيا إلى حالة فوضى شاملة	شورش، هرج و مرج کشور آلبانی به ورطه یک هرج و مرج گسترده غلتیده است
۱۲۸ فیتو : الفيتو بقي سيف الفيتو الأمريكي معلقا فوق مجلس الأمن	وتو شمشیر وتوی آمریکای بر فراز شورای امنیت آویزان مانده است
۱۲۹ قذف : التقاذف تبادل المعنيون تقاذف الكرات	پرتاب متبادل افراد ذیربط ، توپهای تهاجم را به یکدیگر شلیک کردند
۱۳۰ قلص : التقلص الهوة بين الرئيس ومساعدته تقلصت على حساب الرئيس	کاسته شدن فاصله واختلاف بین رئیس ومعاونش ، به ضرر رئیس کاهش یافت
۱۳۱ قوقع : التوقع توقع في مُستَقع الأفكار الفاشية	در لاک فرورفتن در باتلاق افکار فاشیستی غوطه ور شد
۱۳۲ قوي : الاستقواء استقواء الدولة على المجتمع ، واستقواء المجتمع على الدولة خطيران	ابراز قدرت قدر قدرتی (عرض اندام) دولت در برابر ملت ، وملت در برابر دولت، هر دو خطرناک است
۱۳۳ كتف : مكتوف اليدين	دست بسته



دست روی دست نخواهم گذاشت	لن أقف مكتوف اليدين	
بی پرده ، با صراحت نظر خود را بی پرده اظهار داشت	۱۳۴ كشف : على المكشوف قال رأيه على المكشوف	
پشت صحنه مسائل پشت پرده در سیاست	۱۳۵ كلس : الكالوس الكواليس السياسية	
تاج تاج گلی را بر بنای یاد بود سرباز گمنام تقدیم کرد	۱۳۶ كل : الإكليل وضع إكليلًا من الزهر عند نُصْبِ الجندي المجهول	
دوربین عکاسی مذاکره کنندگان برای يك مصافحه تازه زیر نور فلاش دوربینها , با هم قرار گذاشته اند	۱۳۷ كمر : الكاميرا كان المتفاوضون على مَوْعِدٍ لِمُصَافَحةٍ جديدة , تَلَمَّعُ في خلالها فلاشات الكاميرات	
پیمانه سیاست يك بام و دو هوا (برخوردهای دوگانه)	۱۳۸ كيل : المكيال سياسة الكيل بمكيالين	
متراکم ، آکنده از حوادث اوضاع بحرانی و مشوش منطقه	۱۳۹ لبـد : المُلبـد الأجواء الملبدة إقليميا	
پناهندگان کمیساریای عالی پناهندگان	۱۴۰ لجأ : اللاجئين المَفْوَضِيَّةُ العُليا للاجئين	
دیدار بازدید تشریفاتی	۱۴۱ لقي : اللقاء لقاء بروتوكولي	
تعدیلها ، دستکاری ها آخرین اصلاحات را روی قرارداد همکاری انجام دادند	۱۴۲ لمس : اللّمسات وضعوا اللّمسات الأخيرة على اتفاقية التعاون	
استحکام همه جناحها را به تلاش برای استحکام وضع داخلی ، وگذاشتن از حساسیتها دعوت کرد	۱۴۳ متن : التمتين دعا جميع الأطراف ، للعمل على تمتين الساحة الداخلية ، والقفز فوق الحساسيات	
نمایندگی	۱۴۴ مثل : التمثيل	

سطح نمایندگی سیاسی	مستوى التمثيل الدبلوماسي	
اقدام ، اعمال اعمال فشار	مرس: الممارسة ممارسة الضغوط	۱۴۵
تعويق کار در انتظار بهبود شرایط ، دست نگه داشته ام	مطل: المطل أنا ماطل بانتظار تحسن الظروف	۱۴۶
دقت نظر مواضع جناب رئیس ، شایسته دقت نظر است	معن: التمعن مواقف السيد الرئيس تستحق التمعن	۱۴۷
دوك نخ ریسی ( واستعاره برای هرچه مثل آن در حال رفت و برگشت باشد) وزیر خارجه فرانسه ، بازدید رفت و برگشت بین اسرائیل و کشورهای عربی انجام داد	مكك: المَكوك قام وزير الخارجية الفرنسي بزيارة مَكوكية بين إسرائيل والدول العربية	۱۴۸
مشروطه سلطنتی بازگشت مشروطه سلطنتی ، مورد علاقه هیچیک از کشورهای سابقاً کمونیستی اروپای شرقی نیست	ملك: المَلَكِيَّة الدَّسْتُورِيَّة لا تستهوي عودة الملكية الدستورية أيًا من الدول الشيوعية السابقة في أوروبا الشرقية	۱۴۹
ممتاز دور اول گفتگوها سازنده و ممتاز بود	ميز: المُمَيِّز الجولة الأولى من المحادثات كانت بناءً مميزة	۱۵۰
انداختن ، طرد کردن موضعگیری رئیس جمهور مصر در ازای حوادث سودان را می توان اینچنین تفسیر کرد ، که نه به هدف طرد جناح مخالف است ، و نه به هدف حمایت از آن	نَبذ: النَّبْذ يمكن تفسير موقف الرئيس المصري تجاه الأحداث السودانية ، بأنه لا نَبْذ للمعارضة ، ولا تَبَنُّ لها في آن	۱۵۱
سرزنش را متوجه کسی دانستن عراق ، در مورد تاخیر وصول کمکهای غذایی به مردم آن کشور ، سرزنش را	نحو: الإنحاء باللائمة أنحى العراق باللائمة على الأمم المتحدة في تأخير وصول المساعدات الغذائية إلى الشعب	۱۵۲



متوجه سازمان ملل متحد دانست	العراقي	
شنود, استراق سمع	نصت: التَّنصَّتْ	۱۵۳
دولت آلمان, به برخی از شرکتها اجازه داد, وسایل شنود واستراق سمع پیشرفته به ادارات دولتی مجاز بفروشد	أجازت الحكومة الألمانية لبعض الشركات, يَبِعَ معدّات تنصّت متطوّرة للدوائر الحكوميّة التي يحقّ لها ذلك	
احياء	نعش: الإِنْعاش	۱۵۴
رژیم آمریکا, می کوشد روند صلح را احیاء کند	الإدارة الأميركية تحاول إنعاش عملية السلام	
بحث وبررسی	نقش: المُنَاقِشَة	۱۵۵
بررسی بند هفت در دستور کار قرار دارد	يقضي جدول الأعمال بمناقشة البند السابع	
گل (دربازی فوتبال)	نقط: النقطة	۱۵۶
معرکه گل کاشتن وامتیاز گرفتن از حریف	معركة تسجيل النقاط	
شکست	نکس: الانتكاس	۱۵۷
سیاست اسکان وشهرک سازی اسرائیل, می تواند به شکست وفروپاشی روند صلح بیانجامد	السياسة الاستيطانية الإسرائيلية من شأنها أن تؤدّي إلى انتكاسة عملية السلام	
پرچم نیمه افراشته	نکس: العَلَمُ المُنْكَسُ	۱۵۸
بدنبال فوت رئیس جمهور چین, سفارت چین پرچم این کشور را بحال نیمه افراشته درآورد	السفارة الصينية جعلت علم بلادها منكسا أثر رحيل رئيسها	
هزیمت, شکست	نکس: النُّكْسة	۱۵۹
حزب این اواخر متحمل شکستهای سختی شده است	نكسات مُؤَسَّفة طاولت الحزب في الآونة الأخيرة	
فضای باز	نوخ: مَنَاحُ الانفتاح	۱۶۰
جناح مخالف, بر ضرورت فضای باز سیاسی تأکید کرد	كُتِلَةُ المعارضة أصرت على مناح الانفتاح السياسي	
با صدای بلند اعلام کردن	نوه: التَّنْوِيه	۱۶۱



تَوَهَّتْ إسرائيل بالدور الذي تلعبه واشنطن في عملية السلام	اسرائیل ، از نقشی که واشنگتن در روند صلح بازی می کند ، استقبال کرد
هَشَّ: الهَشَّ الشیطان الأكبر هَشَّ للغاية	سست ، توخالی شیطان بزرگ سست وتوخالی است (بیر کاغذی است)
هَضَب: الهَضْبَة النشاطات الاستيطانية الإسرائيلية شملت هضبة الجولان	تپه ، بلندی فعالیت‌های اسکان وشهرک سازی اسرائیل ، بلندیهای جولان را فرا گرفت
هيس: الهيستيرية (الهيستيرية معرب واژه histrionic انگلیسی و به معنای جنون آمیز و عصبی است. چون اصل کلمه عربی نیست، شاید بهتر باشد بدون ریشه ثبت شود) هذه التصرفات الهيستيرية ، تبين مغزى السياسة الأمريكية القصيرة النظر في المنطقة	عصبی این تصرفات (رفتارهای) جنون آمیز وعصبی ، هدف سیاست کوتاه فکرانه آمریکا در منطقه را روشن می سازد
وثق: الوثيقة وضع توقيعه على الوثيقة	سند سند را امضا کرد
وجه: ماء الوجه الطرفان يحاولان التخلص إلى صيغة، تحفظ لهما ماء الوجه	آبرو دو طرف می کوشند به صیغه ای دسترسی پیدا کنند ، که آبروی هر دو را حفظ کند
ورق: الأوراق يحافظ على أوراقه	برگها برگهای برنده را برای خود باقی نگه می دارد
وزن: التوازن أعيدت سكة التوازنات إلى طبيعتها	تعادل موازنه قوا بحالت طبیعی خود برگشت
وطد: توطيد العلاقات تم البحث خلال اللقاء في توطيد العلاقات بين البلدين ، خصوصا على الصعيد السياسي	تقویت وترسیخ روابط در اثنای دیدار ، نسبت به (در خصوص) تقویت روابط دو کشور ، بویژه در بعد

سیاسی مذاکره شد		
اسکان یافتن	۱۷۰	وطن: الاستيطان
رئیس جمهور مصر ، رژیم صهیونیستی را از عاقبت فعالیت های شهرک سازی جدید برحذر داشت		حذر الرئيس المصري كيان العدو من مغبة النشاط الاستيطاني الجديد
موضع	۱۷۱	وقف: الموقف
موضعی اتخاذ کرد که با قرارداد منافات دارد		اتخذ موقفا يتعارض مع الاتفاقية





## ۲. المصطلحات الاجتماعية

۱۷۲	أبر: الإبرة الحلول المطروحة إبر مُخَدَّرَة	آپول راه حل‌های پیشنهادی آپولهای مسکن است
۱۷۳	أبن: التأبين لقاء تأبيني	سوگواری اجتماع در مراسم سوگواری
۱۷۴	أزم: الأزمة إنّ هذه الأزمة مجرد غيمة وتعبر	بحران این مشکل مثل ابری است که می‌گذرد
۱۷۵	ألي: الآلي حركة الإنسان الآليّة	ماشینی زندگی ماشینی انسان
۱۷۶	ألي: الآليّة قضت لجنة طوارئ شؤون السير بالسماح بسير الآليات في الاتجاهين، بين دُوار الثورة ومُفَرِّق الحرية	وسيله نقلیه کمیتة حوادث ترافیک، عبور و مرور دوطرفه بین میدان انقلاب و چهارراه آزادی را برای وسایل نقلیه مجاز اعلام کرد
۱۷۷	أمر: التأمّر التأمّر على المجتمع	توطئه توطئه بر علیه جامعه
۱۷۸	بتر: البُتر اعتبرت رئيسة لجنة حقوق الطفل في لبنان الحادث الذي أدّى إلى بتر يد طفل بشفرات إحدى الآلات في مَعْمَل للسكاكر، فضيحة اجتماعية	قطع کردن خانم رئیس کمیته حقوق کودک در لبنان، حادثه ای را که به قطع دست بچه ای با تیغه یکی از دستگاهها در کارخانه شکر انجامید یک افتضاح اجتماعی قلمداد کرد
۱۷۹	برد: التبريد	سرد کردن



بذل جهده لتبريد الأزمة	برای فرونشاندن بحران، سعی خویش را مہذول داشت
۱۸۰ برع: التبرّع عشرات حواجز المحبة انتشرت من قبل هيئة دعم المقاومة لجمع التبرّعات على مختلف طرقات المدن	کمک مالی، خیرات برای جمع آوری کمکهای مالی مردم، دهها " ایستگاه محبت " (ایستگاه صلواتی) در جاده های شهرها از طرف انجمن کمک به مقاومت برپا شد
۱۸۱ برق: البرقيّة تلّقى برقيّة تعزية بوفاة عمه	تلگرام بخاطر درگذشت عمویش، تلگرام تسلیتی دریافت کرد
۱۸۲ بطل: البطالة معدّل البطالة استقر على ۰.۵ %	بیکاری میانگین بیکاری روی ۰.۵ % قرار گرفته است
۱۸۳ بهو: البهو بهو المؤتمرات	سالن سالن کنفرانسها
۱۸۴ تلفز: التلفاز اشترك في حوار متلفز	تلویزیون در یک گفتگوی تلویزیونی شرکت کرد
۱۸۵ ثاب: الثَّابُّ كان يثَّابُّ على الطُّولِ أثناء الجلسة	خمیازه بین جلسه مرتباً خمیازه می کشید
۱۸۶ جثم: الجُثْمَان ووري جثمانه الثرى ، وأهله يتقبّلون التعازي في بيت الفقيد	جنازه جنازه او به خاک سپرده شد، و خانواده اش در منزل او برای پذیرش تسلیت دوستان آماده اند
۱۸۷ جرّ: المجارير تسلّلت الجرذان الى البيت عن طريق المجارير وقساطل المياه ، ومزّقت بأسنانها المرفهة نبريش الماء	راههای فاضلاب موشها از طریق راههای فاضلاب ولوله های آب به خانه نفوذ کرده، و شلنگ آب را با دندانهای (تیز) خود جویدند
۱۸۸ حدث: التحديث	نوگرانی، مدرنیسم

برخی از رهبران جوامع غیر غربی در جهت نوگرانی تلاش کرده، و در عین حال غرب گرانی را رد کردند	بعض زعماء المجتمعات غير الغربية سعوا إلى التحديث، وفي نفس الوقت رفضوا التغريب	
نشأت گرفتن آمریکائیان لبنانی تبار	۱۸۹ حذر: التَّحَدُّر الأمريكيون المتحدِّرون من أصل لبناني	
غلټک این غلټک با گاز مایع کار می کند	۱۹۰ حدل: المَحْدَلَة هذه المَحْدَلَة تَشْتَغِلُ بِغَازِ البِثْرُولِ الْمَسَالِ	
موازات خانه های اطراف جاده اصلی تخریب شد	۱۹۱ حذو: الْمُحَاذَاةُ البيوت المحاذية للطريق العام تعرّضت للهدم	
کوره زیر نظر شهرداری، دو کوره برای سوزاندن زباله ها آماده شد	۱۹۲ حرق: الْمَحْرَقَة تم تجهيز مَحْرَقَتَيْنِ لِلنَّفَايَاتِ بِإِشْرَافٍ مِنَ الْبَلَدِيَّةِ	
حرکت دادن امر ساکن برای خروج از این تنگنا هیچ کاری انجام نداد	۱۹۳ حرك: تحريك الساكن لم يحرك ساكنا للخروج من هذا المأزق	
پارتی بازی بخشنامه جدید با هدف از بین بردن رابطه گرانی در ادارات دولتی تنظیم شده است	۱۹۴ حسب: المحسوبيّة من شأن المرسوم الجديد أن يفكّك المحسوبيّات من الدوائر الحكوميّة	
ساک، چمدان ساکهای خود را بست و راهی اتریش شد	۱۹۵ حقب: الحقيبة حزم حقائبه وسافر إلى النمسا	
احتکار مقاومت در برابر اشغالگران، در احتکار(انحصار) هیچ گروهی نیست	۱۹۶ حکر: الحکر ليست مقاومة الاحتلال حكرا على فئة دون أخرى	
شیرینی برخی از کسانی که تصمیم به خودکشی دارند، خوش دارند با بزیر افکندن خود از فراز برج ایفل، شاهد مرگ داوطلبانه خود باشند	۱۹۷ حلو: الحلاوة يحلّو لبعض من ينوي الانتحار في فرنسا أن يرمي بنفسه عن برج إيفل العظيم شاهدا على موته الطَّوْعِي	



محله در کوچه های محله گشتی زدیم	۱۹۸ حور: الحارة برمنا برمة في زوايرب الحارة
ارجاع دادن جنایت را بگردن دیگری انداخت	۱۹۹ حول: الإحالة أحال الجريمة على غيره
فريب خوردن توسط کلاهبرداری که به او باورانده بود، می تواند مخفیانه وارد یونان شود، فريب خورد	۲۰۰ حیل: الاحتيال تعرض لعملية احتيال من قبل شخص أوهمه بإمكانية الدخول خلسة إلى اليونان
بتون دراین پروژه پس از تکمیل مراحل پی ریزی دیوارهای حمال وبتون مسلح کار، اتصالات کامل وبشنه زنی (سیمان پاشی) دیوارها شروع شد	۲۰۱ خرس: الخرسانة ابتدأت في ورشة العمل هذه عمليات التمديدات الكاملة ورش الجدران، بعد ما اكتملت عمليات حفریات حيطان الدعم والخرسانة المسلحة
راوی از طریق راوی (واسطه ازدواج) با نامزدش آشنا شد	۲۰۲ خطب: الخطابة تعرف على خطيبته من خلال الخطابة
خواستگاری هفته گذشته، در جشنی متشکل از جمع خانواده وخویشان ویاران، مراسم ازدواج او با یک دختر دانشجو انجام شد	۲۰۳ خطب: الخطوبة تمت الأسبوع الفائت خطوبته على فتاة جامعية في حفل ضمّ لفيفا من الأهل والأقارب والأصحاب
ایجاد اختلال عوامل مختلفی در روند ایجاد اختلال در وضع شوراهای شهرداری وممانعت از ایفای نقش آنها مؤثر بوده است	۲۰۴ خلخل: الخلخلة لقد ساعد عوامل شتى على خلخلة وضعية المجالس البلدية وعرقلة دورها في لبنان
نقش بر باد عاقبت این بحث به باد رفت	۲۰۵ درج: أدراج الرياح مصير هذا النقاش ذهب أدراج الرياح
گپ زدن در گپی با خبرنگار روزنامه شرکت کرد	۲۰۶ دردش: الدردشة شارك في دردشة مع مراسل الجريدة

چرک	درن : الدرن	۲۰۷
این امر چرکهای متعفن را که پیکر لبنان را آلوده کرده است، می زداید	هذا ينكأ الدرن الخبيثة التي تنخر الجسم اللبناني	
عروسک	دمي : الدمية	۲۰۸
در ساخت یک خرس عروسکی عظیم، ۷۰ متر موهر (نوعی پارچه حریری از پشم دراز بز محصول آنکارا) بکار رفت	تطلب صناعة دمية دب عملاقة، ۷۰ مترا مربعا من الموهر (نسيج من وبر معزاة أنقرة الحريري الطويل)	
دیدگاه غیر محترمانه و تحقیر آمیز وی گفت : سخن از لطافت زن، سرپوشی برای مخفی نگهداشتن بینش تحقیر آمیز نسبت به اوست	دون : النظرة الدونية قال : إن القول برقة المرأة، هو غطاء لإخفاء النظرة الدونية إليها	۲۰۹
مرثیه	رثي : الرثاء	۲۱۰
ملت در وضع اسفناکی بسر می برد	الشعب في حالة يرثي لها	
فساد	ردء : التردّي	۲۱۱
نمایندگان نسبت به مشکل انحطاط وضعیت اجتماعی هشدار دادند	حذر النواب من مشكلة تردّي الوضع الاجتماعي	
استنباط موضعگیریها	رصد : رصد المواقف	۲۱۲
این معضل اجتماعی موضع گیری هایی را بدنبال داشت، که میتوان آنها را بشرح زیر استنباط کرد:	هذه الأزمة الاجتماعية استدعت مواقف جرى رصدها على الشكل التالي:	
طبقه ها، کسوها	رفّ : الرفوف	۲۱۳
مسأله به بایگانی ذهنها سپرده شد	أحيلت القضية على رفوف الذاكرة	
خاکستر، سوزاندن مردگان	رمد : الرماد، الترميد	۲۱۴
چین جسد رئیس جمهور فقید خود را پس از سوزاندن تشییع کرد	شيعت الصين جثمان رئيسه الراحل بعد ترميده	
جاری	رهن : الرهن	۲۱۵
سازگاری با وضع جدید	التكيف مع الوضع الرهن	
شرط بندی	رهن : المراهنة	۲۱۶



المراهنة على معطيات الأمور، تبدو معقدة	شرط بندی وحساب کردن روی روند حوادث، پیچیده بنظر می رسد
۲۱۷	روغ : المراوغة المراوغون والمحتالون
۲۱۸	زلب : الزلاّبية على كلّ ناصية طريق في العاصمة، تعرض محالّ الحلوى أطباقا كبيرة من البقلاوة والزلاّبية وسائر الحلويات الرمضانية
۲۱۹	زمر : الزمور رجال مفرزة السير حذّروا السوّاق من التزمير
۲۲۰	زي : الأزياء قتلت عارضة أزياء بعد خروجها من عرض الأزياء الجديدة الفرنسية
۲۲۱	سحق : الانسحاق انسحق تحت وطأة المشاكل المتفاقمة
۲۲۲	سخن : الساخن الأجواء مثيرة لجدل ساخن
۲۲۳	سرح : إطلاق السراح سرح الأطفال في الشوارع
۲۲۴	سلسل : السلسلة المعدنية برغم سماكة الثلوج في الطريق، تمكّنت بعض السيارات المجهزة بسلاسل معدنيّة من سلوك الطريق بصعوبة وظلّت طوال اليوم سالكة على خطّ واحد
۲۲۵	سوء : الاستياء
	انزجار

اشتدت حدة الاستياء الشعبي بسبب ظاهرة الفساد الإداري	تفر مردم از پدیده فساد اداری به اوج خود رسیده است
سیب: الانسیاب عندما يفيض المجرور ، يتحوّل الطريق أطراف المسلخ إلى مستقع من الدماء التي تساب على الارض بعد ذبح المواشي	جاری شدن وقتی راه فاضلاب پر می شود ، جاده اطراف کشتارگاه مثل يك باتلاق خونین می شود، که پس از ذبح چارپایان بر زمین جاری می گردد
شجب: الشجب شجب هذا الاستهتار المستشري بحق الصناعة والصناعيين	محکوم کردن این هتک حرمت شرم آور در حق صنعت وصنعتگران را محکوم کرد
شحن: الشاحنة قتل ۱۰ أشخاص , وأصيب ۳۵ آخرون بجروح , في حادث اصطدام بين شاحنة وباص , كان يحاول تفادي بقرة	کامیون در یک حادثه رانندگی بین یک کامیون ویک اتوبوس که قصد داشت از برخورد با يك گاو اجتناب کند، ۱۰ نفر کشته و ۳۵ نفر مجروح شدند
شرح: الشريحة هم الشريحة الكبيرة من المجتمع	يك قسمت آنان، بخش بزرگی از جامعه را تشکیل می دهند
شره: الشراة تزداد شراة المدّخّنين بالسجائر يوما بعد يوم	حرص وولع ولع معتادان به سیگار (سیگاری ها) ، روز بروز بیشتر می شود
شعث: أشعث الشعر هذا الطابع البريدي يحمل صورة لشاعر أشعث الشعر	ژولیده موی این تمبر پستی تصویر یک شاعر ژولیده موی را با خود دارد
شغب: المشاغب دعا إلى مواجهة المشاغبين الإرهابيين	خرابکار خواستار برخورد با خرابکاران تروریست شد
شکل: الفنّان التشكيلي	هنرمند تجسمی



احتفاء بعيد الأضحى، قام فرع الفنانين التشكيليين بافتتاح معرض يضم تقنيات التشكيل للنحت والتصوير والغرافيك	در گرامیداشت عید قربان، شاخه اتحادیه هنرمندان تجسمی نمایشگاهی برپا کرد که دربرگیرنده تکنیکهای تجسمی از قبیل پیکر تراشی و عکاسی و گرافیک است
شور: اشارات السير إشارات السير الحديثة مصنوعة من مادة فسفورية عاكسة للنور، تتيح رؤيتها في الليل والنهار، ومكفولة ضد الصدا	علائم راهنمایی و رانندگی تابلوهای جدید راهنمایی و رانندگی از يك ماده فسفوری منعكس كننده نور ساخته شده است، كه شب و روز قابل رؤیت است و ضد زنگ بودن آن تضمین شده است
صبّ: الصبّ صبّوا جام غضبهم على البلاد والعباد، عندما لم ترضهم نتائج الانتخابات	ریختن وقتی نتایج انتخابات، آنان را ارضاء نکرد، خشم خود را نثار مردم و میهن کردند
صرع: مصراع الباب فتحوا لهذه القضية الأبواب الإعلامية على مصراعيها	لنگه در بر سر این موضوع، بوق و کرناى تبلیغاتی براه انداختند
صفّ: التصفيف يدير مركزا لتصفيف الشعر مع أحدث القصّات الأوروبية	آرایش يك مركز آرایشگاهی را با جدیدترین مدلهای اروپایی کوتاه کردن مو اداره می کند
صفّ: الصفّ طلب شرطيّ المرور من السوّاق عدم الوقوف صفّا ثانيا	صف کشیدن مأمور پلیس راهنمایی، رانندگان را از توقّف دوبله بر حذر داشت
صلح: المصلحة مصلحة تسجيل السيارات	سازمان، اداره اداره شماره گذاری اتومبیل ها
صمت: الصمت أعلن رئيس المجلس النيابي الوقوف دقيقة صمت عن روح النائب السابق	سکوت رئیس مجلس شورا در تجلیل از روح نماینده فقید، یک دقیقه سکوت اعلام کرد



طراحی مد لباس	صمم : تصميم الأزياء	۲۴۱
طراح مد لباس ایتالیایی دیروز مجموعه مدهای پاییزیش را به نمایش گذاشت	أسدل مصمم الأزياء الإيطالي الستار أمس على عروض مجموعة من أزياء الخريف	
حصار دیواری	صون : التصوينة	۲۴۲
ویلا را حصارکشی کردند و بالکن ها و راه پله هایش را به نرده مجهز کردند	ركبوا التصوينة في الفيلا ، وزودوا شرفاتها وأدراجها بالدرابزين	
قربانیان	ضحی : الضحايا	۲۴۳
آمار قربانیان ناشی از حوادث رانندگی اخیراً فزونی یافته است	تكاثرت الضحايا الناجمة عن حوادث السير في الآونة الاخيرة	
اعتصاب	ضرب : الإضراب	۲۴۴
سندیکای روزنامه نگاران ، اعتصاب هشدار دهنده خود را به وقت دیگری موکول کرد	أرجأت نقابة الصحافة الإضراب التحذيري إلى وقت لاحق	
مشابهت	ضهي : المضاهاة	۲۴۵
این موضوع اهمیتی بی نظیر بدست آورد	اكتسب الأمر أهمية لا تضاهي	
سرافکنده	طأطأ : مطأطأ الرأس	۲۴۶
باید سرافکنده و سربزیر در برابر او حاضر شوی	عليك أن تمثل أمامه مطأطأ الرأس	
اورژانس ، وضع اضطراری	طراً : الطوارئ	۲۴۷
اعلام وضع اضطراری فوق العاده اجتماعی ، اجتناب ناپذیر است(باید وضعيت اضطراری اجتماعی اعلام شود)	لا بدّ من إعلان حالة طوارئ اجتماعية	
نظم وانتظام	طرد : الاطراد	۲۴۸
این مشکل بطور منظم در حال گسترش است(این مشکل مرتباً وخیم تر می شود)	هذه مشكلة تتفاقم باطراد	
محموله پستی	طرد : الطرد البريدي	۲۴۹
با یک بسته پستی ، هدیه ای برای خویشاوندانش فرستاد	أرسل هدية إلى ذويه في طرد بريدي	

ضربه فرد جوان ، بیست ضربه چاقو به همکار خود زد ، که در نتیجه قسمتی از بدن او فلج شد	طعن : الطعن أسدى الشاب ۲۰ طعنة سكين إلى زميله، مما أدى إلى إصابته بشلل جزئي	۲۵۰
اقدام نسنجیده دستگیریهای حساب نشده ، وزندانی کردن مخالفین سیاست دولت ، از جمله هتك حرمتهای روزمره در این کشور است	عبط : الاعتباط التوقيف الاعتباطي والسجن لمعارضتي سياسة الحكومة، من الانتهاكات الروتينية في هذا البلد	۲۵۱
تراکم ترافیک حومه جنوبی گرفتار ترافیک سنگینی است	عجق : عجقة السير الضاحية الجنوبية تعاني من عجقة سير خانقة	۲۵۲
وسيله نقلیه ، گاری راننده اتومبیل حمل جنازه در تصادف کشته شد	عرب : العرب سائق عربة نقل الموتى قتل في الحادث	۲۵۳
واگن قطار قطاری مسافری مرکب از ۱۷ واگن با هزار مسافر ، بعثت خرابی ترمزهایش از خط آهن خارج شد	عرب : العرب قطار محمل بالمسافرين مؤلف من ۱۷ عربة يستقلها ۱۰۰۰ مسافر ، خرج من سكة بسبب عطل في الفرامل	۲۵۴
عسلی ، لذیذ مشکلات موجود زندگی را نمی توان با وعده های فریبنده حل کرد	عسل : المعسول لا يمكن معالجة الأزمة المعيشية القائمة بالوعود المعسولة	۲۵۵
مبتنی بر تعصب تمایلات تعصب آلود	عصب : العصبية انتماءات عصبوية	۲۵۶
تعصب در دام تمایلات تعصب آمیز خویش گرفتار شدند	عصب : العصبية سقطوا في فخ نزواتهم العصبية	۲۵۷
دست کشیدن از کار تا اطلاع ثانوی، دعوت به اعتصاب کرد	عصم : الاعتصام دعا إلى الاعتصام حتى إشعار آخر	۲۵۸



بیکار	عطل : العاقل	۲۵۹
افزایش آمار بیکاران ، رکورد جدیدی را در آلمان به ثبت رساند	ارتفاع عدد العاطلين عن العمل ، سجل مستوى قیاسیاً في ألمانيا	
مرد کار	عمل : العملاني	۲۶۰
باید گامهای عملی برداشت	لا بدّ من القيام بخطوات عملیّة	
دلالی ، حق العمل کاری	عمل : العمولة	۲۶۱
دلالتان ازدواج ، از کسانی که برای دستیابی به تابعیت آمریکا مایل به ازدواج با يك زن آمریکائی هستند ، هزار دلار بعنوان دلالی تقاضا می کنند	یتقاضا مرتّبوا الزیجات من الراغبین في زواج أمريکیّة للحصول على الجنسية الأمريكية ، ألف دولار كعمولة	
اهتمام	عني : العناية	۲۶۲
آنرا مورد عنایت کافی قرار داد	أولاه عناية كافية	
همزیستی	عیش : التعايش	۲۶۳
همزیستی مسالمت آمیز	التعايش السلمي	
جنگل	غاب : الغاب	۲۶۴
دنيا طبق قانون جنگل اداره می شود(قانون جنگل در دنیا حاکم است)	العالم يعيش شريعة الغاب	
عاقبت	غَبّ : المغبّة	۲۶۵
آنانرا ، از سرانجام فرو بردن سر در خاک (وتجاهل نسبت به موضوع) برحذر داشت	حذّره من مغبّة دفن الرؤوس في الرمال	
گرانقدر	غلو : الغالي	۲۶۶
مجلس سوگواری و مراسم گرامیداشت برای روح فقید گرانقدرمان ، برپا می شود	يقام مجلس عزاء واحتفال تأبيني عن روح فقيدنا الغالي	
تهی کردن	فرغ : التفريغ	۲۶۷
خالی کردن موضوع از مضمون ومحتوایش	تفريغ الأمر من محتواه	
قارچ	فطر : الفطر	۲۶۸
مثل قارچ سبز شد	ظهر كالفطر	



عمل کنش وواکنش	۲۶۹ فعل : الفعل الفعل وردة الفعل
شخصیتهای بانفوذ گروهی از متنفذین ورجال منطقه	۲۷۰ فعل : الفعاليات جمع من الفعاليات المحليّة
از حد اعتدال خارج شدن با نزدیکی آغاز سال میلادی ، مشکلات اقتصادی مردم اوج گرفت	۲۷۱ فقم : التفاقم تفاقمت الأزمة المعيشية مع اقتراب السنة الميلادية
تکذیب وتضعیف کوششی باید ، که این اتهامات را <u>نقش بر</u> <u>آب کند</u> (تکذیب یا رد کند)	۲۷۲ فند : التفنيد لا بدّ من جهد يفنّد هذه المزاعم
تعیین سرنوشت بر حقّ ملتها در تعیین سرنوشت خویش تأکید کردند	۲۷۳ قرر : تقرير المصير أكدوا على حقّ الشعوب في تقرير مصيرها
ارتکاب گناه بنظر میرسد دیدارم از او ، بزرگترین گناهی بود، که در عمرم مرتکب شده ام	۲۷۴ قرف : اقتراف الذنب يبدو أنّي اقترفت غلطة العمر بزيارتي له
پیوند ازدواج عروس و داماد ، عقد ازدواج خود را در <u>جشن عظیمی برگزار کردند ، که زیانزد</u> <u>خاص وعام شده است</u> (عروس و داماد طی مراسمی باشکوه ، عقد ازدواج خود را برگزار کردند که....)	۲۷۵ قرن : عقد القران العروسان عقدا قرانهما في احتفال مهيب, أصبح الشغل الشاغل لأبناء البلد
لوله این شرکت ، در امر تولید لوله های پولیکا (پی ، وی ، سی)، ویژه همه کاربردهای ساختمانی و زیرسازی ساختمان ، اتصالات بهداشتی ، بازیافت آب فاضلاب ، و تولید روپوشهای کابلهای برقی پیشتاز	۲۷۶ قسطل : القسطل هذه الشركة رائدة في صناعة القساطل البلاستيكية (pvc) , ومخصصة لكافة استعمالات البناء والبنية التحتية ، التمديدات الصحيّة ، تصريف المياه المبتذلة وغلافات التمديدات الكهربائيّة

است		
قلب شیرینی در طی مراسم جشن ، کیک مخصوص بریده شد ، و سرود ملی پخش شد	قلب : قالب حلوی تخلّل الحفل قطع قالب حلوی والنشيد الوطني	۲۷۷
دگرگونی در عرض یک شبانه روز ، اوضاع زیر و رو شد	قلب : الانقلاب انقلبت الأمور بين ليلة وضحاها	۲۷۸
حمل کردن در انتظار مینی بوسی که او را به مدرسه راهنمایی می برد ، دم در ایستاد	قلّ : الإقلال وقف على عتبة الباب ، ينتظر الباص الصغير الذي يقلّه إلى المدرسة التمهيدية	۲۷۹
چنگ زدن به فرصت برای حفظ آبرویش ، <u>مترصد فرصت</u> است (در کمین فرصت نشست)	قنص : اقتناص الفرصة يحاول اقتناص الفرص من أجل حفظ ماء وجهه	۲۸۰
تعدیل ، اصلاح <u>تعدیل (اصلاح)</u> کژی ها و خطاهای گذشته	قوم : التقويم تقويم الاعوجاجات الماضية	۲۸۱
ارزیابی <u>ارزشیابی (ارزیابی)</u> وضع کنونی	قیم : التقييم تقييم الوضع الراهن	۲۸۲
کت بسته ، مقید ملت غرق در بحرانه‌ها ، و در محاصره فساد وقرض است	کبل : المكبل بات الشعب مكبلا في الأزمات ، مطوّقا بالفساد والديون	۲۸۳
تراکم ، فزونی اجرای تمرکز زدائی اداری ، باعث جلوگیری از تراکم جمعیت خواهد شد	کظّ : الاكتظاظ تنفيذ اللامركزية يضع حدّا على الاكتظاظ السكاني	۲۸۴
رفع بیکاری بر آزادی اتحادیه ها و بیمه درمانی و مبارزه با بیکاری و ضرورت پیوند دادن روستا به قطار پیشرفت ، تاکید کرد	کفح : مكافحة البطالة رکّز على الحرّيات النقابية والضمان الصحي ومكافحة البطالة وضرورة ربط الريف بقطار التقدّم	۲۸۵



پشت صحنه در پشت صحنه مخفی ماند	کلس : الكالوس بقي وراء الكواليس	۲۸۶
دوش ، پشت باری از دوش خود برداشت	کهل : الكاهل أزاح همّا عن كاهله	۲۸۷
بازی کردن با سرنوشت ملت بازی می کنند	لعب : التلاعب يتلاعبون بمصير الشعب	۲۸۸
دور زدن وزیر راه و ترابری ، جاده کمر بندی را افتتاح کرد	لفّ : الالتفاف وزير الطرق والمواصلات دشّن الشارع الالتفافي	۲۸۹
در برگرفتن ، دور زدن آینده کشور در هاله ای از ابهام است	لفّ : اللف هناك غموض يلفّ مستقبل البلاد	۲۹۰
موضوع را جمع وجور کردن ، وفیصله دادن افتضاح را ، قبل از اینکه گریبانگیر سران زیادی شود ، فیصله دادند	لفلف : اللفلفة تمّت لفلفة الفضيحة ، قبل أن تطال رؤساء كبيرة	۲۹۱
تابلورنگ روغن کارهای هنری عرضه شده ، شامل تابلوهای رنگ روغن و نقاشی روی کوزه و آینه و شیشه است	لوح : اللوحة الزيتية الأعمال الفنية المعروضة ، تشمل لوحات زيتية ورسوم على الفخار والرسم على المرايا والزجاج	۲۹۲
سرزنش اهالی ، شهرداری محله را مستحقّ سرزنش دانستند	لوم : اللائمة وضع الأهالي اللائمة على بلدية الحارة	۲۹۳
ملامت در خواست کرد که وزیر تولید مورد سرزنش قرار گیرد	لوم : اللوم طالب بتوجيه اللوم على وزير الإنتاج	۲۹۴
شوخی این يك شوخی سرگرم کننده است	مزح : المزحة هذه مزحة مسلية	۲۹۵
پر کردن خلأ	ملء : ملء الفراغ	۲۹۶



پشتکار مداوم برای پرکردن خلأ موجود	العمل الدؤوب على ملء فراغ الساحة	
اعطای فرصت برای اندیشیدن در اطراف موضوع ، به او فرصت داد	منح : منح الفرصة منحه وقتاً للتفكير بالأمر	۲۹۷
مشروب (شراب) آشپزهای کاخ امپراطوری، يك انبار ذخيره دائم شراب دارند که حدود ۴۰۰۰ بطری تخمین زده می شود ، ودر انبار های خنک شونده زیر زمینی نگهداری می شوند	نبذ : النبذ يحتفظ طبّاخوا القصر الإمبراطوري باحتياطي دائم من النبذ ، يقدر بحوالي أربعة آلاف زجاجة ، يجري حفظها في مستودعات مبرّدة تحت الأرض	۲۹۸
خودکشی هنرپیشه زن آمریکایی ، پس از سرخوردگی از اختلافات والدین خود ، که در شرف طلاق بودند خودکشی کرد	نحر : الانتحار انتحرت الفنانة الأميركية ، بعد ما ضاقت ذرعا بخلافات والديها المشرفين على الطلاق	۲۹۹
نادر وکم نظیر بودن کشور در این ویژگی کم نظیر است	ندر : التندر يتندر البلد بهذه الميزة	۳۰۰
تهدید مشکلات زندگی بحدی رسیده است ، که تهدید به انفجار می کند	نذر : الإنذار الأزمة المعيشية وصلت إلى مستوى ، ينذر بالانفجار	۳۰۱
مطالبه خواستار برخورد یکسان با همه طبقات مردم شد	نشد : المناشدة ناشد بالوقوف على مسافة واحدة من جميع فئات الشعب	۳۰۲
اعلان خبر مرگ اهالی روستا با نهایت تأسف درگذشت جوان مرحوم آقای .... را اعلام می دارند	نعي : النعي أهالي القرية ينعون بمزيد الأسى المأسوف على شبابه السيد ....	۳۰۳
پس مانده ها ، زباله ها نیروهای شهربانی مکلف شدند ، از تخلیه زباله توسط کامیونها در مزبله داخل شهر	نفي : النفايات تمّ تكليف قوى الأمن الداخلي بمنع أيّ شاحنة من رمي نفاياتها في مكب المدينة لأنه أقفل	۳۰۴

نهایی	جلوگیری کنند ، چون این مزبله برای همیشه بسته شده است
٣٠٥ نقب : النقابة قضية نقابة العمال مازالت مفتوحة	سندیکا مسأله اتحادیه کارگران همچنان باز ولا ینحل مانده است
٣٠٦ نقط : نقطة الصفر الأمر عادت إلى نقطة الصفر	اول خط کارها دوباره به اول خط باز گشت
٣٠٧ نکت : النکة تداول النکة يتخذ أحيانا طابعا دعائيا، يهدف إلى توجيه النقد والسخرية . والأساليب البوليسية قد تبدو عاجزة عن الحدّ من النکة السياسية التي تقضحها	لطیفه ذکر لطیفه وجوک ، گاهی در قالب تبلیغات ، وبهدف انتقاد ومسخره کردن دیگران بکار می رود. وشگردهای پلیسی نیز، گاهی از منع شیوع لطیفه های سیاسی که برای آنها رسوائی ببار می آورد ، عاجز است
٣٠٨ نکر : التکرر تکرر للمبادئ التي انطلق منها	تجاهل ارزشهای اولیه را بیاد فراموشی سپرد
٣٠٩ نما : النمو تخفيض معدل النمو السكاني	رشد کاستن نرخ رشد جمعیت
٣١٠ نهز : المناهزة توفي عن عمر يناهز الثمانين عاما	نزدیک شدن در سنّ نزدیک به هشتاد سالگی جان سپرد
٣١١ نهض : الاستنهاض دعا إلى استنهاض الوطن من أوضاعه المتردية	پیا خیزی مردم را به بیرون کشیدن کشور از وضع فاسد کنونی دعوت کرد
٣١٢ نور : الانارة مشروع الانارة يشمل الشوارع الرئيسية ذات اتجاهين	لامپ کشی وروشنائی طرح لامپ کشی وچراغانی ، خیابانهای اصلی دو طرفه را در برمی گیرد
٣١٣ هبط : الهبوط سجلت القضايا الراهنة هبوطا فعليًا في شعبيته	انحطاط اوضاع کنونی میزان محبوبیت مردمی او را



کاهش داد		
تلفنهای ضروری باید لیستی از تلفن های ضروری را همراه داشت ، از قبیل : اداره امداد، پلیس امداد وکمک رسانی ، ساعت ناطق، امور اضطراری برق، هلال احمر ودفتر شکایات خواربار	هتف : الهواتف الضرورية يجب الاحتفاظ بقائمة الهواتف الضرورية نحو: الإسعاف وشرطة النجدة والساعة الناطقة وطوارئ الكهرباء والهلال الأحمر وشكاوى التموين	۳۱۴
رعب ووحشت زمین لرزه، حالت رعب ووحشت عمومی ، ترك خوردگی منازل ، ریزش بالکنها وخسارت به اتوموبیلها را بدنبال داشت	هلع : الهلع الهزة الأرضية سببت حالة هلع عامة، وتصدع منازل وانهار شرفات وتضرر سيارات	۳۱۵
شکاف حوادث گذشته بین دو طایفه شکاف عمیقی بوجود آورده است ، که باید برای پرکردن آن تلاش کرد	هو : الهوة ان الأحداث الماضية حفرت هوة عميقة بين الطائفتين يجب السعي إلى ردمها	۳۱۶
ترسو بی هیچ ترس وهراسی در برابر مشکلات زمان خویش قد علم کرد	هيب : الهيب تصدى لمشكلات زمانه غير هيب أو وجل	۳۱۷
نما، قسمت پیرونی موضوع مجدداً در سرلوحه اخبار قرار گرفت	وجه : الواجهة عادت القضية إلى واجهة الحدث الإخباري	۳۱۸
غوطه ور شدن درگیر شدن در يك ريسك گران وپرهزینه ، صحيح نیست	ورط : التورط لا يصح التورط في مغامرة باهظة الأكلاف	۳۱۹
نشان مدال (درخت) ارز را به سینه او آویخت	وسم : الوسام قلده وسام الأرز	۳۲۰
استخدام ، بکار گیری خواستار نفی رابطه گرانی، واستخدام بر	وظف : التوظيف طالب بإلغاء المحسوبة ، والتوظيف على	۳۲۱



أساس الكفاءة والتراتبية العلامية	پایه کفایت , وترتیب میانگین نمرات شد
۳۲۲ وفر: التوفير لن نألوا جهدا في توفير المناخ المناسب	آماده سازی در ایجاد فضای مناسب ازهیچ کوششی دریغ نخواهیم کرد
۳۲۳ وقع: التوقيع نحن الموقعين أدناه ....	امضا اینجانبان ، امضاکنندگان زیر ....



### ۳. المصطلحات الاقتصادية

بحران	۳۲۴	أزم: الأزمة
معضلات موجود زندگی را به یک بمب ساعتی تشبیه کرد		شبه الأزمة المعيشية الراهنة بقبلة موقوتة
شاخص	۳۲۵	أشر: المؤشر
شاخص سهام ها		مؤشرات الأسهم
تأييد ومعرفی	۳۲۶	أمن: الائتمان
اتهاماتی از قبیل ایراد خسارت عمدی به اموال بانکها و ارائه معرفی نامه بدون اخذ ضمانت به بازداشت شدگان وارد شد		تراوحت التهم الموجهة إلى المعتقلين، بين الإضرار بالعمد بأموال المصارف وتقديم تسهيلات ائتمان من دون ضمانات
مبادله	۳۲۷	بدل: التبادل
از سرگیری مبادلات بازرگانی چند جانبه		إعادة التبادل التجاري المتعدد الأطراف
بورس	۳۲۸	بورص: البورصة
میزان معاملات انجام شده در بورس سهام و اوراق بهادار بیروت از نظر ارزش مبادلات کاهش یافت		حقق حجم التعامل في سوق الأسهم والصكوك في بورصة بيروت، تراجعاً في قيمة المبادلات
بورس	۳۲۹	بورص: البورصة
پس از کاهش سهام بورس " وول استریت " بسیاری از سرمایه گذاران در انتظار اعلان بیانیة های اقتصادی مهمی که حاوی ارائه اطلاعاتی در مورد نرخ سود سرمایه ها باشد، از انجام معاملات خودداری کردند		بعد انخفاض بورصة "وول استریت" أحجم كثير من المستثمرين عن التعامل في انتظار بيانات اقتصادية مهمة تعطي معلومات عن أسعار الفائدة

فروشنده دوره گرد	بيع: البائع المتجول	۳۳۰
فروشنده‌گان دوره گرد سود زیادی کسب نکردند	الباعة المتجولون لم يحنوا أرباحا كثيرة	
انجام عملیات گمرکی (فارسی)	جمرك: الجمركة	۳۳۱
اتومبیل ترخیص شده از گمرک	سيارة مجركة	
سنگ بنا	حجر: حجر الأساس	۳۳۲
استانداری شمال در مراسم کلنگ زنی (و گذاشتن سنگ بنای) طرح تأمین آب آشامیدنی و طرح روشنایی جاده کمربندی شهر طرابلس شرکت کرد	شاركت محافظة الشمال في وضع حجر الأساس لمشروع تأمين مياه الشرب ومشروع إنارة الشارع الالتفافي لمدينة طرابلس	
کشیدن چک	حرر: تحرير الشيك	۳۳۳
بخاطر کشیدن یک چک بی محل (بعنوان حامل)، به زندان افتاد	حرر شيكا (لحامله) من دون مئونة، مما أدى إلى سجنه	
انواع سوخت	حرق: المحروقات	۳۳۴
صاحبان پمپ بنزینها شلنگ پمپها را (به نشانه اعتصاب) برافراشتند	أصحاب محطات المحروقات رفعوا خراطيم المضخات	
سهامیه	حصص: الحصص	۳۳۵
بخاطر کمبود کالا، سهامیه بندی اجرا شد	تم تطبيق المحاصصة لندرة السلع	
مدیر عامل بانک	حكم: حاكم المصرف	۳۳۶
مدیر عامل بانک مرکزی لبنان با صدور بخشنامه ای از همه بانکها خواست، تراز ماهیانه معاملات روزانه خود را برای بانک مرکزی ارسال دارند	أصدر حاكم مصرف لبنان تعميما، يقضي بتزويد مصرف لبنان ببيان شهري للصفقات اليومية في جميع المصارف	
ذخیره	حيط: الاحتياطي	۳۳۷
ذخیره استراتژیک	الاحتياطي الاستراتيجي	
کاسته شدن تابش ماه	خسف: الخسوف	۳۳۸
تخفیف سالیانه قیمت‌ها (کنایه تبلیغاتی)	الخسوف السنوي للأسعار	
برنامه	خط: الخطة	۳۳۹



لجنة الاقتصاد والموازنة أقرت قانون الخطة الخمسية	کمیسیون اقتصاد و بودجه، قانون برنامه پنجساله را تصویب کرد
۳۴۰ خفض: الانخفاض انخفض مؤشر بعض الشركات المساهمة في سوق أسهم بيروت مطلع الأسبوع الحالي	کاهش در آغاز هفته جاری ارزش سهام برخی شرکتهای سهامی، در بورس سهام بیروت کاهش یافت
۳۴۱ دخل: المدخول عليكم أن تأخذوا مدخول الشعب في الحساب، عند تحديد الضرائب	درآمد باید هنگام تعیین مالیاتها، میزان درآمد مردم را در نظر بگیرید
۳۴۲ دَر: إدار المدخول هذه الحرفة تدرّ لي مدخولا إضافيا	کسب درآمد این پیشه برای من باعث کسب درآمد اضافی می شود
۳۴۳ دعم: الدعم رفعت الحكومة الدعم عن الكهرباء	یارانه دولت پرداخت سوبسید برای برق را قطع کرد
۳۴۴ دنو: الراتب المتمدني رواتب موظفي الدولة باتت متدنية بالنسبة لمتطلبات الحياة	دستمزد پائین حقوق کارمندان دولت، نسبت به نیازمندیهای زندگی در سطح پائینی قرار گرفته است
۳۴۵ دول: التداول ملخص عمليات التداول الشهري	گردش کار خلاصه عملیات گردش کار ماهانه
۳۴۶ دين: الاستدانة استدانت إدارة الشركة مليون دولار، لإعادة إطلاقها بالمستوى اللائق	وام گرفتن مدیریت شرکت برای تحوّل کیفی آن به سطحی مطلوب، یک میلیون دلار وام گرفت
۳۴۷ دين: المديونية المديونية العالمية تجاوزت ۱۳۰ في المائة من الناتج الداخلي الخام، وتزداد بنسبة تتراوح بين ۶ و ۸ في المائة سنويا وتترتب عليها نتائج كارثية	بدهی بدهی جهانی از میزان ۱۳۰٪ تولید ناخالص ملی فراتر رفته و سالانه بین ۶ و ۸ درصد افزایش می یابد. این افزایش نتایج وحشتناکی (ناگواری) بدنبال خواهد داشت
۳۴۸ دين: المديونية	بدهی

ارتفعت مديونية الحكومة الفيدرالية الأمريكية (أي ما تستدينه الحكومة لتمويل مصروفاتها) بنسبة عشرة بالمائة في السنة	بدهی دولت فدرال آمریکا (یعنی استقراض دولت برای تأمین هزینه های آن) در یک سال ۱۰٪ افزایش یافت
۳۴۹ ذخیر: المدخر إعطاء هذه الحوافز يشجع المواطنين الراغبين بتوظيف مدّخراتهم الصغيرة	پس انداز دادن این جوایز شهروندان را برای بکار گیری اندوخته های اندک خود تشویق می کند
۳۵۰ رأس: الرأسمال بدأ مسؤولوا الحكومة اللبنانية حديثهم الشّيق عن دخول رساميل هائلة للاستثمار بعد الإعفاءات الضريبيّة والتسهيلات التي وفّرها القانون الجديد	سرمایه مسئولان رژیم لبنان با آب و تاب از ورود سرمایه های هنگفت به کشور در پی معافیت های مالیاتی و تسهیلات اعطایی توسط قانون جدید، سخن گفتند
۳۵۱ ربع: التربع السياسيون وكبار أصحاب الرتب العسكريّة في ذلك البلد هم أصحاب أسهم كبار، يتربعون في مجالس إدارة الشركات الكبرى	چهار زانو نشستن، تکیه زدن سیاستمداران و رده های بالای ارتشی (درجه داران ارتشی) در آن کشور بیشترین سهام را در تملّک خود داشته، بر تخت مدیریت شرکتهای بزرگ تکیه زده اند
۳۵۲ رجاً: الإرجاء أرجأت البلدان الأوروبية قرار الوحدة النقديّة	به تأخیر انداختن کشور های اروپایی تصمیم آغاز پول واحد را به تعویق انداختند
۳۵۳ رسم: الرسوم طالب بتعديل لائحة البضائع المعفاة من الرسوم الجمركيّة	مالیاتها خواستار اجرای تعدیل (اصلاحیه) در لیست کالاهای معاف از پرداخت مالیاتهای گمرکی شد
۳۵۴ رغف: رغيف الخبز أكثر شعوب العالم الثالث تحتاج في تأمين رغيف الخبز وضمان هناء العيش أن تمدّ يدها للغرب	قرص نان اکثر ملّتهای جهان سوم، برای تأمین قرص نان (قوت لا يموت)، و تضمین آرامش زندگی، چاره ای جز دراز کردن دست کمک به غرب ندارند
۳۵۵ زفت: تزفيت الشوارع	اسفالت کردن خیابانها



شورای شهرداری یک مناقصه عمومی برای اجرای طرح آماده سازی (زیر سازی) و آسفالت کوچه های محله قدیمی اعلام کرد	أعلن مجلس البلدية مناقصة عمومية لمشروع تعبيد وتزفيت زوارب الحي القديم	
تقلب	زور: التزوير	۳۵۶
بانك مركزى لبنان به بانکهای تجارتي وبنگاههای صرافی اعلام کرد: اسکناسهای تقلبی از رده ۱۰۰ دلار آمریکا و ۵۰۰ ریال سعودی، وارد بازار شده است	أعلم مصرف لبنان المصارف التجارية ومؤسسات الصرافة، عن وجود أوراق مزورة من فئات المئة دولار أمريكي والخمسمئة ريال سعودي في الأسواق	
مزایده	زید: المزاد	۳۵۷
مؤسسة، مزایده ای را به اجرا گذاشت	أجرت المؤسسة مزادا علنيا	
تسویه حساب	سد: التسديد	۳۵۸
مجلس شورا در خلال بررسی لایحه بودجه، تسویه بخشی از بدهیهای خارجی را منظور نمود	لحظ مجلس الشورى خلال درسه مشروع الموازنة، تسديد قسم من الديون الخارجية	
قاچاق کردن	سرب: التسريب	۳۵۹
نیروهای شهربانی (نیروهای انتظامی) موفق شدند از قاچاق طلا به خارج از کشور جلوگیری کنند	تمكنت قوات الأمن العام من إيقاف تسريب الذهب إلى خارج البلاد	
نرخ گذاری	سعر: التسعير	۳۶۰
کمیته نرخ گذاری کالاها	لجنة تسعير السلع	
کالا	سلع: السلعة	۳۶۱
نوسان در ارزش پول ملی، روی نرخ مواد غذایی اثر منفی گذاشت	انعكست البلبلة في سعر العملة الوطنية سلبا على أسعار السلع الغذائية	
پیش پرداختها	سلف: التسليفات	۳۶۲
حجم پیش پرداختها با تصمیم وزارت اقتصاد افزایش یافت، و بین بخشهای اقتصادی توزیع شد	تطور حجم التسليفات بقرار من وزارة الاقتصاد، وتوزعت على القطاعات الاقتصادية	
پیش پرداخت	سلف: السلفة	۳۶۳



هیأت وزیران، با اعطای پیش پرداخت برای تأمین حقوق معلمان موافقت کرد	مجلس الوزراء أقرّ سلفة لتغطية سلسلة رواتب المعلمين	
سطح سیاست حفظ سطح مصرف داخلی	سوي: المستوى سیاسة الاحتفاظ بمستوى الاستهلاك المحلي	۳۶۴
مشکوک معاملات مشکوک	شبه: المشبوه الصفقات المشبوهة	۳۶۵
محموله وصول سالم محموله ها را به مقصد خود، در هر جای جهان کاملاً تضمین می کنیم	شحن: الشحنة نعطي ضمانات تامة لوصول الشحنة سالمة لوجهتها في أي مكان من العالم	۳۶۶
شکاف، فاصله تحمیل مالیتهای سنگین به شهروندان، شکاف بین آنان ودولت را فزونی می بخشد	شرح: الشرح فرض ضرائب باهظة على المواطن، يوسع الشرح بينه وبين الدولة	۳۶۷
لایحه دیروز جراید فرانسه با لایحه ناظر بر لغو امتیازات مالیاتی ویژه روزنامه نگاران، مخالفت کردند ودست به اعتصاب زدند	شرع: المشروع احتجّت الصحف أمس في فرنسا احتجاجاً على المشروع القاضي بإلغاء الامتيازات الضريبية الخاصة بالصحافيين	۳۶۸
مجموعه، کلکسیون این کلکسیون بین حضاری که به خرید از آن اقدام کردند، بموفقیت چشم گیری دست یافت	شکل: التشکيلة لقد لاقت هذه التشکيلة النجاح الباهر لدى الحضور الذين أقبلوا على شرائها	۳۶۹
فلج شدن حرکت اقتصادی در منطقه شمالی کشور فلج شده است	شلّ: الشلل الحركة الاقتصادية مشلولة في المتن الشمالي	۳۷۰
چک کشیدن چک بلا محل ممنوع است	شیک: الشيك ممنوع إصدار الشيكات بلا رصيد	۳۷۱
شکاف آخرین لحظه عمر نظام سرمایه داری را نمی توان حدس زد، اما بدون شک ضررهای ناشی از عملیات ادغام پیاپی شرکتها، و خرید آنها	صدع: الصدع لا يمكن التنبؤ بالنقطة التي سيتوقف عندها التمرکز الرأسمالي، لكن الأكيد أنّ الأضرار التي تسبّب بها عمليات الدمج المتلاحق للشركات	۳۷۲

توسط شرکتهای دیگر، بتدریج شکافهای خود را بر پیکر این نظام وارد می کند	وشرائها من قبل شركات أخرى، قد بدأت تحدث صدوعا في جسم البنيان	
بانک	صرف: المصرف	۳۷۳
مدیر عامل بانک مرکزی	حاکم المصرف المركزي	
معامله	صفق: الصفقة	۳۷۴
دولتهای منطقه در نظر ندارند با اسرائیل معاملاتى منعقد نمایند	دول المنطقة لا تنوي إبرام صفقات مع إسرائيل	
چک	صك: الصك	۳۷۵
چك تضمين شده	صك موثق	
صيد کردن	صيد: الاصيداد	۳۷۶
صیاد بدام انداختن یک کوسه ماهی را، چاشت صبحگاهی با ارزشی به حساب آورد	اعتبر الصياد اصطياد سمكة القرش رزقة صباحية ثمينة	
تورم	ضخم: التضخم	۳۷۷
تورم اقتصادی	التضخم الاقتصادي	
مالیات	ضرب: الضريبة	۳۷۸
کمیسیون اقتصاد، لیستی از کالاهای مشمول مالیاتهای جدید را منتشر ساخت	نشرت اللجنة الاقتصادية لائحة بالمواد الخاضعة للضرائب الجديدة	
بهدر رفتن	ضيع: الضياع	۳۷۹
نرخ سبزیجات، بین تاجر عمده فروش و بقال خرده فروش هدر می رود	أسعار الخضار تضيع بين تاجر الجملة وبائع المفرق	
وجهه اقتصادی	طبع: الطابع الاقتصادي	۳۸۰
وزیر خارجه ارمنستان به مذكرات خود در بیروت وجهه اقتصادی داد	أعطى وزير خارجية أرمينيا طابعا اقتصاديا لمحادثاته في بيروت	
کوبیدن، آرد کردن	طحن: الطحن	۳۸۱
بزرگترین قشر ملت، زیر بار رکود اقتصادی در حال خرد شدن است	الشريحة الاجتماعية الكبرى مطحونة بالركود الاقتصادي	
قابل فروش	طرح: المطروح للبيع	۳۸۲
وسایل منقول آماده فروش عبارتست از: یک	المنقولات المطروحة للبيع هي:	



دست کاناپه هشت نفره، میز سیگار متوسط، میز ناهار خوری، هشت عدد صندلی کمد چهارکشویی، ۴ عدد لوستر، یک قالیچه تخت دو نفره با دو جالباسی، تخت بچگانه یخچال سفید دو در ۲۱ فوت مارک سامسونگ، واجاق گاز ثابت ۴ شعله	طقم کنبایات من ثمانی قطع وطاولة وسط للسجایر وطاولة طعام وثمانية کراسي وخزانة أربع جواریر وثریا عدد أربع وسجادة صغيرة وسریر مزدوج مع کومودینة عدد ۲ وسریر للطفل وبراد لون أبيض بطبقتین ۲۱ قدما ماركة سامسونج وفرن غاز ثابت أربع عیون	
صدر شرکت (دیوو) در صدر شرکتهای کره است. وبعنوان پنجه آهنین امپریالیسم کره محسوب می شود	طلع: الطلیعة تأتي شركة (دایوو) في طلیعة الشركات الكورية وتشکل القبضة الحديدية للإمبریالية الكورية	۳۸۳
جلب اطمینان وزیر اقتصاد برای جلب اطمینان مردم نسبت به عدم تزلزل در ارزش پول، پیامی صادر کرد	طمین: التطمین وجه وزیر الاقتصاد رسالة تطمین إلى الشعب، حول عدم تدهور سعر العملة	۳۸۴
تحول کشور نیازمند رشد نیروی انسانی است	طور: التطویر البلد بحاجة الى تطویر الموارد البشرية	۳۸۵
مشکل، مصیبت آمار اسرائیلیان زیر خط فقر افزایش یافت	عتب: العتبة تزايد عدد الإسرائيلین تحت عتبة الفقر	۳۸۶
کسر بودجه پرداخت حقوقهای جدید، باعث افزایش کسر بودجه واستقراض از پشتوانه خزانه شد	عجز: العجز في الموازنة دفع الرواتب الجديدة أدى إلى عجز إضافي في الموازنة، وإلى الاستدانة بواسطة سندات الخزينة	۳۸۷
کنتور آب سازمان آب صیدا هزار لیتره بعنوان عوارض نگهداری کنتور به عوارض آب اضافه کرد	عدد: عدد المياه أضافت مصلحة مياه صیدا ألف لیتره إلى رسوم المياه كرسوم صيانة للعداد	۳۸۸



عرضه و تقاضا اوضاع اقتصادی تابع قانون عرضه و تقاضاست	عرض: العرض والطلب الأوضاع الاقتصادية خاضعة لنظام العرض والطلب	۳۸۹
معاف کردن معافیت از مالیاتهای گمرکی	عفو: الإعفاء الإعفاء من الرسوم الجمركية	۳۹۰
مارک مارکهای صنعتی	علم: العلامة العلامات الصناعية	۳۹۱
جهان گرایی کاهش مالیاتها، تشجيع بخش خصوصی، انعطاف در بازار کار و قدرت خرید، از تبعات (ضروریات) سیاست "جهان گرایی" (جهانی شدن) است	علم: العولمة إن تخفيض الضرائب وتشجيع القطاع الخاص والمرونة في سوق العمل والقدرة الشرائية، كلها من متطلبات "العولمة"	۳۹۲
سازندگی نماینده مخالف، سازمان توسعه و عمران را به فساد و پارتی بازی متهم کرد	عمر: الإعمار اتهم النائب المعارض مجلس الإنماء والإعمار بالفساد والمحسوبية	۳۹۳
عمران همچنانکه کینه توزترین دشمنانش می گویند، برنامه خود برای عمران را بدون ملاحظه جنبه انسانی آن، صرفاً روی اقتصاد مادی تنظیم کرد	عمر: الإعمار حوّل مشروعه في الإعمار إلى مجرد بناء للحجر دون البشر، كما دأب على القول ألد خصامه	۳۹۴
برخورد نسبت به لزوم برخورد جدی با فرایند (دستاوردها) سیستم بازرگانی جدید جهانی تأکید کرد	عمل: التعامل نوّه بضرورة التعامل الجادّ مع معطيات النظام التجاريّ الدوليّ الجديد	۳۹۵
پول، ارز کشورهای اتحادیه اروپا، موافقت خود را با اجرای نظام پول واحد اعلام کردند (کشورهای اتحادیه اروپا، با اجرای نظام پول واحد موافقت کردند)	عمل: العملة اتفقت دول الاتحاد الأوروبي على تطبيق نظام العملة الموحدة	۳۹۶

<p><b>عوض: التعويض</b></p> <p>بأشهر مكتب المحافظ دفع شيكات القسط الأخير عن تعويضات المواطنين الذين تضررت منازلهم ومحالهم التجارية خلال العدوان الإسرائيلي على الجنوب</p>	<p><b>جبران خسارت</b></p> <p>دفتر استاندار صدور چک برای پرداخت آخرین قسط بعنوان جبران خسارتهای وارده به منازل و محلهای تجاری شهروندان، که در اثر حملات اسرائیل به جنوب متحمل شده اند، آغاز کرد</p>
<p><b>عیل: راتب الإعالة</b></p> <p>تم ضبط أحد الأثرياء، بعد ما اعتاد لسنين طويلة على تسلّم راتب الإعالة من صندوق التنمية الاجتماعية</p>	<p><b>مستمرى بازنشستگی</b></p> <p>یک فرد ثروتمند، پس از چندین سال دریافت مستمری بازنشستگی از صندوق توسعه اجتماعی، بازداشت شد</p>
<p><b>فتر: الفاتورة</b></p> <p>يرجى من الزبائن الكرام تسديد الفواتير، مطلع كل شهر</p>	<p><b>فاكتور</b></p> <p>از مشتریان گرامی انتظار می رود در آغاز هر ماه، فاکتورهای خویش را تسویه کنند</p>
<p><b>فدح: الضرر الفادح</b></p> <p>السييل الجارف ألحق أضرارا فادحة بمزارع الشمندر السّكّريّ</p>	<p><b>خسارت سنگين</b></p> <p>جاری شدن سیل، خسارتهای سنگینی به مزارع چغندر قند وارد کرد</p>
<p><b>فرق: المفترق</b></p> <p>البيع بالجملة والمفترق</p>	<p><b>خرده (فروشی)</b></p> <p>فروش جزئی و کلی (خرده و عمده)</p>
<p><b>فقر: خط الفقر</b></p> <p>حدّدت لجنة المال و الموازنة خطّ الفقر المدقع (الخطّ الأدنى للفقير) ، وخطّ الفقر المطلق (الخطّ الأعلى للفقير)</p>	<p><b>شاخص فقر</b></p> <p>کمیسیون دارایی و بودجه، شاخص فقر کامل (پائین ترین میانگین فقر) و فقر مطلق (بالا ترین میانگین فقر) را تعیین کرد</p>
<p><b>فلاس: الإفلاس</b></p> <p>أعلنوا إفلاس الشركة المساهمة في بورصة الأوراق الماليّة</p>	<p><b>ورشکستگی</b></p> <p>ورشکستگی آن شرکت سهامی را در بورس اوراق بها دار، اعلام کردند</p>
<p><b>فيض: الفائض</b></p> <p>سجّل ميزان المدفوعات في شبكة كهرباء لبنان من الشهر الفائت، فائضا ملحوظا يساوي ٠٩</p>	<p><b>افزایش</b></p> <p>حجم پرداختها در شبکه برق لبنان در ماه گذشته، تفاوتی آشکار معادل ٠٩٪ نسبت به</p>



ماه قبل از آن را نشان داد	% بالنسبة إلى الشهر الأسبق	
بخش یک کمیته مشترک بین بخش دولتی و بخش خصوصی برپا کردند	قطع: القطاع أقاموا لجنة مشتركة بين القطاع العام والخاص	۴۰۵
بریدن دلار به بالاترین ارزش خود در برابر ین ژاپن در طول چهار سال گذشته صعود کرد	قفز: القفز قفز الدولار إلى أعلى مستوياته أمام الين، منذ أكثر من أربع سنوات	۴۰۶
مهارتورم دولت را بخاطر عدم پرداخت حقوق ها به بهانه مهارتورم بشدت مورد انتقاد قرار داد	کبح: کبح التضخم انتقد الحكومة بشدة لعدم دفعها الرواتب بغرض كبح التضخم	۴۰۷
اشياء لوکس بخشنامه عوارض اشياء لوکس همچنان معتبر است	کمل: الكماليات مرسوم ضرائب الكماليات لا يزال ساري المفعول	۴۰۸
پاسخگوئی شرکت توانست پاسخگوی میزان نیاز داخلی باشد	لبي: التلبية تمكنت الشركة من تلبية الطلب المحلي	۴۰۹
اهمال چرا سازمان برق نسبت به تهیه کنتور برای مشترکین این روستا اهمال می کند؟	لکأ: التلكؤ لماذا تتلکأ مؤسسة الكهرباء في إعداد ساعات للمشاركين في هذه القرية؟	۴۱۰
الماس کلکسیون الماسهای تابناکی که جمهوری اسلامی ایران به معرض <u>آزمایش</u> (نمایش) گذارد، از نظر حجم، حاوی بیش از نیمی از الماسهای دنیاست و از نظر درخشش از هر مجموعه دیگری در دنیا زیباتر است	موس: الماس تضم مجموعة الماسات المبهرة التي عرضتها جمهورية إيران الإسلامية أكثر من نصف الماسات العالم الأكبر حجما وتفوق مجموعة الزمردات تالفا أي مجموعة في أي مكان آخر	۴۱۱
سرمایه گذاری مجلس شورا به دولت اجازه داد که برای طرحهای توسعه، از سرمایه گذاری خارجی	مول: التمويل أجاز مجلس الشورى للحكومة إلى تمويل خارجي لمشاريعها التنموية	۴۱۲



استفاده کند		
<b>تولید</b> کارگران تولیدی های لباس مجبور به ترک پیشه خود هستند، و تولید آنها پائین است (به دلیل پایین بودن تولید آنها مجبور به ترک پیشه خود هستند)	<b>نتج: الإنتاج</b> عمال مصانع الألبسة مهّدون بالصرف، والإنتاج كاسد	٤١٣
<b>بخت آزمایی</b> دو نوع بخت آزمایی	<b>نصب: اليانصيب</b> اليانصيب - اللوتو	٤١٤
<b>اجرا کردن</b> کمیتة نرخ گذاری بین المللی، موانع موجود بر سر راه اجرای معاهده را هموار کرد	<b>نقد: التنفيذ</b> لجنة التسعير الدولية، ذلّت العقبات أمام تنفيذ الاتفاق	٤١٥
<b>تقدینگی</b> در نتیجه ازدیاد (افزایش) حجم نقدینگی پول در گردش در طول هفته گذشته شاهد افزایش ملموسی بود	<b>نقد: النقد المتداول</b> عرفت السيولة الجاهزة خلال الأسبوع المنصرم ارتفاعاً، نتيجة ازدياد حجم النقد المتداول	٤١٦
<b>مناقصه</b> سازمان آب یک مناقصه عمومی از طریق پاکتهای لاک و مهر شده برای تحویل ماده کلرور آهن برگزار می کند	<b>نقص: المناقصة</b> تجري مصلحة المياه مناقصة عموميّة بطريقة الظرف المختوم لتقديم مادّة كلور الحديـد	٤١٧
<b>مناقصه</b> اداره کل شهربانی تمایل خود را به انجام یک مناقصه عمومی برای اجرای فعالیتهای مربوط به ساختمان جدید پادگان استقلال اعلام می نماید	<b>نقص: المناقصة</b> إن المديرية العامة لقوى الأمن الداخلي تعلن رغبتها عن إجراء مناقصة عمومية لتنفيذ الأشغال العائدة لاستحداث بناء جديد في ثكنة الاستقلال	٤١٨
<b>رشد، گسترش</b> فقر در حال رشد	<b>نمو: التنامي</b> البؤس المتنامي	٤١٩
<b>توسعه</b> شرکت کنندگان، بر ضرورت ایجاد فضای	<b>نمو: التنمية</b> رکّز المشاركون على ضرورة توفير المناخ للتنمية	٤٢٠

الاقتصادية	مناسب برای توسعه اقتصادی تأکید کردند
۴۲۱ هتف : الهاتف	تلفن
تعرضت كابلات هاتف الحي الجنوبي إلى تخريب مقصود (أي النشر بمنشار)	کابل‌های تلفن محله جنوبی مورد تخریب عمدی قرار گرفت (با اژه قطع شده بود)
۴۲۲ هلك : الاستهلاك	مصرف
السلع الأخرى (غير البنزين) مهددة بتراجع استهلاكها، إذا زيدت الرسوم عليها	در صورت افزایش مالیات بر کالاهای دیگر (غیر از بنزین)، میزان مصرف آنها کاهش پیدا می کند
۴۲۳ هلك : التعاونية الاستهلاكية	شرکت تعاونی مصرف
صولد (solds) وحسم، يتراوح بين عشرة وعشرين بالمائة على السلع الغذائية في التعاونية الاستهلاكية	حراج و تخفیف بین ۱۰ تا ۲۰ درصد روی مواد غذایی در شرکت تعاونی مصرف
۴۲۴ هود : حرب بلا هودة	نبرد بی امان
تشنّ شركات الكمبيوتر اليابانية حرب أسعار لا هودة فيها، على الشركات المنافسة الغربية	شرکت‌های کامپیوتری ژاپنی، نبردی بی امان را علیه شرکت‌های اروپایی رقیب خود شروع کرده اند
۴۲۵ ودع : الإيداع	واریز پول
على الراغبين في الشراء أن يودعوا باسم رئيس دائرة تنفيذ المصلحة قبل المباشرة بالمزايدة لدى صندوق الخزينة أو أحد المصارف المقبولة مبلغاً وقدره ١٠٠٠ دولار أمريكي	علاقمندان خرید باید قبل از شرکت در مزایده، مبلغی معادل ۱۰۰۰ دلار آمریکا به حساب رئیس هیأت اجرائی سازمان، نزد صندوق یا یکی از بانک‌های مورد قبول واریز نمایند
۴۲۶ ورد : الاستيراد	وارد کردن
منعت وزارة الزراعة السورية استيراد لحوم الأبقار من هولندا، حيث سجّلت إصابة شخصين بمرض البقرة المجنونة	پس از ثبت ابتلای دو نفر به بیماری جنون گاوی در هلند، وزارت کشاورزی سوریه واردات گوشت از این کشور را ممنوع ساخت
۴۲۷ ورد : التوريد	وارد کردن
تعلن الشركة عن حاجتها لتوريد وتركيب تجهيزات معمل لقوالب الجليد في وحدة تبريد	شرکت نیاز خود را به وارد کردن و ترکیب تجهیزات کارخانه یخ، در واحد یخ سازی



العاصمة	پایتخت اعلام می کند
٤٢٨ ورد: الواردات	دریافتهها دولت مجبور شد برای تأمین هزینه ها، عوارض و مالیاتهای جدیدی را برای اخذ دریافتهای جدید وضع کند
٤٢٩ ورش: الورشة	پروژه شرکت پروژه کاری را تحویل گرفت، و ماکت آنرا به متخصصین عرضه کرد
٤٣٠ وزن: الموازنة العامة	بودجه عمومی کم کردن سهم وزارت از بودجه عمومی
٤٣١ وضع: وضع اليد	مصادره، تصرف قانون جدید به مدیر عامل بانک مرکزی لبنان اجازه میدهد، هر بانکی را که روشن شود، در وضعیتی نیست که بتواند بکار خود ادامه دهد، تحت کنترل خود قرار دهد
٤٣٢ وضع: الوضع المعيشي	وضعیت زندگی از جایگاه وضعیت زندگی (وضع اقتصادی مردم) در چارچوب اولویتهای دولت سؤال کرد

٤٣٢ أجمع: تأجيج النار	برافروختن آتش آشفتگی تبلیغاتی که برخی سیاسیون کشور به آن دامن زده بودند، فروکش کرد
٤٣٣ أصل: الأصولية	بنیادگرایی بینش گذشته گراء به بنیاد گرایی <u>سوق می</u> یابد (نشأت میگیرد)
٤٣٤ أقلم: التأقلم	سازگاری با محیط بر این عقیده بود که : وضع انسان در جهان کنونی، همچون قورباغه است که میتواند خود



را با درجات حرارت مختلف سازگار نمایند		
<b>اثر انگشت</b> او از جمله مردانی است که آثار خود را روی سیر حوادث در اواخر قرن بیستم برجای گذاشته اند	<b>بصم: بصمة الإصبع</b> هو من الرجال الذين تركوا بصماتهم على مسيرة الأحداث، في نهايات القرن العشرين	۴۳۵
<b>موج</b> چین، قلب خود را در برابر موج فرهنگی سیل آسیای آمریکائی گشوده است	<b>تیر: التيار</b> فتحت الصين قلبها أمام تيار ثقافي أمريكي جارف	۴۳۶
<b>فرهینختن، تربیت کردن</b> تلویزیون به فعالترین ابزار رشد فرهنگی کودک تبدیل شده است	<b>ثقف: الثقیف</b> بات التلفزيون الوسيلة الأفضل لتثقیف الطفل	۴۳۷
<b>پل زدن برای رفع شکاف</b> دبیر انجمن فرهنگی، خواستار پرکردن چالشها بین قشر فرهنگی وقشر حاکم شد	<b>جسر: تجسير الفجوة</b> دعا أمين المنتدى الثقافي إلى تجسير الفجوة بين المثقف والأمير	۴۳۸
<b>گرفتن نبض (بیمار)</b> برهه احتیاط (توأم با لحظه شماری)، وتوجه به اوضاع	<b>جس: جس النبض</b> فترة الحذر وجس النبض	۴۳۹
<b>سقط جنین</b> کورتاژ فرهنگی	<b>جهض: الإجهاض</b> الإجهاض الحضاري	۴۴۰
<b>گروه</b> اولین ظهور این گروه موزیک، جالب بود	<b>جوق: الجوقة</b> الإطلاة الأولى لهذه الجوقة الموسيقية، كانت ممتازة	۴۴۱
<b>جوهر، مرکب</b> از تمام این طرحها، فقط جوهری بر روی کاغذ باقی خواهد ماند	<b>حبر: الحبر</b> كل هذه المشاريع، ستظل حبرا على ورق	۴۴۲
<b>آبستن</b> ایران اسلامی در زمان حاکمیت شاه آبستن بود، وبا سقوط او دولتش را بدنیا آورد	<b>حبل: الحبلی</b> إيران الإسلامية كانت حبلی في زمن الشاه، وولدت دولتها بسقوط الشاه	۴۴۳

<p>منخفضى شدن</p> <p>مجله بدلائل فنى مدت دو ماه منتشر نمى شود</p>	<p>٤٤٤ حجب : الاحتجاب</p> <p>الجريدة تحتجب شهرين لأسباب تقنية</p>
<p>محال</p> <p>آنها هفتمين مورد از عجائب هفتگانه قلمداد کرد</p>	<p>٤٤٥ حول : المستحيل</p> <p>عده من سابع المستحيلات</p>
<p>اهميت</p> <p>این موضوع در حدّ زيادى (بى نهايت) خطرناک (ومهم) است</p>	<p>٤٤٦ خطر : الخطورة</p> <p>هذه القضية على مستوى من الخطورة</p>
<p>منخفضى ، نهان</p> <p>این اندیشه به دليلى رواج يافت، که بر کسى پوشيده نيست</p>	<p>٤٤٧ خفي : الخافية</p> <p>شاعت هذه الفكرة لأسباب، ليست بالخافية</p>
<p>استمرار ، جاودانگى</p> <p>هیأت وزیران صدور يك تمير يادبود برای گراميداشت ياد شاعر "الياس ابو شبكه" را تصويب کرد</p>	<p>٤٤٨ خلد : التخليد</p> <p>قرر مجلس الوزراء إصدار طابع بريدي تذكاري، تخليدا لذكرى الشاعر "إلياس أبو شبكة"</p>
<p>ماندگار کردن ، جاودان کردن</p> <p>مفتخریم شما را به مراسم بزرگداشت خاطره عطر آگین آنان دعوت کنیم</p>	<p>٤٤٩ خلد : التخليد</p> <p>نتشر بدعوتكم إلى حضور الاحتفال التكريمي الذي يقام تخليدا لذكراهم العطرة</p>
<p>توده (جمعيت) دانش آموزى</p> <p>کاهش فزاينده سالانه مجموعه دانش آموزى در مدارس رسمى لبنان، ممکنست به حاکميت کامل مدارس خصوصى بر امر آموزش وپرورش بيانجامد</p>	<p>٤٥٠ درس : الجمهور المدرسي</p> <p>نزف سنوي متصاعد للجمهور المدرسي الرسمي في لبنان، قد يصل إلى حد تولي القطاع الخاص أمور التعليم بالكامل</p>
<p>مغز الکترونيكى</p> <p>بر این اعتقاد بود که : دنيای امروز را اندیشه ها وکتابها نمى سازند، بلکه این جهان ميرود تا زیر لوای ماهواره ها ومغزهای الکترونيكى شکل بگيرد و متحد شود</p>	<p>٤٥١ دماغ : الدماغ الإلكتروني</p> <p>رأى أن العالم لم تعد تصنعه الأفكار والكتب، بل يتشكل ويزداد توحدًا عبر الأقمار الصناعية والأدمغة الإلكترونية</p>



گرداندن	دور: الإدارة	۴۵۲
گونه چپت را بسمت کسی برگردان، که بر گونه راستت نواخته است	أدر خذك الأيسر لمن يضربك على الأيمن	
چهارزانو نشستن	ربع: التربع	۴۵۳
بدون رقیب، بر عرش ستاره گری (ستاره شدن) تکیه زده است	تربع على عرش النجومية، من دون منافس	
خوش آمدگویی	رحب: الترحيب	۴۵۴
از قراری که ملاحظه شد، استقبال از حجاج شهر بعلبك با عملیات آتش بازی و راه پیمائی هایی همراه بود که پیشاپیش آنها بازیگران شمشیر بدست و سوارکاران قرار داشتند، و برای ابراز شادمانی گوسفندها را ذبح کردند	لوحظ أن الترحيب بالحجاج في مدينة بعلبك، شمل إطلاق العيارات النارية ومسيرات استقبال تقدمها لاعبو السيف والترس والخيول ونحرت الخراف ابتهاجا	
قافله جهانی	ركب: الركب العالمي	۴۵۵
اگر بخواهیم نقشی پیشتازانه در منطقه ایفا کنیم، باید به قافله جهانی ملحق شویم	لا بدّ من اللحاق بالركب العالمي، إذا أردنا لعب الدور الريادي في المنطقة	
وحشتناك	روع: المريع	۴۵۶
سخنران بحران فرهنگی در کشورهای عربی را به انحطاط وحشتناك سطح دانشگاهها و برنامه های آموزشی آنها مرتبط دانست	عزا المحاضر أزمة الثقافة في البلدان العربية إلى التفهقر المريع لمستوى الجامعات ومناهج التعليم فيها	
رومانتیزم	روم: الرومنسية	۴۵۷
موج کامپیوتر در تدارک نابودی نفس سحر انگیز رومانتیزم، با تمام زیباییهای حسی و احساسی آن است	كادت موجة الكمبيوتر تقضي على النفس الساحر للرومنسية، بمختلف جمالياتها الحسية والانفعالية	
کبر و غرور	زهو: الزهو	۴۵۸
در جشن معرفی رئیس جدید، تکبر و غرور به اوج خود رسید	بلغ الزهو مداه في احتفالات تنصيب الرئيس الجديد	
اختلاط، دوگانگی	زوج: الأزواج	۴۵۹
نمایندگانی از مجلس شورای کویت،	دعا نواب من مجلس الأمة الكويتي، إلى حضر	

التربية المزدوجة في المدارس	خواستار ممنوعیت اختلاط دختران و پسران در مدارس شدند
٤٦٠ سحر: التسحیر المسحراتي، يجوب الشوارع طيلة ليالي رمضان يدعو فيها إلى تناول السحور	بیدار کردن مردم در سحر سحر باشی در طول شبهای ماه رمضان در خیابانها می تابد، و مردم را به بیدار شدن و خوردن سحری دعوت می کند
٤٦١ سرب: التسرب التسرب المبكر من المدرسة	فرار ترک تحصیل در سنین پایین
٤٦٢ سرح: المسرح عرضت مسرحية جديدة على خشبة مسرح بيروت	تئاتر نمایش جدیدی روی سن تئاتر بیروت اجرا شد
٤٦٣ سن: التسنين قال: إن الوصول إلى تسنين الشيعة أو تشييع السنة، خطأ لا نقبل به	سنّی کردن گفت: کوشش برای سنّی کردن شیعیان، یا شیعه کردن سنیان، اشتباهی است که آنرا نمی پذیریم (اشتباهی غیر قابل قبول)
٤٦٤ شرس: الشراسة وقع في شرك هذه الحملة الشرسة	درنده خوئی در دام این حمله وحشیانه گرفتار شد
٤٦٥ شظي: الشظية هي كارثة وطنية لن ينجو أحد من شظايا تفجيرها	ترکش (برای خمپاره) این يك مصیبت ملی است، که هیچکس از ترکشهای انفجار (وعواقب وخیم آن) مصون نخواهد ماند
٤٦٦ شمر: التشمير عن الساعد شمر عن ساعد البحث، لتقصي أسباب التخلف والتردي	آستین بالا زدن، عزم را جزم کردن آستین پژوهش را بالا زد، تا در علل عقب ماندگی و اسباب فساد کنکاش کند
٤٦٧ شوش: الشاشة الصغيرة الشاشة الكبيرة والشاشة الصغيرة أظهرتا أنماطا متنوعة من لغة التعاطي مع الشاعر (المشاعر)	تلویزیون سینما و تلویزیون اشکال مختلفی از زبان برخورد با احساسات را به نمایش گذازدند (گذاشتند)



<p>صمت : دقیقه صمت</p> <p>بدأ الاحتفال بالوقوف دقيقة صمت إجلالا وإكراما لأرواح الشهداء، ثم ردد الحضور النشيد الوطني</p>	<p>يك دقیقه سکوت</p> <p>مراسم جشن با یک دقیقه قیام برای سکوت جهت بزرگداشت ارواح شهداء آغاز شد، سپس حضار سرود ملی را با هم سردادند</p>
<p>صمم : صمام الأمان</p> <p>أكد مفتي الجمهورية، أن المراجع الروحية صمام الأمان وليست بديلة للطبقة السياسية</p>	<p>سوپاپ اطمینان</p> <p>مفتی جمهوری اعلام کرد که مراجع مذهبی سوپاپ اطمینان هستند، نه جانشین دولتمردان و طبقه سیاسی</p>
<p>ضوي : الانضواء</p> <p>نأمل أن تضوي الشعوب تحت راية الإسلام</p>	<p>انضمام</p> <p>امیدواریم ملتها زیر پرچم اسلام متحد شوند</p>
<p>طرف : أطراف الحديث</p> <p>الجانبان تجاذبا أطراف الحديث</p>	<p>جوانب سخن</p> <p>طرفین از هر دری سخن گفتند</p>
<p>طول : تطاول السنين</p> <p>لا وجود الدهر بأمثاله إلا بعد تطاول السنين</p>	<p>گذشت سالیان</p> <p>تنها پس از گذشت سالیان دراز، روزگار مانند او را می پروراند</p>
<p>عرف : العرّافة</p> <p>توفيت العرّافة الأمريكية الشهيرة التي كانت تبأت بمقتل الرئيس الأمريكي "جون كيندي"</p>	<p>زن دانا (پیشگو)</p> <p>زن پیشگوی مشهور آمریکایی، که قتل رئیس جمهور آمریکا "جان کندی" را پیش بینی کرده بود، درگذشت</p>
<p>عسكر : العسكرية</p> <p>إن عددا من دعاة العالمية يدعم الإكراه الوحشي والعسكريتاري الذي قد يكون ضرورياً لتحقيق أهدافهم</p>	<p>سلطه نظامی (ترکیبی از واژه های : عسکر و پرولتاریا)</p> <p>برخی از مبلغان نظم جهانی، از اجبار وحشیانه مردم و حکومت نظامی (نظامی گری)، که ممکنست برای تحقق اهدافشان لازم شود، حمایت می کنند</p>
<p>عَضّ : عَضّ الأصابع</p> <p>يمضني في نهاية عمره أيام عَضّ الأصابع</p>	<p>انگشت به دندان گزیدن</p> <p>در آخر عمرش روزگار حسرت و ندامت را سپری می کند</p>

سرانجام این کار عاقبت خوشی ندارد	عقب : العقبی هذا أمر لا یحمد عقباه	۴۷۶
مکتب اصالت عقل در جهان بینی پیرو مکتب عقل گرایی است	عقل : العقلانویة هو من أتباع العقلانویة فی الرؤیة الکوئیة	۴۷۷
رسانه های گروهی نمایندگان جناح مخالف، بر لزوم معالجه معضل رسانه های صوتی و تصویری تأکید کردند	علم : الإعلام نواب المعارضة ركزوا على معالجة أزمة الإعلام المرئي والمسموع	۴۷۸
بازگشت مجدد عید این عید با خیر و برکت برای شما تجدید گردد	عود : الانعیاد ینعاد علیکم العید بالخیر والبركة	۴۷۹
تجاوز به زنان موارد تجاوز و تعرض جنسی به زنان، در برخی کشورهای غربی گسترش یافته است	غصب : الاغتصاب ازدادت حالات الاغتصاب والتحرش الجنسي فی بعض الدول الغربية	۴۸۰
بیش بسته و محدود می کوشد از لاک استشراف بسته و تنگ بیرون رود	غلق : الانغلاق یحاول الخروج من قوقعة الاستشراف المنغلق	۴۸۱
عشوه گری آن زن هنرپیشه را به یک بلوند عشوه گر، توصیف کرد	غنج : الغنج وصف الممثلة بأنها الشقراء المغناج	۴۸۲
دورنگهداشتن افکار عمومی نماینده مجلس تلاش برای کنار زدن افکار عمومی را محکوم کرد	غیب : التغیب شجب النائب المحاولات التي ترمي إلى تغیب الرأي العام	۴۸۳
پنهان کردن فرشته مرگ یکی از بزرگان عالم روزنامه نگاری را در کام کشید	غیب : تغیب الرأي العام غیب الموت واحدا من كبار رجال الصحافة	۴۸۴
از هم گسستگی جوامع در شرف فروپاشی و نابودی	فك : التفكك المجتمعات الآخذة بالتفكك والانھیار	۴۸۵
مراسم مذهبی	قدس : القداس	۴۸۶



توزعت مواضيع المؤتمر على محاور عدة وانتهى بقُداس	مسائل کنفرانس به چند محور تقسیم شد و با انجام مراسم مذهبی پایان یافت
۴۸۷ قدس: قدّاس الأحد أحد القساوسة أبلغ المشاركين في قدّاس الأحد في كنيسة القديس حنا، أن راعي الأبرشية سيتّحي عن منصبه	مراسم مذهبی روز یکشنبه یکی از کشیشان در مراسم مذهبی روز یکشنبه در کلیسای حناى مقدس اعلام کرد، که سرپرست حوزه مسیحی از سمت خود کناره گیری می کند
۴۸۸ قدم: على قدم وساق الاستعدادات جارية على قدم وساق للاحتفال بالعام ألفين	در دست اجرا، در حال انجام تدارکات مربوط به برگزاری جشن حلول سال ۲۰۰۰ در حال انجام است
۴۸۹ قرصن: القرصنة هناك قرصنة ثقافية تقدم على السطو، على حقوق نسخ الأشرطة المسجلة وأقراص الكمبيوتر المدمجة	دزدی دریائی یک عملیات دزدی فرهنگی، به قصد سيطره بر حقوق تکثیر نوارهای کاست و دیسکتهای مونتاژ کامپیوتری، در شرف انجام است
۴۹۰ قرط: القرط حذر رئيس أركان الجيش في جزر القمر النساء والفتيات من ارتداء الثّورات القصيرة والرجال من تظفير شعورهم وارتداء القلادات أو الأقراط	گوشواره رئیس ستاد ارتش جزایر کومور، زنان و دختران را از پوشیدن دامنهای تنگ و مردان را از بافتن مو و استعمال گردنبند یا گوشواره بر حذر داشت
۴۹۱ قرف: اقتراف الجريمة وصف بيان عاصمة الكتلكة (الفاتيكان) تجربة الاستنساخ البشري، بأنها تكرار لاقتراف الخطيئة الأولى: الحلول محلّ الله	ارتکاب جنایت بیانیه واتیکان (پاتیخت کاتولیکها) تجربه مشابه سازی بشری (شبه سازی انسان) را تکرار ارتکاب اولین خطای بشر یعنی: نشستن بجای (در جایگاه) خدا قلمداد کرد
۴۹۲ قزم: القزم هاجمه بعنف، ووصفه بالقزم السياسي	مرد یا زن پست، کوتوله بشدت به او حمله کرد، و او را یک کوتوله سیاسی خواند
۴۹۳ کل: إكليل الزهر وضع إكليلا من الزهر على أضرحة الشهداء	تاج گل تاجی از گل بر فراز مزار شهیدان گذارد

<p>۴۹۴</p> <p>كس: التكلس</p> <p>عبر عن خوفه إزاء التكلس الذي يحول بين الإسلام وبين إعادة صياغة حياة الناس</p>	<p>تبدیل شدن به آهک، جمود و گج گرفتگی</p> <p>نگرانی خویش را از جمودی که اسلام را از بازنگری در ساختار زندگی مردم باز می دارد، بیان داشت</p>
<p>۴۹۵</p> <p>كس: المتكلس</p> <p>الصيغ الفكرية المتكلسة جعلت ذلك البلد في دوامة العنف</p>	<p>آهک زده</p> <p>افکار منجمد آهک زده، آن کشور را روی گردونه تجاوزز (گرداب خشونت) قرار داده است</p>
<p>۴۹۶</p> <p>كمل: الكماليات</p> <p>لفت النائب الأنظار إلى ضرورة وضع حدّ لحجم استيراد الكماليات وفرض الرسوم والضرائب عليها</p>	<p>اشياء لوکس</p> <p>نماینده توجه حضار را به لزوم محدود کردن حجم واردات اشياء لوکس و اخذ مالیات و عوارض از آن جلب کرد</p>
<p>۴۹۷</p> <p>لحم: اللحمة:</p> <p>نأمل أن تعود اللحمة الى داخل الأمة</p>	<p>همبستگی</p> <p>آرزو می کنیم همبستگی واتحاد، امت را فرا گیرد</p>
<p>۴۹۸</p> <p>لحي: اللحية</p> <p>الدولة الأفغانية فرضت إطلاق اللحي على الرجال</p>	<p>ریش</p> <p>دولت افغانستان، گذاشتن ریش برای مردان را الزامی اعلام کرد</p>
<p>۴۹۹</p> <p>لقط: اللقطات</p> <p>تعجّ مشاهد هذا المسلسل التلفزيوني باللقطات اللاأخلاقية المبتذلة</p>	<p>تصاویر</p> <p>بخشهای مختلف این سریال تلویزیونی مملو از تصاویر مبتذل غیر اخلاقی است</p>
<p>۵۰۰</p> <p>مص: الامتصاص</p> <p>امتصاص الصين للبوذية من الهند عجز عن انتاج (هندنة) الصين، وسبب بدل ذلك (تصيين) البوذية</p>	<p>مکیدن، ارتزاق</p> <p>چینی ها شیره بودیسم هندی را مکیدند، اما این مسأله نتوانست چین را هندی کند، بلکه بجای آن بودائیسیم را چینی کرد</p>
<p>۵۰۱</p> <p>مطر: المطران</p> <p>انتخب المجلس الأعلى للطائفة الأرمنية الأرثوذكسية، القائم بمقام مطران الطائفة مطراناً</p>	<p>اسقف</p> <p>شورای عالی طایفه ارامنه ارتدوکس، قائم مقام سراسقفی این طایفه را بعنوان سراسقف</p>



أصيلاً لها	انتخاب کرد
۵۰۲ نبرس: النبراس اعتبر الشهداء نبراس الوطن	مشعل شهدا را مشعلهای وطن نامید
۵۰۳ نجم: النجومية يبحث عن النجومية عن طريق: خالف تعرف	ستاره شدن، کسب شهرت از طریق تتوری (مخالفت کن تا مشهور شوی) بدنبال شهرت می گردد
۵۰۴ نحب: النحب نحنينا لن يجد آذاناً صاغية	ناله ناله ما گوش شنوایی نخواهد یافت
۵۰۵ نرجس: النرجسية بعض المثقفين يطلبون للسلطة، وبعضهم يضعون على رؤوسهم هالة النرجسية	نخوت و تکبر برخی از روشنفکران سنگ رژی را به سینه می زنند، و برخی دیگر تاجی از تکبر و غرور بر سر خود نهاده اند
۵۰۶ نصب: نصب الأمومة أقام وزير الثقافة والإعلام احتفالاً بعيد الأم وإزاحة الستار عن نصب الأمومة	ستون یاد بود مقام مادر وزیر فرهنگ و ارشاد برای گرامیداشت روز مادر و پرده برداری از ستون یادبود مقام مادر جشنی برپا کرد
۵۰۷ نمل: الأنملة هذه المدرسة الدينية تخرّجت رجالاً، لا يملون قيد أنملة عن منهاج الأحكام الشرعية	بند انگشت این مدرسه دینی مردانی را پرورانده است، که اندازه یک بند انگشت از مسیر احکام شرعی فاصله نمی گیرند
۵۰۸ نهج: المنهجية نحن نخطئ والغرب يمنهج خطأنا، ويستثمره	قانونمند کردن ما خطا می کنیم و غرب خطای ما را کانالیزه و قانونمند می کند، و از آن بهره برداری می کند
۵۰۹ نهج: مناهج التعليم مجلس الوزراء أقرّ مرسوم تحديد مناهج التعليم العام ما قبل الجامعي	برنامه های آموزشی هیأت وزیران بخشنامه تعیین شیوه های آموزش همگانی پیش دانشگاهی را تصویب کرد
۵۱۰ نوي: النوايا	اهداف، ایده ها

فرصة متاحة له ليحقق نواياه	برای تحقق اهدافش فرصت کافی دارد
۵۱۱ همش: التهميش منظمات طالبيّة دعت المسؤولين للإقلاع عن سياسة تهميشها	در حاشیه قرار دادن، بیرون کردن از صحنه تعدادی انجمن دانشجویی، از مسئولین خواستند که از سیاست منزوی کردن این انجمنها دست بردارند
۵۱۲ هود: التهويد إسرائيل تصرّ على عمليّة تهويد القدس	یهودی کردن اسرائیل بر عملیات یهودی سازی قدس اصرار می ورزد
۵۱۳ هور: الانهيار انهارت قيمهم تحت مطرقة الوقائع	انهدام ارزشهایشان، زیر پتک حوادث له شد
۵۱۴ وجه: واجهة الصحف عادت تلك الكاتبة الفرنسية لتحتلّ واجهة الصحف والاحداث الثقافية الفرنسية مرة أخرى	تیتروژنامه ها آن خانم نویسنده فرانسوی برگشت تا بار دیگر تیتروژنامه ها ورخدادهای فرهنگی فرانسه را به خود اختصاص دهد
۵۱۵ وسم: الأتسام يبدو أن جوهر النظرة إلى الديمقراطية تُسم بالسلبية إلى حدّ كبير	متّصف شدن بنظر میرسد دیدگاه کلی نسبت به دموکراسی در حدّ بالایی منفی است
۵۱۶ وشك: الموشك هذه الأطروحات تنتمي إلى قرن موشك على الانعدام	در آستانه این فرضیه ها و تئوریه ها وابسته به قرن است، که در شرف پایان است
۵۱۷ وشم: الوشم فنّ الوشم	خالکوبی هنر خالکوبی
۵۱۸ وطد: التوطيد المرجعيات الروحية دعت إلى توطيد العلاقات بين المسلمين والمسيحيين	استحکام بخشیدن مراجع مذهبی، خواستار تقویت روابط بین مسلمانان و مسیحیان شدند
۵۱۹ وفي: الموافاة ابقوا معنا نوافيكم بكلّ جديد	تکمیل کردن، اعطای کامل حق با ما باشید، تا شما را در جریان اخبار جدید قرار دهیم



<p>امضا کردن</p> <p>یک قرارداد همکاری و راهنمایی علمی مشترک پایان نامه های فوق لیسانس و دکترا بین دو دانشگاه منعقد شد</p>	<p>۵۲۰ وقع: التوقيع</p> <p>تمّ التوقيع على اتفاقية للتعاون العلمي والإشراف العلمي المشترك على رسائل الماجستير والدكتوراة بين الجامعتين</p>
---	--







## ۵. المصطلحات الأدبية

۵۲۲	أسف: الإسفين عملوا على دقّ إسفين في العلاقات بين الطوائف	گوه, (قطعه ای که برای ایجاد شکاف در تخته بر آن می کوبند) برای ایجاد رخنه در روابط بین طوایف تلاش کردند
۵۲۳	أكل: أكل الوقت هذا الشغل يأكل منّي ثلاثة أيام	وقت گرفتن این کار از من سه روز وقت می گیرد
۵۲۴	باس: التبويس ليس المطلوب لقاء (تبويس لحي) للرؤساء، بقدر ما هو مطلوب التعاون الفعلي بينهم	بوسیدن آنقدر که از مسئولین انتظار می رود عملاً با یکدیگر همکاری کنند، انتظار نمی رود به بوسیدن ریش یکدیگر پردازند (مسئولین بهتر است که عملاً با هم همکاری داشته باشند، تا اینکه ریش یکدیگر را ببوسند.)
۵۲۵	برعم: البرعم الناقد مقصّ يشذب النصّ ليتبرعم	جوانه ناقد مثل یک قیچی متن را می پیراید، تا جوانه زند
۵۲۶	بصم: بصمة الإصبع تركت هذه الظاهرة بصماتها على أوضاع البلد	اثر انگشت این پدیده، آثار خود را روی اوضاع کشور برجای گذاشت
۵۲۷	بعث: البعث هذا الأمر لا يبعث على الارتياح	انگیختن این امر، آرامش و اطمینانی بر نمی انگیزد

۵۲۸	بلع: البلع بلع ريقه، وقال: ...	فرو دادن آب دهانش را قورت داد، وگفت: ...
۵۲۹	بيض: البيض بيضة بصفارين	تخم (مرغ) تخم دو زرده
۵۳۰	ترع: الإترع إنها ترع كأسها الأخير	پر کردن جام آخرش را پر می کند
۵۳۱	ثأب: الثأوب تطائر النصاب ما بين مستمع ونائم ومثائب، خلال جلسة المجلس	خمیازه کشیدن در خلال جلسه مجلس، پاره ای از حضار گوش می دادند، و برخی دیگر یا خواب بودند یا خمیازه می کشیدند
۵۳۲	ثغر: الثغرة القانونية الأثرياء الجدد رسموا جداول أعمالهم بعناية فائقة، لاستغلال الثغرات القانونية التي ستحوّل بعد قليل إلى دجاجات تبيض ذهباً	نارسائی قانونی ثروتمندان تازه بدوران رسیده، برای بهره گیری از نارساییهای قانونی، که می رود تا همچون مرغ افسانه ای تخم طلایی بگذارد، با دقت فراوان برای خود برنامه ریزی کرده اند
۵۳۳	جسّ: جسّ النبض يحاولون جسّ نبض الطرف المقابل، على طاولة المفاوضات	گرفتن نبض بیمار می کوشند بر سر میز مذاکره، نبض طرف مقابل را کنترل کرده، به وضعیت ومنویات او پی ببرند
۵۳۴	جسد: كسر الجليد كسر الجليد بينهما، في ظلّ التوتر الراهن	شکسته شدن یخ ها در گيرودار وضع آشفته فعلی، دامنه اختلافات بین آندو بالا گرفت
۵۳۵	جنی: الجنی جنی مبالغ، یسیل لها اللعاب	برداشت سودی بهم زد، که دهان را آب می اندازد
۵۳۶	حبّ: الحببية من جبينه تتقاطر حبيبات الضوء	دانه کوچک پیشانی اش دانه های نور می افشاند
۵۳۷	حدث: الحادثة	نوگرانی



نواوری وجهانی کردن اندیشه	الحدثنة والعولمة في الفكر	
سرازیر شدن	حذر: الانحدار	۵۳۸
بسمت کلوپ گدایان سقوط می کند	ينحدر نحو نادي الشحاذين	
سهم شیر (اولویت اول)	حصص: حصّة الأسد	۵۳۹
موضوع روابط خارجی، در سرلوحه بیانیّه	خصّصت لموضوع العلاقات الخارجية حصّة	
هیأت وزیران قرار گرفت	الأسد في البيان الوزاري	
آلت دست	حصن: حصان طروادة	۵۴۰
ترکهای عراقی آلت دست حکومت ترکیه	ترکمان العراق أصبحوا حصان طروادة لتركيا	
شده اند		
قرار دادن (افکندن)	حطّ: الحطّ	۵۴۱
سرنجه های فتنه، در آنجا رحل اقامت	أصابع الفتنة حطّت رحالها هناك	
افکنده است (مستقر شده است)		
رتق وفتق امور	حلّحل: حلحلة الأمور	۵۴۲
تلاشهای انجام شده برای حل وفصل امور	إنّ محاولات الحلحلة في المفاوضات، لم تكن	
در مذاکرات، به شکرانه چشم زیبای آنان	لسواد عيونهم	
نبوده است (عاشق چشم واپروی آنان		
نبوده اند)		
مکالمه	حور: الحوار	۵۴۳
گفتگوی ناشنوایان	حوار الطرشان	
سلام صبحگاهی	حيي: تحية الصباح	۵۴۴
حمله به فساد اداری، مثل سلام	بات الهجوم على الفساد الإداري تحية الصباح	
صبحگاهی بین مردم شایع شده است	في البلد	
درود	حيي: التحية	۵۴۵
بهترین درودها نثار جناب رئیس جمهور	تحية إجلال وإكبار لفخامة الرئيس!	
باد!		
خبر "کان"	خبر: خبر کان	۵۴۶
به گذشته پیوست، ودر حکم (خبر کان)	اعتبر الأمر بحکم خبر کان	
قرار گرفت		

<p>گوسفند</p> <p>برگردیم به موضوع گوسفندهایمان (آنطور که لاتینها میگویند) یا: برگردیم به داستان گوساله (طبق مثل کشاورزان لبنانی) برویم سر اصل مطلب</p>	<p>۵۴۷</p> <p>خرف: الخروف</p> <p>فلنعد إلى خرافنا كما يقول اللاتين، أو فلنرجع إلى قصة العجل، كما يقول الفلاح اللبناني</p>
<p>گروه انبوه</p> <p>در بحبوحه بحرانهای ملّی، او در خواب اصحاب کھف بسر می برد</p>	<p>۵۴۸</p> <p>خضم: الخضم (بهتر است في خضم که به معنای "در بحبوحه یا درگیرودار" می باشد) واژه کلیدی این جمله در نظر گرفته شود) کان نائما نومة أهل الكهف، في خضم ما يعصف بالوطن</p>
<p>گردن</p> <p>اوهامی که گریبانگیر روشنفکران است</p>	<p>۵۴۹</p> <p>خنق: الخناق</p> <p>الأوهام التي تمسك بخناق المثقفين</p>
<p>خصوصی سازی</p> <p>خاص کردن کلّی ها</p>	<p>۵۵۰</p> <p>خوصن: الخوصنة</p> <p>خوصنة الكلّي</p>
<p>عشوه گری</p> <p>یار به منزلت خود پی برد، وبه عشوه گری پرداخت</p>	<p>۵۵۱</p> <p>دلّ: التدلل</p> <p>عرف الحبيب مكانه فتدّلا</p>
<p>چهارزانو نشستن</p> <p>چهارزانو بر تخت خود نشست</p>	<p>۵۵۲</p> <p>ربع: التربع</p> <p>تربع على عرشه</p>
<p>کوچ کردن</p> <p>بین ییلاق وقشلاق در تردد بودند</p>	<p>۵۵۳</p> <p>رحل: الارتحال</p> <p>كانوا یرتحلون تارة إلى المصيف وتارة إلى المشتی</p>
<p>پرتاب سنگ</p> <p>روسای جمهور ومجلس ودولت، در انتظار اعلام رمز عملیات تهاجم، از پشت سنگرهای خود، حملات اتهامی به یکدیگر را شروع کردند</p>	<p>۵۵۴</p> <p>رشق: تراشق الحجارة</p> <p>الرؤساء الثلاثة واصلت تراشقها من وراء المتاريس، في انتظار الإشارة إلى الهجوم</p>
<p>پرتاب سنگ</p>	<p>۵۵۵</p> <p>رشق: رشق الحجارة</p>



الذي منزله من زجاج، لا يرشق الناس بالحجارة	کسی که خانه شیشه ای دارد، به مردم سنگ پرتاب نمی کند
۵۵۶ رمل: الرمال المتحركة العدو يحاول إغراقنا في رمال متحركة	شنزار روان دشمن می کوشد، ما را در ورطه ای از شنزار روان غرق نماید
۵۵۷ ريث: التريث ارتأينا التريث	مکث ودرنگ تصميم به درنگ گرفتیم
۵۵۸ زبع: الزوبعة يمكن اليوم، الجزم بأن ما قيل في هذا الحدث، كان زوبعة في فنجان	گردباد امروز میتوان قاطعانه گفت: که آنچه پیرامون این حادثه گفته شده است، بمثابة گردبادی در يك فنجان بوده است
۵۵۹ زفر: الزفرة عواطف الحب حامت حوله في جو كئيب مشبع بزفرات الحزن وذكريات الماضي	نفس داغ (آه) در فضائی حزن انگیز، وآکنده از آه های گرم حسرت بار وخطرات گذشته احساسات عاشقانه، او را در خود غوطه ور ساخت
۵۶۰ زكزك: الزكزكة يحبّ الزكزكة في نشاطاته السياسية	ویراژ دادن، حرکت زیکزاک در فعالیت های سیاسی خود، از اسلوب زیکزاک استفاده می کند
۵۶۱ زنبر: الزنبرك وصف اللغة بأنها زنبرك العمران الحضريّ	فنر زبان را بعنوان فنر محرک بنای تمدن توصیف کرد
۵۶۲ زيح: الإزاحة أزيع الستار عنها	کنار زدن پرده از رویش کنار رفت
۵۶۳ سأم: السّامة سامة تعكب في صميم الروح، وتفسد صفها	رنجش رنجشی که چون عنکبوت در عمق جان می تند، و صفای باطن را می آلود
۵۶۴ ساق: سوق المثل	مثال زدن

ساق له مثلاً، ليقنعه	برای او مثلی زد، تا قانعش کند
۵۶۵ سبق : السبق	پیشی گرفتن این زبان فارسی است که در أخذ واژگان فراوان از زبان عربی، گوی سبقت را از زبانهای دیگر ربوده است
۵۶۶ سجل : السجل	جدال و مناقشه بگو مگوی فرهنگی
۵۶۷ سربل : التسربل	پوشیدن شلوار احساس خجالت، وجود مرا فرا می گیرد
۵۶۸ سلّ : السلة	سبد گفت : کشورش قصد ندارد تمام تخم مرغهایش را در سبد امریکا بگذارد، (ودر بست تسلیم آمریکا شود)
۵۶۹ سمن : السمن	چربی، چاقی می کوشند مردم را سرگرم کار هایی کنند، که هیچ نان و آبی برای آنان ندارد
۵۷۰ سود : الستّ	خانم (مخفف ستیده) از سیاست > بچه های خانم و بچه های کُلفت < استفاده می کنند (تبعیض قائل می شوند)
۵۷۱ شبه : التشبيه	مانند کردن این جوان به برادرش می ماند، آنچنانکه نقطه ای به نقطه ای دیگر
۵۷۲ شطن : الشيطان	شیطان چنینها از این دیدگاه به رئیس جمهور آمریکا تبریک گفتند که: (شیطانی که می شناسی بهتر از شیطانی است که نمی شناسی)
رحب الصينيون بإعادة انتخاب الرئيس الأمريكي، من منطلق : (شیطان تعرفه أفضل من شیطان لا تعرفه)	



<p>۵۷۳ شعر: الشعرة</p> <p>الاختلاف لم يصل إلى قطع شعرة معاوية، و بالتالي إلى الافتراق</p>	<p>مو</p> <p>دامنه اختلافات به چیدن موی معاویه نرسید، وبه جدائی منجر نشد ( معاویه به اندازه يك موی باریك ارتباط خودش را با مخالفانش حفظ میکرد تا در موقع لزوم از آن استفاده کند. همه پلها را پشت سرش خراب نمی کرد)</p>
<p>۵۷۴ شكل: التشكيلة</p> <p>التشكيلة الحكومية الجديدة سترى النور في نهاية الأسبوع</p>	<p>ساختار، ترکیب</p> <p>ترکیب کابینه جدید در پایان هفته متولد می شود</p>
<p>۵۷۵ صبع: إصبع الفتنة</p> <p>تشط الدوائر التي تدير أصابع الفتنة إلى إنضاج ما تطبخ على حجر من بشر</p>	<p>انگشت فتنه</p> <p>مؤسساتی که در کار فتنه گری هستند، در تلاشند تا در تنوری با هیزم بشر غذای خود را بپزند</p>
<p>۵۷۶ صخ: المصخ</p> <p>طلب من معارضه أن يعرض على مصخ للعلاج</p>	<p>درمانگاه</p> <p>از فرد مخالف خود خواست، به درمانگاه مراجعه کند. (او را به مرض متهم کرد)</p>
<p>۵۷۷ صقر: الصقر</p> <p>بدأت ملامح الصقور تظهر عليها</p>	<p>کرکس، لاشخور</p> <p>لاشخورها در اطراف او ظاهر شدند. (کارش به آخر رسیده است)</p>
<p>۵۷۸ صوب: التصويب</p> <p>الفرق كبير بين حسن التصويب والرماية الطائشة</p>	<p>هدفگیری</p> <p>بين هدفگیری صحيح و <u>تیر اندازی کور</u> (بی هدف)، فاصله زیادی هست</p>
<p>۵۷۹ ضبّ: الضباب</p> <p>انحصرت المناقشات في وجهات نظر ضبابية</p>	<p>مه</p> <p>بحث وجدلها (تنها) در ارائه نقطه نظرهایی مبهم و مه آلود منحصر بود</p>
<p>۵۸۰ ضيز: قسمة ضيزی</p> <p>إنّها لقسمة ضيزی أن نخسر البلد، لكي نربح</p>	<p>بهره اندك و بی ارزش</p> <p>از دست دادن کشور به بهای چند دلار</p>

حفنة من الدولارات	پول، بهره بی ارزشی است
۵۸۱ ضيق: الضيق	تنگی
ضاقَت به سبل العیش	زندگی بر او سخت شد
۵۸۲ طحن: الطاحونة	آسیاب
هذه الصدمات تصبّ الماء في طاحونة القوى التي تتربّص بنا سرّاً	این برخوردها، آب به آسیاب جناحهای می ریزد، که در خفا به کمین ما نشسته اند
۵۸۳ طرف: المتطرف	تندروی
أصبحت الكرة في ملعب اليمين المتطرف	توپ به میدان افراط گرایان (راستگرا) منتقل شد.
۵۸۴ طرف: أطراف الحديث	جوانب سخن
تجادبا أطراف الحديث	از هر دری سخن گفتند
۵۸۵ طغي: الطغيان	تجاوز
عيوبها الخفية طغت على السطح	عیبهای نهانش برملا شد (رو شد)
۵۸۶ طمس: الطمس	نابودی
طمست معالمها	آثارش نابود شد
۵۸۷ طوع: الطبع	انعطاف پذیر
العربية لغة طيعة، قادرة على مسامرة كل ظرف جديد	عربی زبانی انعطاف پذیر، وقادر بر همگامی با شرایط جدید است
۵۸۸ ظهر: التمهّـر	جلوه گری
مشاهد تتمّـهر وتختفي	جلوه های آشکار ونهان
۵۸۹ عسكر: العسكرة	لشکرکشی
نخاف أن يتحول مثقفونا إلى شرطة، فيعسكروا وراء أفكارهم	از این می ترسیم که روشنفکران ما به نیروهای پلیس تبدیل شده، ودر پشت افکار خود سنگر بگیرند
۵۹۰ عش: التعشش	لانه گزیدن
الفساد معشش في الحياة السياسية	فساد در حیات سیاسی لانه گزیده است
۵۹۱ عش: العش	لانه



عش الجهل في نخاعهم، حتى باتوا هم والجهلوت إخوة أشقاء	نادانی در مخ آنها مسکن گزیده است، آنچنانکه گوئی با دیو جهل پیمان برادری بسته اند
۵۹۲ عض: العض	گازگرفتن
عض على النواجد ندما بعد فوات الأوان	پس از زوال فرصت، با پشیمانی دندانها را بهم سایید
۵۹۳ علم: التعليب	کنسرو کردن
الأفكار المعلبة والكليشات	افکار کنسرو شده و کلیشه ای
۵۹۴ علم: العالمثالية	جهان سومی
في المنظور الأمريكي، يجب أن لا تكون للأمين العام للأمم المتحدة صلة بأية حساسية عالمثالية	از نظر آمریکا، دبیر کل سازمان ملل متحد نباید هیچ حساسیتی روی مسائل جهان سوم داشته باشد
۵۹۵ علم: العولمة	جهانگرایی
تعولمت المعارف بفضل ثورة المعلومات	در پرتو انفجار اطلاعات، دانش ها جهانی شده است
۵۹۶ عمل: العملة	سکه، ارز، پول
كلاهما وجهان لعملة واحدة	اینها دو روی يك سکه اند
۵۹۷ عمل: العملية القيصريّة	عمل سزارین
ولدت الحكومة بعد مخاض عسير، واحتاجت في ولادتها إلى عملية قيصريّة	کابینه پس از تحمل زایمانی سخت متولد شد، و این کار با عمل سزارین انجام گرفت
۵۹۸ عود: الإعادة	بازگرداندن
تبرز الحاجة ملحة لإعادة المياه إلى مجاريها	حتما باید آبها را به آسیاب برگرداند
۵۹۹ عير: إعارة الأهمية	اهتمام ورزیدن
قلما يعيرون أهمية للفكر	برای فکر و اندیشه کمتر ارزشی قائلند
۶۰۰ غرب: الغربنة	غربگرایی
الغربنة بصيغة الأمركة	غربی کردن از نوع آمریکائیش
۶۰۱ فحل: الاستفحال	اجرای جفت گیری برای تکثیر نسل حیوان
يعمل العدو بمختلف الحيل لاستفحال الأزمة	

دشمن با لطایف الحیل می کوشد از بحران سوء استفاده کند		
جمع بندی (مشتق از فذلک) نمایندگان امروز سرجمع، بودجه سال آینده را مورد بررسی قرار می دهند	۶۰۲	فذلک: الفذلکة النواب يدرسون اليوم فذلکة موازنة السنة التالية
فراری دادن مقاله با مقدمه ای شروع می شود، که خوانندگان را فراری می دهد	۶۰۳	فتر: الفرفة المقالة تبدئ بدياجة تفرفر بعض النفوس
گرایش به فرانسه فرانسوی کردن زبان در الجزایر، و ترکی کردن آن در شام	۶۰۴	فرنس: الفرنسة فرنسة اللغة في الجزائر، وتتركها في الشام
فاسد کردن می خواهند زمین و زمان را به تباهی بکشانند	۶۰۵	فسد: الإفساد يريدون إفساد الحجر والبشر
تصنع، ساختگی لبخند های ساختگی از چهره طرفین محو، وجلوه های تهاجم جایگزین آن شد	۶۰۶	فعل: الافتعال ابتسامات مفتعلة غابت عن وجوه الطرفين، لتحل محلها مظاهر التهجم
هرج و مرج ما امروز در اوج یک بی نظمی عظیم در تکنولوژی به اشکال مختلف آن هستیم	۶۰۷	فلش: الانفلاش نحن اليوم نعيش في معمعان الانفلاش الهائل في التّقانة بكلّ أشكالها
فیلمهای سحرانگیز با فیلمهای جادویی اش، عشق در چشم ما لانه می کند، وما را از کوران خشونت و خون، به دیار زیبایی می برد	۶۰۸	فلم: الأفلام الساحرة بأفلامه الساحرة يحتلّ الحب عيوننا، ويأخذنا من وسط العنف والدم إلى تخوم الجمال
جست و خیز اینچنین قصه ها در خیال انسان به جست و خیز می پردازند	۶۰۹	قفز: التقافز هكذا تتقافز الحكايات في الذاكرة



دگرگونی	قلب: الانقلاب	۶۱۰
در طول يك شبانه روز اوضاع زیر و رو شد	انقلبت الأمور بين عشية وضحاها	
بحرکت درآمدن ، از جا کنده شدن	قلع: الإقلاع	۶۱۱
شروع سال تحصیلی	إقلاع العام الدراسي	
کوزه	قمقم: القمقم	۶۱۲
از لاک خود بیرون آمد	خرج من قمقمه	
پراتنز	قوس: القوس	۶۱۳
بین پراتنز می گویم ...:	أفتح قوسين لأشير:...	
طائفه	قوم: القومية	۶۱۴
کشور مثل یک موزائیک (معجونی) از	البلد أصبح موزائيك من عشرين قومية	
بیست طایفه شده است		
سزار	قیصر: القيصر	۶۱۵
کابینه جدید با عمل سزارین تشکیل شد	الحكومة الجديدة ولدت بعملية قيصرية	
گوسفند	کبش: الكبش	۶۱۶
به گوسفند قربانی تبدیل شد	أصبح كبش الفداء	
جلوگیری کردن	کفکف: الكفكفة	۶۱۷
دنبال دارویی می گردند، تا با آن جراحات	يريدون داء يكفكفوا به جراحهم	
خویش را مداوا کنند		
بَراق کردن	لمع: التلميع	۶۱۸
سر کچل است، وآنان به تزیین کلاه می	يهمّهم تلميع الطربوش، ولو على رأس أقرع!	
پردازند!		
بی رنگ و بو	لون: بلا لون ولا طعم	۶۱۹
قطعنامه اخیر را بی بو و بی خاصیت	وصف القرار الأخير بأنه لا لون له ولا طعم	
ارزیابی کرد		
محفل شبانه	مسی: الأمسية	۶۲۰
رایزن فرهنگی، شب شعری برای جوانان	المستشارية الثقافية نظمت أمسية شعرية لشبية	
شهر برپا کرد	المدينة	
ربایش	مغنت: التمغنت	۶۲۱

هر وقت تو را می بینم، احساس می کنم جذب یک مغناطیس شده ام	كلما أراك أشعر بأني أتمغنت	
مملوق	مأ : المليون	۶۲۲
کشکول او پر از این جور قصه هاست	جعبته مليانة بهكذا قصص	
کامل	مأ : الملي	۶۲۳
کاملا روشن شد که...	ظهر مليا أن...	
نگهبان	نظر : الناظر	۶۲۴
میخواهیم از باغ انگور بخوریم، نه اینکه نگهبان آن را بکشیم (نمک را می خوریم، ولی نمکدان را نمی شکنیم)	نريد أكل العنب، لا قتل الناظر	
آری	نعم	۶۲۵
حزب بله بله چی ها	حزب النعميين	
نرمی ناخنها (کنایه از سن طفولیت) از عنفوان کودکی به سمت آموزشهای اسلامی روی آورد	نعم : نعومة الأظافر انحاز منذ نعومة أظافره إلى التعاليم الإسلامية	۶۲۶
بحث وجدل	نقش : النقاش	۶۲۷
دائما در حال بحث وجدل بر سر مطالبی است، که مورد ابتلای غربیان است	يناقش دائما مشاكل أكل عليها الدهر وشرب في الغرب	
گشتن بدنبال فرصت	نهاز : انتهاز الفرصة	۶۲۸
سرتا پا دنبال فرصت می گشت	كان غارقا إلى أذنيه في انتهاز الفرص	
چه رسد به...	نهى :. ناهيك عن....	۶۲۹
در معرض وزش باد	هَب : في مهبّ الريح	۶۳۰
از دولت خواست این موضوع را به باد فراموشی نسپارد	أراد من الدولة أن لا يجعل هذا الموضوع ورقة في مهبّ الريح	
خبرچینی ، وجمع آوری واره اطلاعات ( مقتبس از داستان همد سلیمان)	هدد : الهددة	۶۳۱
	الغيوم الملبدة تهدد الفلاحين بموسم يحفل بالخير والجني	



ابرهای فشرده در آسمان، کشاورزان را به فرا رسیدن فصلی پر برکت و پر محصول نوید میدهد		
ریزش	همر: الانهمار	۶۳۲
بیشتر از ریزش باران، از او حرف می بارد	ينهمر الحكي أغزر من المطر	
زنده بگور کردن	وَاد: الوَاد	۶۳۳
این اقدام می تواند شایعات را در نطفه خفه کند	هذه المبادرة تكفي لوَاد الشائعات في مهدها	
سیمهای تار	وتر: الأوتار	۶۳۴
کتاب نویسنده چینی، رشته های خشم و غضب چینیها از ایالات متحده را به صدا در آورد (آنانرا علیه آمریکا تحریک کرد)	لعب كتاب الكاتب الصيني على أوتار غضب الصينيين من الولايات المتحدة	
گل	ورد: الوردة	۶۳۵
عادت کرده اند با خیال پردازی، وضع خویش را چون يك گل ترسیم کرده و هر چه عشقشان می کشد بگویند	عادتهم أن يرسموا صورة وردية لأحوالهم، ويتحدثوا بما يشتهون	
صدای آب	وشوش: الوشوشة	۶۳۶
سر و صدای منظم آب (در قلیان)	وشوشة الماء الرتيبة	
وعده ها	وعد: الوعود	۶۳۷
وعده های روی تاقچه (وعده های سر خرمن)	وعد على الرف	
جعبه ، چننه	وفض: الوفضة	۶۳۸
از جلسه دست خالی برگشت	عاد من الجلسة خالي الوفاض	
هیجان	وهج: الوهج	۶۳۹
وقتی هیجانش فرو نشست	عندما انطفأ وهجه	





## ۶. المصطلحات الإدارية

<p>۶۴۰</p> <p>أطر: التأسيس</p> <p>وضعوا دستوراً جديداً لتأسيس التغيرات التي يشهدها البلد</p>	<p>کادر سازی، احاطه</p> <p>برای کنترل تحولاتی که کشور در معرض آن است، قانون جدیدی وضع کردند</p>
<p>۶۴۱</p> <p>بغت: المباغطة</p> <p>قانون العمل، يوجب على صاحب العمل وعلى الأجير لتحاشي المباغطة بالصرف، أن يعلم كل منهما الآخر برغبته في فسخ العقد، قبل مدة محددة تتراوح بين شهر وأربعة أشهر، حسب سنوات خدمة الأجير</p>	<p>غافلگیر کردن</p> <p>برای اجتناب از غافلگیر شدن، قانون کار صاحب کار و کارگر را ملزم می سازد، در مدت معینی که بر حسب میزان سنوات کار کارگر، بین یک تا چهار ماه در نوسان است، هر یک از طرفین طرف مقابل را از تصمیم به فسخ قرارداد آگاه سازد</p>
<p>۶۴۲</p> <p>بني: البنى التحتية</p> <p>وافق مجلس الوزراء على إنشاء وزارة جديدة للبنى التحتية</p>	<p>امور زیر بنائی (تأسیسات زیر زمینی شهری)</p> <p>هیأت وزیران با ایجاد وزارتخانه جدیدی برای تأسیسات زیر زمینی (زیرساختی) موافقت کرد</p>
<p>۶۴۳</p> <p>تبغ: التبغ</p> <p>إدارة حصر التبغ والتنباك</p>	<p>توتون</p> <p>اداره انحصار توتون و تنباکو</p>
<p>۶۴۴</p> <p>تقن: التقني</p> <p>الموظفين التقنيين</p>	<p>تکنولوژیک</p> <p>کارمندان تکنسین</p>

۶۴۵	جمل : المجاملة قام بزيارة مجاملة	کار تشریفاتی یک بازدید تشریفاتی انجام داد
۶۴۶	حسب : ديوان المحاسبة إدارات المستشفيات والمستوصفات الحكومية تخضع لمراقبة ديوان المحاسبة	ديوان محاسبات مدیریت‌های بیمارستانها و درمانگاههای دولتی، تحت نظارت دیوان محاسبات قرار می گیرد
۶۴۷	حضر : التحضير اللجنة التحضيرية للجمعية العامة	آماده سازی کمیته مقدماتی مجمع عمومی
۶۴۸	حقب : الحقیبة وزير بلا حقیبة	ساک ، چمدان وزیر مشاور (وزیر بدون وزارتخانه)
۶۴۹	خبر : المختبر يعلن مستشفى الساحل عن حاجته لتقني مختبر حائز على شهادة في العلوم المختبرية	آزمایشگاه بیمارستان ساحل، نیاز خود را به یک تکنسین آزمایشگاهی دارای مدرک علوم آزمایشگاهی اعلام می کند
۶۵۰	خزل : الاختزال يختزل المؤسسة لصالحه	خلاصه کردن مؤسسه را ملک انحصاری خود می داند
۶۵۱	خط : التخطيط أعيدت صياغة إدارة التخطيط والبرمجة لمجلس الإنماء والإعمار، لتشمل دائرتي التخطيط المالي والبنية التحتية	برنامه ریزی سازماندهی اداره طرح و برنامه شورای توسعه و عمران بازسازی شد، تا دو اداره برنامه ریزی مالی و تأسیسات زیر زمینی (زیرساختی) را تحت پوشش قرار دهد
۶۵۲	خط : الخطّة لا بدّ من تنفيذ خطّة مرحليّة في البداية	برنامه ، نقشه در آغاز لازم است یک برنامه انتقالی اجرا شود
۶۵۳	خلّ : الخلل الخلل يطل مؤسسات الدولة	اختلال دوایر دولتی دچار اختلال است
۶۵۴	خلو : الإخلاء خلو	تخلیه



تضمّن بيان مجلس الإنماء والإعمار إنذاراً، بإخلاء العقارات المصابة بتخطيط الأتوستراد الدولي		در بیانیه شورای توسعه و عمران، نسبت به تخلیه پلاکهای واقع شده در معرض بزرگراه بین المللی هشدار داده شده است
۶۵۵	خير: المختار وزارة الداخلية تعتمد في الانتخابات الاختيارية على البطاقات الممغنطة	رئيس شورای محل (کدخدا) وزارت کشور برای اجرای انتخابات رؤسای شوراهای محله، از کارتهای الکترونیک استفاده می کند
۶۵۶	درج: الإدراج طلب إدراج الموضوع في جدول الأعمال	درج کردن درخواست کرد که موضوع در دستور کار قرار گیرد
۶۵۷	رتب: الراتب أصبحت سلاسل الرواتب الجديدة للطاقت التعليمية سارية المفعول منذ اليوم	حقوق و دستمزد نظام جدید پرداخت حقوق و دستمزد کادر آموزشی، از امروز به معرض اجرا گذاشته می شود
۶۵۸	رتب: الرتب والرواتب أساتذة اللبنانية نفّذوا اعتصاماً، احتجاجاً على قانون الرتب والرواتب	گروههای شغلی و دستمزدها اساتید دانشگاه لبنان، در اعتراض به قانون گروه و پایه ها و حقوقها اعتصاب کردند
۶۵۹	رخص: الترخيص بناء على موافقة مديرية التموين والتجارة الداخلية، يرخص الى السيد... من التبعية العربية السورية المولود في دمشق، باستثمار المحلّ المشاد على العقار رقم... من المنطقة العقارية... الكائن في الحيّ الشمالي لمهنة مطعم لحام وشوا و فروج	صدور پروانه کار بر اساس موافقت مدیریت امور خواربار و بازرگانی داخلی، به آقای ... دارای تابعیت عربی سوری متولد دمشق اجازه داده می شود، از مغازه ساخته شده روی پلاک شماره .... در منطقه ثبتی شماره ... واقع در محله شمالی، بعنوان رستوران دارای، فروشگاه گوشت و کباب و مرغ استفاده کند
۶۶۰	رخص: ترخيص مزاولة المهنة الرجاء إرسال الطلب مع صورتين شمسيّتين حديثتين، وصورة عن الشهادة الطبيّة وترخيص	پروانه کسب لطفاً با تقاضانامه خود، دو قطعه عکس جدید و رونوشت گواهینامه پزشکی و

مزاولة المهنة، وشهادات الخبرة	پروانه کار و گواهی سابقه سنوات خدمت را بفرستید
<p>۶۶۱ رسم: الرسوم البلدية تعلن البلدية أنها وضعت قيد التحصيل تنظيم صفوف جداول التكليف الأساسية بالرسوم البلدية لعام ۱۹۹۶ وما قبل.</p> <p>فعلى المكلفين المبادرة إلى تسديد الرسوم المتوجبة عليهم خلال المدة المحددة، وإلا تعرضوا لدفع غرامة تأخير قدرها ۲% من قيمة الرسم عن كل شهر تأخير، ويعتبر كسر الشهر شهرا</p>	<p>عوارض شهرداری</p> <p>شهرداری اعلام می کند که اعمال جداول عمومی عوارض شهرداری سال ۹۶ وما قبل آنرا در دستور کار خود قرار داده است. مکلفین باید در خلال مدت تعیین شده با پرداخت عوارض، تسویه حساب کنند. وگرنه به عنوان جریمه دیرکرد ۲% ارزش عوارض بابت هر ماه تأخیر به عوارض افزوده می شود. وکسری از ماه بعنوان يك ماه کامل محسوب می شود</p>
<p>۶۶۲ رسم: المرسوم انتهى المرسوم الوزاري المرقم... الصادر...</p>	<p>بخشنامه</p> <p>مدت اعتبار بخشنامه وزارتي شماره ... مورخ... به پایان رسید</p>
<p>۶۶۳ رفق: الإرفاق يجب أن ترفق بالطلبات المقدمة المعلومات التالية:</p> <p>اسم الشاري واسم البائع وإرفاق صورة عن تذكرة هوية الشاري</p>	<p>ضمیمه کردن</p> <p>باید اطلاعات زیر ضمیمه درخواستهای ارسالی شود:</p> <p>نام خریدار ونام فروشنده وارسال رونوشت شناسنامه خریدار به پیوست درخواست</p>
<p>۶۶۴ رقب: الرقابة لجنة الرقابة أصدرت بيانها الختامي</p>	<p>نظارت</p> <p>کمیته نظارت بیانیته نهائی خود را صادر کرد</p>
<p>۶۶۵ ركز: اللامركزية ركز على اللامركزية الإدارية والخصخصة</p>	<p>تمرکز زدائی</p> <p>بر تمرکز زدائی اداری وخصوصی سازی تأکید کرد</p>
<p>۶۶۶ سلم: التسلم</p>	<p>دریافت کردن</p>



المجلس الدستوري تسلّم مستندات الطعون النيائية	شواری قانون اساسی، مدارک شکایات نمایندگان را تحویل گرفت
٦٦٧ سند: المستندات المطلوبة يرفض كل عرض غير مرفق بالأوراق الثبوتية والمستندات المطلوبة أو لم يسبق له تقديم هذه الأوراق المحددة في لوحة إعلانات الشركة	مدارک مورد نیاز درخواستهای فاقد اوراق شناسائی و مدارک مورد نیاز، یا درخواستهای که قبلا مدارک اعلام شده در تابلو اعلانات شرکت را ارسال نکرده باشند، از <u>اعتبار</u> ساقطند (پذیرفته نمی شود)
٦٦٨ شحن: الشحن أخضعوا الشحنة للفحص	بارگیری محموله را مورد بازرسی قرار دادند
٦٦٩ شغور: الشغور تمّ تعيينه مفتيا للديار المصرية بعد مضيّ أشهر من شغور هذا المنصب	خالی ماندن پس از گذشت ماهها از خالی ماندن پست إفتاء، او بعنوان مفتی کشور مصر تعیین شد
٦٧٠ صدق: تصديق الشهادة مطلوب إرفاق صورة عن الشهادة الجامعية مصوّرة ومصدّقة عنها وفق الأصول	تأیید گواهی لازمست نسخه ای برابر اصل و تصدیق شده از مدرک دانشگاهی بر طبق ضوابط ضمیمه شود
٦٧١ صلح: الإصلاح الإصلاح الهيكليّ	بازسازی اصلاحات سازمانی
٦٧٢ صلح: مصلحة المياه قرار إعفاء بعض المشتركين من دفع بدلات المياه ، أدّى الى إفلاس مصلحة المياه	سازمان آب تصمیم به معاف کردن برخی از مشترکین از پرداخت عوارض آب، باعث ورشکستگی سازمان آب شد
٦٧٣ صوت: التصويت التصويت لقائمة المرشحين	رای دادن رای دادن به لیست نامزدها
٦٧٤ صور: الصورة صورة طبق الأصل	تصویر، رونوشت رونوشت برابر اصل

تبعیت از تصمیم رئیس تبعیت کرد	صوع: الانصیاع خضع وانصاع لقرار الرئيس	۶۷۵
ماشین نویسی شرکت کنندگان، دوره آموزشی ماشین نویسی را به اتمام رساندند	ضرب: الضرب على الآلة الكاتبة أنهى المشاركون دورة تدريبية في الضرب على الدكيولو (الآلة الكاتبة)	۶۷۶
تأمین اجتماعی سازمان تأمین اجتماعی	ضمن: الضمان الاجتماعي منظمة الضمان الاجتماعي	۶۷۷
بیمه شده شرکت اعلام می دارد، که در صورت عدم تماس بیمه شدگان با شرکت، متأسفانه ناگزیر به لغو کارتهای بیمه افراد متخلف خواهد بود	ضمن: المضمون تعلن الشركة أنه في حال عدم اتصال المضمونين بها، ستعتمد آسفة الى إلغاء بوالص الضمان الخاصة بالمتخلفين	۶۷۸
وضع روند کلی مذاکرات	طبع: الطابع الطابع العام الذي تتصف به المناقشة	۶۷۹
تمبر وزیر مشاور در امور دارائی، بخشنامه ای در مورد تبدیل تمبرهای مالی خارج از گردش، وجایگزین کردن تمبرهای جدید صادر کرد	طبع: الطابع أصدر وزير الدولة للشؤون المالية قراراً يتعلق باستبدال الطوابع المالية المسحوبة من التداول، بالطوابع الجديدة	۶۸۰
شکایت مهلت تحویل شکایتهای مربوط به انتخابات	طعن: الطعن مهلة تقديم الطعون في الانتخابات	۶۸۱
نسبت دادن بروز این مشکل را به ضعف مهارت کارمندان نسبت داد	عزو: العزو عزا هذه المشكلة إلى ضعف مهارات الموظفين	۶۸۲
خرابیها اصلاح خرابیها در شبکه فاضلاب ومجاری زیرزمینی	عطل: الأعطال إصلاح الأعطال في شبكة مجاري المياه والبنى التحتية	۶۸۳



۶۸۴	عمم: التعميم وزير الاقتصاد يعمم على جميع الدوائر التابعة لوزارته.....	ابلاغ، ابلاغیه وزیر اقتصاد به همه ادارات تابعه این وزارتخانه ابلاغ می کند : .....
۶۸۵	عوض: التعويض طالب بإعطاء الموظفين الإداريين من الفئة الثالثة فما فوق , تعويضاً خاصاً بنسبة ۲۵% من الراتب	فوق العاده (حقوق) خواستار پرداخت فوق العاده مخصوص به میزان ۲۵% حقوق پایه , به کارمندان اداری رده شغلی سوم به بالا شد
۶۸۶	عیش: المعاش التقاعدي اقترح النائب الإبقاء على ما هو معمول به حالياً في كيفية احتساب المعاش التقاعدي أو تعويض نهاية الخدمة	مستمرى بازنشستگی نماینده پیشنهاد کرد , میزان پرداختهای فعلی در مورد ونحوه محاسبه مستمری بازنشستگی یا خرید خدمت , همچنان پابرجا بماند
۶۸۷	فرغ: التفرغ التفرغ بالملاك	استخدام تمام وقت استخدام رسمی قطعی
۶۸۸	فيض: الفائض عن الحاجة سأل نائب معارض رئيس الحكومة عن العدد الإجمالي للموظفين الفائضين عن الحاجة في القطاع العام	افزون بر نیاز یکی از نمایندگان مخالف , از نخست وزیر در مورد آمار کلی کارمندان افزون بر نیاز در بخش عمومی سؤال کرد
۶۸۹	قرع: الاقتراع أعيد الاقتراع مرة ثانية	قرعه کشی قرعه کشی برای بار دوم انجام شد
۶۹۰	قعد: التقاعد طالبت رابطة المعلمين بتعويض نهاية الخدمة والتقاعد على أساس كامل الراتب (۱۰۰%) , ورفع الحد الأدنى للأجور وزيادة غلاء المعيشة	بازنشستگی انجمن معلمان خواستار اعطای بازخرید خدمت وبازنشستگی, بر اساس حقوق ومزایای کامل (۱۰۰%) , افزایش حداقل دستمزد, وافزایش فوق العاده تورّم شد
۶۹۱	قلد: المقلد سلم مقاليد الرئاسة الى نائب الرئيس	کلید کلید های پست ریاست را به نایب رئیس تحویل داد

۶۹۲	قول: الاستقالة قدّموا استقالاتهم بالإجماع	استعفا بطور دستجمعی استعفا کردند
۶۹۳	قيد: إخراج قید إخراج قید إفرادي	برگه شناسائی شناسنامه (در لبنان)
۶۹۴	لجن: اللجنة أجروا تغييراً طفيفاً على مرسوم اللجان النيابية	کمیسیون تغییرات اندکی در بخشنامه کمیسیونهای مجلس وارد کردند
۶۹۵	لّم: الإلمام مطلوب سكرتيرة لمكتب هندسة , تجيد اللغة الإنكليزية , وملمّة في المحاسبة والكمبيوتر, ويفضّل جامعيّة	عنايت , توجه به يك منشی زن برای يك دفتر مهندسی, كه به زبان انگلیسی آشنائی داشته , ودر حسابداری وكمپیوتر دارای مهارت باشد ومرجحاً دانشگاهی باشد , نیاز هست
۶۹۶	لوح: لوائح الشطب وزارة الداخلية , سلّمت لوائح الشطب إلى المختير لبدء العملية الانتخابية	لیستهای نامزدهای انتخابات وزارت کشور , لیستهای نامزدهای انتخاباتی را برای شروع انتخابات , به رؤسای شوراهای محل تحویل داد
۶۹۷	ندب: مندوب مبيعات الشركة بحاجة إلى مندوب مبيعات لتسويق بضائعها , بمدخول يومي يتعدّى ۵۰ دولاراً	بازاریاب شرکت , نیازمند به کارپردازی برای بازاریابی کالاهای خود می باشد , وحقوق روزانه متجاوز از ۵۰ دلار می پردازد
۶۹۸	وصل: المواصلات اللجنة الاستشارية الدولية للمواصلات السلكية	ارتباطات کمیته مشورتی بین المللی ارتباطات تلفنی



## ۷. المصطلحات القانونية

زندان ابد	أبد: السَّجْنُ الْمُؤَبَّد	۶۹۹
دادگاه عالی قضائی، متهم را به زندان ابد با اعمال شاقه محکوم کرد	حكمت المحكمة العليا على المدعى عليه، بالسجن بالأشغال الشاقة المؤبدة	
منشی	أمن: أمين السر	۷۰۰
به رتبه سكرتر (منشی) رئیس دانشگاه ارتقاء یافت	ارتقى إلى رتبة أمين السر لرئيس الجامعة	
اثر انگشت	بصم: بصمة الإصبع	۷۰۱
متهم گفت: روی اوراقی انگشت می زدم، که محتوای آنرا نمی دانستم	قال المدعى عليه: كنت أبصم على أوراق لا أعرف محتواها	
بازداشتن	ثني: الإثناء	۷۰۲
بر اساس نتیجه يك تحقيق در آمریکا، تهدید به زندان دراز مدت، مردم را از ارتكاب جرایم باز نداشته است	أظهرت دراسة في أمريكا أن التهديد بالسجن الطويل، لم يثن الناس عن ارتكاب الجريمة	
کلیات پیشنهاد	جمل: مجمل الاقتراح	۷۰۳
به کلیات پیشنهاد رأی دادند	صوتوا على مجمل الاقتراح	
پس گرفتن رأی اعتماد	حجب: حجب الثقة	۷۰۴
رأی گیری برای رفع (سلب) اعتماد	التصويت بحجب الثقة	
مصونیت	حصن: الحصانة	۷۰۵
مصونیت پارلمانی را از او سلب کردند	رفعوا عنه الحصانة البرلمانية	
صورت جلسه	حضر: المحضر	۷۰۶
تهیه صورتجلسه از وظایف منشی است	إعداد محضر الجلسة من مهام السكرتير	

۷۰۷	حظو: الحظوة حظی یا جماع الأصوات	منزلت وموقعیت اجماع آراء را نصیب خود ساخت
۷۰۸	حفظ: الاحتفاظ احتفظ بحق الجواب فيما بعد	محفوظ ماندن حق پاسخگویی در آینده را، برای خود محفوظ نگاه داشت
۷۰۹	حق: التحقيق استمر التحقيق معه ثلاثة أشهر	بازجویی بازجویی از او سه ماه بطول انجامید
۷۱۰	حق: قاضي التحقيق قرّر قاضي التحقيق العسكري إخلاء سبيل الموقوف بعد التحقيق، لقاء كفالة مالية بمليون ليرة لبنانية	بازپرس بازپرس نظامی پس از انجام تحقیقات، فرد بازداشت شده را در مقابل وثیقه ای بمبلغ يك مليون ليرة لبنانية آزاد کرد
۷۱۱	حكم: التحكيم اعتبر قرارات لجنة التحكيم لاغية	داوری تصمیمات شورای داوران را باطل اعلام کرد
۷۱۲	حكم: المحكمة لكل من له مصلحة في الاعتراض على هذا الطلب، التقدم به أمام هذه المحكمة خلال مهلة خمسة أيام من تاريخ نشر هذا الإعلان	دادگاه هر کس اعتراضی به انجام این درخواست دارد، شکایت خویش را در طول پنج روز از تاریخ انتشار این اعلامیه به دادگاه تحويل دهد
۷۱۳	حول: الإحالة أحالوا الشكوى إلى لجنة ذات صلاحية عالية	ارجاع شکایت را به يك کمیته دارای اختیارات وسیع ارجاع نمودند
۷۱۴	حول: التحويل أعلنت الشركة أنه لم يعد لها علاقة بمندوبيها السابق، فلا يمثلها بأية صفة، وهو غير مخول لقبض أية مبالغ مستحقة لها	اعطای صلاحیت شرکت اعلام کرد، که دیگر ارتباطی با نماینده سابقش ندارد، چون وی مسئولیتی به هیچ عنوان در شرکت نداشته، وصلاحیت گرفتن مبالغی بنام شرکت را ندارد



<p>سرنخ</p> <p>دستگاه قضائی، مجدداً توانست سرنخی از ترور وزیر را بدست آورد</p>	<p>۷۱۵</p> <p>خبط: طرف الخبط</p> <p>تمكّنت الأجهزة القضائية مجدداً من الإمساك بطرف الخبط، في قضية اغتيال الوزير</p>
<p>اعتراض</p> <p>یکی از نمایندگان، در اثنای گزارش مخبر کمیسیون دارائی و بودجه، اعتراض خود را مطرح کرد</p>	<p>۷۱۶</p> <p>دخل: المداخلة</p> <p>ألقي أحد النواب مداخلة في تقرير مخبر اللجنة النيابية للمال والموازنة</p>
<p>متهم</p> <p>شورای قضائی در مورد متهم حاضر ردیف اول، و در مورد متهم ردیف دوم بصورت غیابی حکم اعدام صادر کرد</p>	<p>۷۱۷</p> <p>دعو: المدعو عليه</p> <p>المجلس العدلي أصدر حكم الإعدام وجاهياً بحق المدعو عليه الرقم الأول، وغيباً للمدعو عليه الرقم الثاني</p>
<p>به تعویق انداختن</p> <p>تعویق بحث و بررسی به مدت نامعلوم</p>	<p>۷۱۸</p> <p>رجا: الإرجاء</p> <p>إرجاء المناقشة إلى أجل غير مسمى</p>
<p>ارتداد</p> <p>مفتی درخواست کرد، حکم ارتداد در مورد گروهی از باند (شیطان پرستان) که حاضر به توبه نیستند، اجرا شود</p>	<p>۷۱۹</p> <p>رد: الردّة</p> <p>طالب المفتي بإنزال حدّ الردّة. بأفراد جماعة (عبدة الشيطان) الذين يرفضون التوبة</p>
<p>رأی دادن (بشکل آری یا نه) برای يك كاندیدا</p> <p>در رأی گیری مستقیم بشکل نامزد منفرد پیروز شد</p>	<p>۷۲۰</p> <p>زكي: الاقتراع بالتزكية</p> <p>نجح في الاقتراع المباشر بالتزكية</p>
<p>اختلاف، مشاجرة</p> <p>دامنه اختلافات قانونی بین اتحادیه کارگری و وزارت کار بالا گرفت</p>	<p>۷۲۱</p> <p>سجل: السجال</p> <p>تصاعدت وتيرة السجال القانوني بين الاتحاد العمالي ووزارة العمل</p>
<p>دریافت احضاریه</p> <p>دبیرخانه اجرائیه شهر صیدا از آقای ... وارث مرحوم ... ، که محل اقامت او ناشناخته است، میخواید شخصاً برای</p>	<p>۷۲۲</p> <p>سلم: تسلّم الإنذار</p> <p>يدعو قلم دائرة تنفيذ صيدا السيد .... وريث المرحوم ... المجهول محل الإقامة، للحضور إليه شخصياً لتسلّم الإنذار رقم ...</p>

دریافت احضاریه شماره ... به این مرکز مراجعه کند		
جنجال تبلیغاتی تصمیم گرفتند به جنجال تبلیغاتی در این زمینه خاتمه دهند	شَدّ: المشادة الصحفية قضوا بالحدّ من المشادة الصحفية في هذا المجال	۷۲۳
کلاه گیس برخی از قضات کنیا، نسبت به لزوم استعمال کلاه گیس پوستیش و پوشیدن اینفورم رسمی، که تقلیدی برجای مانده از دوران استعمار بریتانیا است، اعتراض کردند	شعر: الشعر المستعار اعترض بعض القضاة في كينيا على وجوب وضع الشعر المستعار، وارتداء الثوب التقليدي، وهو تقليد موروث عن الفترة الاستعمارية البريطانية	۷۲۴
فراغ، نقص کرسیهای خالی، پستیهای بدون سرپرست (فرصت های شغلی موجود)	شغور: الشغور المقاعد الشاغرة	۷۲۵
متمرد اشکال محاکمه، ریشه در اعتماد دادگاه آلمان به شهادت متهمین بارز ایرانی، از قبیل رئیس اطلاعات سابق دارد	شَقّ: المنشق يتمثل الخلل في المحاكمة باعتماد المحكمة الألمانية على شهادة منشقين إيرانيين بارزين من أمثال المسئول الاستخباراتي السابق	۷۲۶
لاک قرمز صندوقهای آراء را با لاک قرمز مهر و موم کردند	شمع: الشمع الأحمر ختموا صناديق الاستفتاء بالشمع الأحمر	۷۲۷
تصویب کردن گزارش را برای تصویب به شورای عمومی فرستاد	صدق: المصادقة على رفع التقرير إلى الجلسة العامة للمصادقة عليه	۷۲۸
سکوت سکوت محض اختیار کردند	صمت: الصمت التزموا الصمت التام	۷۲۹
رأی دادن کارت های رأی سفید بحساب نخواهند آمد	صوت: التصويت لن تؤخذ بطاقات التصويت الخالية بعين الاعتبار	۷۳۰



۷۳۱	ضیع: بدل ضائع إعلان من أمانة السجل العقاري في العاصمة : طلب السيد ... سند تمليك بدل ضائع بالعقار الرقم ..... للمراجعة ۱۵ يوما	المثنی اعلان از طرف اداره ثبت املاک پایتخت : آقای ... درخواست کرده است که بنام او برای زمین پلاک ... سند مالکیت المثنی صادر شود. برای مراجعه ۱۵ روز فرصت دارید
۷۳۲	طلب: المطالبة طالب بالتصويت مادة فمادة	خواستار شدن خواستار رأی گیری ماده به ماده قانون شد
۷۳۳	طول: الطائلة تحت طائلة المسؤولية	اقتدار تحت پیگرد قانونی
۷۳۴	عبر: الأخذ بعين الاعتبار أخذ اعتراض المحافظ بعين الاعتبار	مد نظر قرار دادن، بحساب آوردن اعتراض استاندار را بحساب آورد
۷۳۵	عجل: القانون المعجل المكرر تمنى النائب على المجلس أن يصدر قانوناً معجلاً مكرراً، يعفي إعفاءً عاماً للمتظاهرين المعتقلين	قانون با قید دو فوریت نماینده از مجلس درخواست کرد، که با تصویب یک قانون با قید دو فوریت، تظاهر کنندگان بازداشت شده را مورد عفو عمومی قرار دهد
۷۳۶	عدل: مكتب الكاتب العدل الأحوال الشخصية تسجل عند الكاتب العدل	دفتر اسناد رسمی حالات شخصی (نظیر تولد، ازدواج، ووفات) در دفتر اسناد رسمی ثبت می شود
۷۳۷	عكف: العكوف المحكمة تعكف للتشاور	ممانعت جلسه دادگاه برای شور متوقف می شود
۷۳۸	فرغ: المتفرغ تنفذ رابطة الأساتذة المتفرغين إضراباً تحذيرياً، من أجل إدخال المتفرغين في الملاك	کارمند تمام وقت انجمن اساتید تمام وقت، به منظور دستیابی به رسمی قطعی کردن کادر اساتید تمام وقت، دست به یک اعتصاب هشدار دهنده می زند

فسخ قرارداد	فسخ: فسخ العقد	۷۳۹
حق فسخ قرارداد را برای خود محفوظ داشت	احتفظ بحق فسخ العقد	
پیشنهاد	قترح: الاقتراح	۷۴۰
حذف عبارت را از صورت جلسه پیشنهاد کرد	اقترح حذف العبارة من محضر الجلسة	
انتقام	قص: الاقتصاص	۷۴۱
برای مقابله به مثل، متوسل به انتقام شد	لجأ إلى الاقتصاص مقابلة بالمثل	
مقید شدن	قيد: التقييد	۷۴۲
از ناطق خواست از چارچوب مناقشه خارج نشود	طلب من المتكلم التقييد بموضوع النقاش	
بمورد اجرا	قيد: قيد التنفيذ	۷۴۳
آنها بمورد اجرا گذاشت	وضعه قيد التنفيذ	
کمیته	لجن: اللجنة	۷۴۴
دولت نماینده تام الاختیاری به کمیته داوری فرستاد	أرسلت الدولة مفوضاً مطلق الصلاحية إلى لجنة التحكيم	
ظاهر شدن، حضور یافتن	مثل: المثل	۷۴۵
از حضور در برابر شورای دادگاه خودداری کرد	امتنع عن المثل أمام لجنة المحكمة	
نماینده	مثل: الممثل	۷۴۶
خواستار فرستادن نماینده ای برای رفع اختلافات شد	دعا إلى إيفاد ممثل لتسوية الخلاف	
تعرض به قانون	مس: المساس بالقانون	۷۴۷
هر گونه تعرض به احکام معاهده را رد کرد	رفض أي مساس بأحكام الاتفاقية	
خودداری	نحي: التنحي	۷۴۸
از سخن گفتن سر باز زد	تنحى عن الكلام	
هشدار اجرائی	نذر: الإنذار التنفيذي	۷۴۹



برای دریافت اخطاریه اجرائی و متعلقات آن، باید شخصا حاضر شوی، یا نماینده قانونی خود را به دبیرخانه این دادگاه بفرستی	يقتضي حضورك بالذات، أو بالواسطة القانونية إلى قلم هذه المحكمة، لاستلام الإنذار التنفيذي ومربوطاته	
چشم پوشیدن از حق خود در ایراد سخن صرف نظر کرد	نزل : التنازل تنازل عن حقه في الكلام	۷۵۰
تریون پشت تریون ریاست قرار گرفت، وچکش را به میز زد	نص : المنصة اعتلى منصة الرئاسة، وتناول المطرقة	۷۵۱
سازماندهی به سازماندهی دبیرخانه اقدام کرد	نظم : التنظيم قام بتنظيم السكرتارية	۷۵۲
اجرا بمرحله اجرا گذاشته شد	نقد : التنفيذ دخل في طور التنفيذ	۷۵۳
اجرای حکم حکم اعدام با شمشیر در مورد آنان اجرا شد، چون مرتکب جانیاتی از قبیل قتل و جادوگری شده بودند	نقد : تنفيذ الحكم نقد فيهم الإعدام بحدّ السيف، لارتكابهم جرائم تتراوح بين القتل والسحر	۷۵۴
اغتنام فرصت فرصت را برای تقدیم شکایت غنیمت شمرد	نهز : انتهاز الفرصة انتهاز الفرصة لتقديم الشكوى	۷۵۵
گزینش نماینده برای شرکت در جلسه مجمع، ارسال فرد دیگری بجای خود ممنوع است	نوب : الإنبابة لاتجوز الإنبابة لأي عضو آخر في جلسة الجمعية	۷۵۶





## ۸. المصطلحات العلمية

فرسودگی، خوردگی برای جلوگیری از فرسایش ساحل، یک موج شکن بنا شده است	۷۵۷ أكل: التآكل أقيم حاجز لمكافحة عوامل تآكل الشاطئ
پژوهشهای هواشناسی این شرکت، مهمترین شرکت در پیشبرد سیستمهای پژوهشهای هواشناسی است	۷۵۸ بحث: أبحاث الجو تعتبر هذه الشركة الأهم في تطوير منظومات أبحاث الجو
آبهای آلوده آبهای کثیفی که به بندر وارد می شود، بسختی اجازه مشاهده آثار باستانی را در زیر آب می دهد	۷۵۹ بذل: المياه المبتذلة المياه المبتذلة التي تصرف في الميناء، تسمح بصعوبة برؤية الآثار في قعر الماء
آتشفشان آبهای واقع در زیر لایه یخی، از فعالیتهای آتشفشانی حرارت می گیرد	۷۶۰ برك: البركان المياه الواقعة تحت القشرة الجليدية، تكتسب الدفء من النشاط البركاني
اثر انگشت این پدیده آثار خود را روی اوضاع کشور برجای گذاشت	۷۶۱ بصم: بصمة الإصبع تركت هذه الظاهرة بصماتها على أوضاع البلد
محیط (زیست) وزارت محیط زیست کانادا اعلام کرد،	۷۶۲ بيئة: البيئة أعلنت وزاره البيئة الكندية، أن طبقة الأوزون التي

تمتصّ الأشعة الشمسيّة فوق البنفسجيّة، باتت رقيقة جدّاً فوق المنطقة القطبيّة الشماليّة في كندا	لايه ازون كه اشعه ماوراء بنفش خورشيد را به خود جذب مي كند، بر فراز منطقه قطب شمال در كانادا بسيار نازك شده است
٧٦٣	تقن : التقنيّة
تقنيّات متطوّرة وعالية الجودة	تكنولوژيهاي پيشرفته، وداراي كيفيت بالا
٧٦٤	ثدي : الثدييات
إنّ وضع نسخة طبق الأصل عن حيوان بالغ من الثدييات، عن طريق زرع بويضة ملقّحة في نعجة أخرى، أثار جدالاً حامياً حول أخلاقيّة أبحاث الهندسة الوراثيّة في الإنسان	توليد (تکثير) يك نسخه برابر اصل از يك حيوان كامل از گروه پستانداران، از طريق كاشت يك سلول از يك ميش در يك ميش ديگر، جدال داغي را بر سر جوانب اخلاقي پژوهشهاي مهندسي ژنتيك در انسان بدنبال داشت
٧٦٥	جلد : الجليد
الصور التي أرسلتها المركبة الفضائية، تكشف الجليد في إحدى الفوهات البركانية في المريخ	عكسهاي ارسالي از طرف سفينه فضائي، كاشف از وجود يخ در يكي از دهانه هاي آتشفشاني كره مريخ است
٧٦٦	جلد : الموجة الجليديّة
بدأت العاصفة الثلجية بالانحسار، تاركة وراءها موجة جليد أوقعت أضراراً بالغة في المزروعات	موج يخ بوران يخي درحال اتمام است، اما پشت سر خود موجي از يخ را بر جا گذاشته، كه خسارتهاي سنگيني به محصولات كشاورزي وارد کرده است
٧٦٧	جهاز : الجهاز
جهاز التحكم من بعد	دستگاه كنترل از راه دور
٧٦٨	جوز : المجاز
حفلة تخريج مجازات في فرعي التمريض	فارغ التحصيل ليسانسه ( پس از چهار سال تحصيل دانشگاهي)



والتوليد (القابلة)	جشن فارغ التحصیلی تعدادی دانشجوی کارشناسی در دورشته پرستاری ومامائی
۷۶۹ جوف : المياه الجوفية	آبهای زیرزمینی دفن پس مانده هایی که قابل بازیافت نیست، مخازن آب زیرزمینی را تهدید می کند
۷۷۰ جین : الجین	ژن پژوهشگران فرانسوی موفق شدند ژنهایی کشت کنند، که هموگلوبین انسانی (یعنی خون) از نهال های تنباکو بدست آورند. این امر کاشت نهال تنباکو را از نظر پزشکی قابل توجیه می سازد
۷۷۱ جین : الجينة	ژن الجنة حافظة الذاكرة البيولوجية لأي جسد، ويمكن لها أن تكون مادة إخصاب تعيد إنتاج المثيل
۷۷۲ حلّ : تحليل البول	آزمایش (تجزیه) ادرار پس از عمل باروری مصنوعی، آزمایش ادرار حاملگی را محرز ساخت
۷۷۳ حی : الحيوي	زنده وپویا شبکه جهانی کامپیوتری (انترنت)، در خلال چند سال گذشته موجودیت خود را بعنوان مرکزی پویا وبالنده برای ارتباطات وتبادل معلومات بين افراد بشر تثبيت کرده است
۷۷۴ خفض : الخفض	کاستن

يمكن خفض المخاطر الناتجة عن الزلزال، بفضل بناء مبان مضادة للهزّات	با ساختن ساختمانهای ضدّ زلزله، می توان از خطرات آن کاست
۷۷۵ دلي: المتدلیات المغارة تحتطي بمناظر خلابة في متدلیاتها القديمة	سنگهای استالاکتیت (آویزه ها) این غار بسبب سنگهای قدیمی استالاکتیت (آویزه ها)، از مناظر جالبی برخوردار است
۷۷۶ دور: الدارة الهاتفية الكابل الضوئي البحريّ الجديد الذي يربط سوريا بمصر، تبلغ دارته ثلاثين ألف دائرة هاتفية، ويمكن زيادتها مستقبلا لتصل إلى ۶۰ ألف دائرة	خط تلفن کابل نوری دریایی جدید که سوریه را به مصر پیوند می دهد، هم اکنون شامل ۳۰ هزار خط تلفن است، که میتوان آنرا در آینده به ۶۰ هزار خط افزایش داد
۷۷۷ ذرّ: الذرّة لجنة الطاقة الذرية	اتم کیمته انرژی اتمی
۷۷۸ ذکر: الذاكرة هذه الشركة العملاقة العالمية تعمل لتصنيع شرائح ذواكر الحاسب	حافظه این شرکت عظیم بین المللی قطعه های حافظه کامپیوتر (تراشه های حافظه ماشین حساب) تولید می کند
۷۷۹ ذكي: الحياة الذكيّة من أبرز الأماكن المرشحة لوجود حياة ذكيّة : كوكب المريخ وخاصة بعد العثور على بقايا نيازك، يقال إنّها سقطت من الكوكب الأحمر، وتحتوي على موادّ ميكروسكوبية متحرّرة	حیات هوشمند سیاره مریخ بارزترین مکان وجود احتمالی حیات هوشمند است، بویژه پس از دستیابی به بقایای شهاب سنگهایی که گفته می شود از سیاره قرمز سقوط کرده و حاوی مواد میکروسکوپی فسیل شده هستند.
۷۸۰ ذنب: المذنب ازداد المذنب لمعاناً، مع اقترابه من الأرض التي	ستاره دنباله دار ستاره دنباله دار با نزدیک شدن به زمین -



که درآغاز ماه آینده به نزدیکترین فاصله به آن میرسد - از درخشش بیشتری برخوردار شد	سیصبح أقرب نقطة إليها، في بداية الشهر القادم	
نقاشیها نقاشیهای متحرک، کارتون	رسم: الرسوم الرسوم المتحركة	۷۸۱
رصد کردن اداره هوا شناسی، نسبت به وقوع توفانهای باران زاء، که احتمالا خطرناك است هشدار داد	رصد: الرصد مصلحة الأرصاد الجوية أذرت بعواصف مطرية، قد تكون خطرة	۷۸۲
مرکز ثبت زلزله برای جلوگیری از بروز خسارات، به مراکز ژئوفیزیک (برای ثبت زلزله) نیاز داریم	رصد: المرصد نحتاج إلى المراصد من أجل تفادي الأضرار	۷۸۳
وسيله نقلیه فضا پیما	ركب: المركبة المركبة الفضائية	۷۸۴
كد گذاری شناسنامه های جدید، الکترونیکی و دارای کد است، و اثر هر ده انگشت بر آن ثبت می شود	رمز: الترميز بطاقات الهوية الجديدة ممغنطة ومرمّزة، وتحمل بصمات الأصابع العشرة	۷۸۵
دکمه زندگی با کامپیوتر راحت است، و به جز فشار آوردن روی چند دکمه، زحمت دیگری ندارد	زر: الزر الحياة مع الكمبيوتر مريحة، لا تتطلب جهداً غير النقر على بضعة أزرار	۷۸۶
مجهز کردن خانم تلفنچی، مجهز به يك صفحه کامپیوتری است، که وضعیت همه	زود: التزويد عاملة المقسم مزودة بشاشة الكترونية، من أجل توضيح وإظهار جميع الفرعيات	۷۸۷

خطوط داخلی را روشن می کند		
سفینه	سبر: المسبار	۷۸۸
سفینه جدیدی که اخیراً در مدار زمین (ماه) قرار داده شد، تلاش خواهد کرد، وجود یا عدم وجود آب در ماه و ترکیب خاک آن و میدانهای جاذبه و میدانهای مغناطیسی آن را مشخص نماید	سیسعی المسبار الجديد الذي وضع في مدار القمر مؤخراً، إلى تحديد وجود أو عدم وجود مياه في القمر، ويحدد تكوين التربة وحقول الجاذبية والمجالات المغناطيسية	
ابر مغناطیسی	سحب: السحابة المغناطيسية	۷۸۹
یک ابر ضخیم مغناطیسی، که در اثر یک انفجار خورشیدی ایجاد شده است، در حال رسیدن به کره زمین است	إن سحابة مغناطيسية ضخمة ناجمة عن طفرة شمسية هائلة، بدأت تصل إلى الأرض	
بیسیم	سلك: اللاسلكي	۷۹۰
اتومبیلهایی که با دستگاه بی سیم هدایت می شوند	السيارات الموجهة لاسلكيا	
تشعشع زا	شع: المشع	۷۹۱
این انبارها، مواد شیمیایی تشعشع زا و خطرناک دارند	هذه المستوعبات تحتوي على مواد كيميائية مشعة وخطرة	
راه اندازی	شغل: التشغيل	۷۹۲
این دستگاههای الکترونیکی، همراه با کلیه کاتالوگها و اطلاعات لازم برای راه اندازی و ترکیب (نصب) و نگهداری، به زبانهای مختلف بفروش می رسد	تباع هذه الاجهزة الالكترونية مع كافة الكatalogات والشروحات اللازمة، للتشغيل والتركيب والصيانة بمختلف اللغات	
مدارك تحصيلی	شهد: الشهادات الدراسية	۷۹۳
مدارك تحصيلی شامل: گواهی ابتدائی، گواهی راهنمایی، دیپلم، لیسانس، فوق	الشهادات الدراسية تشمل شهادة الابتدائية والبروفيه والباكالوريا القسم الثاني والباكالوريوس	



لیسانس ودکترا می شود	ودبلوم الدراسات العليا (الماجستير) والدكتوراه	
بشقابهای گیرنده	طبق: أطباق الاستقبال	۷۹۴
بشقابهای گیرنده برنامه های تلویزیونی از طریق ماهواره ها	أطباق استقبال الإرسال التلفزيوني عبر الأقمار الصناعية	
آسیاب	طحن: الطاحونة	۷۹۵
آسیاب بادی	طاحونة الهواء	
نظرخواهی	طلع: استطلاع الرأي	۷۹۶
نتایج یک رأی گیری نشان داد، که سه چهارم آمریکائیها خواستار ممنوعیت تولید مشابه سازی (شبه سازی) انسانی از طریق مهندسی ژنتیک هستند	أظهرت نتائج استطلاع للرأي، أن ثلاثة أرباع الأمريكيين يطالبون بحظر تجارب الاستنساخ البشري عبر الهندسة الوراثية	
انرژی	طوق: الطاقة	۷۹۷
بکارگیری انرژی اتمی در اهداف صلح	استخدام الطاقة النووية في الأغراض السلمية	
توفان	عصف: العاصفة	۷۹۸
این توفان خورشیدی، حاوی تشعشعاتی است که ممکن است روی میدان جاذبه زمین اثر گذاشته، و ماهواره ها را مختل کند	تحمل العاصفة الشمسية إشعاعات، يمكن أن تؤثر على المجال المغناطيسي للأرض، وتعطل أقمار الاتصالات الصناعية	
توفان	عصف: العاصفة	۷۹۹
این توفان مغناطیسی، که همچون یک خیزش گازی از جو اطراف خورشید شروع شده بود، اخیراً به نزدیکی زمین رسید	العاصفة المغناطيسية التي بدأت كانبعاث غازي من الهالة المحيطة بالشمس، وصلت أخيراً حول الأرض	
ایجاد انفجار	فجر: التفجير	۸۰۰
قرن بیستم، قرن انفجار اطلاعات نامیده	سمي القرن العشرين بعصر التفجير المعرفي	

شد		
فرد گرائی	فرد: الفردنة	۸۰۱
در بین ۲۰ کشوری که در شاخص فرد گرائی بالاترین معدل را بدست آوردند، ۱۹ کشور غربی یافت می شود، که در این نمونه گیری شرکت داشتند	البلدان العشرين التي سجلت أعلى معدل في مؤشر الفردانية، ضمت ۱۹ بلداً غربياً، شاركت في العينة	
زباله، پس مانده	فضل: الفضلة	۸۰۲
پس مانده های دارای تشعشع	فضلات مُشعة	
نیروگاه (راکتور)	فعل: المُفاعل	۸۰۳
نیروگاه اتمی (راکتور اتمی)	المُفاعل النووي	
گسل (شکاف بین لایه های زمین)	فلق: الفالق	۸۰۴
به نظر يك كارشناس زلزله در دانشگاه، احتمال دارد شمارش معكوس برای حدوث يك زلزله بزرگ، روی گسلی که از لبنان می گذرد شروع شده باشد	خبير الزلزال في الجامعة، توقع العدّ العكسي، لحدوث هزة كبيرة على الفالق الذي يمر من الأراضي اللبنانية	
ویتامین	فیت: الفيتامين	۸۰۵
وعده های غذایی پاندا (خرس نادری که در باغ وحش برلین نگهداری میشود) برای حفاظت او، آکنده (سرشار) از مواد مقوی و ویتامینها، وشامل بادام وگردو وپسته وعسل است	شحت وجبات طعام الباندا (الدب النادر الذي يحتفظ به في حديقة حيوانات برلين) بالمقويات والفيتامينات، من لوز وجوز وفستق وعسل للمحافظة عليه.	
قطعات یدکی	قطع: قطع التيار (الغيار)	۸۰۶
خودروهای آتش نشانی، توانستند قبل از وصول آتش به انبار قطعات یدکی الکترونی، آنرا مهار کنند	سيارات المطفئ، أفلحت في السيطرة على النيران، قبل أن تصل إلى مخزن قطع الغيار الإلكتروني	
توده	کتل: الكتلة	۸۰۷



توده های هوای سرد	الْكُثْلَةُ الهوائية الباردة	
لورفتن دروغ	كذب: كشف الكذب	۸۰۸
دستگاه دروغ سنج	آلة كشف الكذب	
دارای ضمانت (گارانتی)	كفول: المكفول	۸۰۹
دستگاه تلفن مرکزی (سانترال) دارای ضمانت بمدت یکسال است (یکساله است) و دارای باطریهایی است که هنگام قطع جریان برق بمدت ۶ ساعت کار می کند	جهاز المقسم الالكتروني مكفول لسنة واحدة، ويشغل مع بطاريات تكفي للعمل لمدة ۶ ساعات، في حال انقطاع التيار الكهربائي	
غار	كهف: الكهف	۸۱۰
انسان غارنشین	انسان الكهف	
عکسبرداری	لقط: التقاط الصورة	۸۱۱
وظیفه این سفینه فضائی که يك سفینه پیشتاز است: تجزیه و تحلیل پیامهایی است که تلسکوپ های بی سیم توسط کامپیوتر دریافت می کنند	مهمّة هذه المركبة الفضائية وهي رائدة فضاء: غريلة رسائل تلتقطها تلسكوبات لاسلكية بواسطة الكمبيوتر	
درخشش	لمع: اللمعان	۸۱۲
در آن غار، تل هائی از استخوانهای انسان وجود داشت، وبر فراز آن جمجمه هائی بود که برخی از آنها با آبهای آکنده از بلورهای کلسیم به زمین چسبیده بود وجلوه سفید وبراقي را به جمجمه ها داده بود	احتوى الكهف على أكوام من العظام البشرية، تعلوها جماجم بعضها التصق في مكانه بواسطة مياه مشبهة ببلورات الكالسيوم، فأضفت لوناً أبيض لامعاً على الجماجم	
بلعیدن	لهم: الاتهام	۸۱۳
آتش، تمام پرونده ها را در کام خود فروبرد	إن الحريق التهم كافة السجلات	
آلودگی	لوث: التلوث	۸۱۴

<p>نسبت به آلودگی دارای تشعشع، که جان کارگران کارخانه را تهدید می کند، ابراز نگرانی کرد</p>	<p>أعرب عن خوفه من التلوث الإشعاعي الذي يندر بعمال المصنع</p>	
<p><u>مشابه سازی</u> ، <u>نسخه برداری</u> (شبهه سازی) تجربه تازه در زمینه <u>مشابه سازی</u> (شبهه سازی) ژنتیکی، به ظهور گوسفندی منجر شد که از طریق کاشتن نمونه ای از سلول سینه يك میش، وتلقیح آن در تخمك يك میش دیگر تولد یافت</p>	<p>نسخ: الاستنساخ تمخّضت التجربة الجديدة في الاستنساخ الجيني، عن نعجة ولدت بزرع نسخة من خلية ثدي نعجة، وحقنها في بويضة نعجة أخرى</p>	<p>۸۱۵</p>
<p><u>مشابه سازی</u> (شبهه سازی) بر اساس قوانین قاطع کشور، خطر <u>مشابه سازی</u> (شبهه سازی) ژنتیکی در زمینه انسان، بعید است</p>	<p>نسخ: الاستنساخ قوانين البلاد الصارمة، تستبعد خطر الاستنساخ الجيني في حقن الانسان</p>	<p>۸۱۶</p>
<p>شکل گیری فرضیه تکامل جانوران</p>	<p>نشأ: النشوء نظرية النشوء والارتقاء</p>	<p>۸۱۷</p>
<p>هواپیمای جت يك مسابقه بين اتومبيلهاى داراى موتور جت (سريع السير)، ومسابقه ديگرى بين اتومبيلهاى خورشيدى برگزار شد</p>	<p>نفث: الطائرة النفاثة أقيمت مباراة بين السيارات النفاثة، وأخرى بين السيارات الشمسية</p>	<p>۸۱۸</p>
<p>زباله ها بکار گیری تکنولوژی جدید در عملیات بارگیری پس مانده ها، آلودگی محیط زیست را محدود می کند</p>	<p>نفي: النفايات استخدام التقنيات الحديثة في عملية شحن النفايات، يضع حدًا لتلوث المياه</p>	<p>۸۱۹</p>
<p>زباله پس مانده های صنعتی سمّی (پس)</p>	<p>نفي: النفاية النفايات الصناعية السامة</p>	<p>۸۲۰</p>



ماندهای سَمی صنعتی)		
سنگ آسمانی شهاب سنگ	نیزک : النیزک الحجر النیزک	۸۲۱
کاهش دما دمای شبکه های (آب) روی زمینی، در برخی مناطق کوهستانی به زیر صفر تقلیل یافت	هبط : هبوط الحرارة هبط الحرارة إلى ما دون الصفر، في الشبكات الممدودة فوق الارض في المناطق الجبلية	۸۲۲
تلفن سیستم تلفن سنتی موجود را به مکیدن شیر از نی تشبیه کرد (که انسان را سیر نمی کند)، در حالیکه کارائی سیستم الکترونیکی جدید را مثل قورت دادن (سر کشیدن) یکباره همه جام دانست	هتف : الهاتف وصف نظام الهاتف التقليدي الحالي، بأنه مثل مصرّ كوب من اللبن بأنبوبة، (عملية غير مشبعة)، بينما النظام الإلكتروني الجديد مثل تجرّع الكأس دفعة واحدة	۸۲۳
زمین لرزه مرکز ملی پژوهشهای ژئوفیزیک اعلام کرد، که زمین لرزه ای بقت ۵ درجه (در مقیاس) ریشتر، لبنان را تکان داد	هزّ : الهزّة أعلن المركز الوطني للأبحاث الجيوفيزيائية، أنّ هزّة بقوة ۵ درجات على مقياس ريختر، ضربت لبنان	۸۲۴
پس لرزه در طول سه روز، حدود ۳۰۰ پس لرزه به ثبت رسیده است، که قویترین آنها حدود ۳ درجه (در مقیاس) ریشتر قوت داشته است	هزّ : الهزّة الارتدادية سجّلت حوالي ۳۰۰ هزة ارتدادية خلال ثلاثة أيام، بلغت قوّة أقوى هذه الهزّات ۳ درجات على مقياس ريختر	۸۲۵
مهندسی ژنتیک تعدادی بچه قورباغه، که بطور مصنوعی توسط متخصصین مهندسی ژنتیک تولید (تکثیر) شده بودند، قبل از رسیدن	هندس : الهندسة الوراثية الشراعيف (أفراخ الضفادع) المنتجة صناعياً بيد الأخصائيين في الهندسة الوراثية، ماتت قبل أن تصل للبلوغ	۸۲۶

به دوره بلوغ مردند		
<p>سقوط , انهدام</p> <p>معتقد بود که این زمین لرزه، ناشی از انهدام غیر مترقبه (لغزش ناگهانی) یک گسل زیرزمینی است و تعیین مشکلات ناشی از شکاف پوسته زمین و سقوط آن، امکان پذیر نیست</p>	<p>هـور: الانهيار</p> <p>رأى أنَّ الهزّة الأرضية ناتجة عن انهيار مفاجئ لتصدّع جيولوجي , ولا يمكن تحديد مشكلات (مشاكل) تشقّق القشرة الأرضية وهبوطها</p>	۸۲۷
<p>کتابداری</p> <p>سیستمهای اصول کتابداری</p>	<p>وثق : التوثيق</p> <p>نُظُم التوثيق المكتبي</p>	۸۲۸





## ۹. المصطلحات الطبية

هندوانه	بطخ: البطيخ	۸۲۹
جبهه هوای توفانی , به درختان بادام زیر محصول, ونهالهای هندوانه خسارت وارد کرد , وبسیاری از سرپوشهای پلاستیکی مزارع را پاره کرد	العواصف الهوائية , أضرت بالاشجار المثمرة اللوزية وشتول البطيخ , ومزقت كثيراً من البيوت البلاستيكية	
توتون	تبغ: التبغ	۸۳۰
اداره انحصار توتون وتبako	إدارة حصر التبغ والتبناك	
انتقال آب	جرّ: جرّ المياه	۸۳۱
يك شرکت سهامی , طرح انتقال آب از مناطق کوهستانی به پایتخت را بررسی کرد	شركة مساهمة , درست مشروع جرّ مياه المناطق الجبلية إلى العاصمة	
جنگل حفاظت شده	حمي: الغابة المحمية	۸۳۲
وزیر کشاورزی , طی بخشنامه شماره ۱/۱۷۵ , جنگل کاج پلاك زمین شماره ۱۲۰ شهر هرمل را , يك جنگل حفاظت شده , ومشمول قانون حمايت از جنگلها اعلام کرد	أصدر وزير الزراعة قراراً , يحمل الرقم ۱۷۵ را , يعتبر غابة الصنوبر في العقار رقم ۱۲۰ من مدينة الهرمل غابة محمية , خاضعة لأحكام قانون حماية الغابات	
جدول فعاليتهاى روزانه (زمانبندی برنامه ها)	روز: الروزنامه (فارسية)	۸۳۳
وزیر کشاورزی , زمانبندی برنامه های کشاورزی را بر اساس دستور کار	وزير الزراعة نشر الروزنامه الزراعية في جدول أعمال الوزارة	

وزارتخانه منتشر کرد		
زن روستائی	ريف : المرأة الريفية	۸۳۴
این دوره آموزشی که توسط وزارت کشاورزی برپا شده است ، شامل تکیه بر اهمیت توصیه های کشاورزی بطور عام ، و اجرای (طراحی) پژوهشهای عملی ویژه برای کسب اطلاع از واقعیت زن روستائی بطور خاص می شود	تتناول الدورة التدريبية التي عقدتها وزارة الزراعة ، أهمية الإرشاد الزراعي بشكل عام ، وتصميم البحوث الميدانية الخاصة برصد واقع المرأة الريفية بشكل خاص	
کود	سمد : السماد	۸۳۵
دولت ، برای بهداشت ، برق رسانی ، وتوزيع بذر وكود روستائیان ، فعاليتهاي مقدماتی انجام داد	الدولة مهّدت للقرويين الصحة والإنارة وتوزيع البذار والأسمدة	
بوته ، نهال	شتل : الشتلة	۸۳۶
بوته های گیاه	شتلات الحشيش	
درختکاری	شجر : الشجير	۸۳۷
انجمن توسعه روستائی ، يك برنامه درختکاری گسترده را به اجرا در آورد ، که طی آن هزار نهال درخت در محیط مدارس کاشته شد	نفّذت جمعية التنمية الريفية حملة تشجير واسعة ، تمّ فيها غرس ألف غرسة في محيط المدارس	
سیلو	صومع : الصومعة	۸۳۸
کمیسیون مشترک ، احداث ده باب سيلو را برای ذخيره سازی حبوبات به گنجایش يك ميليون تن تصويب کرد	أقرّت اللجنة المشتركة إنشاء عشر صوامع ، لتخزين الحبوب لسعة مليون طن	
کاشتن	غرس : الغرس	۸۳۹
درختان نخلی که اخیراً کاشته شد ، با نمودی زیبا منظره دروازه ورودی پایتخت را آراست	أشجار النخل المغروسة أخيرا ، غدت معلماً تزئينياً ، يجمّل منظر مدخل العاصمة	
سیگار پیچی	غلف : تغليف السجائر	۸۴۰



<p>حققت المؤسسة العامة ، للتبغ وفراً إجمالياً بلغ حوالي مليون دولار ، وذلك من جزاء تخفيض عقد شراء آلات تغليف السجائر</p>	<p>سازمان تنباکو ، توانست از طریق کاستن مبالغ قرارداد خرید دستگاههای سیگار پیچی ، مبلغی در حدود یک میلیون دلار ذخیره کند</p>
<p>۸۴۱ <b>لزم : المستلزمات</b> وزعت وزارة الزراعة المستلزمات الزراعيّة المستوردة بين مزارعي التبغ</p>	<p><b>ادوات ولوازم</b> وزارت کشاورزی ، ادوات ولوازم کشاورزی وارداتی را بین کشتکاران توتون توزیع کرد</p>
<p>۸۴۲ <b>مکن : المكننة</b> أكد على لزوم تطوير الزراعة المكننة</p>	<p><b>مکانیزه کردن</b> بر لزوم ایجاد تحول در کشاورزی مکانیزه تأکید کرد</p>
<p>۸۴۳ <b>نشر : المنشار الآلي</b> أصدر القاضي الجزائي حكماً بالدعوى المقدّمة من مصرف لبنان ضد المدّعى عليه ، على قطع أشجار الصنوبر التي يملكها المصرف . وقضى الحكم بتغريمه مليون ليرة ، ومصادرة المناسير الآلية والفؤوس</p>	<p><b>اژه برقی</b> قاضی جزائی ، حکم خود را در مورد شکایت تقدیم شده از طرف بانک مرکزی لبنان بر علیه فرد متّهم به قطع درختهای کاج تحت تملّک بانک صادر کرد . بر اساس این حکم ، وی به پرداخت جریمه نقدی به مبلغ یک میلیون لیره لبنانی ، ومصادره اژه های برقی وتبرهای مورد استفاده محکوم شد</p>
<p>۸۴۴ <b>نقط : نظام التنقيط</b> معظم حقول هذه المدينة تروى بنظام التنقيط</p>	<p><b>روش آبیاری قطره ای</b> اکثر مزارع این شهر ، با روش قطره ای آبیاری می شود</p>

۱۰. المصطلحات الأمنية والعسكرية

<p>در نهایت آمادگی</p> <p>باید بخاطر احتمال حملات نظامی اسرائیل، در آمادگی کامل بسر بریم</p>	<p>۸۴۵</p> <p>أهب: على أهبة الاستعداد</p> <p>يجب أن نكون على أهبة الاستعداد، من الخروقات العسكرية الإسرائيلية</p>
<p>آماده باش</p> <p>نیروی نظامی آمریکا در خلیج، در وضعیت آماده باش کامل بسر می برند</p>	<p>۸۴۶</p> <p>أهب: التأهب</p> <p>القوات الأمريكية في الخليج، تعيش في حالة التأهب القصوى</p>
<p>مانورهای آبی - خاکی</p> <p>فرمان آغاز مانورهای آبی - خاکی را صادر کرد</p>	<p>۸۴۷</p> <p>بَر: المناورات البرمائية</p> <p>أعطى إشارة البدء للمناورات البرمائية</p>
<p>انبار مهمات، زَراد خانه</p> <p>روسیه، کشوری است که دومین زَراد خانه بزرگ اتمی دنیا را در اختیار دارد</p>	<p>۸۴۸</p> <p>ترس: الترسانة</p> <p>روسيا دولة تملك ثاني أكبر ترسانة نووية في العالم</p>
<p>پادگان</p> <p>پرچمها، بر فراز مجموعه پادگان نظامی در اهتزاز است</p>	<p>۸۴۹</p> <p>ثكن: الثكنة</p> <p>الأعلام خفاقة فوق مجمع الثكنة العسكرية</p>
<p>دستگاه امنیتی</p> <p>گفت: دستگاههای امنیتی ما، در برخورد قاطع با هر فرد خرابکاری، که بخواهد امنیت ما را به بازی بگیرد، تردید نمی کند</p>	<p>۸۵۰</p> <p>جهاز: الأجهزة الأمنية</p> <p>قال: إن أجهزتنا الأمنية لن تردد في التصدي بحزم، لكل مخرب يريد العبث بأمننا</p>
<p>بازجویی</p> <p>دادگاه نظامی، از بازداشت شدگانی که به نیروهای پلیس سنگ پرتاب کرده بودند، بازجویی کرد</p>	<p>۸۵۱</p> <p>جوب: الاستجواب</p> <p>المحكمة العسكرية استجوبت الموقوفين برشق قوى الأمن</p>



۸۵۲	جول : التجول وقع وزير الدفاع على مرسوم حظر التجول	عبور و مرور وزير دفاع , بهشنامه مقررات منع رفت وآمد را امضا کرد
۸۵۳	جيش : الجيش والجيشان أرادوا أن يجيش الجيوش	به جوش و خروش در آمدن تصميم به لشكر كشى گرفتند
۸۵۴	حرب : الحرب رأس الحرب	پيكان نيزه نوك پيكان حمله
۸۵۵	خلق : التحليق تحليق مكثف للطيران المعادي في علو منخفض	به پرواز در آمدن , اوج گرفتن پرواز گسترده هواپيماهاى دشمن در ارتفاع پائين
۸۵۶	حمي : الاحتماء ملجأ للاحتماء من الغارات الجوية	حمایت و محافظت پناهگاهی برای در امان ماندن از حملات هوائی
۸۵۷	خرق : الاختراق تخفت امرأة فلسطينية في زيّ بائعة سمك , لاختراق الحصار على مدينة الخليل	نفوذ کردن , شکستن محاصره يك زن فلسطينی , با مخفی شدن در لباس فروشنده ماهی , از سد محاصره شهر الخليل گذشت
۸۵۸	خرق : الخرق خرق اتفاقية الهدنة	نقض , شکستن نقض قرارداد آتش بس
۸۵۹	خزن : خزانة طلاقات أفرغوا خزانة طلاقات فيه	خشاب فشنگ يك خشاب فشنگ در بدن او خالی کردند (يك خشاب فشنگ خرجش کردند)
۸۶۰	خفر : المخفر أوقف عناصر مخفر الدرك اللبناني ۹ مصريين , كانوا يحاولون دخول لبنان خلسة , عبر الأراضي السورية	پاسگاه نیروهای پاسگاه ژاندارمری لبنان , ۹ نفر مصری را , که تلاش می کردند از طریق اراضی سوریه مخفیانه وارد خاک لبنان شوند , بازداشت کردند

<p>۸۶۱ خلی: الهاتف الخليوي</p> <p>حظر الجيش على جنوده استخدام الهواتف الخليويّة ، خوفاً من تتصّت العدو على مكالماتهم</p>	<p>تلفن همراه (موبایل)</p> <p>ارتش ، استعمال تلفن همراه را برای افرادش ، بخاطر امکان استراق سمع دشمن ممنوع کرد</p>
<p>۸۶۲ خیل: الخيالة</p> <p>أرسلت الشرطة المصريّة فصيلاً كاملاً من سلاح الخيالة والكلاب البوليسية ، لبدء حملة للقضاء على الثعالب وأبناء آوى</p>	<p>اکیپ اسب سوار</p> <p>پلیس مصر، یک گروهان کامل از نیروهای مسلح اسب سوار و سگهای پلیس را ، برای آغاز عملیات نابود کردن روباهها و شغالها بسیج کرد</p>
<p>۸۶۳ دخل: التدخّل السافر</p> <p>تدخّل الجيش التركي في مسار الأمور، بسفور قلّ نظيره منذ فترة طويلة ، بعرض دبابات أولاً ، ثمّ بإجراءات مفروضة بالقوة ، للحدّ من مظاهر أسلمة المجتمع والدولة</p>	<p>دخالت آشکار</p> <p>ارتش ترکیه ، آشکارا وبگونه ای کم نظیر طی سالیان دراز ، در روند امور دخالت کرد ، وابتدا تانکهای خود را به جولان درآورد ، و سپس برای محدود کردن روند اسلامی کردن جامعه و دولت، تصمیماتی را با اعمال زور به اجرا درآورد</p>
<p>۸۶۴ درک: الدرك</p> <p>عملت عناصر من فصيلة الدرك بإمرة الملازم الاول... ، على كشف ملابسات الاغتيال</p>	<p>ژاندارمری</p> <p>افرادی از گروهان ژاندارمری تحت فرماندهی ستوان یکم... ، در مورد رفع نکات مبهم مربوط به حادثه ترور اقدام کردند</p>
<p>۸۶۵ دس: الاندساس</p> <p>اندسوا بين العمّال المجتمعين أمام مقر النقابة، لاغتيال رئيس الاتحاد العام للشغل، فلم يجذبوا انتباه أحد</p>	<p>رنخه کردن</p> <p>برای کشتن رئیس اتحادیه عمومی کاریابی ، در بین کارگران اجتماع کننده در برابر مقر سندیکا رنخه کردند، ولذا توجه هیچکس را به خود جلب نکردند</p>
<p>۸۶۶ دس: الاندساس:</p> <p>العميل الياباني كان مندساً بين العصابة ، ليرصد</p>	<p>نفوذ</p> <p>عنصر وابسته ژاپنی (مزدور ژاپنی) ، بین آن</p>



تحركاتهم الأمنية	گروهك نفوذ کرده بود ، تا تحركات امنیتی آنان را زیر نظر بگیرد
۸۶۷ دفع : المدفع	توپ أبرمت اتفاقية بين البلدين ، لتحديث الآليات المدرعة وتدريب المدافع وشراء صواريخ ضد الدبابات
۸۶۸ دك : الدك	کوبیدن (مواضع دشمن) واحد پشتیبانی آتش ، یکی از مواضع دشمن را زیر آتش خود قرار داد ، و افراد آن را کشته یا مجروح ساخت
۸۶۹ دلع : الاندلاع	افروخته شدن آتش اشتعال آتش از خودروهای پادگان مشاهده شد
۸۷۰ دلع : الاندلاع	متصاعد شدن دیدند دود از کاپوت اتوموبیل بالا می رود
۸۷۱ دور : الدورية	نیروی گشتی با مسلسل ، بر روی گشتی صهیونیستی آتش گشودند
۸۷۲ ربك : الإرباك	مشوش و سردرگم کردن ، در حال حاضر ، نیروهای دشمن در يك حالت سردرگمی بسر می برند
۸۷۳ ردع : الردع	ممانعت كميته نظارت بر تفاهم (مصالحه) ، از ایجاد راهکاری برای جلوگیری از فعالیتهای دشمن ناتوان ماند
۸۷۴ رش : الرش	پاشیدن نیروهای پیاده دشمن را زیر رگباری از تیربار و مسلسل قرار دادند

۸۷۵	رَضّ: الصفوف المتراصة وقف أفراد شرطة مكافحة الشغب في صفوف متراصة، لمنع المتظاهرين من اقتحام مقر الاتحاد	صفوف مستحکم افراد پلیس ضد شورش، در صفوف مستحکم برای جلوگیری از حمله تظاهر کنندگان به مقر اتحادیه، در مقابل آنان قرار گرفتند
۸۷۶	رَضّ: رصاص الرحمة أطلق عليه رصاص الرحمة	تیر خلاص تیر خلاص را به او شلیک کرد
۸۷۷	رقي: الترقية وقع رئيس أركان الجيش على مرسوم ترقية الضباط	ارتقاء درجه رئیس ستاد ارتش، بخشنامه ترفیع درجه افسران را امضا کرد
۸۷۸	رکن: أركان الجيش رئيس أركان الجيش أدى التحية العسكرية، أثناء عزف نشيد الدولة عند مدخل قيادة الأركان	ستاد ارتش رئیس ستاد ارتش، در حین نواخته شدن سرود ملی در مدخل فرماندهی ستاد، سلام نظامی داد
۸۷۹	زند: الزناد ضغط على الزناد	ماشه ماشه را فشار داد
۸۸۰	سفر: السفور شجّبوا تدخّل العدو السافر	برهنگی دخالت عریان (مخفیانه) و آشکار دشمن را محکوم کردند
۸۸۱	سَلّ: استلال المسدّس استل مسدّسه، وردّ عليهم بإطلاق الرصاص، فأصاب واحدا منهم	هفت تیر کشیدن تپانچه اش را کشید، و بعنوان پاسخگویی به آنان شلیک کرد، و یکی از آنها را مورد هدف قرار داد
۸۸۲	سَلّ: التسلّل عثرت الشرطة الألمانية على خمسين مواطناً عراقياً، محشورين في صناديق خشبية على ظهر شاحنة، كانت تحاول التسلّل بهم إلى داخل الأراضي الألمانية	رخنه، ورود غیر مجاز پلیس آلمان ۵۰ نفر عراقی را دستگیر کرد، که بامخفی شدن در داخل صندوقهای چوبی در درون یک کامیون، قصد داشتند به داخل خاک آلمان نفوذ



کنند		
نیروی دژبان	شرط : الشرطة العسكرية	۸۸۳
نیروی دژبان , قانون سرباز گیری الزامی را در سطح کشور به معرض اجرا می گذارد	الشرطة العسكرية تطبق قانون التجنيد القسري على صعيد البلاد	
خرابکاری	شغب : الشغب	۸۸۴
افراد زیادی از پلیس ضد شورش, تظاهر کنند گان را محاصره کردند	أحاطت قوة كبيرة من شرطة مكافحة الشغب بالمظاهرين	
پارازیت انداختن	شوش : التشويش	۸۸۵
روی يك ایستگاه رادیویی مخفی پارازیت انداخت	شوش على محطة إذاعية سرية	
افزایش حملات	صعد : التصعيد	۸۸۶
انتظار افزایش حملات نظامی را در آینده نزدیک نداریم	لا نتوقع تصعيدا عسكريا في المدى المنظور	
سوتك	صفر : الصفارة	۸۸۷
آزیرهای خطر	صفارات الإنذار	
بهدف زدن	صوب : الإصابة	۸۸۸
تك نظامی (حمله) مستقیما افرادی را از پای درآورد	أسفر الهجوم عن تحقيق إصابات مباشرة	
هدف گیری	صوب : التصويب :	۸۸۹
تفنگش را به سمت فرد بازداشت شده نشانه گرفت , واو را تهدید به قتل کرد	صوب بندقية نحو المعتقل , وهدده بالقتل	
قورباغه	ضفدع : الضفدع	۸۹۰
عناصری از مردان قورباغه ای , با پشتیانی هلیکوپترها , يك مانور نظامی را بهدف جلوگیری از بمباران حملات شیمیائی آغاز کردند	بدأت قوات من الضفدع البشرية , تساندها المروحيات , مناورة عسكرية للتصدي للقصف بأسلحة كيميائية	
ستون	طبر : الطابور	۸۹۱

الطابور الخامس	ستون پنجم
۸۹۲ طراً: الطواریء أعلن حالة الطواریء	اورژانس وضعت اضطراری (فوق العاده) اعلام کرد
۸۹۳ طرف: التطرف أشار المصدر الموثوق إلى تنظيم متطرف، تم تفكيكه في العام المنصرم	تد روی، افراطگرایی آن مقام قابل اعتماد، به سازمانی (تشکیلاتی) افراطی اشاره کرد، که در سال گذشته از هم پاشیده شد
۸۹۴ طقم: الطاقم المجاهدون قنصوا عنصراً من طاقم الدبابة	کادر، اکیپ مجاهدان، یکی از نیروهای اکیپ تانک را مورد هدف قرار دادند
۸۹۵ طیر: طائرة التجسس وحدة الطائرات الحربية، أسست لتحديث الطائرات الحربية وإنتاج طائرات التجسس	هواپیمای جاسوسی یگان هواپیماهای جنگی، بمنظور نوسازی هواپیماهای جنگی وتولید هواپیماهای جاسوسی ایجاد شده است
۸۹۶ ظل: المظليين وحدة الإسناد الناري للمقاومة الاسلامية، أطلقت النار على المظليين الإسرائيليين، قتل واحد منهم برتبة ضابط مظلي	چتربازان، نیروهای هوابرد واحد پشتیبانی آتش مقاومت اسلامی، به چتربازان اسرائیلی شلیک کرد، یکی از آنان را با درجه افسر چترباز کشت
۸۹۷ عبء: مديرية التعبئة يطلب من مدعوي خدمة العلم من مواليد ۱۹۷۷ باستثناء طلاب المدارس والجامعات، التقدم من أقسام التعبئة في المناطق، اعتباراً من بداية الأسبوع القادم	اداره نظام وظیفه از مشمولان خدمت وظیفه متولد سال ۱۹۷۷ به استثنای دانش آموزان ودانشجویان دعوت می شود، از آغاز هفته آینده به مراکز (شعبه های) نظام وظیفه کلیه مناطق مراجعه نمایند
۸۹۸ عبو: العبوة الناسفة زادت القوات الإسرائيلية تدریع وسائل النقل	تله انفجاری نیروهای اسرائیلی، زرهی کردن وسایل



(حتّى سیّارات المرسیدس) , خوفاً من العبوات الناسفة التي یزرعها رجال المقاومة		نقلیه خود (حتی اتوموبیلهای بنز) را ، از ترس مواد منفجره ای که نیروهای مقاومت می کارند ، افزایش دادند
۸۹۹ عتم: التعتیم الجانبان فرضاً تعتیماً إعلامياً على الاتصالات الأمنیّة بينهم		سرپوش گذاشتن دو طرف تصمیم گرفتند ، ارتباطات امنیتی بین خود را ، از دید رسانه های گروهی پنهان نگهدارند
۹۰۰ عزل: العازل رئيس أركان الجيش طالب بوقف أعمال الضغط التي تطال المدنيين العزل		بی دفاع رئیس ستاد ارتش ، خواستار پایان بخشیدن به فشارهایی شد ، که شهروندان بی دفاع را گرفتار کرده است
۹۰۱ عقل: المعتقل انهال بالضرب حتّى الموت على المعتقل		بازداشتی فرد بازداشت شده را، تا دم مرگ کتک زد (تا سر حد مرگ)
۹۰۲ عقل: المعتقل قابعون في زنانات المعتقل		بازداشتگاه مخفی شدگان در سلولهای زندان
۹۰۳ غمر: الغمرة في غمرة الحرب النفسیّة		گرداب در تب و تاب جنگ روانی
۹۰۴ غور: الغارة نَفَذُوا غارات وهمیّة		حمله هوایی دست به حملات هوایی بی هدف زدند
۹۰۵ غوص: الغوصة الغوصات الجديدة تمكّن الجيش من زرع ألغام بحریّة		زیردریائی زیردریائی های جدید ، به ارتش توانائی کاشتن مین های دریائی را می دهد
۹۰۶ غیل: الاغتيال اتهمه بالضلوع في عملیّة الاغتيال		ترور او را به دست داشتن در عملیات ترور متهم کرد
۹۰۷ فُتْح: السيارة المفخخة تمكّن رجال الإطفاء , من تفادي انفجار سيارة		اتومبیل بمب گذاری شده افراد آتش نشانی توانستند ، از انفجار يك

اتومبیل , که بوسیله يك بمب دست ساز ويك کپسول گاز بمب گذاری شده بود ، جلوگیری کنند	مفخخة بقنبلة يدویة الصنع وأسطوانة غاز	
جلوگیری برای پیشگیری از وقوع حوادث خطرناک ، خواستار انجام اقدامات لازم شد	فدي : التفادي طالبت باتخاذ إجراءات مناسبة لتفادي الحوادث الخطرة	۹۰۸
آزاد کردن آزاد کردن زندانیان سیاسی	فرج : الإفراج الإفراج عن المعتقلين السياسيين	۹۰۹
آزاد کردن نیروهای امنیتی توانستند , گروگانهای را که در چنگ چریکهای حزب چپگرای پرو بوند , آزاد کنند	فرج : الإفراج تمكنت قوى الأمن من الإفراج عن الرهائن المحتجزين , من قبل مقاتلي الحزب اليساري البيروفي	۹۱۰
طبل زدن نخست وزیر اسرائیل , طبل جنگ را به صدا درآورد	قرع : قرع الطبل قرع رئيس الوزراء الصهيوني طبول الحرب	۹۱۱
سخت , شدید مجازاتهای سنگینی برای طرف تخلف کننده از قانون وضع کردند	قسي : القاسي فرضوا عقوبات قاسية على الجهة المتخلفة	۹۱۲
انتقام مقاومت اسلامی , از یکی از سران برجسته مزدوران انتقام گرفت	قص : الاقتصاص المقاومة الاسلامية اقتصت من أحد كبار رموز العملاء	۹۱۳
تیر و کمان (قلوه سنگ) فلسطینیها در کوچه های محله , سربازان اشغالگر را با تیر و کمان هدف قرار دادند	قلع : المقلاع الفلسطينيون رشقوا جنود الاحتلال بالمقلاع في زوارب الحي	۹۱۴
وارد کردن زیان نیروهای دولتی , به متمرّدان زیانهای سنگینی وارد کردند	كبد : تكبيد الخسارة السلطات الحكومية كبدت المتمردين خسائر فادحة	۹۱۵
مین	لغم : اللغم	۹۱۶



أبحرت كاسحة ألغام جديدة من المواني البريطانية باتجاه السعودية	يك ناوچه مين ياب (خنثی کننده مين) ، از بنادر انگلیس روانه عربستان سعودی شد
۹۱۷ لوح: التلويح حذر من مغبة التلويح بالحرب	ایما و اشاره او را از عاقبت ایما و اشاره به شروع جنگ بر حذر داشت
۹۱۸ مدی: بعيد المدى أسلحة موجهة بعيدة المدى	دوربرد سلاحهای دوربرد
۹۱۹ موت: الاستماتة يستمتون في الدفاع عن الوطن (يطلبون الموت)	استقبال از مرگ برای دفاع از کشور به پیشواز مرگ می روند
۹۲۰ نحر: التناحر أدت الاشتباكات الجديدة بين الطوائف المتناحرة الجزائرية ، إلى مصرع ما يناهز ألف قتيل	جنگ و کشتار درگیریهای جدید بین اقوام متخاصم الجزایری ، به کشته شدن نزدیک به هزار نفر منجر شد
۹۲۱ ندي: النادي العسكري دعت قيادة الجيش اللبناني الضباط الكبار، إلى رفع نخب هذا الحدث في النادي العسكري	باشگاه نظامی فرماندهی ارتش ، افسران ارشد را برای بالا بردن جام های خود بسلامتی این رویداد ، در باشگاه نظامی دعوت کرد
۹۲۲ نذر: الإنذار دون سابق إنذار	هشدار ، اعلام خطر بدون اعلام خطر قبلی
۹۲۳ نرف: النزيف حرب الاستنزاف	خون ریزی نبرد برای از بین بردن تدریجی توان رزمی دشمن
۹۲۴ نزل: التنازل قدم تنازلات كبيرة	از خواسته خود عدول کردن از بسیاری از خواسته های خود عدول کرد
۹۲۵ نسف: النسف هدد العدو بنسف المفاوضات	منهدم کردن دشمن را به برهم زدن مذاکرات تهدید

کرد		
د رگير شیدن جنگ (در گرفتن جنگ)	نشب : نشوب الحرب	۹۲۶
تب جنگ بالا گرفت	نشبت حمى الحرب	
جیب بر	نشل : النشال	۹۲۷
نیروهای پلیس پایتخت هلند اعلام کردند، يك واحد ویژه برای انجام عملیات گشت با اسکیت های چرخدار تشکیل شده است، تا بتواند با سرعت بیشتری به دستگیری افراد جیب بر در خیابانها مبادرت کند	أعلنت سلطات العاصمة الهولندية ، أنها كوَّنت وحدة خاصة ينفَّذون دوريات على المزالج بعجلات ، توخياً لفاعلية أكبر في القبض على النشالين في شوارع المدينة	
نشان (فارسی الاصل)	نشن : النیشان	۹۲۸
سینه اش را از مدالهای آویخته آکنند	ملأوا صدره بالنياشين	
شنود ، استراق سمع	نصت : التنصت	۹۲۹
بمدت چندین سال ، بدون اطلاع آنان مکالمات تلفنی آنها مورد استراق سمع قرار می گرفت	تمَّ التنصت على مكالماتهم الهاتفية من دون علم منهم طوال سنوات عدَّة	
بسیج نیروها	نفر : الاستنفار	۹۳۰
ارتش اعلام بسیج کرد ، و (مشمولین را) به خدمت وظیفه فرا خواند	أعلن الجيش حالة الاستنفار التام ، واللاحق بخدمة العلم	
باتلاق	نقع : المستنقع	۹۳۱
نیروهای مقاومت اسلامی ، دشمن را از سقوط در باتلاق لبنان برحذر داشتند	قوَّات المقاومة الإسلامية حذرت العدو من السقوط في المستنقع اللبناني	
مانورها	نور : المناورات	۹۳۲
افسر لبنانی ، مانورهای اسرائیل را به عرض اندام تشبیه کرد	وصف الضابط اللبناني المناورات الإسرائيلية ، بأنها عرض عضلات	
ممتاز ، عالی	نوع : النوعية	۹۳۳
عملیات برجسته جوانان مقاومت ، قلوب مؤمنین را خنک وگوارا کرد	العملية النوعية لشباب المقاومة أثلجت صدور المؤمنين	



۹۳۴	نوي: النووية	اتمی
	الصاروخ الجديد قادر على حمل رؤوس حربية نووية	موشك جديد , قادر به حمل كلاهكهای جنگی اتمی است
۹۳۵	هجم: الهجوم المضاد	پاتک
	الجيش يحشد في المنطقة للهجوم المضاد	ارتش , برای اجرای ضدّ حمله در منطقه متمرکز می شود
۹۳۶	هضب: الهضبة	تپه , بانندی
	حلقت الطائرة الاستكشافية على الهضبة	هواپیمای تجسسی بر فراز تپه به گشت زنی پرداخت

۹۳۷	بدن: البدانة	چاقی
	حذر مريضه من زيادة بدانته	بابت افزایش چاقی , به مریضش هشدار داد
۹۳۸	بیا: البيئة	محیط
	وزير الصحة اعتبر إنشاء هذا المصنع إجراماً بيئياً	وزیر بهداشت , احداث این کارخانه را يك جنایت زیست محیطی خواند
۹۳۹	بيض: تبييض الجلد	سفید کردن پوست
	عملية تبيض الجلد تفشت في بعض البلدان الإفريقية , لكن الأطباء يحذرون من أخطارها الصحية	عمل سفید کردن پوست بدن , در برخی از کشورهای آفریقائی رو به افزونی گذاشته است , اما پزشکان نسبت به عواقب بهداشتی آن هشدار می دهند
۹۴۰	تأم: التوأم	دوقلو
	توفيت سبعة توأم في مستشفى طرابلس, بسبب عدم تمكّن رحم أمهن من استيعاب ثقل الحمل	هفت نوزاد همزاد در بیمارستان طرابلس , بسبب ناتوانی رحم مادرشان از سنگینی وزن اطفال مردند
۹۴۱	ثنی: الثنائي	دوگانه
	المرض الثنائي القطب	بیماری دوگانگی شخصیت (دوقطبی)
۹۴۲	جفن: الجفن	پلك چشم

يك روزنامه نگار فرانسوی ، بوسیله بحركت در آوردن پلك چشم چپش برای منشی نویسنده اش هنگام تلفظ حرف صحیح توسط منشی، نگارش کتابی را برای او دیکته کرد ، چون بخاطر فلج شدن ، قادر به تکلم نبود	صحافی فرسی ، املی کتابا بتحریرک جفن عینه الیسری لمحرره ، کلما نطق الحرف الصحیح ، وذلك بعد إصابته بشلل أعجزه عن الكلام	
سقط جنین سالانه ۳۰ هزار مورد کورتاژ جنین دختر در کره جنوبی صورت می گیرد ، که نتیجه ترجیح دادن جنس مرد بر زن است	جهاز : الإجهاض هناك ۳۰ ألف حالة إجهاض لأجنة أناث في كوريا الجنوبية سنوياً ، دافعها تفضيل الذكر على الأنثى	۹۴۳
سرخوردگی بیماری سرخوردگی	حبط : الإحباط مرض الإحباط	۹۴۴
کپسول کپسول اکسیژن	حجل : الحوجلة حوجلة الأكسوجين	۹۴۵
تجزیه شدن عمل مومیایی کردن جنازه میت برای جلوگیری از متلاشی شدن آن ، ۳۵۰ هزار دلار هزینه دربردارد ، وحدّ اقل برای مدّت دو قرن ضمانت می شود	حلّ : التحلل عملية تحنيط جثمان الميت لحفظه من التحلل ، تكلف ۳۵۰ ألف دولار، وهي مكفولة لقرنين اثنين على الأقل	۹۴۶
آزمایشگاه جدید ترین دستگاههای پیشرفته الکترونیکی ، برای استخراج نتایج آزمایشهای پزشکی (برای نشان دادن نتایج تست های آزمایشگاهی)	خبر : المخبر أحدث المعدات الالكترونية المتطورة لإظهار نتائج الفحوص المخبرية	۹۴۷
بی حسی ، هوشبری بیهوشی موضعی برای انجام عمل تلقیح تخمک واسپرم کافی نیست	خدر : التخدير لا يكفي التخدير الموضعي في عملية تلقيح البويضة والبذرة	۹۴۸
گرفتن نوار مغزی	خطط : تخطيط الدماغ	۹۴۹



زودوا المستشفى بمختبرات جديدة لتصوير الأشعة وتخطيط الدماغ	بیمارستان را به آزمایشگاههای جدیدی (پیشرفته) برای عکسبرداری و گرفتن نوار مغزی مجهز کردند
۹۵۰ خلف: المتخلف المتخلف العقلي	عقب افتاده عقب افتاده (عقب مانده ذهنی)
۹۵۱ خنق: الاختناق أفاد الطبيب الشرعي ، أن وفاته ناجمة عن اختناق بغاز فحم أشعله داخل المستوعب	خنگی پزشک قانونی اعلام کرد، که مرگ او در اثر خفگی با گاز زغال بوده، که آنرا در داخل انبار شعله ور نموده است
۹۵۲ دخن: المدخن بالسجائر نشرت وزارة الصحة الفرنسية تقريراً، يفيد بأن جيلاً جديداً من المدخنين أخذ في التكوّن	معتاد به سیگار وزارت بهداشت فرانسه طی گزارشی اعلام کرد، که نسل جدیدی از معتادین به سیگار در شرف تکوین است
۹۵۳ دور: الدورة الدموية تم تشغيل الدورة الدموية بقلب صناعي خارج الصدر	گردش خون گردش خون توسط یک قلب مصنوعی در خارج از سینه انجام شد
۹۵۴ ربو: الربو يعاني من الربو	تنگ نفسی به مرض آسم (تنگی نفس) مبتلاست
۹۵۵ رقی: ترقق العظام عقدت جمعية الوقاية من ترقق العظام ندوة ، تطرّق فيها الأطباء المحاضرون إلى أوجه المرض وطرق الوقاية منه	پوکی استخوان انجمن پیشگیری از پوکی استخوان سمیناری برپا کرد که در آن پزشکان سخنران، به ابعاد این بیماری و راههای پیشگیری از آن پرداختند
۹۵۶ زرع: زرع الشعر عيادة زرع الشعر الطبيعي عن طريق استخدام التقنيات الطبية، تضمن لكم استعادة شعركم الطبيعي شعرة شعرة، والذي ينمو طبيعياً (١) سم في الشهر	کشت مو (کاشت مو) مطب کشت طبیعی مو، با بکارگیری تکنولوژیهای طبی، بازگشت دانه دانه موهای طبیعی شما را، که ماهانه یک سانتیمتر رشد خواهد داشت، تضمین می

کند		
انزوا، گوشه گزینی	زوی: الانزواء	۹۵۷
بیمار در اثر این شوک روانی، گرفتار حالت انزوا شد	انزوی المريض على نفسه، إثر إصابته بهذه الصدمة النفسية	
تختخواب	سر: السرير	۹۵۸
مرگ مغزی	الموت السريري	
کمکهای اولیه	سعف: الإسعافات الضرورية	۹۵۹
پس از دریافت کمکهای اولیه، بخاطر جراحتهای سطحی، به آنان اجازه داده شد بیمارستان را ترک کنند	سمح لهم بمغادرة المستشفى، بعد ما تلقوا الإسعافات الضرورية لجروحهم الطفيفة	
مجاری	سلك: المسالك	۹۶۰
جراح مجاری ادرار	جراح المسالك البولية	
میخکوب کردن	سمر: التسمير	۹۶۱
چند ماه است که (بخاطر بیماری) گویی روی تختش میخکوب شده است	يكاد يكون مسمرا فوق السرير منذ بضعة أشهر	
پرخوری	شره: الشراهة	۹۶۲
جان خود را بر سر پرخوری گذاشت، چون پنج پرس کباب ترکی را در یکی از رستورانهای مشهور آنکارا خورد	دفع حياته ثمنا لشراسته التهام خمسة أطباق من الكباب التركي، بأحد المطاعم الشهيرة في أنقرة	
بیمارستان	شفي: المشفى	۹۶۳
او و همسرش صاحب فرزند پسر (برادری برای دخترشان) شدند، و وضع حمل در بیمارستان ساحل توسط یک دکتر متخصص زنان انجام شد	رزق وزوجته بشقيق لابنتهما، وتمت الولادة في مشفى الساحل على يد دكتور أخصائي للنساء	
فلج	شل: الشلل	۹۶۴
همچنان وضع پزشکی او غامض است (وضعیت سلامتی او همچنان مبهم)	مازال الغموض يكتنف حالته الصحية، ويبدو أنه مصاب بشلل نصفي	



ونامعلوم است)، وبنظر می رسد نیمی از بدنش فلج شده باشد		
<b>فلج اطفال</b> انجمن بهداشت ملی ، مشارکت خود را در عملیات واکسیناسیون بر علیه فلج اطفال اعلام کرد	<b>شلل: شلل الاطفال</b> أعلنت الهيآت الصحية الوطنية مشاركتها في حملة التلقيح ضد شلل الأطفال	۹۶۵
<b>سر درد</b> آزمایشهای انجام شده بر روی حدود ۴۰۰۰ بیمار، ۳۰۰۰۰ مورد سردرد دردناک (شدید) نشان داد که داروی جدید با سرعت و بطور مؤثر در خلال چند ساعت درد بیماری شقیقه (میگرن) را التیام بخشیده است	<b>صدع: الصداع</b> الاختبارات التي تمت على نحو أربعة آلاف مريض ، وعلى ۳۰ ألف نوبة صداع أليم ، أظهرت أنّ الدواء الجديد سکن بسرعة وبفاعلية في غضون ساعة آلام مرض الشقيقة	۹۶۶
<b>شوگ</b> پزشکان با یک شوگ الکتریکی محدود نارسایی در قلب بیمار را معالجه کردند	<b>صدم : الصدمة</b> عالج الأطباء خللاً في قلب المريض بصدمة كهربائية محدّدة القوة	۹۶۷
<b>شوگ الکتریکی</b> قلب را در طول انجام عمل با شوگ الکتریکی متوقف کردند	<b>صدم : الصدمة الكهربائية</b> أوقفوا القلب خلال العملية بصدمة كهربائية	۹۶۸
<b>مصنوعی</b> بیمار ، همچنان تحت تنفس مصنوعی است	<b>صنع: الاصطناعي</b> المريض مازال يخضع للتنفس الاصطناعي	۹۶۹
<b>داروخانه کشیک</b> اداره بهداشت عمومی ، لیستی از اسامی داروخانه های کشیک را اعلام کرد	<b>صيدل : الصيدلية المناوبة</b> أعلنت دائرة الصحة العامة قائمة بأسماء الصيدليات المناوبة	۹۷۰
<b>قربانی</b> تحقیقات روشن کرد ، که یکی از قربانیان آتش سوزی نه در اثر حریق ، بلکه بواسطه	<b>ضحی: الضحية</b> كشفت التحقيقات أنّ أحد ضحايا الحريق لم يمت حرقاً بالنيران ، بل اختناقاً بواسطة حبل لفّ	۹۷۱

خفگی با طنابی که بدور گردنش پیچیده شده بود ، مرده است	عنقه	
فشار خون فشار مریض را اندازه گیری کرد	۹۷۲ ضغط : ضغط الدم قاس ضغط المريض	
پزشکان به سازمان پزشکان بدون مرز پیوست	۹۷۳ طب : الاطباء التحق بمنظمة الأطباء بلا حدود	
پزشکی قانونی پزشک قانونی اعلام کرد ، که زن مقتول در اثر خفگی مرده است	۹۷۴ طب : الطب الشرعي أعلن الطبيب الشرعي أن المغدورة توفيت نتيجة الخنق	
کادر پزشکی حمایت کادر پزشکی از طرحهای جدید بهداشتی را اعلام کرد	۹۷۵ طب : الجسم الطبي عبر عن تأييد جماهير الجسم الطبي ، لتنفيذ المشاريع الجديدة الصحية	
نوزاد آزمایشگاهی سخنان ایراد شده توسط پزشکان بر روی مشکلات نازایی، نوزداد آزمایشگاهی، عوامل زایمان دوقلوها، و بیماریهای مجاری ادرار و رادیوگرافی متمرکز شد	۹۷۶ طفل : طفل الأنبوب تمحورت كلمات الأطباء ، حول مشاكل العقم ، وطفل الأنبوب ، والمسببات التي تؤدي إلى وجود التوأم ، وأمراض المسالك البولية والتصوير الإشعاعي	
استعمال پژوهشگران هشدار دادند ، که استعمال زیاد آسپیرین احتمالاً به سردرد می انجامد ، وآنچنانکه (به طوری که) برخی معتقدند قابل معالجه نیست	۹۷۷ عطي : التعاطي حذر الباحثون من أن تعاطي الأسبرين بكثرة ، قد يصيب الصداع ، ولا يشفى منه كما يعتقد البعض	
استخوان به عفونت استخوان مبتلاست ، وممکنست این امر به فلج شدن او منجر شود	۹۷۸ عظم : العظم يعاني من التهاب في العظم ، قد يؤدي إلى الشلل	
واکسیناسیون کودکان بر علیه فلج واکسینه شدند	۹۷۹ عقم : التعقيم تم تعقيم الأطفال ضد الشلل	
ضد عفونی کردن (استرلیزاسیون)	۹۸۰ عقم : التعقيم	



مرکز را به پنج اتاق ضد عفونی شده مجهز کردند	جهّزوا المركز بخمس غرف معقّمة	
بیماری	علّ: الاعتلال	۹۸۱
این اشاره ای جدید به بیمار شدن اوست	هذا مؤشّر جديد على اعتلال صحّته	
مراقبت	عني: العناية	۹۸۲
بخش مراقبت‌های ویژه در بیمارستان	قسم العناية المشدّدة في المستشفى	
CCU	عني: العناية الفائقة	۹۸۳
بیمار را به اتاق مراقبت‌های ویژه بردند	أدخلوا المريض في غرفة العناية الفائقة	
از کار افتادگی	عوق: الاعاقة	۹۸۴
سازمان تأمین اجتماعی، خواستار کفالت کودکان از کار افتاده شد	وجّهت مؤسّسة الضمان الصحّي دعوة لرعاية الأطفال المعاقين	
از پای درآوردن	فتك: الفتك	۹۸۵
بیماری صد نفر را از پای درآورد	المرض فتك بمائة شخص	
آزمایش	فحص: الفحص	۹۸۶
آزمایش‌های پزشکی - آزمایش خون	الفحوصات الطّیبة - فحص الدم	
کیسه کشیدن	فرك: الفرك	۹۸۷
بگذار پشتت را کیسه بکشم	دعني أفرك ظهرك	
شیوع	فشى: التفشي	۹۸۸
شیوع بیماری‌های واگیردار	تفشى الأمراض المعدية	
گسستگی	فصم: الانفصام	۹۸۹
بیماری گسستگی شخصیت (جنون جوانی)، اسکیزوفرنی	مرض انفصام الشخصية، الشيزوفرنيا	
کوتاهی	قصر: القصر	۹۹۰
معالجه نزدیک بینی	تصحیح قصر النظر	
دستکش	قفز: القفاز	۹۹۱
دستکش‌های ضد عفونی شده نایلون	قفّازات النایلون المعقّمة	
افسردگی	كأب: الاكتئاب	۹۹۲
دچار افسردگی شد	أصيب بالاكتئاب	

<p><b>کری: کريات الدم الحمراء</b></p> <p>الهيموغلوبين هي الخلايا الموجودة في كريات الدم الحمراء ، التي تحمل الأوكسجين إلى جميع أنحاء الجسم</p>	<p><b>گلبولهای قرمز خون</b></p> <p>هموگلوبین ، همان سلولهای موجود در گلبولهای قرمز خون است ، که اکسیژن را به تمام نقاط بدن می رساند</p>
<p><b>کسر: کسر العظم</b></p> <p>صورة الأشعة بيّنت وجود كسر في عظم ساق المريض</p>	<p><b>شکستگی استخوان</b></p> <p>تصوير رادیولوژی ، وجود شکستگی در استخوان ساق پای بیمار را نشان داد</p>
<p><b>کف: المكفوف</b></p> <p>مؤسسة الإعاقة السمعية والبصرية طالبت بدمج المكفوفين في المدارس العادية</p>	<p><b>نابینا</b></p> <p>سازمان ناشنویان ونابینایان ، خواستار ادغام نابینایان در مدارس عادی شد</p>
<p><b>کلی: الكلي</b></p> <p>جمع كل هذا المدخول عبر تجارة الكلي</p>	<p><b>کلیه ها</b></p> <p>همه این درآمد را از طریق تجارت کلیه ها بدست آورده است</p>
<p><b>مرض: المساعدات المرضية</b></p> <p>هذا المشفى يقدم جميع المساعدات المرضية</p>	<p><b>خدمات درمانی</b></p> <p>این بیمارستان ، کلیه خدمات درمانی را ارائه می دهد</p>
<p><b>ململ: التململ</b></p> <p>المريض يشكو ويتململ</p>	<p><b>بخود پیچیدن</b></p> <p>مريض از درد به خود می پیچد</p>
<p><b>نجب: إنجاب الطفل</b></p> <p>ان أمريكية في الثامنة والخمسين أنجبت حفيدها ، بعدما وافقت على أن تكون الأم الحاضنة لابنتها وصهرها</p>	<p><b>بچه دار شدن</b></p> <p>يك زن آمریکائی ۵۸ ساله ، که پذیرفته بود نطفه دختر و دامادش در رحم او تلقیح شود ، نوه خود را به دنیا آورد</p>
<p><b>نزف: النزيف</b></p> <p>تعرضت الأم المريضة لنزيف حادّ أثناء عملية الوضع</p>	<p><b>خون ریزی</b></p> <p>مادر بیمار ، در حین زایمان <u>گرفتار</u> (دچار) خونریزی سختی شد</p>
<p><b>نقص: نقص المناعة</b></p> <p>أصيب بمرض نقص المناعة المكتسبة</p>	<p><b>ایدز</b></p> <p>به بیماری ایدز مبتلا شد</p>
<p><b>نقل: نقالة الإسعاف</b></p>	<p><b>برائکارد</b></p>



لا بدّ من حمله بنقالة الإسعاف	باید با برانکارد او را منتقل کرد
۱۰۰۳ نقی: النقاء أن ۱۱ یونانیا فارقوا الحیاة , بعد تعاظی هیرویین فائق النّقاء فی الأسبوع المنصرم	خلوص هفته گذشته ۱۱ نفر یونانی , پس از استعمال هروئین با درصد خلوص بالا جان سپردند
۱۰۰۴ نقی: نقی العظم افتّح فی لبنان مرکز لأمراض الدم والأورام وزرع نقی العظم	مغز استخوان یک مرکز بیماریهای خون و ورمها و کاشت مغز استخوان در لبنان دایر شد
۱۰۰۵ نوب: الطیب المناوب لم یکن للطیب المناوب خبرة كافية لهذه العملیّة	پزشک کشیک پزشک کشیک , مهارت کافی برای انجام این عمل جراحی نداشت
۱۰۰۶ هبط: هبوط الدورة الدمویّة توفّیت المریضة إثر هبوط حادّ فی الدورة الدمویّة	کاهش فشار خون بیمار , در اثر کاهش شدید فشار خون درگذشت
۱۰۰۷ وعی: الوعي استعاد المریض وعیه , موصولاً بجهاز التنفس الاصطناعي	هوش بیمار , با اتصال به دستگاه تنفس مصنوعی بهوش آمد





## ١٢. المصطلحات الرياضية

١٠٠٨	إستاد : الإستاد	استادیوم
	تدرّب الفريق الإماراتي على إستادها البيضاوي في أبو ظبي , استعداداً لجولة الإياب في الدور الأول من تصفيات مونديال فرنسا	تیم امارات , در استادیوم بیضی شکل ابو ظبی , تمرینهای خود را برای آمادگی نسبت به دیدار رفت دور اول جام موندیال (جام جهانی) فرانسه انجام داد
١٠٠٩	بري : المباراة	مسابقه
	اتتهى الدور نصف النهائي في مباريات كرة السلة , لصالح الفرق الأوروبية	دور نیمه نهایی مسابقات بسکتبال , بنفع (به سود) تیمهای اروپایی به اتمام رسید
١٠١٠	بطل : البطولة	قهرمانی
	بطولة الدوري اللبناني لكرة السلة	قهرمانی بازیهای دورهای بسکتبال لبنان (لیگ قهرمانی بسکتبال لبنان)
١٠١١	تحف : المتحف	موزه
	يتمكّن هواة الغطس من التجوّل في مُتحفٍ أُقيم تحت الماء , لمشاهدة الآثار الغارقة في ميناء الإسكندرية	علاقمندان غواصی می توانند , در موزه ای که برای مشاهده آثار غرق شده در بندر اسکندریه بر پا شده است , در زیر آب به گردش پردازند
١٠١٢	حشد : الاحتشاد	تجمع
	احتشد زهاء مائة ألف متفرّج , لمشاهدة مباراة	حدود صد هزار تماشاگر برای مشاهده

مسابقه فوتبال گرد آمدند	كرة القدم	
داور	حكم: الحكم	۱۰۱۳
کمیته فوتبال اتحادیه اروپا (اتحادیه فوتبال اروپا (یوفا)) ، داور سوییسی را برای تمام عمرش از داوری محروم کرد	تَبَّتْ لَجْنَةُ الْإِتِّحَادِ الْأُرُوبِيِّ لَكُرَةِ الْقَدَمِ إِيقَافَ الْحَكَمِ السُّوِيسِيِّ مَدَى الْحَيَاةِ	
پنهان کردن	خباً: التَّخْبِئَةُ	۱۰۱۴
بازی قایم موشک	لُعْبَةُ التَّخْبِئَةِ	
موتورسیکلت	درج: الدَّرَاجَةُ النَّارِيَّةُ	۱۰۱۵
مقام اول در مسابقه موتور سواری را بدست آورد، وبا موتورسیکلت خود ۱۲۹ کیلومتر مسافت را در عرض ۴۷ دقیقه پیمود (و باموتور سیکلت خود مسافت ۱۲۹ کیلومتری را در عرض ۴۷ دقیقه پیمود)	انْتَزَعَ الْمَرْكَزُ الْأَوَّلُ فِي سِبَاقِ الدَّرَاجَاتِ النَّارِيَّةِ ، وَقَطَعَ عَلَى دَرَجَتِهِ النَّارِيَّةِ ۱۲۹ كَلِمًا فِي ۴۷ دَقِيقَةً	
امتیاز	رصد: الرِّصِيدُ	۱۰۱۶
در رقابتهای سری بازیهای فوتبال لبنان (لیگ فوتبال لبنان)، سه تیم امتیازات مساوی کسب کردند	تَسَاوَتْ أَرْصَدَةُ ثَلَاثَةِ فِرَقٍ فِي صَدَارَةِ الدَّوْرِيِّ اللَّبْنَانِيِّ لَكُرَةِ الْقَدَمِ	
وزنه برداری	رفع: رَفْعُ الْأَثْقَالِ	۱۰۱۷
لبنان ، در مسابقات چهارم قهرمانی اعراب در وزنه برداری جوانان (در چهارمین دوره مسابقات قهرمانی اعراب در وزنه برداری جوانان )	حَازَ لُبْنَانُ عَلَى ۳ مِيدَلِيَّاتٍ بَرُونِزِيَّةٍ ، فِي بَطُولَةِ الْعَرَبِ الرَّابِعَةِ بَرَفْعِ الْأَثْقَالِ لِلنَّاشِئِينَ	
۳ مدال برونز تصاحب کرد		
رکورد جهانی	رقم: الرِّقْمُ الْقِيَاسِي	۱۰۱۸
اتوموبیل دارای موتور جت ، يك رکورد	سَجَّلَتِ السَّيَّارَةُ النَّفْاثَةَ رَقْمًا قِيَاسِيًّا فِي السَّرْعَةِ	



جهانی در سرعت بر جای گذاشت		
شکستن رکورد	رقم: تحطيم الرقم القياسي	۱۰۱۹
شناگر زن چینی، رکورد ۵۰ متر سینه را شکست	حطمت السباحة الصينية الرقم القياسي في سباق ۵۰ متراً صدرأ	
ضربه	رکل: الركلة	۱۰۲۰
ضربه کورنر، تیم امارات را پیروز کرد	الرُكْلَةُ الرُّكْنِيَّةُ حَقَّقَتْ فوزاً للفريق الإماراتي	
تیراندازی	رمي: الرماية	۱۰۲۱
تیرانداز المپیک لبنانی، در مسابقه شلیک به کبوتر هنگام پرواز از قفس (از حفره)، به مقام اول دست یافت	فاز الرامي الأولمبي اللبناني في الرماية على الحَمَام من الحفرة بالدرجة الأولى	
دروازه	رمي: المرمى	۱۰۲۲
بازیگران (بازیکنان) خط میانی در خلال نیمه اول، دروازه ایران را تهدید کردند، بدون آنکه حملات آنان گلی را بدنبال داشته باشد	لاعبو خط الوسط هددوا المرمى الإيراني خلال الشُّوطِ الاول، دون أن يترجموا هجماتهم إلى إصابة	
دروازه	رمي: المرمى	۱۰۲۳
دروازه بان تیم سوریه، در پیروزی تیمش مشارکت داشت، چون دروازه خود را در برابر ضربات قاطع رقیب حفظ کرد	حارس الفريق السوري ساهم في صنع الفوز، حين أنقذ مرماه من إصابات أكيدة	
شرط بندی	رهن: المراهنة	۱۰۲۴
شرط بندی روی مسابقه	المراهنة على المباراة	
اسکی	زلج: التزلج	۱۰۲۵
باشگاه صفا، دوره قهرمانی سالانه اسکی را در پیست اسکی آزادی برگزار کرد	نظّم نادي الصفاء بطولته السنوية في التزلج على منحدر الحرّية	
مسابقه شنا	سبح: سباق السباحة	۱۰۲۶
شرکت گسترده دانشجویان در مسابقات	أضفت المشاركة الجامعية الكثيفة على	





بازی کرد - برد - مساوی کرد - باخت	لعب - فاز - تعادل - خسر	
جام جهانی دوره فینال قهرمانی تیس جام جهانی، (جهان) به نتایج غیر مترقبه ای منجر شد	کأس: كأس العالم سجّلت تصفیات بطولة كأس العالم بكرة المضرب مفاجآت غیر متوقعة	۱۰۳۵
پرورش اندام در زیبایی اندام درخشید ، ونمایشی برای عرض اندام توسط او برگزار شد	کمال: کمال الاجسام برع في رياضة کمال الاجسام ، وأقيم له حفل لعرض العضلات	۱۰۳۶
دور، گردش مسابقه قهرمانی جهانی اتومبیلرانی ، از آغاز با حوادث غیر مترقبه همراه بود ، چون اتومبیلهای راننده آلمانی وفرانسوی در گردش اول با یکدیگر برخورد کردند	لفّ: اللّفة فرضت المفاجآت نفسها مبكراً في سباق بطولة العالم للسيّارات ، لأن اصطداماً وقع في اللّفة الأولى بين سيّرتي السائق الألماني والفرنسي	۱۰۳۷
ضربه مشت مشت زن ، با يك ضربه مشت چپ در دور ششم ، حریف خود را به زمین انداخت	لکم: اللکمة أسقط الملاکم رقیه في الجولة السادسة بلکمة من القبضة اليسرى	۱۰۳۸
مشت زنی برای حفظ لقب (عنوان) قهرمانی جهان در بوکس در مقطع میان وزن مبارزه می کند	لکم: الملاکمة یدافع عن لقب بطل العالم في الملاکمة في الوزن الوسط	۱۰۳۹
آمادگی بدنی کمیتة فنی انجمن دوچرخه سواران لبنان (کمیتة فنی فدراسیون دوچرخه سواری لبنان) ، دوره هایی برای آمادگی بدنی ورزشکاران ترتیب داد	لیق: اللياقة البدنية نظّمت اللجنة الفنیة في الاتحاد اللبناني للدراجات دورات للیاقة البدنية	۱۰۴۰
مدال	مدل: الميدال	۱۰۴۱

الميداليات الذهبية والفضية والبرونزية	مدالهای طلا ونقره و برونز
مرر: التمرير	پاس دادن
مرر اللاعب الإيراني كرة متقنة ، ثم أبعد من اللاعب السعودي تسديدته الرأسية	بازیگر (بازیکن) ایرانی یک پاس خوب داد ، و سپس ضربه سر بازیگر (بازیکن) سعودی را دور کرد (دفع کرد)
موت: الإماتة	مات کردن (در شطرنج)
الأبيض أمات الأسود في النقلة التاسعة	مهره سفید ، سیاه را در حرکت نهم مات کرد
ندي: النادي	باشگاه
دعا شبيبة الحارة للانضمام إلى النادي الرياضي الجديد	جوانان محله را به پیوستن به باشگاه جدید ورزشی دعوت کرد
نزع: المنازعة	مبارزه
الفريق السوري ينازع الفريق اللبناني على المركز الثاني للمباريات	تیم سوریه ، بر سر مقام دوم (برای تصاحب مقام دومی) مسابقات با تیم لبنان روبرو می شود
نقط: النقطة	امتیاز
جمع الفريق عشر نقاط من أربع مباريات	آن تیم ، از چهار مسابقه ده امتیاز بدست آورد
هدف: الهدف	گل زن
أعلن الاتحاد الدولي لكرة القدم عن تتويج لاعب منتخب الجمهورية الإسلامية الإيرانية ، هدافاً للعام ٩٦	اتحادیه (فدراسیون) بین المللی فوتبال ، بازیگر (بازیکن تیم ملی ایران) منتخب جمهوری اسلامی ایران را بعنوان (بهترین) گل زن سال ۹۶ اعلام کرد
هوى: الهواية المفضلة	بازی یا سرگرمی مورد علاقه
هواية الهولنديين المفضلة منذ قرون هي التزلج على الجليد	سرگرمی مورد علاقه هلندیها از دیرباز اسکی روی یخ بوده است



### ۱۳. الأخطاء الشائعة في الإعلام العربي

المعنى بالفارسية	الطريقة الصحيحة	الخطأ الشائع	١٠٤٩
بر این عقیده ام , که تلاش در تبعیت از مسئولان این موضوع, کار خوبی است	أرى أن السعى وراء المسؤولين عن هذه القضية أمر جيد	أجد السعي وراء المسؤولين عن هذه القضية أمرا جيدا	١٠٥٠
پاسخی ارائه داد	أدلى بجواب	أعطى جوابا	١٠٥١
تا کنون با برنامه ما همراه بوده اید (چون تصوّر همراهی بلا انقطاع کسی , با برنامه های یک رادیو معقول نیست)	مازلتم معنا	أنتم دائما مع إذاعتنا	١٠٥٢
اتهامات نسبت داده شده به مسیحیان	الاتهامات الموجهة إلى المسيحيين	الاتهامات ضدّ المسيحيين	١٠٥٣
یکی از مخالفان دولت	أحد الذين يعارضون الحكومة	أحد المعارضين للحكومة	١٠٥٤

۱۰۵۵	التآمر ضد الدولة	التآمر على الدولة	توطئه عليه دولت
۱۰۵۶	التاريخ الثقافي للأمم	تاريخ الأمم الثقافي	تاریخ فرهنگی ملتها (در مواردی که احتمال التباس وجود ندارد , فك اضافه صحیح نیست)
۱۰۵۷	تسير السيارات بشكل فوضوي	تسير السيارات بطريقة فوضويّة	اتوموبيلها بگونه ای مشوّش , وبا بی نظمى حرکت می کنند
۱۰۵۸	تطوع في الجيش بهدف تحرير وطنه	تطوع في الجيش بغية تحرير وطنه	برای آزاد سازی وطنش , داوطلبانه به ارتش پیوست
۱۰۵۹	تعطي له تكامله	تعطيه تكامله	تکاملش را در اختیار او می گذارد
۱۰۶۰	تغطي أبرشية الإسكندرية مصر والسودان	إن أبرشية الإسكندرية تشمل مصر والسودان	خليفة گری اسکندريّه, شامل مصر و سودان هم میشود
۱۰۶۱	تم تشكيل الوزارة	تم تأليف الوزارة	ترکیب هیأت دولت کامل شد
۱۰۶۲	الحريري يدشن مقرها الاثنين المقبل . رئيس جمعية التكافل يقول .	الحريري يدشن مقر جمعية التكافل , الاثنين المقبل . يعلن هذا رئيس الجمعية	حريري مقرّ انجمن مدد کاري را هفته آینده افتتاح میکند , این مطلب را رئيس این انجمن اعلام کرد (ارجاع ضمير به ما بعد آن غلط است)
۱۰۶۳	دراسة على قانون التقاعد	دراسة في قانون التقاعد	پژوهشی در مورد قانون بازنشستگی



دعوت حریف را برای مبارزه پذیرفت (بنظر میرسد ریشه این کاربرد غلط , اصطلاح دیگری باشد , که عبارت است از : رفع القفاز : دستکشها را بالا گرفت . چون اشرافزادگان قرون وسطی در زمان مبارزه طلبی , دستکشهای خود را روی زمین می انداختند , و کسی که آنها را بر می داشت , هموردی با او را پذیرفته بود)	قبل التحدي , أو واجه التحدي. (وكانه استعارة من أصل رفع القفاز : كان النبلاء في العصر الوسيط بالغرب إذا ما تحدى أحدهم الآخر للمبارزة , يرمي قفازه على الأرض أمامه , فان انتشل الخصم القفاز ورفعته , أشار إلى أنه قبل التحدي	رفع التحدي	۱۰۶۴
از او پرسید , که آیا جواب آمده است ؟	سأله : هل جاء الجواب ؟ 	سأله إذا جاء الجواب.	۱۰۶۵
از نابسامان شدن وضع سلامتی خود رنج میبرد	شكا تدهور صحته	شكا من تدهور صحته	۱۰۶۶
روزنامه نگار (فلانی) کنگره شعر را پوشش خبری داد	(هذا المصطلح قد لا يوجد له بديل في العربية)	الصحافي فلان غطى مهرجان الشعر	۱۰۶۷
اعتصاب را تا مدتی متوقف کردند	أوقفوا الإضراب إلى حين	علقوا الإضراب	۱۰۶۸
با بت پرستی به مبارزه برخاست	قاتل الوثنية	قاتل ضد الوثنية	۱۰۶۹
رئیس (جمهور) از همتای خود بازدید کرد	قام الرئيس بزيارة نظيره	قام الرئيس بزيارة إلى نظيره	۱۰۷۰

۱۰۷۱	قَدَّم طلابنا امتحانهم	خضعوا لامتحان , أو: تقدَّموا إلى الامتحان	دانشجویان ما در امتحان شرکت کردند
۱۰۷۲	لعب دوراء	مثل دوراً , قام بدور , اضطلع بدور	نقشی ایفا کرد
۱۰۷۳	لم ولن تقبل الوضع	لم نقبل هذا الوضع , ولن نقبله	این وضع را تا کنون نپذیرفته ایم , واز این پس هم نخواهیم پذیرفت
۱۰۷۴	مُسئولیتنا أكبر من أي وقت	مُسئولیتنا أكبر منها في أي وقت	مُسئولیت ما بزرگتر از آنست که در هر وقت دیگر بوده است
۱۰۷۵	من جديد	مجدداً , أو: مرة ثانية	برای بار دوم
۱۰۷۶	المهم: ليس فقط أن يشفي أجسادنا , لكن أن يعزز أمانتنا	المهم: لا أن يشفي أجسادنا فقط (وَحَسْب), لكن (بل) أن يعزز أمانتنا	تنها این مهم نیست که بدنهای ما را شفا دهد, بلکه باید امانتی را هم که بر عهده ماست عزیز بدارد
۱۰۷۷	نال التلميذ نقطة إضافية أنجحته	نال التلميذ علامة إضافية أنجحته	دانش آموز نمره ای اضافی کسب کرد , که به قبولی او منجر شد
۱۰۷۸	نشر هذه الرسائل , يشكل سابقة دبلوماسية	نشر هذه الرسائل سابقة دبلوماسية	انتشار این نامه ها , در عرف دیپلماتیک بی سابقه است
۱۰۷۹	نظرة تحليلية على قانون التقاعد	نظرة تحليلية إلى قانون التقاعد	دیدگاهی تحلیلیگرانه به قانون بازنشستگی



این ساختمان مانعی بر سر راه اتوموبیلهاست	هذا المبنى يقف عائقاً أو يقوم عائقاً	هذا المبنى يشكّل عائقاً أمام السيارات	۱۰۸۰
این چیزی است که جاحظ خواست , خواننده آنرا بفهمد	هذا ما أراد الجاحظ أن يفهمه القارئ	هذا ما أراد الجاحظ إفهامه للقارئ	۱۰۸۱
این موضوع , دارای اهمیت فراوان است	هذه المسألة ذات أهمية كبيرة	هذه المسألة ترتدي أهمية كبيرة	۱۰۸۲
این امر موضوع مهمی است	هذه مسألة مهمة أو ناحية مهمة	هذه نقطة مهمة	۱۰۸۳
او مثل ستاره زهره است	هو كالزهرة	هو كما الزهرة (بتقدير: هو كما تكون الزهرة)	۱۰۸۴
وضعی که در آن بسر می بریم	الوضع الذي نعيش فيه 	الوضع الذي نعيشه	۱۰۸۵
کلیسا در مسئولیت اجتماعی	الكنيسة في وظيفتها الاجتماعية	الوظيفة الاجتماعية للكنيسة	۱۰۸۶
در منطقه به وفور یافت می شوند	(قد لا يوجد في العربية شيء مقابل هذا المصطلح)	يتواجدون في المنطقة بكثرة	۱۰۸۷
شورا , به توصیه های رهبران اهمیت زیادی می دهد	يولي المجلس إفادات القادة أهمية بالغة	يعلق المجلس أهمية كبيرة على إفادات القادة	۱۰۸۸





## ١٤. الألفاظ الفارسية الدارجة فى البلدان العربية

(أ)				
١٠٨٩	الأمد	امد (زمان)	الآهو	آهو
١٠٩٠	الأبد	آبريز	الأبريسم	ابريشم
١٠٩١	الإبريق	آبريز (آفتابه)	الآبهة	آب بها (جمال وزيائى)
١٠٩٢	الإيوان	ايوان	الأرمغان	ارمغان (هديه)
١٠٩٣	الأرجوانى	ارغوانى	الأستاذ	استاد
١٠٩٤	الإستبرق	استبر (پارچه حرير)	الإسفند	اسپند (خردل سفيد)
(ب)				
١٠٩٦	البقلاوة	باقلوا	البابونج	پاپوش (نوعى كفش)
١٠٩٧	البابونج	بابونه (نوعى گياه)	الباذنجان	باذنجان
١٠٩٨	البرنامج	بارنامه	البازار	بازار
١٠٩٩	البيمارستان والمارستان	بيمارستان	الباشق	باشه (پرنده شكارى)

۱۱۰۰	البازرکان	بازرگان	بَخ بَخ	پخ پخ (صوتی برای تحسین)
۱۱۰۱	البخت	بخت	البخس	بخس (زمینی که بدون آبیاری کشاورزی شود)
۱۱۰۲	البرید	پست (از مصدر فارسی بردن)	البرستوك	پرستو
۱۱۰۳	البند	بند (پاراگراف)	البرشت	برشته
۱۱۰۴	البركار	پرگار	البرواز	پرواز (امروزه برای قاب عکس و چارچوب بکار می رود)
۱۱۰۵	الباك	پاك	البقشيش	بخش (انعام)
۱۱۰۶	البهستان	بوستان	البنفسج	بنفشه
۱۱۰۷	البهادور	بهادر (پهلوان)	البهلو ل	بهلول، (أهل طنز وفكاهه)
۱۱۰۸	الباب	معرب ببا بمعنى در (در فارسی قدیم)	البوتقه	بوته (بوته)
۱۱۰۹	البوز (الفم)	پوز	البيرقذار	بیرقذار، پرچمدار
۱۱۱۰	(ت)			
۱۱۱۱	التخت	تخت	الترنجبین	ترنجبین



توره (دامن)	التوره	توپا (سیب در فارسی قدیم)	التفاح	۱۱۱۲
			(ج)	۱۱۱۳
		زنجر	الجنزیر	۱۱۱۴
جاه (مقام)	الجاه	جام (کاسه)	الجام	۱۱۱۵
گلاب	الجلاب	کزه (کوزه)	الجرّة	۱۱۱۶
چمچم (نوعی کفش)	الجمجم	گل نار (گل انار)	الجلّار	۱۱۱۷
گناه	الجنّاح	گاومیش	الجاموس	۱۱۱۸
گورب (جوارب)	الجوارب	کوپاه (حفره)	الجوخة	۱۱۱۹
جوشن (زره)	الجوشن	گاوشیر	الجواشیر	۱۱۲۰
گوهر (سنگ قیمتی)	الجوهر	گناه	الجنایة	۱۱۲۱
			(ح)	۱۱۲۲
		حربا (آفتاب پرست)	الحرباء	۱۱۲۳
			(خ)	۱۱۲۴
خام (پوست دباغی نشده)	الخام	خیار چنبر	خیار شنبّر	۱۱۲۵
خوره (خورجین)	الخرج	خاتون (لقبی برای خانمها)	الخاتون	۱۱۲۶
پول خرد	الخردة	خرده جات (اجناس خرده)	الخرضوات	۱۱۲۷
خلخال	الخلخال	خرده (اجناس)	الخردة	۱۱۲۸

١٤. الألفاظ الفارسية الدارجة في البلدان العربية | ١٥٩

			ريز		
١١٢٩	الخشخاش	خشخاش	الخنديق	كنده	
١١٣٠	الخربز	خربزه	الخورنق	خرنگاه (محل غذا خوری شاه)	
١١٣١	الخنجر	خنجر (معرب خونکار)	الخيار	خيار	
١١٣٢	الخان	خان (سلطان)	الخيال	خوليا (وهم)	
١١٣٣	(د)				
١١٣٤	الديك	ديگ (ظرف غذا)			
١١٣٥	الداية	دايه (قابله)	الدار صيني	دار چيني	
١١٣٦	الديدبان	ديده بان	الدرب	مخفف دربند (راه باريك كوه)	
١١٣٧	الدربان	دربان	الدرفس	درفش	
١١٣٨	الدرز	درز لباس	الدرويش	درويش	
١١٣٩	الدستور	دستور (دفتر ثبت اسامي لشكريان)	الدست	دشت	
١١٤٠	الدفتر	دفتر	الدف	دف (از آلات موسيقي)	
١١٤١	الدگان	دگان	الدلو	دول (ابزار آبکشی)	
١١٤٢	الدهقان	دهگان (رئيس دهكده)	الدوغ	دوغ	
١١٤٣	الديباج	ديبا (حرير)	الديجور	ديجور (ظلمت)	



۱۱۴۴ (ر)				
روزى	الرزق	رخ (در شطرنج)	الرخ	۱۱۴۵
رمه (گلّه)	الرمق	رشته	الرشته	۱۱۴۶
روزنامه (دفتر ثبت روزانه)	الروزنامه	راه بان (راهنما)	الرهبان	۱۱۴۷
۱۱۴۸ (ز)				
		زولیا	الزلاّية	۱۱۴۹
زاغ (نوعی کلاغ)	الزاغ	زور (قوّت)	الزور	۱۱۵۰
زیور	الزخرف	زیا رو	الزبرج	۱۱۵۱
زرنابه	الزّرافة	زره	الزرد	۱۱۵۲
زمزم (بمعنی آهسته آهسته )	الزمزم	زال	الزال	۱۱۵۳
زن دین (کسی که در دین مثل زنان است)	الزندیق	زنبورك (آلتی در ساعت)	الزنبرك	۱۱۵۴
۱۱۵۵ (س)				
سایه	السایة	سالار (زعیم)	السالار	۱۱۵۶
سه دیر (کاخی که از سه قبه تشکیل می شد)	السدير	سخت	السخت	۱۱۵۷
سراب (سر + آب)	السراب	ساده	الساذج	۱۱۵۸

۱۴. الألفاظ الفارسية الدارجة في البلدان العربية | ۱۶۱

۱۱۵۹	السربال	شروال (شلوار)	السراج	چراغ
۱۱۶۰	السرداب	سرداب (سرد + آب)	السرمد	سر + آمد (آمد بمعنى زمان) (الأبدي)
۱۱۶۱	السرو	سرو	السكنجین	سرکه انگبین
۱۱۶۲	السلحفاة	سوله پای (پای در لاک : لاکپشت)	السلّ	سل (بیماری سل)
۱۱۶۳	السمندر	سمندل	السنباذج	سنباده
۱۱۶۴	السنبوسق	سنبوسه	السنجاب	سنجاب
۱۱۶۵	السنجق	سنجوق	السندان	سندان
۱۱۶۶	السندیان	سندیان (درخت بلوط)	السنطور	زنتور (آلتی در موسیقی)
۱۱۶۷	الساج	ساج (نوعی درخت)	السور	سور (میهمانی)
۱۱۶۸	السیخ	سیخ	السیکاه	سه گاه (دستگاهی در موسیقی)
۱۱۶۹	(ش)			
۱۱۷۰	الشاقول	شاقول	الشیکران	شوکران (گیاهی دارویی)
۱۱۷۱	الشاکوش	چکش		
۱۱۷۲	الشاه بلوط	شاه بلوط	الشیء	مغرب چی، مخفف چیز
۱۱۷۳	الشاهنشاه	شاهان شاه	الشاه ین	شاهین (مرغ شکاری)



۱۱۷۴	الشای	چای	الشادور	چادر
۱۱۷۵	الشبذر	شبدر	الشیرازه	شیرازه (در کتاب)
۱۱۷۶	الشرشف	چارشب (مخفف) چادر شب: روانداز	الشاروف	جاروب (جارو)
۱۱۷۷	الشطرنج	شش رنگ (چون شش مهره دارد)	الشفع	چفت (جفت)
۱۱۷۸	الشلجم	شلغم	الشمعدان	شمعدان
۱۱۷۹	الشهيّ (اللذیذ)	شاهی (لذیذ وشاهانه)	الشهره	شاهراه (راه بزرگ)
۱۱۸۰	الشواظ	سوزا (شدّت حریق)	الشوربه	شوربا
۱۱۸۱	الشوكة	شکوه (عظمت)	الشاهکار	شاهکار (دستگاهی در موسیقی)
۱۱۸۲	الشهدانج	شاه دانه	الشهترج	شاه تره (عرق گیاهی)
۱۱۸۳	(ص)			
۱۱۸۴	الصتّ (جماعة من الناس)	معرب صد	الصدی	معرب سدا (صدا)
۱۱۸۵	الصرم	چرم	الصنچ	سنج
۱۱۸۶	الصنجة	سنجه (میزان)	الصهر	معرب شوهر (داماد)
۱۱۸۷	(ط)			
۱۱۸۸	الطبر	تبر	الطبرزد	تبرزد (نوعی)

١٤. الألفاظ الفارسية الدارجة في البلدان العربية | ١٦٣

شكر سفيد)				
تباشير (نوعى دوا)	الطباشير	تبرزين	الطبرزين	١١٨٩
ترخون	الطرخون	معرب سرپوش (بمعنى كلاه)	الطربوش	١١٩٠
(ترز: هيئت)	الطراز	تراز	الطراز	١١٩١
تاسمه (باريکه اى از چرم)	الطسمه	تازه	الطازج	١١٩٢
تالسان (نوعى لباس مشايخ)	الطيلسان	تلخ	الطلخ	١١٩٣
تيهو (نوعى پرنده)	الطيهورج	تنبور (از ادوات موسيقى)	الطنبور	١١٩٤
			(ع)	١١٩٥
معرب تش (مخفف تشنه)	العطش	انبروت (بمعنى گلابى)	العرموط	١١٩٦
		لشكر	العسكر	١١٩٧
		عصرانه	العصروتيه	١١٩٨
			(غ)	١١٩٩
		غوغا	الغوغاء	١٢٠٠
			(ف)	١٢٠١
فرمان (عهد سلطان)	الفرمان	فرسنگ	الفرسخ	١٢٠٢
فهرست	الفهرس	پنگان	الفنجان	١٢٠٣
پولاد	الفولاذ	پالوده	الفالودج	١٢٠٤



۱۲۰۵	الفیروزج	پیروزه	الفیل	پیل
۱۲۰۶	(ق)			
۱۲۰۷	القبان	کیان (ترازو)	القرمز	قرمز
۱۲۰۸	القلعة	معرب کلات	القلّة	کله (سر کوه)
۱۲۰۹	القمطیر (اليوم) الشديد المظلم	(معرب خم تاریک) قبة الظلام	القند	قند (معرب کند)
۱۲۱۰	القهرمان	قهرمان , مرکب از قهر (عربی) , ومان (فارسی) , بمعنی صاحب	القوش	معرب مخفف کوچک
۱۲۱۱	القیروان (جماعة من الخیل)	کاروان		
۱۲۱۲	(ک)			
۱۲۱۳	الکار	کار , شغل	الکبة	خوراکی از برغل و گوشت (از مصدر کوبیدن)
۱۲۱۴	الکشمش	کشمش	الکاغد	کاغذ
۱۲۱۵	الکأس	کاسه	الکرکی	کرکی (نوعی پرنده)
۱۲۱۶	الکرکدن	کرگدن	الکش	کیش در شطرنج (معرب کشت بمعنی : قتل)

١٤. الألفاظ الفارسية الدارجة في البلدان العربية | ١٦٥

١٢١٧	الكشك	كشك	الكشكول	كشكول
١٢١٨	الكافور	كافور	الكلكون	گلگون (بمعنى سرخاب)
١٢١٩	الکمنجة	کمانچه	الکنار	کنار (بمعنى سدر)
١٢٢٠	الكوسج	کوسه	الکنز	گنج
١٢٢١	الكهرباء	کاه ربا (بمعنى برق)	الکوخ	کوخ
١٢٢٢	(ل)			
١٢٢٣	لا سيخ ولا کباب	نه سيخ (بسوزد) , نه کباب		
١٢٢٤	الليمون	ليمو	اللازورد	لاجورد
١٢٢٥	اللجام	لگام	اللعل	معرب لال
١٢٢٦	اللوياء	لوياء	اللولب	لوله
١٢٢٧	(م)			
١٢٢٨	المقليد (ج : المقاليد)	کليد		
١٢٢٩	المرزبان	مرزبان	المارستان	مخفف بیمارستان
١٢٣٠	الماخور (مجلس الفساق)	می خور	المرز جوش	مرزنگوش (نوعى گیاه)
١٢٣١	الموزج	موزه (كفش)	المشت	مشت
١٢٣٢	المهر	مهر	المهرجان	مهرگان



				(الخاتم)	
۱۲۳۳	الموم (الشمع)	موم	الميناء (جواهر الزجاج)	مینا	
۱۲۳۴	(ن)				
۱۲۳۵	النازيك	نازك			
۱۲۳۶	الترجس	نرگس	النارجيل (جوز الهند)	نارگیل	
۱۲۳۷	النمبرشت	نیم برشته	النای	نای (نی), (از آلات موسيقى)	
۱۲۳۸	الأنج	انبه (نوعى میوه)	النجار (الأصل والحسب)	نژاد	
۱۲۳۹	النسترن	نسترن	النشادر	نوشادر	
۱۲۴۰	النشا	مخفف نشاسته	النشوه (السكر)	نشوه (مأخوذ از نوشیدن)	
۱۲۴۱	النعناع	معرب نانه	النموذج	نموده (بمعنى نمونه)	
۱۲۴۲	النرد	نرد (نوعى بازی)	النيروز	نوروز	
۱۲۴۳	النارنج	نارنگ	النيزك (الرمح القصير)	نیزه	
۱۲۴۴	النيرنج (الحيله)	معرب نورنگ	النيلوفر	نیلوپر	
۱۲۴۵	(ه)				
۱۲۴۶	الهاون	هاون	ياسمين	الياسمين	
۱۲۴۷	الهزار (العنديل)	مخفف هزار دستان	الهندام (الحسن القد)	معرب اندام	
۱۲۴۸	الهنداز (الحد و القياس)	اندازه			
۱۲۴۹	(ي)				

١٤. الألفاظ الفارسية الدارجة في البلدان العربية | ١٦٧ |

١٢٥٠	الياسمين	ياسمين	الياب	ياب (بمعنى خراب)
------	----------	--------	-------	---------------------





## فهرس الأفاظ الفارسية

۳۳۲	آب آشامیدنی	۸۵۸	آتش بس		واجتناب
۵۳۵-	آب دهان	۸۷۱	آتش گشودن	۱۵۴	احياء
۲۰۰۰		۸۰۶	آتش نشانی	۴۶۰	اختلاط
۲۲۶۷	ابر	۷۶۰	آشفشان		ودوگانگی
۶۳۱	ابر فشرده	۲۷۶	اتصالات	۷۲۱	اختلاف
۷۸۹	ابر مغناطیسی		بهداشتی		مشاجرة
۱۳۲	ابراز قدرت	۷۷۷	تم	۶۵۳	اختلال
۱۰۷	ابراز ندامت	۹۳۴	تمی	۳۲۶	أخذ ضمانت
۸۱۴	ابراز نگرانی	۹۰۷	تومبیل بمب	۷۴۹	اخطاریه
۱۱۴	ابر قدرت		گذاری شده	۱۹۴	ادارات دولتی
۱۶۶	آبرو	۲۵۳	تومبیل حمل	۷۲۶	اداره اطلاعات
۴۴۴	آبستن		جنازه	۳۱۴	اداره امداد
۱۵۵۹-	آبکش	۸۱۸	توموبیل	۷۳۱	اداره ثبت املاك
۲۸۱۵			خورشیدی	۶۵۱	اداره طرح
۱۵۶۷	آبگوشت	۹	اثر انگشت		وبرنامه
۶۸۴	ابلاغ ، ابلاغیه	۳۸۲	اجاق گاز	۸۹۷	اداره نظام وظیفه
۷۶۹	آبهای زیرزمینی	۲۴۷	اجتناب ناپذیر	۳۷۲	ادغام شرکتها
۷۵۹	آبهای آلوده	۷۵۳	اجرا	۱۹۸۴	آدم بیدار
۸۴۷	آبی - خاکی	۴۱۵	اجرا کردن	۱۵۶۴	آدم پست
۸۴۴	آبیاری قطره ای	۷۵۴	اجرای حکم	۱۹۸۴	آدم خواب
۱۴۱۶	آتش	۱۹۶	احتکار	۲۱۴۶	آدم غریق
۴۵۵	آتش بازی	۳۶	احتیاط کاری	۲۰۵۸	آدم کور

۹۷۸	استخوان
۸۶۱	استراق سمع
۶۹۲	استعفا
۹۷۷	استعمال
۹۱۹	استقبال از مرگ
۱۱۹	استکبار
۴۴۹	استمرار
	جاودانگی
۲۱۲	استتباط
	موضعگیرها
۱۱۳	استوار نامه
۲۶۵۳	آستین
۴۶۷	آستین بالا زدن ، عزم را جزم کردن
۳۵۵	اسفالت کردن
	خیابانها
۲۱۰	اسفناك
۵۰۲	اسقف
۱۷۰	اسكان یافتن
۳۵۶	اسكناس قلبی
۱۰۲۵	اسكى
۹۲۷	اسكیت
۸۶۳	اسلامی کردن
۹۵۴	آسم
۷۹۵	آسیاب

	عدول کردن
۳۲۷	از سر گیری
۹۸۴	از کار افتادگی
۸۹۳	از هم پاشیدن
۴۸۶	از هم گسستگی
۹۱۰	آزاد کردن
۲۲۱۵	آزار
۱۱۵	آزار دادن
۹۸۶	آزمایش
۷۷۲	آزمایش (تجزیه)
	ادرار
۸۸۷	آزیر خطر
۱۶۴۶	اسب
۱۰۳۳	اسب سوار
۹۴۸	اسپریم
۱۰۰۸	استادیوم
۳۳۲	استانداری
۲۳۱۷	استثناء
۵۱۹	استحکام
	بخشیدن
۳۲۱	استخدام، بکار گیری
۶۸۷	استخدام تمام وقت

۱۳۲۰	آدمهای لوچ
۸۴۱	ادوات ولوازم
۸۳۹	آراستن
۳۵۴	آرامش زندگی
۲۳۷	آرایش
۲۴۵۷	آرایشگر
۶۹۸	ارتباطات
۸۹۹	ارتباطات امنیتی
۷۱۹	ارتداد
۸۵۵	ارتفاع پائین
۸۷۷	ارتقاء درجه
۴۹۲	ارتکاب جنایت
۲۷۴	ارتکاب گناه
۱۹۹	ارجاع دادن
۳۸۱	آرد کردن
۳۸۴	ارزش پول
۴۹۸	آرزو کردن
۸۲	ارزیابی اوضاع
۷	ارسال تلگراف
۸۴۳	آره برقی
۶۲۵	آری
۹۸۵	از پای در آوردن
۲۷۱	از حد اعتدال
	خارج شدن
۹۲۴	از خواسته خود



اشغالگران	۱۹۶	افروخته شدن	۸۶۹	آمدگی کامل	۸۴۵
آشغالها	۲۸۰۵	آتش		آماده باش	۸۴۶
آشفتگی	۴۳۳	افزایش آشکار	۴۰۴	آماده سازی	۳۲۲
اشياء لوکس	۴۹۷	افزایش حملات	۸۸۶	آمار کلی	۶۸۸
اصلاح خرابیها	۶۸۳	افزون بر نیاز	۶۸۸	آمیول	۱۷۲
اصلاحات	۶۷۱	افسر چتر باز	۸۹۶	امتیاز گرفتن	۱۵۶
سازمانی		افسردگی	۹۹۱	امضا کردن	۵۲۱
اصول کتابداری	۸۲۸	افکار عمومی	۴۸۴	امور زیر بنائی	۶۴۲
اطلاع	۸۴	افکار منجمد	۴۹۶	آموزش همگانی	۵۱۰
اطمینان دادن	۱۰۱	اقتدار	۷۳۳	انار	۲۰۴۰
اظهار نظر	۱۱۲	اقدام ، اعمال	۱۴۵	انبار	۲۹۸
اعتراض	۷۱۶	اقدام دوستانه	۴	انبار مهمات ،	۸۴۸
اعتصاب	۳۶۸	اقدام نسجیده	۲۵۱	زرّاد خانه	
اعطاء	۹۴	آکنده	۵۵۹	انتقال آب	۸۳۱
اعطای	۷۱۴	اکیپ اسب سوار	۸۶۲	انتقام	۹۱۳
صلاحیت		الاغ	۱۶۲۶	انجام عملیات	۳۳۱
اعطای فرصت	۲۹۷	آلت دست	۵۴۰	گمرکی	
اعلامیه	۷۱۲	الک بدست	۱۹۳۳	انجمن	۱۸۰
اعلان خبر مرگ	۳۰۳	الماس	۴۱۱	انجمن اساتید	۷۳۸
اعمال شاقه	۶۹۹	المنی	۷۳۱	انجمن	۵۱۲
اعمال فشار	۱۴۵	النگو	۱۲۹۹	دانشجویی	
اغتنام فرصت	۷۵۴	آلودگی	۸۱۴	انحطاط	۴۵۷
افراد ذیربط	۱۲۹	آلودن	۲۰۷	وحشتناک	
افراط گرایان	۵۸۳	آماج حملات	۸۱	انداختن ، طرد	۱۵۱
افراطگرایی	۸۹۳	آمدگی بدنی	۱۰۴۰	کردن	

اعلام کردن	
باتلاق	۹۳۱
باختن	۱۰۳۴
باد معده	۲۱۷۸
بادام	۸۲۹
باران زا	۷۸۲
بارگیری	۶۶۸
باروت	۲۷۳۳
بارور شدن	۷۷۱
باروری	۷۷۲
مصنوعی	
باز داشتن	۷۰۲
باز گرداندن	۵۹۸
بازار	۱۲۷۰
بازاریاب	۶۹۷
بازپرس	۷۱۰
بازجویی	۸۵۱
بازخرید	۶۹۰
بازداشتگاه	۹۰۲
بازداشتی	۹۰۱
بازدید تشریفاتی	۶۴۵
بازسازی	۶۷۱
بازگشت مجدد	۴۸۰
عید	
بازنشستگی	۶۹۰

آهك	۴۹۵
آهك زده	۴۹۶
اهمال	۴۱۰
اهمیت	۴۴۷
آهن	۱۸۹۳
آهو	۱۹۷۱
اوراق بهادر	۳۲۸
اورژانس	۸۹۲
اوضاع واحوال	۲۷
اول خط	۳۰۶
اولویتها	۷۵
اونیفورم رسمی	۷۲۴
آویختن	۳۲۰
آویزان	۱۲۸
ایجاد اختلال	۲۰۴
ایجاد انفجار	۸۰۰
ایدز	۱۰۰۱
ایراد خسارت	۳۲۶
ایراد سخن	۵۲
اظهار نظر	
ایستگاه رادیویی	۸۸۵
ایفای نقش	۹۲
ایما و اشاره	۹۱۷
آینده نزدیک	۸۸۶
با صدای بلند	۱۶۱

اندازه گیری	۹۷۲
اندیشیدن	۶۸
درنگ کردن	
انرژی	۷۹۷
انرژی اتمی	۷۷۷
انزجار	۲۲۵
انزوا ، گوشه	۹۵۷
گزینی	
انضمام	۴۷۱
انعطاف پذیر	۵۸۷
انفجار اطلاعات	۸۰۰
انفجار	۷۸۹
خورشیدی	
انگشت اتهام	۸۵
انگشت به	۴۷۶
دندان گزیدن	
انگشتر	۲۵۷۳
انگیختن	۵۲۷
انواع سوخت	۳۳۴
آه گرم	۵۵۹
اهتزاز	۸۴۹
اهتمام ورزیدن	۵۹۹
اهداف ، ایده ها	۵۱۱
اهداف صلح	۷۹۷
آمیز	



بازنگری	۱۰۵	بچه دار شدن	۹۹۹	قبلی	
بازی کردن	۲۸۸	بحبوحه	۵۴۸	بذر	۸۳۵
بازی یا سرگرمی	۱۰۴۸	بحث برانگیز	۲۲۲	برافراشتن	۳۳۴
مورد علاقه		بحث و بررسی	۱۵۵	برافروختن آتش	۴۳۳
بازیافت	۲۷۶	بحث وجدل	۵۷۹	براق کردن	۶۱۸
بازیگر	۱۰۴۷	بحث وجدل	۶۲۷	برانکارد	۱۰۰۲
باشگاه	۱۰۴۴	بحران	۳	برانگیختن	۵۲۷
باشگاه نظامی	۹۲۱	بحران سیاسی	۹۹	برتری	۱۰۳۲
باطری	۸۰۹	بحرکت درآمدن	۶۱۱	برخورد	۳۹۵
باطل کردن	۴۹	، از جا کنده		برداشت	۵۳۵
باغ وحش	۸۰۵	شدن و		بردن	۱۰۳۴
بافتن مو	۴۹۱	بخت آزمائی	۴۱۴	بررسی کردن	۸۳۱
باقلا	۱۳۸۸-	بخش	۴۰۵	برطرف کردن	۴۵
	۲۱۸۹	بخش دولتی	۴۰۵	برف	۱۷۰۲
باقلوا	۲۱۸	بخش ها	۲	برق رسانی	۸۳۵
بالا خانه	۲۴۷۵	بخشنامه	۶۶۲	برگه شناسائی	۶۹۳
بالاگرفتن	۵۳۴	بخشهای	۳۶۲	برگها	۱۶۷
بالکن	۳۱۵	اقتصادی		برملا شدن	۵۸۵
بالنده	۷۷۳	بخود پیچیدن	۹۹۸	برنامه	۳۳۹
بانک	۳۷۳	بدار آویخته	۲۳۷۹	برنامه ، نقشه	۶۵۲
بایگانی	۲۱۳	بدام انداختن	۳۷۶	برنامه ریزی	۵۳۲
بیا خیزی	۳۱۱	بدان	۲۷۱۳	برنامه ریزی	۶۵۱
بتون	۲۰۱	بدهی خارجی	۳۵۸	مالی	
بتون مسلح	۲۰۱	بدون هدف	۱۰۳	برنامه های	۵۱۰
بچه ته تغاری	۲۱۵۰	وبرنامه ریزی		آموزشی	

۱۴۶	بهبود شرایط
۸۳۵	بهداشت
۳۷۹	بهدر رفتن
۱۰۲۸	بهدف زدن
۵۸۰	بهره اندك و بی
	ارزش
۵۰۹	بهره برداری
۱۵۴۵	بو
۸۳۶	بوته، نهال
۴۳۰	بودجه عمومی
۳۲۹	بورس
۱۵۶۱	بوزینه
۵۲۴	بوسیدن
۲۱۹	بوق اتومبیل
۱۰۳۹	بوکس
۱۳۴	بی پرده ، با
	صراحت
۹۴۸	بی حسی ،
	هوشبری
۹۰۰	بی دفاع
۶۱۹	بی رنگ و بو
۲۳	بی فایده
۲۴۵	بی نظیر
۱۳۵۸	بی همسر
۴۴	بیانیه ضعیف

۵۶	بمب گازی
۷۴۳	بمورد اجرا
۴۲	بن بست
۱۳	بنا کردن
۱۳۶	بنای یادبود
۵۰۸	بند انگشت
۳۵۶	بنگاه صرافی
۴۳۴	بنیاد گرائی
۲۲۵	به اوج رسیدن
۸۵۰	به بازی گرفتن
۸۵۵	به پرواز در
	آمدن ، اوج
	گرفتن
۳۵۲	به تأخیر انداختن
۷۱۸	به تعویق
	انداختن
۸۵۳	به جوش
	و خروش در
	آمدن
۱۸۶	به خاك سپردن
۱۴	به شکست
	منتهی شدن
۶۵۷	به معرض اجرا
۱۰۲۷	به هدف زدن ،
	گل زدن

۸۸۰	برهنگی
۲۱۷۷	بروبیا
۱۰۴۱	برونز
۴۰۶	بریدن
۱۷۷۲	بز
۶۵۴	بزرگراه
۱۷۷۲	بزغاله
۱۹۷	بزیر افکندن
۱۰۲	بستن ، در هم
	پیچیدن
۱۵۳۱	بستنی
۲۴۹	بسته پستی
۱۰۰۹	بسکتبال
۹۳۰	بسیج نیروها
۷۹۴	بشقابهای
	گیرنده
۲۰۱	بشنه زنی
۶۹۲	بطور دستجمعی
۱۶۹	بعد سیاسی
۵۶۶	بگومگو
۸۱۳	بلعیدن
۶۲۵	بله بله چی
۸۱۲	بلورها
۴۸۳	بلوند
۳۲۴	بمب ساعتی



۳۲۹	بیانیه مهم	۲۵	پارلمان		افراشته
۴۶۱	بیدار کردن مردم	۸۲۹	پاره کردن	۹۶۲	برخوری
	در سحر	۱۰۴۲	پاس دادن	۳۸۷	پرداخت حقوق
۲۰	بیراهه ها	۱۱۵	پاسخ	۵۶۲	برده
۷۹۰	بیسیم	۴۰۹	پاسخگوئی	۹۹-۵۰۷	برده برداری
۲۵۹-۲۰۹۹	بیکار	۸۶۰	پاسگاه	۷۶۸	برستاری
۱۸۲	بیکاری	۲۳۵۲	پاشنه	۵۳۰	پرکردن
۱۳۲۱	بیل	۸۷۴	پاشیدن	۱۹۲۰	پرکنده
۹۶۳	بیمارستان	۴۱۷	پاکت	۳۱۹	پر هزینہ
۹۸۱	بیماری	۱۶۹۹	پالتو	۸۵۵	پرواز
۲۸۵	بیمه درمانی	۵۲۱	پایان نامه	۲۵۸۵	پروانه
۶۷۸	بیمه شده	۲۱۸	پایتخت	۶۶۰	پروانه کسب
۵۵	بین المللی کردن	۸۶۹	پایگاه	۱۰۳۶	پرورش اندام
۴۳۴	بینش	۵۱۴	پتک	۹۵	پروژکتور رسانه
۴۸۲	بینش بسته	۵۲۶	پدیده		های گروهی
	ومحدود	۱۸۶	پذیرش	۴۲۹	پروژه
۲۳۲۲	پا	۱۳۰۶	پر	۸۷	پرونده
۲۸۰۰	پا برهنه	۱۸۶۲	پر	۱۰۰۵	پزشك كشيک
۹۳۵	پاتک	۲۹۶	پر کردن خلأ	۹۷۳	پزشکان
۸۴۹	پادگان	۳۱۶	پر کردن شکاف	۹۷۴	پزشکی قانونی
۸۸۵	پارازیت	۶۱۳	پراتنز	۴۶۷	پژوهش
	انداختن	۵۵۵	پرتاب سنگ	۷۵۸	پژوهشهای
۱۹۴	پارتی بازی	۱۲۹	پرتاب متبادل		هواشناسی
۱۴۴۱	پارچه	۴۷۱	پرچم اسلام	۳۴۹	پس انداز
۲۰۱۶	پارس سک	۱۵۸	پرچم نیمه	۷۰۴	پس گرفتن رأی

۱-۱۱۷	پیشرفت
۴۷۴	پیشگو
۹۵۵	پیشگیری
۷۴۰	پیشنهاد
۳۴۲	پیشه
۵۶۵	پیشی گرفتن
۸۵۴	پیکان نیزه
۳۷۲	پیکر نظام
۷۳۳	پیگرد قانونی
۸۳	پيله
۱۳۸	پیمانه
۶۶۳	پیوست
۲۷۵	پیوند ازدواج
۶۹	تاب و توان
۲۶۱	تابعیت
۶۶۷	تابلو اعلانات
۲۳۴	تابلو راهنمایی
۲۹۲	تابلو رنگ روغن
۱۳۶	تاج
۴۹۴	تاج گل
۶۳۷	تاقچه
۷۴۴	تام الاختیار
۶۷۷	تأمین اجتماعی
۴۲۸	تأمین هزینه ها
۸۶۳	تانك

۲۸۲۷	پنجه ها
۱۰۱۴	پنهان کردن
۱۹۶۰	پوست موز
۱۳۸۵	پوسته
۸۲۷	پوسته زمین
۹۴	پوشش دادن
۵۶۷	پوشیدن شلوار
۴۶	پوشیده
۹۵۵	پوکی استخوان
۳۹۶	پول ، ارز
۲۲۵۱	پول خرد
۴۱۶	پول در گردش
۲۰۱	پی ریزی
۸۷۴	پیاده نظام
۱۴۰۳	پیاز
۳۸۴	پیام
۴۱	پیامد
۹۷۱	پیچیدن
۲۱۶	پیچیده
۱۰۲۵	پیست اسکی
۴۷۴	پیش بینی
۳۶۳	پیش پرداخت
۵۱۰	پیش دانشگاهی
۵	پیش قدم شدن
۲۷۶	پیشتاز

	اعتماد
۸۲۵	پس لرزه
۳۰۴	پس مانده ها ،
	زیاله ها
۷۶۴	پستانداران
۸۰۵	پسته
۲۸۶	پشت صحنه
۲۹۶	پشتکار مداوم
۳۸۷	پشتوانه خزانه
۱۶۴۴	پشم
۲۰۸	پشم بز
۱۶۰۵	پشیمان
۴۳۹	پل زدن برای
	رفع شکاف
۶۵۴	پلاک زمین
۹۴۲	پلك چشم
۲۰۹۱	پلو
۲۱۹	پلیس راهنمایی
۱۱	پماد
۹۲	پمپاژ کردن
۸۵۶	پناهگاه
۱۴۰	پناهندگان
۲۷۰۹	پنجره
۳۸۳	پنجه آهنین
۲۴۰۳	پنجه کشیدن



۹۰۶	ترور	۳۸۲	تخت دونفره	۶۷۰	تأیید گواهی
۲۳۲	ترور رسم	۹۵۸	تختخواب	۳۲۶	تأیید و معرفی
۷۵۱	تریون	۳۳۸	تخفیف قیمت‌ها	۴۶۳	تئاتر
۶۴	تسلیم شدن	۶۵۴	تخلیه	۹۲۶	تب جنگ
۳۹۹	تسویه حساب	۳۰۴	تخلیه زباله	۱۸۹	تبار
۲۶	تشریفات	۵۲۹	تخم ( مرغ )	۴۹۵	تبدیل شدن به
۷۹۱	تشعشع‌زا	۸۱۵	تخمک	آهک ، جمود	و گچ گرفتگی
۵۰۰	تصاویر	۴۸۹	تدارکات	۸۴۳	تبر
۱۶۴	تصرفات جنون	۳۳۶	تراز ماهیانه	۵۷۲	تبریک گفتن
آمیز		۲۸۴	تراکم ، فزونی	۶۷۵	تبعیت
۶۰۶	تصنع	۲۵۲	تراکم ترافیک	۸۸۱	تپانچه
۳۳۹	تصویب کردن	۳۲۱	ترتیب نمرات	۹۳۶	تپه ، بلندی
۶۷۴ ،	تصویر	۳۳۱	ترخیص از	۳۰۸	تجاهل
رونوشت		گمرک		۵۸۵	تجاوز
۵۰۰	تصویر مبتذل	۳۱۷	ترسو	۴۸۱	تجاوز به زنان
۱۰۱	تضمین تعهدات	۶۱	ترسیم کردن	۹۴۶	تجزیه شدن
۷۳۵	نظا هرکنندگان	۱۵۲۶	ترش	۸۱۱	تجزیه و تحلیل
۱۶۸	تعادل	۸۷۷	ترفع درجه	۱۰۱۲	تجمع
۲۸۱	تعديل	۴۶۲	ترك تحصیل	۷۳۳	تحت پیگرد
۱۴۲ ،	تعديلها	۳۱۵	ترك خوردگی	۸۶۴	تحت فرماندهی
دستکاری ها		۴۶۶	تركش ( برای )	۷۰۲	تحقیق
۷۴۷	تعرض به قانون	خمپاره )		۳۸۵	تحول
۴۸۱	تعرض جنسی	۱۵	ترکی کردن	۳۴۶	تحول کیفی
۲۵۷	تعصب	۷۸۸	ترکیب خاک	۶۸۱	تحویل شکایات
۱۴۶	تعویق کار	۲۵۴	ترمز		

۱۰۳	توصیف کردن
۱	توطئه
۲۳۸	توقف دوبله
۱۸۶۷	توله
۴۱۳	تولید
۳۴۷	تولید ناخالص
	ملی
۵۱۵	تیتروژن‌ها
۵۷۸-۱۰۲۱	تیر اندازی
۸۷۶	تیر خلاص
۹۱۴	تیر وکمان (قلوه)
	سنگ )
۱۰۳۱	تیم میزبان
۳۹۸	ثروتمندان
۱۹۱	جاده اصلی
۷۴	جاده صاف
	وهموار
۳۳۲	جاده کمربندی
۲۶۰۶	جار و جنجال
۲۱۵	جاری
۲۲۶	جاری شدن
۳۸۲	جالباسی
۱۰۰۸	جام
۱۰۳۵	جام جهانی
۶۸۰	جایگزین کردن

۳۱۴	تلفنهای ضروری
۱۸۱	تلگرام
۸۹۸	تله انفجاری
۴۶۸	تلویزیون
۱۰۱۲	تماشاگر
۲۵۶	تمایلات
۲۳۱	تمبر پستی
۴۴۹	تمبر یادبود
۹۳۵	تمرکز ارتش
۶۶۵	تمرکز زدائی
۸۹۳	تند روی
۹۵۴	تنگ نفسی
۱۹۳	تنگنا
۵۸۱	تنگی
۱۰۳۵	تیس
۳۰۱	تهدید
۲۶۷	تهی کردن
۸۶۷	توپ
۶۴۳	توتون
۶	توجیه کردن
۸۰۷	توده
۴۵۱	توده دانش
	آموزی
۳۷۷	تورم
۴۲۰	توسعه

۲۷۳	تعیین سرنوشت
۱۶۸۱	تف
۱۴۵۴	تف کردن
۱۱۲	تفسیر
۸۸۹	تفنگ
۳۵۶	تقلب
۱۶۹	تقویت و ترسیخ
	روابط
۵۱۹	تقویت روابط
۸۸۸	تك نظامی
۷۰	تکان خوردن
۲۷۲	تکذیب
	وتضعیف
۵۲۰	تکمیل کردن
	اعطای کامل
	حق
۶۴۴	تکنسین
۷۶۳	تکنولوژی
۶۴۴	تکنولوژیک
۴۵۴	تکیه زدن
۴۰	تلاش
۸۱۱	تلسکوپ
۸۰۹	تلفن مرکزی
۸۶۱	تلفن همراه
	(موبایل)



اولويتها	۴۷۹	جايگزين شدن	۶۰۶
۷۴۲ چارچوب	۱۸۶ جنازه	جبران خسارت	۳۹۷
مناقشه	۹۷ جنبه هاى مثبت	جدال و مناقشه	۵۶۶
۳۷۶ چاشت	۷۲۳ جنجال تبليغاتى	جدول فعاليتهاى روزانه	۸۳۳
صبحگاهى	۹۰۳ جنگ روانى	جدي گرفتن	۲۲
۲۵۰ چاقو	۹۲۰ جنگ و كشتار	جراحت سطحى	۹۵۹
۹۳۷ چاقى	۲۶۴ جنگل	جريان برق	۸۰۹
۲۰۶۰- چاله	۸۳۲ جنگل حفاظت شده	جریمه ديرکرد	۶۶۱
۲۷۵۹ چاه	۹۸۹ جنون جوانى	جزئى و كلى	۱۲۴
۲۱۳۱ چاپ	۵۹۴ جهان سومى	جست و خيز	۶۰۹
۱۹۵۵ چپ	۵۹۵ جهانگرائى	جشن عروسى	۲۵۴۷
۹۱۰ چپگرا	۲۰۰۲ جو	جشن فارغ التحصيلى	۷۶۸
۸۹۶، چتربازان	۲۰۵۶ جوالدوز	جعبه	۶۳۸
نيروهاى هوايرد	۲۲۱۶ جوان	جغد	۲۴۵۴
چراغ	۴۷۲ جوانب سخن	جفت گيرى	۶۰۱
چراغ سبز	۵۲۵ جوانه	جلب اطمينان	۳۸۴
۹۶ چربى ، چاقى	۲۱۶۹ جوجه	جلب توجه	۴۹۷
۵۶۹ چرخ	۳۰۷ جوك	جلوگيرى	۱
۱۸۹۷ چرخدار	۴۴۳ جوهر ، مركب	جلوگيرى كردن	۶۱۷
۹۲۷ چرخه	۱۴۷۲ جوى	جلوه گرى	۵۸۸
۲۶۳۶ چرك	۹۲۷ جيب بر	جمع بندى	۶۰۲
۲۰۷ چشم پوشيدن	۲۵۵۱ جيوه	جناب رئيس	۵۴۵
۷۵۰ چشم گير	۲۲۶ چارپايان	جمهور	
۳۶۹ چغندر قند	۴۳۲ چارچوب		
۴۰۰ چك			

۲۱۴،	خاکستر	۵۵۹	حزن انکیز	۲۲۱	چکمه
	سوزاندن مردگان	۶۹۵	حسابداری	۶۳۸	چننه
۵۱۸	خالکوبی	۲۴۲	حصار دیواری	۳۲۷	چند جانبه
۱۸۶۱	خالی	۸۳۲	حفاظت شده	۲۸۰	چنگ زدن به
۸۵۹	خالی کردن	۹۱	حفظ آرامش		فرصت
۶۶۹	خالی ماندن	۱۰۳۲	حفظ مقام اول	۲۱۸۴-	چنگال
۵۷۰	خانم	۲۶۱	حق العمل کاری	۲۵۳۱	
۱۸۶	خانواده	۷۰۸	حق پاسخگوئی	۳۵۱	چهار زانو
۶۳۱،	خبرچینی	۲۱۷	حقه باز		نشستن ، تکیه
	و جمع آوری	۶۸۵	حقوق پایه		زدن
	وارائه اطلاعات	۶۵۷	حقوق و دستمزد	۳۸۲	چهار شعله
۹۹۷	خدمات درمانی	۵۴۲	حل و فصل امور	۱۴۵۰-	چوب
۸۹۷	خدمت وظیفه	۸۵۶	حمایت	۲۴۰۷	
۲۳۲	خرابکار		و محافظت	۲۱۲۹	چوپان
۸۸۴	خرابکاری	۲۷۹	حمل کردن	۲۲۸	حادثه رانندگی
۶۸۳	خرابیها	۶۲	حملات طائفه	۷۷۸	حافظه
۲۱۹۹	خرچنگ		ای	۷۷۱	حافظه بیولوژیک
۴۰۱	خرده (فروشی)	۸۴۵	حملات نظامی	۷۷۸	حافظه کامپیوتر
۳۷۹	خرده فروش	۹۰۴	حمله هوایی	۹۸	حالت فوق
۲۰۸-۲۰۴۱	خرس	۲۵۲	حومه جنوبی		العاده
۱۳۳۲	خروس	۷۷۹	حیات هوشمند	۸۳۸	حبوبات
۶۸۶	خرید خدمت	۲۱۷	حیله گر	۴۰۴	حجم پرداختها
۷۶۶	خسارت سنگین	۱۴۶۸	خار	۲۳۰	حرص و ولع
۱۴۵۸	خستگی	۵۵۹	خاطرات	۱۹۳	حرکت دادن امر
۸۵۹	خشاب فشنگ	۱۷۸۹	خاکستر		ساکن



خشك	۱۸۴۶-	گاراتتى		کردن از صحنه	
۲۴۷۹		داروخانه كشيک	۹۷۰	در دست اجرا،	۴۸۹
خشم	۳۷	داغ	۲۲۲	در حال انجام	
خصوصى سازى	۵۵۰	داغ گذاشتن	۱۳۰۱	در شرف پايان	۵۱۷
خط تلفن	۷۷۶	دام	۲۵۷	در كام بردن	۸۱۳
خط مياني	۱۰۲۲	داماد	۹۹۸-۲۰۳۶	در كمين نشستن	۵۸۲
خطوط داخلى	۷۸۷	دامپزشك	۱۷۲۳	در گيرودار	۵۳۴
خفگى	۹۵۱	دامن	۴۹۱	در لاک فرورفتن	۱۳۱
خلاصه کردن	۶۵۰	دامن زدن،	۱۲۲	در معرض وزش	۶۳۰
خلوص	۱۰۰۳	دامنه گفتگو	۸	باد	
خميازه كشیدن	۵۳۱	دانه كوچك	۵۳۶	در نطفه خفه	۶۳۳
خواب	۲۲۱۴	داور	۱۰۱۳	کردن	
خواربار	۳۱۴	داورى	۷۱۱	در نهايت	۸۴۵
خواستگارى	۲۰۳	دايره	۲۲۶۴	آمادگى	
خوب	۱۹۴۴	ديبر انجمن	۴۳۹	در نوسان بودن	۶۴۱
خوددارى	۷۴۸	ديبر كل سازمان	۵۹۴	درآمد	۳۴۱
خودكشى	۱۹۷	ملل		درآمد روزانه	۶۹۷
خورجين	۱۹۵۳	ديبرخانه	۷۴۹	درج نمودن	۵۰
خوردگى	۱۰۰	دخالت آشكار	۸۶۳	درختكارى	۸۳۷
خوش آمد گويى	۴۵۵	در آستانه	۵۱۷	درخشش	۸۱۲
خون ريزى	۱۰۰۰	در امان ماندن	۸۵۶	دردناك	۹۶۶
خيابان دو طرفه	۳۱۲	در برگرفتن ، دور	۲۹۰	درشرف پايان	۵۱۷
خيزش گازى	۷۹۹	زدن		درگذشت	۱۸۱
دادگاه	۷۱۲	در حاشيه قرار	۵۱۲	درگير شدن	۳۱۹
داراى ضمانت ،	۸۰۹	دادن ، بيرون		درمانگاه	۵۷۶

سکه	
دو نفره	۳۸۲
دو چرخه سوار	۱۰۴۰
دود	۱۸۹۰
دور اول	۱۵۰
دور زدن	۲۸۹
دور ماندن	۱۲۰
دور نگهداشتن	۴۸۴
افکار عمومی	
دور، گردش	۱۰۳۷
دوربرد	۹۱۸
دوربین عکاسی	۱۳۷
دوره آموزشی	۶۷۶
دوره گرد	۳۳۰
دوش، پشت	۲۸۷
دوقلو	۹۴۰
دوك نخ ريسى	۱۹۳۴-
	۲۵۵۷-۱۴۸
دوگانگی	۹۴۱
شخصیت	
دوگانه	۹۴۱
دویدن	۲۴۵۷
دیدار	۱۴۱
دیدار رفت	۲۸
و برگشت	

دستگاه	۷۶۷
دستگاه امنیتی	۸۵۰
دستگیری	۲۵۱
دستمزد پائین	۳۴۴
دستور کار	۵۰
دفتر استاندارد	۳۹۷
دفتر اسناد	۷۳۶
رسمی	
دقت نظر	۱۴۷
دکمه	۷۸۶
دگرگونی	۵۴
دلال ازدواج	۲۶۱
دلالتی، حق	۲۶۱
العمل کاری	
دلایل فنی	۴۴۵
دم	۱۹۱۰
دم در	۲۷۹
دموکراسی	۵۱۶
دندان	۲۲۶۵
دندان بهم	۵۹۲
ساییدن	
دهان	۲۱۶۶-
	۲۲۷۲
دهه جاری	۷۷
دو روی يك	۵۹۶

درنده	۱۷۲۹
درنده خوئی	۴۶۵
درنگ	۵۵۷
دروازه	۱۰۲۲
دروازه ورودی	۸۳۹
شهر	
درو	۵۴۵
دروغ سنج	۸۰۸
دریافت	۷۲۲
احضاریه	
دریافت کردن	۱۸۱
دریافتها	۴۲۸
دریغ کردن	۳۲۲
دزد	۱۸۰۸
دزدی دریائی	۴۹۰
دژبان	۸۸۳
دست برداشتن	۴۸
دست بسته	۱۳۳
دست پرورده	۵۹
دست خالی	۶۳۸
دست کشیدن از	۲۵۸
کار	
دستبند	۲۴۶۰
دسترسی	۱۶۶
دستکش	۹۹۱



۴۷۹	رسانه های گروهی	۲۸۹	راه و ترابری	۵۱۶	دیدگاه
۹۶۱	رستوران	۱۸۷	راههای فاضلاب	۲۰۹	دیدگاه غیر
۶۸۷	رسمی قطعی	۲۰۲	راوی		محترمانه
۲۲۵۲	رشته ها	۶۷۳	رای دادن		و تحقیر آمیز
۳۰۹	رشد	۷۵۶	رای گیری	۲۱۸	دیس غذا
۴۱۹	رشد ، گسترش	۸۷۸	رئیس ستاد	۴۹۰	دیسکت
۷۸۲	رصد کردن		ارتش		کامپیوتر
۱۹۵۷	رطوبت	۶۵۵	رئیس شورای محل (کد خدا )	۲۲۲۱	دیگ
۴۳	رعایت احتیاط	۷۹۲	راه اندازی	۵۹۱	دیو جهل
۳۱۵	رعب و وحشت	۸۷۳	راهکار	۲۱۶۰	دیوار
۲۸۵	رفع بیکاری	۶۲۰	رایزنی فرهنگی	۲۰۱	دیوار حمال
۵۸	رفع ناهمواریها	۶۲۱	ربایش	۶۴۶	دیوان محاسبات
۲۳۴۰	رفیق	۳۸	رتق وفتق امور	۱۳۰۷	دیوانه
۱۰۲۶	رقابت	۵۴۱	رحل اقامت	۳۳۷	ذخیره
۲۵۹	رکورد جدید		افکندن	۸۳۸	ذخیره سازی
۱۰۱۸	رکورد جهانی	۵۱۵	رخداد	۱۴۲۱	ذرع
۵۶۳	رنجش	۵۱۵	رخدادهای فرهنگی	۲۰۹۰	ذلت
۷۴	رهائی		رخنه	۲۶۰۵	رئیس کولیاها
۲	روابط	۲۱	رخنه ، ورود غیر	۲	راجع ، مربوط
۸۶۲-۱۷۵۰	روباه	۸۸۲	مجاز	۹۷۵	رادیوگرافی
۲۷۶	روپوش کابل	۸۶۵	رخنه کردن	۱۹۵۵	راست
	برق	۶۸۵	رده شغلی	۱۲۳	راستگرا
۲۶۵۲	روده ها	۳۵۱	رده های بالا	۱۴۸۵-	راه
۵۴	روز افزون			۱۶۷۶	
				۲۴۲	راه پله

۵۶۰	زیکزاک رفتن
۲۷۲۰	زین
۸۲۴	ژئوفیزیک
۸۶۰	ژاندارمری
۷۷۱	ژن
۲۳۱	ژولیده موی
۵۷۴	ساختار، ترکیب
۶۰۶	ساختگی
۱۴۲۳	ساربان
۷۶	سازش
۲۱۵	سازگاری
۴۳۵	سازگاری با محیط
۲۳۹	سازمان، اداره
۶۷۲	سازمان آب
۶۷۷	سازمان تأمین اجتماعی
۳۹۳	سازمان عمران
۱۵۲	سازمان ملل متحد
۷۵۲	سازماندهی
۱۱۹	سازندگی
۱۹۵	ساک، چمدان
۱۸۳	سالن
۵۶	سایه گسترده

۱۷۵۴	زرنگی
۸۹۸	زرهی کردن
۱۹۳۸	زغال
۲۶۱۰	زغال سیاه
۸۳۳	زمانبندی
۸۲۴	زمین لرزه
۴۷۴	زن دانا (پیشگو)
۱۴۲۲-	زنبر
۱۶۵۸	
۲۲۴	زنجیر چرخ
۶۹۹	زندانبند
۷۰۲	زندانبند درازمدت
۱۷۶	زندگی ماشینی
۶۳۳	زنده بگور کردن
۷۷۳	زنده وپویا
۲۲۲۸	زنگ
۲۷۵۰	زود
۱۱۴	زورگویانه
۲۱۸	زولبیا
۶۴	زیر بار
۲۵۹۰	زیر بغل
۹۰۵	زیر دریائی
۲۷۸	زیر ورو شدن
۵۶۰	زیکزاک

۲۵۱	روزمره
۲۴۴	روزنامه نگاران
۸۳۴	روستائی
۸۴۴	روش آبیاری
	قطره ای
۵۸۵	روشدن
۵۴۹	روشنفکران
۴۱	روشها
۲۰۶۸	روغن
۴۵۸	روماتیزم
۵۵	روند
۶۷۹	روند کلی
۷۸	روند مذاکرات
۲۳۵	ریختن
۶۳۲	ریزش
۳۱۹	ریسک
۴۹۹	ریش
۸۲۴	ریشتر
۳	زایل شدن
۵۹۷	زایمان
۱۹۲	زباله
۲۴۲۶	زباله دانی
۱۱۶	زحمت
۵۲	زدودن
۵۲۹	زرده تخم مرغ



سبد	۵۶۸	سربازگیری	۱۲۹۳	سرود ملی	۲۷۷
سبزیجات	۳۷۹	سربالائی	۵۴۱	سریال	۵۰۰
سپری کردن	۴۷۶-۴۹۱	سرپنجه	۸۸۳	سریال	۵۰۰
ستاد ارتش	۸۷۸	سرپوش	۲۰۹	تلویزیونی	
ستاره دنباله دار	۷۸۰	سرپوش	۸۲۹	سزار	۵۹۷-۶۱۵
ستاره شدن ،	۵۰۴	پلاستیکی		سزارین	۵۹۷
کسب شهرت		سرپوش	۲۱۲۵	سست ، توخالی	۱۶۲
ستون	۸۹۱	گذاشتن		سطح	۲۵۷۷
ستون یاد بود	۵۰۷	سرچشمه	۸۹۹	سطل بی دسته	۱۵۱۴
مقام مادر		سرخوردگی	۹۴۴	سفره	۳۶۴
ستون یادبود	۵۰۷	سرد کردن	۱۷۹	سفید کردن	۹۳۹
سحری خوردن	۴۶۱	سردرد	۹۶۵	پوست	
سخت ، شدید	۹۱۲	سردرگمی	۸۷۲-۱۴۴۷	سفینه	۷۸۸
سخنگو	۵۰۸	سرزنش	۲۹۴	سفینه فضائی	۷۶۵
سر انگشت	۱۲۴	سرزنش را متوجه	۱۹۰۴-	سقط جنین	۹۴۳
سر بزیر	۲۴۶	کسی دانستن	۲۱۹۳	سقوط ، انهدام	۸۲۷
سر جمع بودجه	۶۹	سرکه	۱۵۲	سکرتر	۷۰۰
سر لوحه	۳۱۸	سرکوبگرانه	۴۸	سگه ، ارز ، پول	۵۹۶
سرنخ	۷۱۵	سرگرم کننده	۲۹۵	سکوت	۲۵۸۸
سرازیر شدن	۱۲۹۳	سرگرمی	۵۴۰	سگ هار	۷۲۹
سرازیری	۵۰۲	سرلوحه	۱۸۰۴	سلاحهای	۸۹۰
سراسقف	۵۳۸	سرما زده	۱۰۴۸	شیمیائی	
سرافکنده	۲۴۶	سرمایه	۳۵۰	سلام	۵۴۴
سرانجام	۱۱۷	سرمایه گذاری	۴۱۲	صبحگاهی	
سرباز گمنام	۱۳۶	سرنوشت	۲۸۸	سلام نظامی	۸۷۸

۶۲۰	شب شعر
۱۴۷۱	شبه فاضلاب
۲۷۵۴	شتر
۶۸۳	شتربان
۲۷۰	شخصیتهای
	بانفوذ
۶۶	شرط بندی
۴۲۳	شرکت تعاونی
	مصرف
۳۴۰	شرکت سهامی
۱۹۹۴	شرم آور
۲۲۷	شعله کوچک
۵۷-۲۲۷۹	شعله ور ساختن
۸۶۲	شغال
۳۶۷	شکاف
۶۶۶	شکایات
	نمایندگان
۶۸۱	شکایت
۱۵۹	شکست
۹۹۳	شکستگی
	استخوان
۸۶۶	شکستن رکورد
۱۰۱۹	شکستن
	محاصره
۵۳۴	شکسته شدن یخ

۲۱۸۴	سوبسید
۳۴۳	سوپ
۴۷۰	سوپاپ
	اطمینان
۱۳۵۱	سوتك
۲۰۵۶	سوراخ سوزن
۱۷۳۳	سوزن
۸۸۷	سوسك
۴۳۴	سوق یافتن
۱۷۳	سوگواری
۱۴۰۳	سی سی یو
۹۸۲	سیر
۱۵۱۹	سیر حوادث
۴۳۶	سیراب
۳۹۵	سیستم بازرگانی
۸۴۰	سیگار پیچی
۴۳۷	سیل آسا
۸۳۸-۲۷۵۷	سیلو
۸۹	سیلی، ضربه
۶۳۴	سیمهای تار
۳۲۵	شاخص
۱۴۰۲	شاخص فقر
۲۳۲۴	شاخ
۴۰۲	شاشیدن شتر
۱۴۷	شایسته دقت

۴۷۵	سلطه نظامی
۹۰۱	سلول
۴۶۳	سن تئاتر
۱۵۷۵	سند
۱۶۵	سندان
۱۵۳۴	سندیکا
۸۶۵	سنگ
۸۲۱	سنگ آسمانی
۳۳۲	سنگ بنا
۲۷۶۵	سنگ کسی را به
	سینه زدن
۲۶۱۰	سنگ گداخته
۵۰۶-۵۸۹	سنگ مرمر
۵۸۹	سنگ گرفتن
۵۵۴	سنگرها
۷۷۵	سنگهای
	استلاکتیت
	(آویزه ها)
۴۶۴	سنی کردن
۳۰	سهم
۵۴۰	سهم شیر
	(اولویت اول)
۱۲۲	سهمیه
۳۳۵	سوء استفاده
۴۵۵	سوارکاران



۳۷۶	صيد کردن	۱۵۴۷	شیپور	ها	
۸۶۷	ضد تانک	۱۸۸۷	شیر	شکل گیری	۸۱۷
۷۷۴	ضد زلزله	۲۰۷۷	شیر فروش	شکوه	۳۵
۲۳۴	ضد زنگ	۹۶۷-۱۴۵۱	شیرده	شگرد	۱۲۷۴
۸۷۵	ضد شورش	۱۹۷	شیرینی	شلغم	۳۰۷
۹۷۹	ضد عفونی کردن	۲۱۸-۲۸۲۹	شیرینی فروشی	شلنگ آب	۱۸۷
	(استرلیزاسیون)	۵۵۵	شیشه	شلیک کردن	۸۷۶
۱۰۲۰	ضربه	۵۷۲	شیطان	شمارش	۸۰۴
۸۱	ضربه پذیر	۴۶۴	شیعه کردن	معکوس	
۱۰۳۰	ضربه پناستی	۲۳۸۱	شیمیائی	شماره گذاری	۲۳۹
۱۰۴۲	ضربه سر (هد)	۷۹۱	شیهه کشیدن	اتومبیل	
۱۰۲۹	ضربه فنی	۹۸۷	شیوع	شناسنامه	۶۹۳-۲۱۶۸
۱۰۳۸	ضربه مشت	۸۶	صداقت	شناگر	۱۰۱۹
۶۶۳	ضمیمه کردن	۶۳۶	صدای آب	شنزار روان	۵۵۶
۶۱۴	طائفه	۳۸۳	صدر	شنود ، استراق	۹۲۹
۳۰۲	طبقات مردم	۶۵۹	صدور پروانه کار	سمع	
۱۲۰	طبقه عمده	۷۴۹	صرف نظر کردن	شهاب سنگ	۷۷۹
۲۱۳	طبقه ها ، کشوها	۱۰۶	صعوبات ، موانع	شهربانی	۴۱۸
۹۱۱	طبل زدن	۱۰۶۴	صف کشیدن	شهروندان	۴۴
۲۴۱	طراحی مد لباس	۸۷۵	صفوف	شوخی	۲۹۵
۸۹	طرح		مستحکم	شورای امنیت	۱۲۸
۴۱۲	طرح توسعه	۲۲۷	صنعتگران	شورش ، هرج	۱۲۷
۱۵۷۰	طرد جناح	۴۷۹	صوتی	و مرج	
	مخالف		و تصویری	شوک	۹۶۶
۱۵۱-۲۵۳۹	طلا	۷۰۶	صورت جلسه	شوک الکتریکی	۲۶۵۵

۱۰۱۱	غوره
۵۵۹	غوطه ور ساختن
۳۱۹	غوطه ور شدن
۱۱۴	غول ، عظیم
	الجبّه
۵۰۰	غیر اخلاقی
۱۰۳۱	غیر منتظره
۷۶۸	فارغ التحصیل
	لیسانسه
۶۰۵	فاسد کردن
۸۱	فاشیستی
۱۳۱	فاصله
۲۲۶	فاضلاب
۲۵۹۹	فاکتور
۵۷۵	فالگیری
۳۹۹	فتنه گری
۵۱	فرا خوانی
۴۶۲	فرار
۶۰۴	فراری دادن
۷۲۵	فراغ ، نقص
۸۰۱	فرد گرایی
۷۵۷	فرسایش
۱۰۰	فرستادن
۷۵۷	فرسودگی
	خوردگی

۸۱۱	عکسبرداری
۱۷۰۲	علائم راهنمایی
	وراندگی
۱۰۶۳	علف
۶۴۹	علوم
	آزمایشگاهی
۳۷۹	عمده فروش
۳۹۴	عمران
۵۹۷	عمل
۶۹۵	عنایت ، توجه
۸۶۶	عنصر وابسته
۳۸۸	عوارض
۶۶۱	عوارض
	شهرداری
۷۲	عوارض گمرکی
	مقابل
۷۱	عوامل
۱۰۳۳	غار
۶۴۱	غافلگیر کردن
۶۰۰	غریبگرایی
۲۳۹۸	غریب کردن
۱۶۹۵	غریق
۶۰۰	غسالخانه
۱۰۶۱	غلثک
۱۳۴۳	غواصی

۲۲۳۲	طناب
۱۳۷۷	طناب لنگر
۷۹۸	توفان
۷۴۴	ظاهر شدن ،
	حضور یافتن
۱۵۰	عاقبت
۲۶۵	عالی
۸۵۲	عبور و مرور
۲۰۸۲	عجایب هفتگانه
۴۴۶	عدس
۳۹	عدم تعهد
۹۳۲	عرض اندام
۱۸۴۲	عرضه و تقاضا
۳۸۹	عروس
۲۷۵	عروس و داماد
۲۶۰۷	عروسک
۲۰۸	عروسی
۲۵۵	عسلی ، لذیذ
۱۷۸۴	عشوه گری
۵۵۱	عصا
۱۶۴	عصبی
۴۵۰	عطر آگین
۹۴۹	عقب افتاده
۴۷۸	عقل گرایی
۲۳۳	عکاسی



فرش	۷۳	فعاليتهاى	۸۳۵	قالب شیرینی	۲۷۷
فرضیه تکامل	۸۱۷	مقدماتی		قالیچه	۳۸۲
فرهیختن	۴۳۸	فقید گرانقدر	۲۶۶	قانون با قید دو فوریت	۷۳۵
تربیت کردن		فلاش دوربین	۱۳۷	قانون جنگل	۲۶۴
فرو دادن	۵۲۸	فلج	۹۶۳	قانون عرضه	۳۸۹
فرو نشانیدن	۱۷۹	فلج اطفال	۹۶۴	وتقاضا	
فروپاشی	۴۸۶	فلج شدن	۳۷۰	قانونمند کردن	۵۰۹
فروشنده دوره	۳۳۰	فخر	۵۶۱	قایم موشک	۱۰۱۴
گرد		فوتبال	۱۰۱۳	قدر قدرتی	۱۳۲
فروکش کردن	۴۳۳	فوری	۱۰۴	قدرت خرید	۱۴۸۵
فرونشستن	۶۳۹	فوق العاده	۶۸۵	قدم	۳۹۲
فرب خوردين	۲۰۰	(حقوق)		قرار دادن	۵۴۱
فساد	۲۱۱	فوق العاده تورم	۶۹۰	(افکندن)	
فسخ قرارداد	۷۳۸	فوق لیسانس	۵۲۱	قرارداد	۱۴۲
فسیل	۷۷۹-۱۹۶۷	فیلمهای	۶۰۸	قراردادن کاری	۱۸
فشار	۹۳	سحرانگیز		در سرلوحه اعمال	
فشار آوردن	۷۸۶	قابل اعتماد	۸۹۳	قربانی	.
فشار خون	۹۷۱	قابل توجیه	۷۷۰	قرص نان	۳۵۴
فشار دادن	۸۷۹	قابل فروش	۲۰۶۳	قرعه کشی	۶۸۹
فشنگ	۳۲۲	قابلمه	۳۸۲	قسمت بیرونی	۳۱۸
فضا پیمای	۷۸۴	قاچاق کردن	۳۵۹	قشلاق	۵۵۳
فضای باز	۸۵۹	قارچ	۲۲۲۱	قطع جریان برق	۸۰۹
فضای مناسب	۱۶۰	قاشق	۱۵۹۶	قطع کردن	۱۷۸
فعاليتهاى	۷۶۰	قاطر	۲۶۸		
آتشفشانى		قافله جهانی	۴۵۶		

۸۲۸	کتابداری
.	کج
۶۱۸	کچل
۷۸۵	کد گذاری
.	کگر وقر
۵۷۷	کمرکس ، لاشخور
۲۱۷۸	کرم
۵۷۷	کره خر
۳۴۲	کسب درآمد
۵۰۴	کسب شهرت
۳۸۷	کسر بودجه
۹۵۶	کشت مو
۲۲۶	کشتارگاه
	کشتن
۸۶۸	کشته
۶۲۲	کشکول
	کشمش
	کشو میز
۸۳	کشورهای غیر
	متعهد
۳۳۳	کشیدن چک
۲۴	کشیده شدن
۱۲۸۰	کلاغ
۶۱۸	کلاه
۷۲۴	کلاه گیس

	وقت
۷۷۴	کاستن
۱۳۰	کاسته شدن
۳۳۸	کاسته شدن
	تابش ماه
۱۰۰۴	کاشت مغز
	استخوان
۸۳۹	کاشتن
۳۶۱	کالا
۶۲۳	کامل
۳۰۴	کامیون
۳۸۲	کاناپه
	کانالیزه
۷۲۰	کاندیدای منفرد
.	کاه
۳۴۰	کاهش
۸۲۲	کاهش دما
۱۰۰۶	کاهش فشار
	خون
۴۵۹	کبر و غرور
.	کبک
۱۰۲۱	کبوتر
۹۴۵	کپسول
۹۰۷	کپسول گاز
۲۸۳	کت بسته، مقید

۸۰۶	قطعات یدکی
۶۱۹	قطعه نامه
۹۵۳	قلب مصنوعی
۴۶	قلمداد کردن
۱۰۱۰	قهرمانی
۵۲۸-۸۹۰	قورباغه
۵۲۸	قورت دادن
۷۷۶	کابل نوری
۴۲۱	کابل های تلفن
۸۷۰	کاپوت اتوموبیل
۷۹۲	کاتالوگ
۸۳۲	کاج
۸۹۴	کادر ، اکیپ
۹۷۵	کادر پزشکی
۶۴۰	کادر سازی ، احاطه
۶۴۵	کار تشریفاتی
۲	کارآمد
۶۵۵	کارتهای
	الکترونیکی
۷۸۱	کارتون
۹۳۸	کارخانه
۴۲۷	کارخانه یخ
۸۰۴	کارشناس
۷۳۸	کارمند تمام



کلاهک اتمی	۹۳۴	کنار زدن	۵۶۲	کوهستانی	۸۲۲
کلوپ	۵۳۸	کناره گیری	۴۸۸	کیسه کشیدن	۹۸۶
کلیات پیشنهاد	۷۰۳	کنترل	۹۱	کیفیت بالا	۷۶۳
کلید	۶۹۱	کنترل کردن	۵۳۳	کینه توز	۳۹۴
کلیشه ای	۵۹۳	کنطور آب	۳۸۸	گاز گرفتن	۵۹۲
کلیه ها	۹۹۶	کنطور برق	۴۱۰	گاز مایع	۱۹۰
کم کردن	۴۳۰	کندی	۱۰	گام بزرگ	۱۴۴۵
کمد چهار	۳۸۲	کنسرو کردن	۵۹۳	گامهای عملی	۲۶۰
کشویی		کنش و واکنش	۲۶۹	گاو	۱۳۲۷
کمک مالی	۱۸۰	کنفرانس	۶۳	گپ زدن	۲۰۶
خیرات		کنکاش	۴۶۷	گج گرفتگی	۴۹۵
کمکهای اولیه	۹۵۹	کوبیدن (مواضع)	۸۶۸	گذاشتن ریش	۴۹۹
کمکهای غذایی	۱۵۲	دشمن		گذراندن	۹۵
کمونیستی	۱۴۹	کوبیدن ، آرد	۳۸۱	گذشت سالیان	۴۷۳
کمیته	۷۴۴	کردن		گرافیک	۲۳۳
کمیته ترافیک	۱۷۵	کوتاهی	۹۹۰	گرانقدر	۲۶۶
کمیته فنی	۱۰۴۰	کوتاه فکرانه	۱۶۴	گرایش به فرانسه	۶۰۴
کمیته مقدماتی	۶۴۷	کوتوله	۴۹۳	گرد و غبار	۱۱۸
کمیته نظارت	۶۶۴	کوچ کردن	۵۵۳	گرداب	۹۰۳
کمیساریای	۱۴۰	کوچه های محله	۳۵۵	گرداندن	۴۵۳
عالی پناهندگان		کود	۸۳۵	گردباد	۵۵۸
کمیسیون	۶۹۴	کورتاژ	۴۴۱	گردش کار	۳۴۵
کمیسیون اقتصاد	۳۳۹	کورنر	۱۰۲۰	گردش خون	۹۵۳
کمیسیونهای	۶۹۴	کوره	۱۹۲	گردن	۵۴۹
مجلس		کوزه	۶۱۲	گردنبند	۴۹۱

۷۲۷	لاك قرمز	۱۷	گفتگوی	۸۰۵	گردو
۴۱۷	لاك ومهر شده		تلویزیونی	۴۹۶	گردونه
۳۱۲	لامپ کشی	۶۳۵	گل	۴۶۵	گرفتار شدن
	وروشنایی	۱۵۶	گل (دربازی	۵۳۳	گرفتن نبض
۵۹۱	لانه		فوتبال )		(بیمار)
۵۹۰	لانه گزیدن	۱۱۰	گل آلود کردن	۹۴۸	گرفتن نوار
۳۶۸	لایحه	۱۰۴۷	گل زن		مغزی
۱۰۷	لایحه بودجه	۹۹۳	گلبولهای قرمز	۴۴۲	گروه
۷۶۲	لایه اوزون		خون	۵۴۸	گروه انبوه
۷۶۰	لایه یخی	۱۳۴۹	گلیم	۹۰	گروه بندی
۸۵۳	لشکر کشی	۱۶۵۳	گناهکار	۶۵۸	گروه و پایه
۳۰۷	لطیفه	۸۳۸	گنجایش	۸۶۲	گروهان
۱۳۵۷	لغو کارت بیمه	۲۰۰۲	گنجشک	۶۵۸	گروههای شغلی
۶۷۸	لنگ	۱۳۰۳	گندم		و دستمزدها
۲۳۶	لنگه در	۸۳۸	گنگ	۵۴۹	گریبانگیر
۲۲۱	له شدن	۶۶۰	گواهینامه	۷۵۶	گزینش نماینده
۸۰۸	لورفتن دروغ		پزشکی	۸۳۷	گسترده
۸۴۰	لوازم	۵۴۷-۱۳۲۷	گودال	۹۸۹	گسستگی
۳۸۲	لوستر	۵۴۷	گوساله	۸۰۴	گسل (شکاف
۴۰۸	لوکس	۵۴۷	گوسفند		بین لایه های
۲۷۶	لوله	۵۰۵	گوش شنوا		زمین)
۱۸۷	لوله آب	۴۹۱	گوشواره	۱۹۸	گشت زدن
۳۱۴	لیست	۴۵۳	گونه چپ	۶۲۸	گشتن بدنبال
۶۹۶	لیستهای	۵۲۲	گوه		فرصت
	نامزدهای	۴۸۲	لاك	۸۷۱	گشتی



انتخابات		متراكم ، آکنده	۱۳۹	محکوم کردن	۲۲۷
مات کردن (در شطرنج)	۱۰۴۳	از حوادث		محلّه	۱۹۸
مارك	۳۹۱	مترصد فرصت	۲۸۰	محلّهای تجاری	۳۹۷
ماشه	۸۷۹	متصاعد شدن	۸۷۰	محموله	۶۶۸
ماشین نویسی	۶۷۶	متصدی کاری	۱۳	محموله پستی	۲۴۹
ماشینی	۱۷۵	شدن		محیط (زیست)	۸۱۹
ماکت ساختمان	۴۲۹	متّصف شدن	۵۱۶	مخازن آب	۷۶۹
مالیات	۳۷۸	متلاشی کردن	۱۲۶	مخفی ، نهان	۴۴۸
مالیات گمرکی	۳۹۰	متمرد	۷۲۶	مخفی شدن	۸۵۷
مالیاتها	۳۵۳	متهم	۷۱۷	مخفیانه	۸۶۰
مامائی	۷۶۸	متوسل شدن	۷۴۰	مد لباس	۲۴۱
ماندگار کردن ، جاودان کردن	۴۵۰	مثال زدن	۵۶۴	مد نظر قرار دادن	۷۳۴
مانع تراشی	۱۱۷	مثلت	۱۶	، بحساب آوردن	
مانند کردن	۵۷۱	مجاری	۹۶۰	مد های لباس	۲۲۰
مانورها	۹۳۲	مجعد ، پیچ	۱۱۱	مدارك تحصیلی	۷۹۳
مانورهای آبی - خاکی	۸۴۷	خورده		مدارك	۷۹۳
ماهواره	۴۵۲	مجموعه	۳۶۹	دانشگاهی	
ماوراء بنفش	۷۶۲	کلکسیون		مدارك مورد نیاز	۶۶۷
مبادله	۳۲۷	مجهّز کردن	۷۸۷	مدال	۱۰۴۱
مبارزه	۱۰۴۵	محاصره	۸۵۷	مداوا کردن	۶۱۷
مبتنی بر تعصب	۲۵۶	محال	۴۴۶	مدت اعتبار	۶۶۲
مبذول داشتن	۱۷۹	محصولات	۷۶۶	مدت نامعلوم	۷۱۸
		کشاورزی		مدرنسم	۱۸۸
		محفل شبانه	۶۲۰	مدل	۲۳۷
		محفوظ ماندن	۷۰۸	مدیر عامل بانک	۳۳۶

۷۰۵	مصونیت
۳۰۲	مطالبه
۳۹۰	معاف کردن
۷۲	معافیت گمرکی
۳۷۴	معامله
۹۵۲	معتاد به سیگار
۲۳۰	معتادان
۱۲۵	معتبر، قابل اجرا
۲۱۲	معضل اجتماعی
۱۰۰۴	مغز استخوان
۴۵۲	مغز الکترونیکی
۷۴۲	مقید شدن
۵۴۳	مکالمه
۸۴۲	مکانیزه کردن
۴۷۸	مکتب اصالت
	عقل
۵۵۷	مکت و درنگ
۲۱۷	مکر
۵۰۱	مکیدن، ارتزاق
۲۹۴	ملامت
۷۳۷	ممانعت
۹۳۳	ممتاز
۶۲۲	مملو
۵۰۰	مملو شدن
۸۶۱	ممنوع کردن

۷۹	مسامحه کردن
۳۹۸	مستمري
	بازنشستگی
۵۹۱	مسکن گزیدن
۸۷۱	مسلسل
۸۱۵	مشابه سازی
۲۴۵	مشابهت
۱۰۳۹	مشت زنی
۳۹۹	مشتریان
۲۹۸	مشروب
۱۴۹	مشروطه
	سلطنتی
۵۰۳	مشعل
۳۸۶	مشکل
	مصیت
۳۶۵	مشکوک
۸۹۷	مشمولان
	خدمت وظیفه
۸۷۲	مشوش
	وسردرگم کردن
	،
۴۳۱	مصادره، تصرف
۴۲۲	مصرف
۳۶۴	مصرف داخلی
۹۶۹	مصنوعی

۴۲	مذکرات
۲۰۳	مراسم ازدواج
۴۵۰	مراسم
	بزرگداشت
۱۷۳	مراسم سوگواری
۴۸۷	مراسم مذهبی
۴۸۸	مراسم مذهبی
	روز یکشنبه
۲	مربوط
۲۷۴	مرتکب شدن
۲۱۰	مرثیه
۷۱	مرد
۲۶۰	مرد کار
۴۹۳	مرد یا زن پست
	، کوتوله
۸۹۰	مردان قورباغه
	ای
۷۸۳	مرکز ثبت زلزله
۱۲۱	مرگبار
۱۱	مرهم زخم
۴۹۴	مزار شهیدان
۳۵۷	مزایده
۱۰۰۹	مسابقه
۱۰۲۶	مسابقه شنا
۲۶۳	مسالمت آمیز



۳۳	ممنوعیت	۱۷۱	موضع	۴۵	ناکام ماندن
۳۴	ممنوعیت پرواز	۲۹۱	موضوع را جمع	۵۰۵	نالہ
۷۷۵	مناظر جالب		و جور کردن ،	۲۰۲	نامزد
۴۱۸	مناقصه		وفیصله دادن	۶۵	نامطلوب
۱۰۹	منحنی	۱۰۸	موفق شدن	۹۷	ناهمواری
۷۰۷	منزلت	۲۴۵۱	موقعیت		دست انداز
۷۰۰	منشی	۹۴۶	مومیائی کردن	۹۱۶	ناوچه
۸۵۲	منع رفت و آمد	۱۰۴۰	میان وزن	۹۹۱	نایلون
۲۳۴	منعکس کننده	۱۸۲	میانگین	۴۲۴	نبرد بی امان
۹۲۵	منهدم کردن	۹۶۱	میخکوب کردن	۸۵	نخست وزیر
۵۷۹	مه	۷۸۸	میدان	۵۰۶	نخوت و تکبر
۸۰۶	مهار آتش		مغناطیسی	۳۰۹	نرخ رشد
۴۰۷	مهار تورم	۳۸۲	میز ناهار خوری	۳۲۹	نرخ سود سرمایه
۷۲۷	مهر و موم	۷۶۴	میش	۳۶۰-۲۰۶۱	نرخ گذاری
۸۲۶	مهندسی ژنتیک	۹۱۶	مین	۷۵	نردبان
۴۹۱	مو	۹۱۶	مین یاب	۲۴۲	نرده
۱۶۸	موازنه قوا	۲۷۹	مینی بوس	۶۲۶	نرمی ناخنها
۲۹	موافقت مبدئی	۸۶۲	نابود کردن	۹۹۰	نزدیک بین
۱۰۶	موانع	۵۸۶	نابودی	۳۱۰	نزدیک شدن
۱۰۱۵	موتور سواری	۹۹۵	نابینا	۶۸۲	نسبت دادن
۱۰۱۵	موتور سیکلت	۳۰۰	نادر و کم نظیر	۶۷۰	نسخه برابر اصل
۴۳۷	موج		بودن	۸۱۵	نسخه برداری
۷۵۷	موج شکن	۵۳۲	نارسانای قانونی	۹۲۸	نشان (فارسی)
۱۰۱۱	موزه	۷۶۲	نازک		الاصل)
۸۶۷	موشک	۵۴۳	ناشنوایان	۶۶۴	نظارت

۸۷۴	نیروی پیاده	۱۴۴	نمایندگی	۶۵۷	نظام پرداخت
۸۸۳	نیروی دژبان	۷۴۶	نماینده		حقوق
۸۷۱	نیروی گشتی	۸۳۹	نمود زیبا	۷۹۶	نظر خواهی
۲۵۱	هتک حرمت	۸۰۱	نمونه گیری	۹۹	نظر سنجی
۷۹۰	هدایت اتوموبیل	۴۹۰-۷۷۰	نهال	۲۴۸	نظم وانتظام
۵۷۸	هدف گیری	۴۹۰	نوار کاست	۵۵۹	نفس داغ
۶۰۷	هرج و مرج	۹۴۹	نوار مغزی	۸۶۶	نفوذ
۱۵۹	هزیمت	۹۷۶	نوزاد	۸۵۷	نفوذ کردن
	شکست		آزمایشگاهی		شکستن
۹۲۲	هشدار ، اعلام	۸۶۷	نوسازی		محاصره
	خطر	۶۷	نوسان	۷۸۱	نقاشی
۷۴۸	هشدار اجرائی	۶۰	نوسان ، تردد	۴۱۶	نقدینگی
۸۸۱	هفت تیر کشیدن	۳۶۱	نوسان پول	۲۷۲	نقش بر آب
۸۹۰	هلیکوپتر	۵۳۷	نوك پیکان		کردن
۴۹۸	همبستگی	۱۸۸	نوگرانی	۲۰۵	نقش بر باد
۹۴۰	همزاد		مدرنسم	۸۵۸	نقض ، شکستن
۲۶۳	همزیستی	۹۹۹	نوه	۸۸	نقطه صفر
۵۸۷	همگامی	۶۳۱	نوید دادن		نقطه آغاز
۴۱۵	هموار کردن	۸۲۳	نی	۸۶۴	نکات مبهم
۷۷۰	هموگلوبین	۴۰۹	نیاز داخلی	۶۲۴	نگهبان
۸۲۹	هندوانه	۳۴۴	نیاز مندیها	۲۹۸	نگهداری
۲۳۳	هنرمند تجسمی	۸۰۳	نیروگاه	۳۱۸	نما ، قسمت
۳۵۰	هنگفت	۳۵۹	نیروهای		بیرونی
۸۹۵	هواپیمای		شهربانی	۲۴۱	نمایش
	جاسوسی	۳۸۵	نیروی انسانی	۲۳۳	نمایشگاه



وقت گرفتن	۵۲۳
ویتامین	۸۰۵
ویراژ دادن ،	۵۶۰
حرکت زیکزاک	
یارانه	۳۴۳
پیخ	۷۶۶
بخچال ۲۱ فوت	۳۸۲
یک بام و دو هوا	۱۳۸
یک دقیقه	۴۶۹
سکوت	
یک قسمت	۲۲۹
یک وجب از	۷۹
خاک میهن	
یکطرفه	۲۲۳
یگان	۵۵۳
یهودی کردن	۸۹۵
بیلاق	۵۱۳

وثیقه مالی	۷۱۰
وجهه اقتصادی	۳۸۰
وحشت	۵۶
وحشتناک	۴۵۷
وخامت	۵۴
ورشکستگی	۶۷۲
وزارت فرهنگ	۵۰۷
وارشاد	
وزنه برداری	۶۴۸
وسایل شنود	۷۸۴
وسیله نقلیه	۷۸۴
وسیله نقلیه ،	۲۵۳
گاری	
وضع	۶۷۹
وضع آشفته	۵۳۴
وضعیت	۹۸
اضطراری	
وعده های زیبا	۲۵۵

هواپیمای جت	۸۱۸
هواداری	۹۰
هواشناسی	۷۵۸
هوش	۱۰۰۶
هوشیاری	۴۳
هیأت اجرایی	۴۲۵
هیجان	۶۳۹
واحد پشتیبانی	۸۶۸
وارد کردن	۴۲۷
وارد کردن زیان	۹۱۵
واردات گوشت	۴۲۶
واریز پول	۴۲۵
واکسیناسیون	۹۷۹
واگن قطار ،	۲۵۴
گاری	
واگردار	۹۸۸
وام گرفتن	۳۴۶
وتو	۱۲۸





## فهرس الألفاظ العربية

٢٣١	أشعث الشعر
٨٨٨	الإصابة
٥٧٥	إصبع الفتنة
٦٧١	الإصلاح
٤٣٤	الأصولية
٢٤٤	الإضراب
٩٤	الإضفاء
٩٦	الأضواء الكاشفة
٥٨٤	أطراف الحديث
٢٢٣	إطلاق السراح
٥٩٨	الإعادة
٥٩٩	إعارة الأهمية
٦٨٣	الأعطال
٣٩٠	الإعفاء
٤٧٩	الإعلام
٣٩٤	الإعمار
٩١٠	الإفراج
٦٠٥	الإفساد

٥٠	الإدراج
٣٤٢	إدراج المدخول
٥٢	الإدلاء بالبيان
٥٣	الإدلاء بالرأى
٥٧	الإذكاء
٨٧٢	الإرباك
٣٥٢	الإرجاء
٦٦٣	الإرفاق
٨٧٨	أركان الجيش
٥٦٢	الإزاحة
١٧٤	الأزمة
٢٢٠	الأزىاء
١٠٠٨	الإستاد
٥١	الإستدعاء
٩٩٥	الإسعافات
	الضرورية
٥٢٢	الإسفين
٨٤	الإشعار

٧٥٨	أبحاث الجو
٧	الإبراق
١٧٢	الإبرة
٥٣٠	الإتراع
٧٠٢	الإثناء
٤٤١	الإجهاض
٩٤٣	الإجهاض
٨٥٠	الأجهزة الأمنية
٢٧	الأجواء
١٩٩	الإحالة
٩٤٤	الإحباط
٧٣٣	الأخذ بعين
	الاعتبار
٦٩٣	إخراج قيد
٤٥	الإخفاق
٦٥٣	الإخلاء
٤٥٣	الإدارة
٢٠٥	أدراج الرياح

٩١٩	الاستماتة
٨١٥	الاستساخ
٩٣٠	الاستنفار
٣١١	الاستنهاض
٤٢٢	الاستهلاك
٢٢٥	الاستياء
٤٢٦	الاستيراد
١٧٠	الاستيطان
٢٣٤	اشارات السير
٩٦٨	الاصطناعي
٣٧٦	الاصطياد
٩٧٢	الاطباء
٧٩٤	اطباق الاستقبال
٢٤٨	الاطراد
٩٨٣	الاعاقة
٢٥١	الاعتباط
١٠٣	الاعتباطي
٢٥٨	الاعتصام
٩٨٠	الاعتلال
٤٨١	الاعتصاب
٩٠٦	الاغتيال
٦٠٦	الافتعال
٧٣٩	الاقتراح
٦٨٩	الاقتراع
٧٢٠	الاقتراع بالتركية

٢	الآيل
٣٢٦	الائتمان
٥١٦	الائسام
٤٤٥	الاحتجاب
١٠١٢	الاحتشاد
٧٠٨	الاحتفاظ
٨٥٦	الاحتماء
٤١	الاحتواء
٣٣٧	الاحتياطي
٢٠٠	الاحتيال
٨٥٧	الاختراق
٦٥٠	الاختزال
٩٥٠	الاختناق
٥٥٣	الارتحال
٤٦٠	الازدواج
٧٢	ازدواجية الضريبة
٨٥١	الاستجواب
٣٤٦	الاستدانة
٨٢	استشراف الوضع
٩٩	استطلاع الرأي
٦٠١	الاستفحال
٦٩٢	الاستقالة
١٣٢	الاستقواء
٨٨١	استلال المسدس
٧٢٢	استلام الإنذار

٤٠٣	الإفلاس
٦٠٨	الأفلام الساحرة
٦١١	الإقلاع
٢٧٩	الإقلال
٥٢٣	أكل الوقت
١٣٦	الإكليل
٤٩٤	إكليل الزهر
٦٩٥	الإلمام
١٧٦	الآلي
١٧٥	الآلية
١٠٤٣	الإماتة
٦٢٠	الأمسية
٧٠٠	أمين السر
٧٥٥	الإنابة
٤١٣	الإنتاج
٩٩٨	إنجاب الطفل
٢٤	الإنجرار
١٥٢	الإنحاء باللائمة
٣٠١	الإنذار
٧٤٨	الإنذار التنفيذي
١٥٤	الإنعاش
٥٠٨	الأنملة
٦٣٤	الأوتار
١٦٧	الأوراق
٤٢٥	الإيداع



١١	البلم
٥٢٨	البلع
٦٤٢	البنى التحتية
١٨٣	البهو
١٤	البوء بالفشل
٣٢٨	البورصة
٧٦٢	البيئة
٤٤	البيان الخجول
٥٢٩	البيض
١٧٣	التأين
٤٣٣	تأجيج النار
٦٠	التأرجح
٦٤٠	التأطير
٤٣٥	التأقلم
٧٥٧	التآكل
١٧٧	التآمر
٨٤٦	التأهب
٣٢٧	التبادل
١٠	التباطؤ
٣	التدد
١٨٠	التبرع
١٧٩	التبريد
٦	التبرير
٨٣٠	التبغ
١٣	التبني

٩٨٨	الانفصام
٦٠٧	الانفلاش
٦١٠	الانقلاب
٦٣٢	الانهيار
٥١٤	الانهيار
٣٣٠	البائع المتجول
٤	البادرة الودية
١٧٨	البر
٩٣٧	البدانة
٧٣١	بدل ضائع
٥٢٥	البرعم
١٨١	البرقية
٧٦٠	البركان
٨	بساط البحث
٩	البصمة
٤٣٦	بصمة الإصبع
٥٢٦	بصمة الإصبع
٧٠١	بصمة الإصبع
٧٦١	بصمة الإصبع
١٨٢	البطالة
١٠١٠	البطولة
٨٢٩	البطيخ
٥٢٧	البعث
٩١٨	بعيد المدى
٦١٩	بلا لون ولا طعم

٤٩٢	اقتراف الجريمة
٢٧٤	اقتراف الذنب
٩١٣	الاقتصاص
٢٨٠	اقتناص الفرصة
٩٩١	الاكتئاب
٢٨٤	الاكتظاظ
٢٨٩	الالتفاف
٨١٣	الالتهام
٥٠١	الامتصاص
٣١٢	الانارة
٢٩٩	الانتحار
١٥٩	الانتكاس
٦٢٨	انتهاز الفرصة
٧٥٤	انتهاز الفرصة
٥٣٨	الانحدار
٣٤٠	الانخفاض
٨٦٦	الاندساس
٨٦٩	الاندلاع
٩٥٦	الانزواء
٢٢١	الانسحاق
٢٢٦	الانسياب
٦٧٥	الانصياح
٤٧١	الانضواء
٤٨٠	الانعياد
٤٨٢	الانغلاق

٦٨	التروي
١٦	الترويك
٥٥٧	التريث
٣٥٥	تزفيت الشوارع
١٠٢٥	التزلج
٧٨٧	التزويد
٣٥٦	التزوير
٤٦١	التسحير
٣٥٨	التسيد
٥٦٧	التسريل
٤٦٢	التسرّب
٣٥٩	التسريب
٣٦٠	التسعير
٨٨٢	التسلّل
٦٦٦	التسلّم
٣٦٢	التسليفات
٩٦٠	التسمير
٤٦٤	التسنين
٧٦	التسوية
٥٧١	التشبه
٨٣٧	التشجير
٧٩٢	التشغيل
٣٦٩	التشكيلة
٤٦٧	التشمير
عن	الساعد

٦٥١	التخطيط
٩٤٨	تخطيط الدماغ
٤٨	التخلي
٤٤٩	التخليد
٧١٤	التحويل
٣٤٥	التداول
٨٦٣	التدخل السافر
٥٥١	التدلل
٥٤	التدهور
٥٥	التدويل
٥٨	تذليل العقبات
٥٥٤	تراشق الحجارة
٦٢	التراشق الطائفي
٦٧	التراوح
٤٥٤	الترّبع
٥٥٢	الترّبع
٤٥٥	الترحيب
٦٥٩	الترخيص
٦٦٠	ترخيص مزاولة
	المهنة
٢١١	التردي
٨٤٨	الترسانة
٩٥٤	ترقق العظام
٨٧٧	الترقية
٧٨٥	الترميز

٥٢٤	التبويس
٩٣٩	تبيض الجلد
١٥	التريك
١٨	التويج
٥٣١	الثاؤب
٤٣٨	الثقيف
٤٣٩	تجسير الفجوة
٨٥٢	التجول
١٨٩	التحدّر
١٨٨	التحديث
٣٣٣	تحرير الشيك
١٩٣	تحريك الساكن
٦٤٧	التحضير
١٠١٩	تخطيط الرقم
	القياسي
٣٦	التحفظ
٧٠٩	التحقيق
٧١١	التحكيم
٩٤٦	التحلّل
٨٥٥	التحليق
٧٧٢	تحليل البول
٥٤٥	التحيّة
٥٤٤	تحيّة الصباح
١٠١٤	التخبئة
٩٤٧	التخدير



٧٦٣	التقنية
١٣١	التوقع
٢٨١	التقويم
٧٤١	التقيد
٢٨٢	التقييم
٩١٥	تكيد الخسارة
٤٩٥	التكلس
٢٨٨	التلاعب
٤٠٩	التلية
١٨٤	التلفاز
٤١٠	التلكؤ
٦١٨	التلميع
٨١٤	التلوث
٩١٧	التلويع
١٤٣	التمتين
١٤٤	التمثيل
١٠٤٢	التمرير
٥٨٨	التمظهر
١٤٧	التمعن
٦٢١	التمغظ
٩٩٧	التململ
٤١٢	التمويل
٩٢٠	التناحر
٩٢٤	التنازل
٤١٩	التنامي

٥٩٣	التعليب
١١٢	التعليق
٦٨٤	التعميم
١١٥	التعنت
٣٩٧	التعويض
٨٤٠	تغليف السجائر
١٢٠	التغيب
٤٨٥	التغيب
٩٠٨	التفادي
٢٧١	التفاهم
١٢١	التفتيت
٨٠٠	التفجير
٦٨٧	التفرغ
٢٦٧	التفريغ
٩٨٧	التفشي
٤٨٦	التفكك
١٢٦	التفكيك
٢٧٢	التفيد
١٢٩	التقاذف
٨١١	التقاط الصورة
٦٩٠	التقاعد
٦٠٩	التفافز
٢٧٣	تقرير المصير
١٣٠	التقلص
٦٤٤	التقني

٨٨٥	التشويش
٦٧٠	تصديق الشهادة
٨٨٦	التصعيد
٢٣٨	التصفيف
٢٤١	تصميم الأزياء
٩٠	التصنيف
٥٧٨	التصويب
٧٣٠	التصويت
٢٤٢	التصوينة
٣٧٧	التضخم
٤٧٣	تطاول السنين
٥٨٣	التطرف
١٠٠	التطمين
٣٨٥	التطوير
١٠٨	التعاطي
٣٩٥	التعامل
٤٢٣	التعاونية
	الاستهلاكية
٢٦٣	التعاش
٨٩٩	التعتم
١٠٥	التعديل
١٠٣٢	تعزير الصدارة
٥٩٠	التعشش
٩٧٩	التعقيم
١١٠	التعكير

١٩٨	الحارة
٣٣٦	حاكم المصرف
٩٨	حالة الطوارئ
٤٤٣	الحبر
٤٤٤	الحبلى
٥٣٦	الحبيبة
٧٠٤	حجب الثقة
٣٣٢	حجر الأساس
٥٣٧	الحدثنة
٤٢٤	حرب بلا هوادة
٨٥٤	الحربة
٥٣٩	حصان طروادة
٣١	الحصانة
٣٠	الحصة
٣٣٥	الحصّة
٥٤٠	حصّة الأسد
٥٤١	الحطّ
٣٢	الحظر
٣٤	حظر الطيران
٧٠٧	الحظوة
٣٧	الحفيظة
٦٤٨	الحقية
١٩٦	الحكر
١٠١٣	الحكم
١٩٧	الحلاوة

٧٦٤	الثديّات
٢١	الثغرة
٥٣٢	الثغرة القانونيّة
٨٤٩	الثكنة
٩٤١	الثنائى
١٨٦	الجثمان
٢٢	الجد
٨٣١	جرّ المياه
٤٤٠	جسّ النبض
٥٣٣	جسّ النبض
٩٧٤	الجسم الطبّي
٩٤٢	الجفن
٧٦٥	الجلد
٣٣١	الجمركة
١٢٤	جملة وتفصيلا
٤٥١	الجمهور
	المدرسى
٥٣٥	الجنى
٧٦٧	الجهاز
٤٤٢	الجوقة
٢٨	الجولة المكوكية
٨٥٣	الجيش والجيشان
٧٧٠	الجين
٧٧١	الجينة
٤٢	الحائط المسدود

٧٤٧	التحى
٣٠٠	التدر
١٥٣	التصّت
٧٥١	التنظيم
٤١٥	التفيد
٧٥٣	تففيذ الحكم
٣٠٨	التكرّر
٤٢٠	التميه
١٦١	التويه
٥١٢	التهميش
٥١٣	التهويد
٩٤٠	التوأم
١٦٨	التوازن
٨٢٨	التوثيق
٣١٩	التورط
٤٢٧	التوريد
٥١٩	التويد
١٦٩	تويد العلاقات
٣٢١	التوظيف
٣٢٢	التوفير
٥٢١	التوقيع
٢٩	التوقيع بالأحرف
	الأولى
١٩	التيار
٤٣٧	التيار



٦٥٨	الرتب والرواتب
٢١٠	الرثاء
٧١٩	الردّة
٨٧٣	الردع
٦١	الرسم
٧٨١	الرسوم
٦٦١	الرسوم البلدية
٨٧٤	الرشّ
٥٥٥	رشق الحجارة
٦٣	الرص
٨٧٦	رصاص الرحمة
٧٨٢	الرصد
٢١٢	رصد المواقف
١٠١٦	الرصيد
٦٤	الرضوخ
٣٥٤	رغيف الخبز
١٠١٧	رفع الأثقال
٢١٣	الرفوف
٦٦٤	الرقابة
١٠١٨	الرقم القياسى
٤٥٦	الركب العالمى
١٠٢٠	الركلة
٢١٤	الرماد، الترميد
٥٥٦	الرمال المتحرّكة

٨٦٢	الخيّالة
٧٧٦	الدائرة الهاقية
٤٩	الدحن
٢٠٦	الدردشة
١٠١٥	الدراجة الناريّة
٨٦٤	الدرك
٢٠٧	الدرن
٣٤٣	الدعم
٤٦٩	دقيقة صمت
٨٦٨	الدكّ
٤٥٢	الدماغ الإلكتروني
٢٠٨	الدمية
٩٥٢	الدورة الدموية
٨٧١	الدورية
٦٤٦	ديوان المحاسبة
٧٧٨	الذاكرة
٧٧٧	الذرة
٥٦	الذعر
٣٥٠	الرأسمال
٦٥٧	الراتب
٣٩٨	راتب الإعالة
٣٤٤	الراتب المتدنّى
٢١٥	الراهن
٩٥٣	الربو
٥٩	الريبة

٥٤٢	حلحلة الأمور
٥٤٣	الحوار
٩٤٥	الحوجلة
٧٧٩	الحياة الذكيّة
٤٣	الحيطة
٧٧٣	الحيويّ
٢٠٢	الخاطبة
٤٤٨	الخافية
٤٦	الخافية
٥٤٦	خبر كان
٢٠١	الخرسانة
٨٥٨	الخرق
٥٤٧	الخروف
٨٥٩	خزانة طلاقات
٣٣٨	الخشوف
٥٤٨	الخصمّ
٤٠٢	خطّ الفقر
٣٣٩	الخطّة
٢٠٣	الخطوبة
٤٤٧	الخطورة
٧٧٤	الخفض
٢٠٤	الخلخلة
٦٥٤	الخلل
٥٤٩	الخناق
٥٥٠	الخوصنة

٨٨٣	الشرطة العسكرية
٨٣	الشرنقة
٢٢٩	الشريحة
٤٦٦	الشظية
٧٢٤	الشعر المستعار
٥٧٣	شعرة معاوية
٨٨٤	الشغب
٧٢٥	الشغور
٩٦٣	الشلل
٩٦٤	شلل الاطفال
٧٢٧	الشمع الأحمر
٧٩٣	الشهادات
	الدراسية
٥٧٢	الشیطان
٣٧١	الشيك
٢٣٥	الصبّ
٩٦٥	الصداع
٣٧٢	الصدع
٩٦٦	الصدمة
٩٦٧	الصدمة الكهربائية
٨٩	الصفعة
٢٣٧	الصفّ
٨٨٧	الصفّارة
٣٧٤	الصفقة
٨٧٥	الصفوف المتراصة

٦٩٩	السجن المؤبد
٧٨٩	السحابة
	المغناطيسية
٩٥٧	السريّر
٥٦٨	السّلة
٨٨٠	السفور
٧٤	السكة
٢٢٤	السلسلة المعدنية
٣٦١	السلعة
٣٦٣	السلفة
٧٥	السلم
٨٣٥	السماذ
٥٦٩	السمن
٥٦٤	سوق المثل
٩٠٧	السيارة المفخّخة
٢٢٨	الشاحنة
٤٦٨	الشاشة الصغيرة
٧٩	شبر من الأرض
٨٣٦	الشتلة
٢٢٧	الشجب
٦٦٨	الشحن
٣٦٦	الشحنة
٤٦٥	الشراسة
٢٣٠	الشراهرة
٣٦٧	الشرح

١٠٢١	الرماية
٨٣٣	الروزنامة
	(فارسية)
٤٥٨	الرومنسية
٦٩	الزخم
٧٨٦	الزّر
٩٥٥	زراع الشعر
٧٠	الزعزعة
٥٥٩	الزفرة
٥٦٠	الزكزكة
٢١٨	الزلاّية
٧١	الزلمة
٢١٩	الزموّر
٨٧٩	الزناد
٥٦١	الزنبرك
٤٥٩	الزهو
٥٥٨	الزوبعة
٥٦٣	السامة
٢٢٢	الساخن
١٢٥	ساري المفعول
١٠٢٦	سباق السباحة
٥٦٥	السبق
٥٧٠	الستّ
٧٣	السجاد
٧٢١	السجال



٩٠٠	العازل
٧٩٩	العاصفة
٢٥٩	العاطل
٥٩٤	العالمثالية
٨٩٨	العبرة الناسفة
٣٨٦	العتبة
٣٨٧	العجز في الموازنة
٢٥٢	عجقة السير
٣٨٨	عدّاد المياه
٣٩	عدم الإنحياز
٢٣	عديم الجدوى
١٠٦	العراقيل
٢٥٤	العربة
٤٧٤	العرافة
٣٨٩	العرض والطلب
٦٨٢	العزو
٥٨٩	العسكرة
٤٧٥	العسكريتاريا
٥٩١	العش
٢٥٦	العصوية
٢٥٧	العصبية
٥٩٢	العَضّ
١٠٧	عَضّ الأصابع
٩٧٧	العظم
٤٧٧	العقبى

٣٧٩	الضياح
٥٨١	الضيق
٨٩٥	طائرة التجسس
٨١٨	الطائرة النفّثة
٧٣٢	الطائلة
٦٨٠	الطابع
٣٨٠	الطابع الاقتصادي
٨٩١	الطابور
٧٩٥	الطاحونة
٧٩٧	الطاقة
٨٩٤	الطاقم
٩٧٣	الطبّ الشرعيّ
١٠٠٤	الطبيب المناوب
٣٨١	الطحن
٢٤٩	الطرد البريدي
٧١٥	طرف الخيط
٦٨١	الطعن
٥٨٥	الطغيان
٩٧٥	طفل الأنبوب
٣٨٣	الطليعة
١٠١	الطمأنة
٥٨٦	الطمس
٢٤٧	الطوارئ
١٠٢	الطيّ
٥٨٧	الطّيع

٥٧٧	الصقر
٣٧٥	الصكّ
٤٧٠	صمام الأمان
٢٤٠	الصمت
٧٢٩	الصمت
٦٧٤	الصورة
٨٣٨	الصومعة
٩٦٩	الصيدلية المناوبة
٥٧٩	الضباب
٩١	ضبط النفس
٢٤٣	الضحايا
٩٧٠	الضحية
٩٢	الضحّ
٦٧٦	الضرب على الآلة
	الكاتبه
١٠٣٠	ضربة الجزاء
١٠٢٩	الضربة الفتيّة
٤٠٠	الضرر الفادح
٣٧٨	الضريبة
٩٣	الضغط
٩٧١	ضغط الدم
٨٩٠	الضفدع
٦٧٧	الضمان
	الاجتماعي
٩٥	الضوء الأخضر

٢٣٣	الفنّان التشكيلي
١٠٣٤	الفوز
١٢٧	الفوضى
٦٣٠	في مهبّ الريح
٨٠٥	الفيتامين
١٢٨	الفيثو
٩١٢	القاسي
٧١٠	قاضي التحقيق
٢٧٧	قالب حلوى
٧٣٤	القانون المعجّل
	المكرّر
٤٨٧	القداس
٤٨٨	قدّاس الأحد
٤٩٠	القرصنة
٤٩١	القرط
٩١١	قرع الطبل
٤٩٣	القزم
٢٧٦	القسطل
٥٨٠	قسمة ضيزى
٩٨٩	القصر
٤٠٥	القطاع
٨٠٦	قطع التيار
٩٩٠	القفاز
٤٠٦	القفز
٦١٢	الققمم

٨٥	غصع التشكيك
١١٩	الغطرسة
٩٠٣	الغمرة
٤٨٣	الغنج
٩٠٥	الغواصة
٦٥	غير مرغوب فيه
٤٠٤	الفائض
٦٨٨	الفائض عن
	الحاجة
٣٩٩	الفاتورة
١٠٣٣	الفارس
٨٠٤	الفالق
٩٨٤	الفتك
٩٨٥	الفحص
٦٠٢	الفذلكة
٨٠١	الفردنة
٦٠٤	الفرفرة
٩٨٦	الفرك
٦٠٣	الفرنسة
١٠٣١	الفريق المضيف
٧٣٨	فسخ العقد
٨٠٢	الفضلة
٢٦٨	الفطر
٢٧٠	الفعاليات
٢٦٩	الفعل

٢٧٥	عقد القران
٤٧٨	العقلانويّة
٧٣٦	العكوف
٣٩١	العلامة
١٥٨	العلم المنكّس
٨٤٥	أهبة على
	الاستعداد
١٣٤	على المكشوف
٤٨٩	على قدم وساق
١١٤	العملاق
٢٦٠	العملاني
٣٩٦	العملة
٥٩٧	العملية القيصرية
٢٦١	العمولة
١١٦	العناء
٢٦٢	العناية
٩٨٢	العناية الفائقة
٥٩٥	العولمة
٢٦٤	الغاب
٨٣٢	الغابة المحميّة
٩٠٤	الغارة
٢٦٦	الغالي
١١٨	الغبار
٦٠٠	الغربة
٨٣٩	الغرس



١٠٠٩	المباراة
٦٤١	المباغطة
١٢	المبالاة
٢٠	المتاهات
١٠١١	المتحف
٩٤٩	المتخلف
٧٧٥	المتدليات
٧٣٧	المتفرغ
٤٩٦	المتكلس
٧٤٤	المثول
١٨٧	المجارير
٧٦٨	المجاز
٢٦	المجاملة
٢٥	المجلس
٧٠٣	محمل الاقتراح
١٩١	المحاذاة
٤٠	المحاولة
١٩٠	المحدلة
١٩٢	المحرقة
٣٣٤	المحروقات
١٩٤	المحسوبة
٧٠٦	المحضر
٧١٢	المحكمة
١٠٠٧	المخير
٦٥٥	المختار

٧٩٠	اللاسلكي
٦٦٥	اللامركزية
٧٤٣	اللجنة
٤٩٨	اللحمة
٤٩٩	الliche
٥٨٢	لطاخونة
٩١٦	اللغم
٢٩١	اللف
١٠٣٧	اللفة
٢٩٠	اللفلة
١٤١	اللقاء
١٧	اللقاء المتلفز
٥٠٠	اللقطات
١٠٣٨	اللكمة
١٤٢	اللمسات
٨١٢	اللمعان
٦٩٦	لوائح الشطب
٢٩٢	اللوحة الزيتية
٢٩٤	اللوم
١٠٤٠	اللياقة البدنية
١	المؤامرة
٣٢٥	المؤشر
١٦٦	ماء الوجه
٤١١	الماس
٥	المبادرة

٦١٣	القوس
٦١٤	القومية
٧٤٢	قيد التنفيذ
٦١٥	القيصر
١٠٣٥	كأس العالم
١٣٥	الكالوس
١٣٧	الكاميرا
٢٨٧	الكاهل
٤٠٧	كبح التضخم
٦١٦	الكبش
١١٣	كتاب الاعتماد
٨٠٧	الكتلة
٩٩٢	كريات الدم
	الحمراء
٥٣٤	كسر الجليد
٩٩٣	كسر العظم
٨٠٨	كشف الكذب
٦١٧	الكفكفة
٩٩٥	الكلي
١٠٣٦	كمال الاجسام
٤٩٧	الكماليات
٨١٠	الكهف
١٠٢٧	لإصابة
٢٩٣	اللائمة
١٤٠	اللاجئين

٦٧٨	المضمون
٢٤٦	مطاطاً الرأس
٧٥٦	المطالبة
٩٧	المطبة
٥٠٢	المطران
٣٨٢	المطروح للبيع
١٤٦	المطل
٨٩٦	المطلّين
٦٨٦	المعاش التقاعديّ
٩٠٢	المعتقل
٢٥٥	المعسول
١٠٩	المعقوف
١١١	المعكوف
٢٦٥	المعّبة
٨٠٣	المفاعل
٤٠١	المفرّق
٩١٤	المقلّاع
٦٩١	المقلد
٢٨٥	مكافحة البطالة
٢٨٣	المكبل
٧٣٥	مكتب الكاتب
	العدل
١٣٣	مكتوف اليدين
٩٩٤	المكفوف
٨٠٩	المكفول

	المرضيّة
٩٥٩	المسالك
٧٨٨	المسبار
٤٤٦	المستحيل
١٠٤	المستعجل
٨٤١	المستلزمات
٦٦٧	المستندات
	المطلوبة
٩٣١	المستقنع
٧٧	المستوى
٤٦٣	المسرح
٧٢٣	المشادّة الصحفية
٢٣٢	المشاغب
٣٦٥	المشبه
٣٦٨	المشروع
٧٩١	المشعّ
٩٦٢	المشفي
٧٢٨	المصادقة
٥٧٦	المصحّ
٨٦	المصادقية
٨٧	مصراع الباب
٣٧٣	المصرف
٢٣٩	المصلحة
٦٧٢	مصلحة المياه
٢٤٥	المضاهاة

٦٤٩	المختبر
٨٦٠	المخفر
٧١٦	المداخلة
٩٥١	المدخّن بالسجاير
٣٤١	المدخول
٣٤٩	المدّخر
٧١٧	المدعوّ عليه
٨٦٧	المدفع
٨٩٧	مديرية التعبئة
٣٤٧	المديونية
٣٤٨	المديونية
٧٨٠	المدنّب
٨٣٤	المرأة الريفيّة
٢١٦	المراهنة
٢١٧	المراوغة
٦٦٢	المرسوم
٧٨٣	المرصد
٧٨٤	المركبة
١٠٢٣	المرمي
٤٥٧	المرّيع
٣٥٧	المزاد
٢٩٥	المزحة
٧٨	المسار
٧٤٦	المساس بالقانون
٩٩٦	المساعدات



٥٠٧	نصب الأمومة
٨٤٤	نظام التنقيط
٢٠٩	النظرة الدوتية
٦٢٥	نعم
٦٢٦	نعومة الأظافر
٣٠٣	النعي
٨١٩	النفايات
٨٢٠	النفاية
١٠٠٢	النقاء
٣٠٥	النقابة
٦٢٧	النقاش
١٠٠١	نقالة الإسعاف
٤١٦	النقد المتداول
١٠٠٠	نقص المناعة
١٠٤٦	النقطة
٨٨	نقطة الصفر
٣٠٦	نقطة الصفر
١٠٠٣	نقى العظم
٣٠٧	النكته
١٥٧	النكسة
٣٠٩	النمو
٦٢٩	نهي
٥١١	النوايا
٩٣٣	النوعية
٩٣٤	النووية

٧٢٦	المنشق
٧٥٠	المنصة
٥٠٩	المنهجية
٤٣٠	الموازنة العامة
٦٩٨	المواصلات
٥٢٠	الموافاة
٥١٧	الموشك
١٧١	الموقف
٧٦٩	المياه الجوفية
٧٥٩	المياه المبتذلة
١٠٤١	الميدال
١٠٤٤	النادي
٩٢١	النادي العسكري
٦٢٤	الناطور
١٥١	النبد
٥٠٣	النبراس
٢٩٨	النبد
٥٠٤	النجومية
٥٠٥	النحيب
٥٠٦	الترجسية
٩٩٩	النزيف
٩٢٥	النسف
٩٢٧	النشال
٨١٧	النشوء
٩٢٦	نشوب الحرب

٨٤٢	المكننة
١٤٨	المكوك
١٣٨	المكيال
٢٩٦	ملء الفراغ
١٠٣٩	الملاكمة
١٣٩	الملبد
١٤٩	الملكية الدستورية
٦٢٢	المليان
٦٢٣	الملّي
١٤٥	الممارسة
٧٤٥	الممثل
١٥٠	المميز
١٦٠	مناخ الانفتاح
١٠٤٥	المنازعة
٣٠٢	المناشدة
١٥٥	المناقشة
٤١٧	المناقصة
٥١٠	مناهج التعليم
٣١٠	المناهرة
٩٣٢	المناورات
٨٤٧	المناورات
	البرمائية
٢٩٧	منح الفرصة
٦٩٧	مندوب مبيعات
٨٤٣	المنشار الآلى

٦٣٥	الوردة
٤٢٩	الورشة
٣٢٠	الوسام
٥١٨	الوشم
٦٣٦	الوشوشة
٤٣٢	الوضع المعيشي
٤٣١	وضع اليد
٦٣٧	الوعود
١٠٠٦	الوعي
٦٣٨	الوفضة
٦٣٩	الوهج
٤١٤	اليانصيب

١٦٣	الهضبة
٣١٥	الهلع
٨٢٦	الهندسة الوراثية
٣١٤	الهواتف
	الضرورية
١٠٤٨	الهواية المفضلة
٣١٦	الهوة
١٦٤	الهستيرية
٣١٧	الهياب
٦٣٣	الواد
٣١٨	الواجهة
٥١٥	واجهة الصحف
٤٢٨	الواردات
١٦٥	الوثيقة

٨٢١	النيزك
٩٢٨	النیشان
٤٢١	الهاتف
٨٦١	الهاتف الخليوي
٣١٣	الهبوط
٨٢٢	هبوط الحرارة
١٠٠٥	هبوط الدورة الدموية
٩٣٥	الهجوم المضاد
١٠٤٧	الهداف
٦٣١	الهدهدة
٨٢٤	الهزة
٨٢٥	الهزة الارتدادية
١٦٢	الهش



٧٣٧		الأرملة	١٢٦٦	الإبر المخدرة	١٧٢
٤٩٤	الأضرحة	الإرهاب	١٢٢	الإبرة	٢٠٥٥
٩٧٢	الأطباء بلا حدود	الإرهابيين	٢٣٢	الأبرشية	٤٨٨
٢١٨	الأطباق	إزاحة الستار	٥٠٧	الإتحاد العمالي	١٢٦
٥١٧	الأطروحات	الإزاز	٢٨٢٨	الأتوستراد	٦٥٣
٤٩٩	إطلاق اللحي	الأزلام	٧١	الآتية	٧٦
٤٤٢	الإطالة	الأسد	١٥٤٧	الإجرام البيئي	٩٣٨
٧٥	الإعادة	أسطوانة الغاز	٩٠٧	الأجل غير المسمى	٧١٨
١١٧	الإعاقة	الإسعاف	٣١٤	الأجهزة القضائية	٧١٥
٩٩٤	الإعاقة السمعية والبصرية	الأسلحة الرشاشة	٨٧١	الأجواء	١٣٩-
٣٩٨	الإعالة	الأسلوب	٣٠٧		٢٢٢
١٣٥٧	الأعرج	الأسنان المرهقة	١٨٧	الأحداث	٤٣٦
١٣٥٨	الأعزب	الإسورة	٢٤٥٩	الأحمر	٧٣
٧٣٤	الإعفاء	الأسى	٣٠٣	الأخرس	١٣٠٣
٣٥٠	الإعفاء الضريبي	الإشراف العلمي	٥٢١	الأخصائي	٨٧٦-
٤٧٩	الإعلام المرئى والمسموع	الأشعة الشمسية	٧٦٢		٩٦٢
١١٩	الإعمار	فوق البنفسجية		الأخضر	٢٢٢٢
١٣٣٨	الأعمى	الأشغال	٤١٨	الإخلاء	٧١٠
١٩٠٩	الأعوج	الأشغال الشاقة	٦٩٩	الأخوت	١٣٠٧
٢٨١	الإعوجاجات	الإصابة	١٠٢٢	الأدراج	٢٤٢
١٣٢٠	الأعور	أصابع الفتنة	٥٧٥	الأذان الصاغية	٥٠٥
٤٣٨	الأفعل	الإصدار	٦٨	الأذى	٢٢١٤
٦٧٢	الإفلاس	إصدار الشيكات	٣٧١	الإرسال التلفزيوني	٧٩٤
		إصلاح الأعطال	٦٨٣	الإرشاد الزراعي	٨٣٤
		الإضراب	٢٤٤-	الإرفاق	٦٧٠

٢٥١	الانتهاكات
	الروتينية
١٢٧	الانزلاق
٨١٠	انسان الكهف
٥١٧	الانعدام
٨١	الانهيار
٤٨٦-	الانهيار
٣١٥	
٢٦٨٢	البابج
٢٢٥٠	البار
٢٧٣٢	البارود
٢٢٨	الباص
٢٧٩	الباص الصغير
٢٥٨٩	الباط
٣٦٩	الباهر
٣١٩	الباهظ
١٧٨	البتير
٨٣٤	البحوث الميدانية
١٥٦٢	البدوي
٨٣٥	البدار
٣٨٢	البراد
١٨٠٣	البردان
٧٦٠	البركاني
٨٤٧	البرمائية
١٩٨	البرمة

٢٦٦	الاحتفال التأييني
٢	الاحتواء المزدوج
٢٩٨	الاحتياط
١٥١٩	الارتواء
٦٩	الاستئناف
٧٢٦	الاستخباراتي
٣٨٧	الاستدانة
٩	الاستسلام
٣٢	الاستعادة
٧٢٧	الاستفتاء
٤٧	الاستقرار
٤٩٢	الاستساح البشري
٢٢٧	الاستهتار
١٠٣٧	الاصطدام
٢٤٨	الاطراد
٤٤	الاعتداءات
٦٥٨	الاعتصام
٨٧٥	الاقتحام
١٠٥	الاقتراح
٩٧٧	الالتهاب
٩٦١	الالتهام
٨٢٣	الامتصاص
٧٩٩	الانبعاث
١٩٧	الانتحار
٢٥٦	الانتماء

٦١٨	الأقارع
٥١٢	الإقلاع
١٣٩	الإقليم
٤٥٢	الأقمار الصناعية
٦٧٦	آلة الكتابة
١٧٥	آلية
٨٧٣	آلية الرادعة
٧٣١	الأمانة
١٠٠٣	أمراض الدم والورم
٧١٥	الإمساك بطرف
	الخيط
٤١٨-	الأمن الداخلي
٣٠٤	
٨٣٥	الإنارة
٨٢٣	الأنبوب
٥٦	الأنفاق
٥٠٨	الأنملة
٨٣	الأوان
١٧	الأوضاع الراهنة
٩٧	الإيجاب
٣٥٩	الإيقاف
٦٠٦	الابتسامات
٣١٢	الاتجاهات
١٢٣	الاتفاق
٦٥٨	الاحتجاج



١٤	التخطيط
٣٩٢	التخفيض
١٦٦	التخلص
٤٨	التدبير
٨٨٠	التدخل
٨٦٧	التدريج
٨٩٨	تدريج وسائط النقل
٣٨٤	التدهور
١٢٦٤	التراب
٣٩	الترابط
٣٢١	التراتب
٣٢٨	التراجع
٦٤١	التراوح
٥٨٢	التربص
٧٧	التردي
٤٥٥	الترس
٢١٤	الترديد
٧٨٥	الترميز
٧٢٠	التركبة
١٠٤٨	الترشح
٢١٩	التزمير
١٥٦	تسجيل النقاط
١٠٤٢	التسديد الرأسي
٤١٥	التسعير
١٧	تسليط الأضواء

٢٧٦	البنية التحتية
١٧٤٩	بوزهرة
٦٧٨	البوالص
٢٤٥٣	البومة
٧٦٤	البويضة
٨٢٩	البيت البلاستيكي
٢١٣٠	البير
٥٦٨	البيضة
١٧٢٢	البيطرة
١٥٢	التأخر
٣٣	التأشيرة
٤١١	التألق
٢٥٩٨	التبصير
٢٦١٧	التبن
١٠٤٧	تتويج اللاعب
٨٨٣	التجنيد القسري
٧٣٢	تحت طائلة
	المسئولية
١١٧	التحذير
٤٨١	التحرش الجنسي
١٤٦	التحسين
٩٤٦	التحنيط
٩٤٧	التخدير الموضعي
٨٣٨	التخزين
٧٧١	التخصيب

٦٥١	البرمجة
١٤٥٤	البرق
١٦٨٠	البرقة
٢٥٦٣	البس
١٦٨٣	البيين
١٤٠٣	البصلة
٧٨٥	بصمة الأصبع
١٤٢٦	البضاعة
٨٠٩	البطارية
٢٠٩٨	البطال
٢١٦٧	البطة
٩١٨	بعيد المدى
١٦٩٩	البعير
٢٣٨٠	البغل
٢٢٨	البقرة
٢١٨	البقلاوة
٧٩٣	البكالوريوس
٢٧٤٩	بكير
٢١٩٢	بلاش
٣٦١	البليلة
١٩٥٦	البلة
٢٠٤	البلدية
٢٩٣	بلدية الحارة
١٥٠	البناءة
٣٧٢	البيان

٢٢٧١	التم
١٠٧	التمحور
٨١٥	التمخض
٢٠١	التمديد
٢٧٦	التمديدات
	الصحية
٢٧٦	التمديدات
	الكهربائية
٧٦٨	التمريض
٣١٤	التموين
٣٧٢	التبؤ
٦٤٣	التبأك
٨٦١	التنصت
٤٥٩	التصيب
١٠٠٦	التنفس الإصطناعي
٤٢٥	التنفيذ
٨٤٥	التنقيط
٤١٢	التموية
٨٣٧	التمية
٣٩٨	التمية الإجتماعية
٤٩١	التنورة
٦٠٦	التهجم
٩٧٥	التوأم
٥٣٤	التوتر
٨٢٨	التوثيق المكتبي

	الجامعي
١١٥	التعنت
١٨٨	التغريب
٦٧	التفاؤل
٧٨٣	التفادي
٢٨	التفاهم
٧٨	التفاوض
٣٤	التفجير
٢	التفعيل
٣٠	التقاسم
٦٠٧	التقانة
٧١٦	التقرير
١٣٨٥	التفسير
٤٦٧	التقصي
٢٣٣	التقنيات
٨١٩	التقنيات الحديثة
٤٥٧	التقهقر
٩٥١	التكون
٧٢	التلافي
١٧٠١	التلج
١٨١	التلقى
٧٧٢	التلقيح
٩٦٤	التلقيح ضد شلل
	الأطفال
٨١٩	تلوث المياه

٦٩٧	التسويق
٦٧	التشاؤم
٣٩٢	التشجيع
٨٢٧	التشقق
٨٥	التشكيك
٤٦٤	تشيع السنة
٣١٥	التصدع
٦٣	التصدي
٨٢٧	التصديق
١٦٤	التصرف
٥٣	التصريح
٢٧٦	تصريف المياه
١٠٣٥	التصفية
٧٥٦	التصويت
٢٣٣	التصوير
٩٤٨	التصوير الشعاعي
٤٠٧	التضخيم
٤٩١	تظفير الشعور
١٠٣٤	التعادل
٤٣	التعاطي
٣٥٥	التعبيد
٨٩٩	التعقيم الإعلامي
١١٤	التعسف
١١٦	التعليق
٥١٠	التعليم العام ما قبل



٩٩٨	الحاضنة
٢١٠٤	حافة القبر
٢٠٤١	الحافر
٢٧٩٩	الحافى
١٥٢٦	الحامض
١٢٦٨	الحايك
٩٧٠	الحبل
١٣	الحث
١٥٣٤	الحجر
١٢٨٠	الحجل
١٨٩٢	الحديد
٨٠٥	حديقة الحيوانات
٤٣	الحذر
١٨٠٧	الحرامى
٩٢٣	حرب الاستنزاف
٩٠٣	الحرب النفسية
٨٠	الحرية
٢٨٥	الحرية النقابية
١٤٣	الحساسية
٣٤١	الحسبان
٤٢٣	الحسم
٨٣٦	الحشيش
١٦٢٥	الحصان
١٣٤٣	الحصرم
١٨٦٠	الحصيرة

٢٠٧٢	الجربان
١٤٨٨	جرة الحبل
١٨٧	الجرذان
٢٢٢٧	الجرسة
١٨٦٧	الجرو
٢٣٢١	الجزدان
٢٧٦٤	الجمر
١٤١٦	الجمرة
١٨٤٢	الجمرك
١٤٧١	الجمال
٣٧٩	الجملة
١٤٢٣	الجمال
٩٤٣	الجنين الأثني
٥٩١	الجهلوت
١٣٦٧	الجورة
٨٠٥	الجوز
٢١٣٨	الجوع
١٦٥٥	الجوعان
١٥٠	الجولة
٩٥١	الجيل
٨٢٤	الجيوفيزيائية
١٨٠	الحاجز
٩٠٨	الحادث الخطر
٢٠١٢	الحارة
١٠٢٣	الحارس

٩٢٧	التوخي
٣٤	التورط
٣٤٩	التوظيف
٣٢٢	التوفير
٨٤٠	التوفير الإجمالي
٧٦٨	التوليد
١٤٠٣	التوم
٣٩٨	الثري
٣٨٢	الثريا
٨٦٢	الثعالب
٤١٨	الثكنة
٧٢٤	الثوب التقليدي
١٣٢٧	الثور
٣٩٥	الحاد
٧٨٨	الحاذية
١٨٢٤	الجار
٤٣٧	الجارف
٣٨٢	الجارور
٢٧٥٧	الجارية
٢٧٥٨	الجب
١٦٩٨	الجرة
٢١٤-	الجثمان
٩٤٦	
١٧٧١	الجدى
١٧٨٢	الجرادة

٩٧٣	الخنق
٨٦٢	الخيال
٧١٥	الخيطة
٢٩٦	الدقوب
١٩٤	الدائرة الحكومية
١٨٨٣	الدابة
٥٢	الدابر
٤٩	الداحض
٥٦	الدب
٨٦٧	الدبابات
٨٦٣-	الدبابة
٨٩٤	
١٨٨٦	الدبابة
٢٢١٦	الدبر
٢٤٧٨	الدبس
١٦٥٧	الدبور
١٦٣٩	الدجاجة
١٨٧٩	الدخان
٢٤٢	الدرابزين
١٠١٥	الدراجة النارية
١٤٨٥	الدرب
٨١	الدرع
٢٢٦٣	الدف
٧٩٣	الدكتوراة
٦٧٦	الدكتيلو

٤٤	الخبول
٩٣٠	خدمة العلم
٤٥٥	الخراف
٢٨٢٦	الخراميش
٤٣٣	الخرطة الإعلامية
١٩٥٢	الخرج
٢٠١	الخرسانة المسلحة
٣٣٤	الخرطوم
١٣٥١	خرم الإبرة
٢٤٠٢	الخرمشة
١٦٤٣	الخروف
٢٤١	الخريف
٩١٥	الخسارة القاذبة
٢٦٠٥	الخشيش
٦٦٥	الخصخصة
٥٤٨	الخصم
١٠٢٢	خط الوسط
٢٠٢	الخطيب
١٩٠٣	الخل
٧٧٥	الخلاب
٧٤	الخلاص
٨٦٠	الخلصة
٧٢٦	الخلل
٨١٥	الخلية
١٧٣٢	الخنفسة

٨٥٢	حظر التجول
١٤٦٣	الحفرة
٥٨٠	الحفنة
٢٠٧٦	الحلاب
٢٣٠١	الحلو
٢١٨	الحلوى
١٥٠٥	الحمار
١٠٢١	الحمام
١٦٩٨	الحمرا
٧٧٢	الحمل
٩٣٦	الحمى
١٨٤	الحوار المتلفز
٣٥٥	الحي
٢٦٣٢	الحياء
٧٠	حيال
١٧٩٣	الحية
٧٧٣	الحيز
٢٠١	الحيط
٦٣٨	خالي الوفاض
٣٤٧	الخام
٢٥٢	الخائق
١٦٥٤	الخباز
٤٢٩	الخبراء
٣٥٤	الخبز
٢٧٤٢	الخبيزة



٦٣٧	الرف
٩٠	الرفض
٢٤٥٦	الركض
١٠٢٠	الركلة الركنية
١٧٨٨	الرماد
٢٦٥	الرمال
٢٠٣٩	الرمان
٥٧٨	الرماية
٩١٠	الرهائن
١٠٣٦	رياضة كمال
	الأجسام
١٣٠٦	الريشة
٢٨٥	الريف
١٩٩٩	الريق
٣٥٥	الزاروب
٢٨٠٤	الزبالة
٣٣٩	الزبون
٢٠٣٩	الزبيب
٢٩٢-	الزجاجة
٢٩٨	
٨٤٢	الزراعة الممكنة
٢٣٥١	الزعرور
٢٥٤٦	الزفة
٩٠١	زنزانة المعتقل
١٣٦	الزهر

٣٧٢	الرأسمالي
٤٨٤	الرأي العام
١٥٤٥	الرائحة
٨١١	الرائد
٦٩٠	رابطة المعلمين
٢١٢٨	الراعي
٥٥	الراعية
١٠٢١	الرامي
١٢٢	الرامية
٨٢	الراهن
٦٣٦	الرتبة
٩٠٧	رجال الإطفاء
٢٦٠٩	الرخام
١٥٦٦	الرخيص
٢٦٩	ردة الفعل
٣١٦	الردم
١٤٨٤	الردى
٢٠٩٠	الرز
٣٧٦	الرزقة
٥٢١	الرسائل
١٠٠	الرسالة
٢٩٢	الرسم على الفخار
٧٨١	الرسوم المتحركة
٢٠١	رش الجدران
٨٨١	الرصاص

٢٢٦	الدماء
٣٧٢	الدمج المتلاحق
٦٢-	الدوامه
٤٩٦	
١٩٠٣	الدودة
٩٢	الدور
٦٧٦	الدورة التدريبية
١٠٠٥	الدورة الدموية
١٨٩٦	الدولاب
١٧٥	الدوّار
١٢٧٩	الديب
٦٠٤	الديباجة
١٣٣٢	الديك
٢١٣	الذاكرة
٧٧١	الذاكرة البيولوجية
٢٥٣٠	الذبح
١٤٢١	الذراع
١٨٢٣	الذقن
٥٥٩	الذكريات
١٩٠٩	الذنب
١٥٧٠	الذهب
٨٥٤-	رأس الحربة
٩٣٤	
٢١٢٤	رأس النبع
٣٥٠	الرأسمال

٦٦٣	الشاري
٧٨٧	الشاشة الإلكترونية
٤٦٨	الشاشة الكبيرة
١٤٣٠	الشاي
٢٢١٥	الشباب
١٤٢١	الشبر
٤٠٤	الشبكة الكهربائية
٦٨٣	شبكة مجاري
	المياه
٦٢٠	الشيبة
٧٧٠	شتلة التبغ
٢٠٤	الشتى
١٣٠٩	الشحاذة
٥٣٨	الشحاذين
١٦٥٧	الشحرور
١٦١٧	الشحمة
٣٦٦-	الشحنة
٦٦٨	
٢٣٢٣	الشخاخ
١٩٩٤	الشرارة
٢٢٥١	الشرش
٣١٤	شرطة النجدة
٢٤٢-	الشرفة
٣١٥	
٤٦٥	الشرك

٥٦٨	السلة
٢١٩٨	السلطعون
٣٣٥	السلعة
٢٦٤٢	السلف
٤٣٢	السلم
١٥٧٩	السمكة
٣٧٦	سمكة القرش
٣٨٧	سندات الخزينة
١٥٨٥	السنكري
١٩٨٣	السهران
٣٢٥	السهم
١٢٩٩	السوار
٢٣٧	السواق
١٢٧٠	السوق
٣٢٨	سوق الأسهم
٢٤٠٦	السياج
٨١٨	السيارة الشمسية
٨٠٦	سيارة المطافىء
٨١٨	السيارة النفثة
٢٣٠	السيجارة
٢٣٢١	السيقان
٤١٦	السيولة
١٧٥	شؤون السير
٢٤٣٨	الشاة
٨٨٢	الشاحنة

١٩٨	زواريب الحارة
٩١٤	زواريب الحي
١٤٧٩	الزوبعة
٢٥٥٠	الزريق
٢٠٦٧	الزيت
١٤٧٢	الساقية
١٠١٩	السباحة
١٧٢٨	السبع
٢٤١	الستار
١٠٧	السجال
٢٦٠٩	السخام
١٥٧٥	السدان
١٩٠٤	السراج
٣٨٢	السريبر
٢٥٧٦	سطل بلا علاقة
٤٩٠	السطو
٣٨٤	السعر
١٥١٤	السفرة
١٢٦٨	السكاف
١٦٨	سكة التوازن
١٩٢٠	السكر
٧٥١	السكرتارية
٦٩٥	السكرتير
٢٥٠	السكين
٨٩٠	السلاح الكيماوي



٨٩٦	الضابط المظلي	٢٦٠٤	الشيخ	٣٤٠-	الشركة المساهمة
٢٥٢	الضاحية	٩٨٨	الشيروفرنيا	٤٠٣	
٣٤١	الضرائب	٣٥٠	الشيخ	١٢٠	الشريحة
٢٦٤٢	الضرة	١٤٩	الشيوعي	٢٦٤	شريعة الغاب
٧٢	الضريبة	٨١٦	الصارم	١٧٥٣	الشطارة
٨٧٩	الضغط	٩٣٤	الصاروخ	٦٩٦	الشطب
٨٩٠	الضفادع البشرية	٩٤	الصبغة	١٧٥٤	الشطيح
٤٣٥	الضفدع	٣٦٨	الصحافي	٢٠٠٠	الشعرة
٩٠٦	الضلوع	٢٣٤	الصدأ	٢٠٠١	الشعر
١٠١	الضمان	١٠١٦	الصدارة	١٧٨	الشفرة
٩٨٣	الضمان الصحي	٩٧٦	الصداع	٤٨٣	الشقراء
٨٢	الضوء	٣٧٢	الصدوع	٧١٣	الشكوى
٥٨٠	الضيضى	٣٥٦	الصرافة	٢٧١٣	الشلة
٣٤	الطائرة	٤١٣	الصرف	١٢٩٤	شم الهوا
٩٣٦	الطائرة	٢	الصعيد	١٩٥٤	الشمال
	الإستكشافية	٥٢٩	الصفار	٤٠٠	الشمندر السكري
٨٩٥	الطائرة الحربية	٨٨٧	صفارة الإنذار	٦٤٩	الشهادة
٤٤٩	الطابع البريدي	٣٦٥	الصفقة	٦٥٩	الشوا
٣٠٧	الطابع الدعائي	٣٢٨	الصك	٢٣١٦	الشواذ
٢٤٧٤	الطابق الفوقاني	٨٢٣	الصنوبر	١٤٢٧	الشوب
٢٢٨٦	الطاحون	٩٩٨	الصهر	٢١٨٣	الشوربا
٢١٠٨	الطاسة	٦٦٠	الصورة الشمسية	١٠٢٢	الشوط الأول
٧٧٧	الطاقة الذرية	٦٣٥	الصورة الوردية	١٤٦٨	الشوك
٧٩٧	الطاقة النووية	١٦٤٣	الصوف	٢٥٣٠	الشوكة
٦٥٧	الطاقم	٧٩٢	الصيانة	٢٦٧٤	الشيخ

١٤٥٠	العصى
٢٤٠٢	العض
٢٢٧٣	العضاض
٩٦	العطلة
٣٩٥	العطية
٩٥٤	العظم
٦٥٣	العقار
٥٨	العقب
٤١٥	العقبات
٧٧	العقد
١٧٨٤	العكاز
١٧٤٤	العكر
٥١٩	العلاقات
٢	العلاقات الشائبة
٨٤٩	العلم الخفاق
٨٥٥	العلو
١٧٤٧	العليل
٢٠٨-	العملاق
٧٧٨	
٣٦١	العملة
٣٦٩	العملة الواحدة
٩٩٩	عملية الوضع
٢١٣٥	العمى
١٧٧١	العنزة
٥٣٧	العولمة

٤٦١	الطيلة
١٢٥٨	الطين
٢٢٥	الظاهرة
٦٢٦	الظفر
٢٢٠	عارضه الأزياء
٤٢٧	العاصمة
٢٣٤	عاكسة للنور
٧٦٣	عالي الجودة
٧٨٧	عامل المقسم
٢٧٩	عتبة الباب
١٣٢٧	العجل
٩٢٧	العجلة
١٥٣	العدة
٢٠٨١	العدس
١٣	عدم الانحياز
٦٣	العدوان
٢٦٠٦	العرس
٩٣٢-	عرض العضلات
١٠٣٦	
٣٨	العرقة
١٧٦٣	العريشة
٢٥٨٣	العسكر
٥٩٧	العسير
٨٦٦	العصابة
١٩٦٢	العصفور

٣٨٢	الطاولة
٥٣٣	طاولة المفاوضات
٩٦١	الطبق
٦٧٤	طبق الأصل
٢٦٠٥	الطحين
٦١٨	الطربوش
٥٤٣	الطرشان
٢٨٩	الطرق
	والمواصلات
٢٥٠	الطعنة
٦٦٦	الطعون النيابية
٧٨٩	الطفرة الشمسية
٩٨٣	الطفل المعاق
٦٩٤-	الطفيف
٩٥٨	
٣٨٢	طقم الكنايات
٢٠٥٧	الطلطميس
١٢٩٣	الطلعة
٨٥٩	الطلقة
٧٦٩	الطمر
٣١٤	طوارئ الكهرباء
١٩٧	الطوعي
٣٤-	الطيران
٨٥٥	
٥٧٨	الطيش



٨٠٥	الفتق
١٤٨٥	الفتحة
٢١٧٦	الفتش والفتش
١٤	الفتل
٢١٧٧	الفص
٨٦٢	الفصيل
٨٦٤	فصيلة الدرك
١٥٧٠	الفضة
٢٩٠	الفضيحة
٢٢٦٠	الفتن
٢١٦٥	الفم
١٣٨٨	الفول
٢١٨٨	الفولة
٧٦٥	الفوهة البركانية
٢٤٢	الفيلا
١٦٥٢	القبة
٣٨٣	القبضة الحديدية
١٠٣٨	القبضة اليسرى
٢٢٢٠	القدرة
٣٩٢	القدرة الشرائية
١٥٦١	القرد
١٥٢٨	القرش
٤٩٠	القرصنة الثقافية
١٧٨٠	القرعة
٢٦٠٥	القرقة

٤٠٤	الفائت
٣٢٩	الفائدة
١٠٠٢	فائق النقاء
٣٩٩	الفاتورة
٢٤٦١	الفاخورة
١٤١٣	الفار
١٨٦١	الفارغ
١٣١	الفاشية
١٦٦١	الفاضى
٦٦٨	الفحص
٩٨٥	الفحص الطبى
١٠٠٧	الفحص المخبرى
٩٥٠	الفحم
١٩٣٦	الفحمة
٢٥٧	الفخ
١١٣	الفخامة
٢٥٨٤	الفراشة
٢٥٤	الفرامل
٢١٦٨	الفرخة
٧٨٧	الفرع
٣٨٢	الفرن
٦٥٩	الفروج
١٠٢٣	الفريق
٢٦٧٠	الفريك
١٨٠٣	الفرعان

٢١٦٧	العوام
٤٥٥	العبارات النارية
٨٥٦	الغارات الجوية
١٩٠	غاز البترول
١٢٨٠	الغراب
٢٣٣	الغرافيك
٦٦١	الغرامة
١٥٥٩	الغربال
٨١١	الغربة
٨٣٧	الغرسة
٧٩٧	الغرض السلمى
٩٧٩	الغرفة المعقمة
٢١٤٥	الغرقان
١٩٧٠	الغزال
٢١٤٩	غسالة البطن
٢٠٩	الغطاء
٨٧٠	غطاء السيارة
٦٩٠	غلاء المعيشة
٢٧٦	الغلاف
٢٧٤	الغلط
٧١٧	الغيابى
١٢٥٥	الغيرة
١٧٤	الغيمة
١٩٦	الفئة
٨٤٣	الفأس

٢٥٨٧	الكلب الكلبان
٣١٩	الكلفة
٥٩٣	الكليشيات
٢٦٥٢	الكم
١٨٢٣	الكنة
٨١٢	الكهف
١٨٥٦	الكوار
٨٢٣	الكوب
٨١٢	الكوم
٣٨٢	الكومودينة
١٩٤٣	الكويس
١٣٠١	الكي
١٣٨	الكيل
١٢	الكيل بمكيالين
٣٤٦	اللائق
٧١١	اللاغى
٣٥	اللافت
٨١٢	اللامع
١٨٨٦	اللبان
٢٣٨٠	اللبطة
٣٦٠	اللجنة
٦٩٨	اللجنة الإستشارية
١٧٥	لجنة الطوارئ
١٧٥٥	اللحم المشوي
٢٧٥٦	اللطم

٢٦٦١	القماط
٢٠٠١	القمح
٤٨	القمع
٥٦	القنبلة
٩٠٧	القنبلة اليدوية
١٨٩١	القنطار
٣٢٤	القنبلة الموقوتة
٤٢٧	قوالب الحديد
٤٨٢	القوقعة
٨٢٣	الكأس
٧٧٦	الكابل الضوئي
٧٣٥	الكاتب العدل
٤٦٦	الكارثة
٩١٦	كاسحة الغام
٤١٣	الكاسد
١٣٥	الكالوس
٧٩٢	الكتالوج
١٦٠	الكتلة
١٥٩٦	الكديش
٢١٧٧	الكر
١٠٤٧	كرة القدم
١٩٧٤	الكعكة
٣٢١	الكفاءة
٧١٠	الكفالة
٨٦٢	الكلاب البوليسية

١٤٠٢	القرن
٨٣٥	القرويين
١٦٨٥	القرية
١٢٠	القصر
١٨٧	القسطل
١٥٣١	القسم
١٧٨٦	القشة
٨٢٧	القشرة الأرضية
٧٦٠	القشرة الجليدية
١٩٥٩	قشرة الموز
٢٣٨	القصات
٥٦٥	القصة
٩٨٩	قصر النظر
٢٦٨٠	القصة
٨٩٠	القصف
٨٤٦	القصى
١٦٤	القصر النظر
١٤١٣	القط
٦٨٨	القطاع العام
١٢٨٠	القعق
١٤٣	القفز
١٩٠٠	القلاب
١٠	القلق
٧٢٢	القلم
١٤٤١	القماش



٥٩٧	المخاض
٧١٦	المخير
٢٣٠	المدخن
٦٩٧	المدخول
٢٧٩	المدرسة التمهيدية
٨٦٧	المدرعة
٦٩٩	المدعى عليه
٤٠٤	المدفوعات
١٩٨٩	المدلع
٩٤	المدنى
٩٠٠	المدنيين العزل
٨٨٦	المدى المنظور
٤١٨	المديرية العامة
٢٩٢	المرآة
٢٠٦	مراسل الجريدة
٧٤٨	المربوطات
٢٦١	مرتبوا الزيجات
١٧٠١	المرج
٢٢٣١	المرسة
٦٧٣	المرشح
٤٢٦	مرض البقرة
	المجنونة
٩٨٧	المرض المعدي
٢٢٢٠	المرغفة
١٥٦٧	المرق

	للهمزات
٤١١	المبهر
١٣	المتاح
١٨٩	المتحدّر
٥٤	المتزايد
٣٤٤	متطلبات الحياة
١٥٣-	المتطور
٧٦٣	
٧٢٣	المتعدد الأطراف
٢٢١	المتفقم
٣٧٠	المتن
٤١٩	المتنامى
٤٣٩	المتقف
١٣٤٩	المجتري
١٣٢١	المجرفة
٧١٧	المجلس العدلى
٢٦٦	مجلس العزاء
٣٣١	المجمرك
٣٣٥	المحاصصة
٢١٧	المحتال
٧٣٩	محضر الجلسة
٨٨٥	المحطة الإذاعية
٣٢	المحظور
٨٦	المحك
٢٢	المحمل

٥٣٥	اللعاب
٢٤	اللعبة
٩٠٥	اللغم البحري
١٢٧٤	اللفت
٢٠٣	اللفيف
١٧٣	اللقاء التأينى
٥٠٠	اللقطات
	اللاأخلاقية
٧٨٠	اللمعان
٦٦٧	لوحة الإعلانات
٨٠٥	اللوذ
١٨٧١	اللولو
٦٩٩	المؤبد
٢٧١٠	المثذنة
١٩٣	المأزق
٣٠٣	المأسوف على
	شبابه
٣٤٠	المؤشر
٧٩٣	الماجستير
٥٧	الماكينة
١٠٢٤	المباراة
٤٥	المباشر
٦	المبرر
١٠٣٧	المبكر
٧٧٤	المبنى المضاد

٨٥٥	المعادي
١٦٠	المعارض
١١	المعانة
٤٦	المعتاد
٧٣٤	المعتقل
٢٣٣	المعرض
١٥٦	المعركة
٥٩٠	المعشش
١٩٦٦	المعصار
٨٢	المعطى
٣٥٣	المعفى
٢١٦	المعقد
٩٨٩	المعقم
٢٦٥٩	المعقوص
٥٩٣	المعلب
١٢٨	المعلق
٨٣٩	المعلم الترتينى
٦٠٧	المعمعان
١٧٨	المعمل
٣١٩	المغامرة
١٦٩٤	المغتسل
٩٧٣	المغدور
١٩٣٢	المغربل
١٦٤	المغزى
١٠٣٥	المفاجأة

	التلفزيونى
٢٠٤١	المسمار
٩٦٠	المسمر
٦٥٩	المشاد
٩٤	المشاريع
٢٤٥٧	المشاط
٥٧	المشبه
٥٣٣	المشتى
٨٩	المشروع
٣٧٠	المشلول
٢٣٧٨	المشوق
٨٩٣	المصدر الموثوق
٢٦٥١	المصران
٩٢٠	المصرع
٣٨٨	المصلحة
٤١٧	مصلحة المياه
٢٤١	مصمم الأزياء
٥٣٣	المصيف
٤١	المضاعفات
٣٣٤	المضخة
٩٦	المضى
٣٨١	المطحون
٥١٤	المطرقة
١٤٦	المطل
٧٤٣	مطلق الصلاحية

٧٦٥	المركبة الفضائية
٨٩٠	المروحية
٣٩٢	المرونة
٤٩-	المزاعم
٢٧٢	
٦٦٠	مزاولة المهنة
٢٤٢٥	المزيلة
٣٨٢	المزدوج
٩٢٧	المزيج
٩٥٩	المسالك البولية
٥٨٧	المسيرة
٧٨٨	المسبار
٢٢٧	المستشري
٤٧	المستعصي
١٢١	المستमित
١٣١	المستنقع
٦٤٦	المستوصف
٩٥٠	المستوعب
٧٧-	المستوى
١٤٤	
٤٦١	المسحراتى
٨٨١	المسدس
٤٦٣	المسرحية
٢٠٥٥	المسلة
٥٠٠	المسلسل



٦٩٨	المواصلات	٣٤٥	الملخص	٨٠٣	المفاعل النووي
	السلكية	٢٦٧٣	الملدوغ	٦٠٦	المفتعل
٨٨٢	المواطن	١٩١٢	الملمع	٢١٩	مفرزة السير
٩٥٧	الموت السريري	٦٢٢	المليانة	١٧٥-	المفرق
٧٩٠	الموجه لاسلكيا	١٥٧١	المليح	٣٧٩	
٦١٤	الموزائيك	٩٣	الممارسة	٣٧٩	المفرق
٣٤٤	موظف الدولة	٣٢٢	المناخ	١٤٠-	المفوض
٨٦٨	الموقع	٤٢٤	المنافسة	٧٤٣	
٢٠٨	الموهير	٢٢١٣	المنام	٥٢٥	المقص
٣٠٠	الميزة	٤٣٩	المنتدى الثقافي	٦٩٢	مقلاد الرئاسة
٧٥٩-	الميناء	١٩١٩	المتوف	٢٨٥	مكافحة البطالة
٩١٦		١٧٥٤	المنجل	٨٧٥-	مكافحة الشغب
٢٢٦٥	الناب	١٠٢٥	المنحدر	٨٨٤	
٣٤٧	الناج الداخلي	٨٥٥	المنخفض	٣٠٤	المكب
١٠٢٥	النادي	٨٦٦	المندرس	١٣٤	المكشوف
١٨٤٥	الناشف	٤٢١	المنشار	٨٠٩	مكفول
١٠١٧	الناشيء	٩٨-	المنصرم	١٠٥	المكمن
٢١٨	الناصية	١٠٠٢		٢٨	المكوك
١٩٨٣	النائم	٥١٢	المنظمات الطلابية	١٩٣٣	مكوك الحايك
٢٠١٥	نبح الكلب	٦٣٠	المهب	٢٩٦	الملء
١٨٧	نبريش الماء	٦٣٣	المهد	٨٦٤	الملابسة
٢٩٨	النيد	٢٧٥	المهيب	٦٨٧	الملاك
٣٦٩	النجاح	٣٥٨	الموارد البشرية	١٠٢٩	الملاكم
٤٥٤	النجومية	١٠٧	الموازنة	٥٧٧	الملامح
٢٣٣	النحت	٢٢٦	المواشي	١٨٦١	الملانة

٢١	الهيمنة
٩٩٢	الهموغلوين
٨٧٤	الوايل
٢٢٧٨	الواوي
٢٠٨	وبر المعزة
١٥٤٧	الوتد
٧٢٠	الوتيرة
٧١٧	الوجاهي
٨٠٥	الوجبة
٨٦٨	وحدة الإسناد
	الناري
٣٢٥	الوحدة النقدية
٢١٤٢	الوحلة
٢٠١-	ورشة العمل
٤٢٩	
١٠٣٣	الوزة
٢٢١	الوطأة
٢٥٥	الوعد المعسولة
٢٣٣٩	الولف
٢٤٧٨	الويس
١٩٥٤	اليمين

٧٦	النكسة
٢٨٠١	النملة
٢٣٨٠	النهيق
٥٩٢	النواجد
٥١١	النوايا
١٥٤٦	النوري
٥٤٨	النومة
٧٧٩	النيزك
٦٠٧	الهائل
٥٠٦	الهالة
١٣٧٧	الهايج
١٩١	الهدم
٨٥٨	الهدنة
٢٣٣٢	الهرولة
٣١٥	الهزة الأرضية
٣١٥	الهلح
٣٥٤	هنا العيش
٧٩٦	الهندسة الوراثية
٤٢٤	الهوادة
٢٠٨٨	الهوان
١٣٠	الهوة
٦٦٣	الهوية
١٢٥	الهيكل

١٤٢٢	النحل
٩٢١	النخب
١٦٠٥	الندم
٢٧١٢	الندل
١٢٩٣	النزلة
٢٥٧	النزوة
٧٦٤	نسخة طبق الأصل
٤٢١	النشر
٢٧٧	النشيد
٥٣١	النصاب
١٣٦	النصب
٤٣٤	النظرة الماضوية
٩٠	النظرية
٧٦٤	النجة
١٩٢	النفايات
٧٦٩	النفاية
٩٩	النقاب
٢٤٤	نقابة الصحافة
٣٠٥	نقابة العمال
٢٠٥-	النقاش
٧٤١	
٧٨٦	النقر
١٠٤٣	النقلة التاسعة



## فهرس المصادر

— روزنامه ها ومجلات وبرنامه های رادیو تلویزیونی عربی لبنان (مورد استفاده در بخش الفاظ وجملات عربی فرهنگ)

— معجم "درر الکلام فی أمثال أهل الشام" — منیر کیال — مكتبة لبنان ناشرون — بیروت — ۱۹۹۳ (مورد استفاده در بخش امثال عامیانه)

— معجم الأمثال اللبنانية الحديثة — أنیس فريحة — مكتبة لبنان — ۱۹۹۵ (مورد استفاده در بخش امثال عامیانه)

— معجم الألفاظ الفارسية

المعربة — السيد ادى شیر — مكتبة لبنان — ۱۹۹۰ (مورد استفاده در بخش واژه های فارسی معرب)

— مقالة "تشويه الفصحى بالعبارات الاجنبية والأمية" — الأب کميل هشيمة اليسوعي — سال هفتاد — جز اول — ۱۹۹۶ (مورد استفاده در بخش غلطهای شایع در رسانه های عربی)

— "الحافظ الشيرازي، شاعر الغناء والغزل في إيران" — دکتر ابراهيم أمين الشواربي — دار الروضة — لبنان.

— المشكلة اللغوية العربية — سمر روهي فيصل — دار جروس برس — طرابلس — لبنان — ۱۹۹۲.

— لغات عربية — دکتر أمين البرت الريحاني — دار الجديد — بیروت — ۱۹۹۴.

— الإتيقان — السيوطي — عالم الكتب — بیروت.

— نحو بلاغة جديدة — دکتر خليل كفوري — منشورات نداف — لبنان — ۱۹۹۴.

— مقالات مجلة "الدراسات الأدبية" — لبنان.

— قطاع تيار التفاعل بين الأدبين الفارسي والعربي — د. صلاح الصاوي — مؤسسة الهدى — بیروت — ۱۹۹۰.

— التشيع بين جبل عامل وإيران — علي مروّة — رياض الرئيس للكتب والنشر — بیروت.

— تيارات ثقافية بين العرب والفرس.

— ضحي الإسلام — د. أحمد أمين — لجنة التأليف والترجمة والنشر — ناث هفتم — قاهره — البصاير

والنظائر — ابو حيان التو

